



KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۸ آذر تا پنجشنبه ۴ دی ۱۴۰۴ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۲۰۰۹

ضربه به نهادهای امنیتی

کل سیستم را دچار اختلال می کند

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۰۹ (۵۴۳)
۲۸ آذر تا ۴ دی ۱۴۰۴
۱۹ تا ۲۵ دیامبر ۲۰۲۵



ضربه به نهادهای امنیتی
کل سیستم را دچار اختلال می‌کند

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا
لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirniam@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب**

۴	سرمقاله - امید به پیروزی نور بر تاریکی / روشنگ آستر کی
۴-۵	تیر هفته - ضرب به به نهاد های امنیتی کل سیستم را دچار اختلال می کند ... /
۶-۷	گزارش مر اسم یاد بود به خون کشیده شده خسرو علی کردی؛ بیش از ۱۵ نفر بازداشت شدند ... /
۷	مر اسم یاد بود کامبیز آتابای با حضور شهبانو فرح پهلوی ... / منصوره پیر نیا
۸	تر امپ: آمر یکا قادر است فوری موشک های جمهوری اسلامی را از کار بپندارد ... /
۸-۹	حمله مر گیار به نیرو های آمر یکایی در سوریه؛ یکی از مهاجمان محافظ الجولانی بود ... /
۹	یک مقام اسر انبلی: جمهوری اسلامی پشت حمله مر گیار به یهودیان سیدنی است ... /
۱۰	محاصره نفتکش های تحریم شده ونز وئلا؛ تر امپ: دولت مادورو سازمان تروریستی خارجی تعیین شد ... /
۱۰-۱۱	شکایت از چند شرکت قطعه سازی آمر یکایی به اتهام تامین قطعات پهپاد های «شاهد» ... /
۱۱	هر آنکس که دندان دهد ... / اخیر اندیش (احمد، حرار)
۱۲-۱۳	خاطراتی چند از تلویزیون ایران (۲) ... / عزت الله متوجه
۱۴	یک مقام امنیتی اسر انیل: نخستین جنگ سایبری تمام عیار به زودی در خاور میانه رخ می دهد ... /
۱۵	واشنگتن پست: حمله به جمهوری اسلامی طرح مشترک تر امپ و نتانیاهو بود ... /
۱۶	ام آی سیکس به دنبال سبقت گرفتن از پوتین ... /
۱۷	نقش دلال های میلیاردی در نفوذ در حفظ نظام و تعیین جانشین علی خامنه ای ... /
۱۸	نمایشگاه تسلیحاتی جمهوری اسلامی تلاش برای انحراف افکار عمومی پس از جنگ ۱۲ روزه ... /
۱۹	بازداشت یک شهروند و تابعیتی در ایران به اتهام جاسوسی؛ وزارت خارجه سوئد تأیید کرد ... /
۱۹	معرفی برنده بورسیه تحصیلی عبدالرضا انصاری از سوی «بنیاد آموزشی پرشیا» ... /
۲۰-۲۱	«جاویدشاه» و بازگشت سیاست به عقلانیت ... / دکتر مهدی میرسعیدی
۲۱	دوران محمدرضا شاه؛ ۲۵ آذر، روز مادران ایران (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۱	دروغ و فریب، دو بال پرواز دیکتاتور ... / بهنام محمدی
۲۲	اسپار تاک روسی: زره پوش مورد استفاده در جنگ اوکراین، اولویت حکومت وحشت زده ... / اس. روزه
۲۳	دودرگیری مسلحانه در فوج و ایرانشهر چند کشته و زخمی برجا گذاشت ... /
۲۳	جمهوری اسلامی یک نفتکش خارجی را در دریای عمان توقیف کرد ... /
۲۴-۲۵	حمله به سفارتخانه ها؛ بازخوانی تاریخی یک رویه پرهزینه در ایران ... / عرفان نوربخش
۲۶	رافائل گروسی: مسائل هسته ای جمهوری اسلامی به هیچ وجه حل نشده است ... /
۲۶-۲۷	محمد اسلامی: آژانس حق بازرسی از مراکز اتمی مورد حمله قرار گرفته شده را ندارد ... /
۲۷	هشدارهای مکرر رافائل گروسی: به سایت های اتمی کلیدی ایران دسترسی نداریم ... /
۲۸	بوسفر جی دعوت عباس عراقچی به تهران را رد کرد؛ آغاز گفتگوهای مستقیم لبنان و اسر انیل ... /
۲۸	فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش بدون «مر اسم تودیع» برکنار شد ... /
۲۹	بعد از فرماندهان نیروی زمینی و پدافند ارتش، فرمانده نیروی هوایی نیز برکنار شد ... /
۲۹	دیدار عراقچی و لاوروف در مسکو؛ مذاکره جمهوری اسلامی با روسیه برای تکرار نشدن حمله اسر انیل ... /
۳۰	هشدار منابع عربی و منطقه ای به دولت لبنان: اسر انیل آماده اقدام نظامی علیه حزب الله است ... /
۳۰	راند سعید نفر دوم گروه تروریستی حماس در غزه کشته شد ... /
۳۱	سختگوی فقه قضایه: ارتباط عامل ترور قاضی مقبسه و قاضی رازینی با مجاهدین خلق محرز شده است ... /
۳۲-۳۳	تبارشناسی ترور سرخ: میراث تروریسم دولتی قرن بیستم از مسکو تا تهران ... / آریا چمروش
۳۳	رئیس موساد: نمی گذاریم پروژه هسته ای جمهوری اسلامی دوباره فعال شود ... /
۳۴-۳۵	تفکر آخر الزمانی: استراتژی بلندمدت تروریسم اسلامگرا ... / فرد صابری
۳۶	فاجعه سیل در ایران: از کشته شدن دو کودک و مفقود شدن یک شهروند تا مسدود شدن جاده ... /
۳۷	عمیق فساد در بانک های خصوصی ایران: کانال های پولشویی و تامین مالی تروریسم ... / امیر مقدم
۳۸-۳۹	روابط ایران و روسیه چگونه باید باشد ... / عرفان نوربخش
۴۰-۴۲	دانشگاه آریا گنزیس برکناری دکتر شیرین سعیدی را تأیید کرد ... /
۴۲-۴۳	مر دم برای شوک تورمی دلار ۱۳۰ هزار تومانی «تاب آوری» دارند؟ / روشنگ آستر کی
۴۴	پیش بینی تورم ۶۰ درصدی و دلار ۱۴۸ هزار تومانی تا پایان سال ... /
۴۵	گردهمایی ایرانیان در سوگ زنده یاد خسرو علی کردی مقابل دفتر نخست وزیری در لندن ... /
۴۵	رونمایی از کتاب «راهبرد پیشاسرنگونی و دوران گذار» به قلم دکتر عظیم بادامدوست ... /
۴۶	تولد «حزب زنان پیشرو»؛ آغاز قدرت زنانه ... / پانته آمدیری
۴۷	نمایش گل های ایرانی در بارسی ... / کتابون حلاجان
۴۸-۴۹	یک عصر بیزی در بارسی با ملکه نائینی هنر مند نقاش و عکاس ... / کتابون حلاجان
۵۰-۵۱	عملکرد نامطلوب و وعده های اقتصادی برادر فتنه دولت یزشکیان: اقتصاد دانان چه می گویند؟ ... /
۵۱	فیلم «یک تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی نامزد اسکار ۲۰۲۶ شد ... /
۵۲	با گذشت هشت سال از تصویب قانون هوای پاک، تنها ۱۵ درصد تکالیف قانونی اجرا شده است ... /
۵۳	افشاگری یک نماینده مجلس شورای اسلامی از مازوت سوزی ... /
۵۴	داده های محرمانه: افزایش تولید بنزین غیر استاندارد در ایران ... /
۵۵	حذف تلخ میوه و لبنیات از سبد خرید با افزایش قیمت در ایران ... /
۵۶-۵۷	فرو نشست پدیده «انسان ساز» است؛ احداث کارخانه آب بر فولاد در تیشابور بازرگترین ... /
۵۷	فرو نشست زمین در برخی از نقاط ایران به ۴۰ سانتیمتر رسید؛ ۷۵۰ شهر کشور در خطر هستند ... /
۵۸-۵۹	«تالاب مهارلو» به کانواریز گرد تبدیل شد؛ فاجعه محیط زیستی در یک قدمی شیراز ... /
۵۹-۶۰	رونمایی بانک مرکزی از «بسته کنترل ارز» پس از عبور قیمت دلار از مرز ۱۲۹ هزار تومان ... /
۶۰-۶۱	افزایش بی سابقه قیمت هادر بازار ارز و طلا همزمان با اجرای طرح بنزین سه نرخی ... /
۶۲	گزارش نکات دهنده سختگوی اتاق اصناف از افزایش قیمت مواد خوراکی در ایران ... /
۶۳	زندگی دشوار بازنشستگان با حقوق های ناچیز و هزینه های سر به فلک کشیده ... /
۶۴-۶۵	خبر های کوتاه ... /
۶۶	پشت جلد - عکس هفته / سیل ویرانگر در ایران تشنه!



بازنشر
بازنشر

سرمقاله

امید به پیروزی نور بر تاریکی

شب چله یا شب یلدا یکی از مهمترین جشن‌های چند هزار ساله حوزه تمدنی ایران، نمادی از زایش دوباره نور و پایان سیاهی شبی طولانی است. تاریکی و سرمای این شب با امید به سپیده‌دم و طلوع خورشید سپری میشود.



شب چله ریشه در اسطوره‌ای دارد که یادآور پیروزی نور بر تاریکی، مهر بر کین، و امید بر ناامیدی است. روایت است، شبی طولانی‌تر از همه شب‌ها که سرمای سخت و تاریکی سبب بیم مردم شده بود، سنگی سیاه شکافته شد و از دل آن نوری درخشید و مهر زاییده شد. مهر با زره و نیزه‌ای از نور به نبرد با تاریکی اهریمن‌واری رفت که بر جهان سایه انداخته بود و در نهایت آن را شکست داد. مهر، نور و گرما را به زمین بازگرداند و پایان شب طولانی سیاه و سرد را به سپیده‌ای روشن و درخشان پیوند زد و خون گرمابخش را به رگ‌های زمین و زندگی بازگرداند.

ایرانیان هزاران سال است که در طولانی‌ترین شب سرد سال، گرد هم می‌آیند تا «امید» را و «مهر» را پاس بدارند. انار نماد یکپارچگی و یادآور خون سرخی که مهر در رگ زندگی جاری کرد، هندوانه نماد روشنایی تابستان، در کنار آتش و شمع که یادآور نور و گرما هستند، از جمله مهمترین نمادهای سرور یلدا به‌شمار می‌روند.

این جشن که به صورت گروهی برگزار می‌شود، جشن پیروزی است؛ و امید به اینکه مهر همچنان سختی و سیاه را خواهد شکافت و نور را بر تاریکی پیروز خواهد کرد.

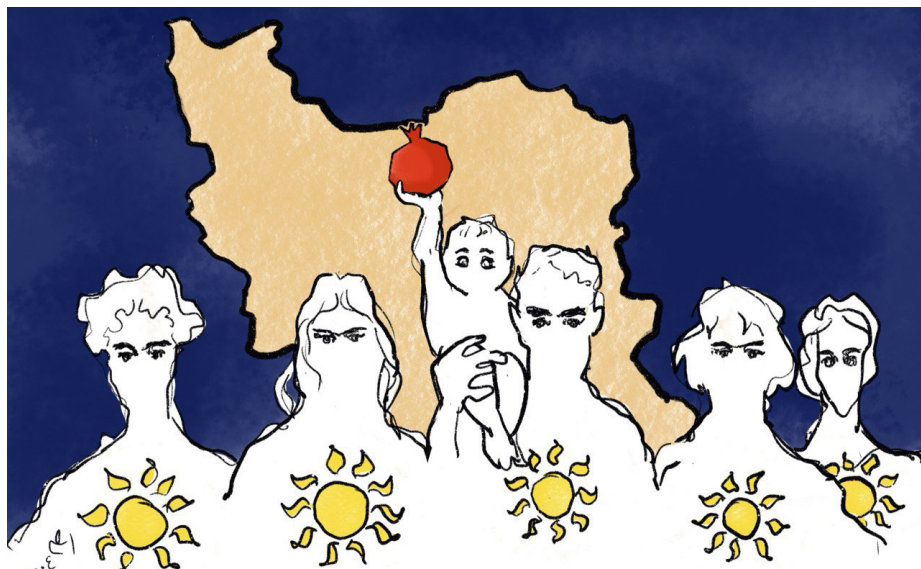
«امید» برای عبور از شب‌های سرد و سیاه به روزهای روشن و پرنور بارها در ادبیات ایران نیز مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله نظامی گنجوی در لیلی و مجنون سراییده «در نومیدی بسی امید است، پایان شب سیه سپید است».

در روزهای دشواری که میهن‌مان در چهار دهه گذشته از سر می‌گذراند، شب چله یا یلدا برای ما ایرانیان معنایی ویژه دارد؛ امید به شکست اهریمن، امید به پایان سیاهی، و امید به طلوع نور و روشنایی.

ما ایرانیان اگر چه روزهای سختی را سپری می‌کنیم اما شب چله را پاس می‌داریم تا یادآوری کنیم که با تکیه بر مهر و امید، به زودی شاهد طلوع خورشید آزادی بر فراز وطن‌مان خواهیم بود.

تیر هفته

ضربه به نهادهای امنیتی کل سیستم را
دچار اختلال می‌کند



● اعتراضات پراکنده مردم بعد از جنگ ۱۲ روزه از جمله آنچه در مراسم یادبود خسرو علی‌کردی اتفاق افتاد نشان داد، هر قدر هم حکومت از ابزار زور برای امنیتی‌کردن فضا استفاده کند، نمی‌تواند دائم وضعیت پادگانی را برقرار نگه‌دارد. این دقیقاً همان وضعیتی است که شکنندگی ساختار را سرعت می‌بخشد.

«مؤلفه قدرت‌ساز» تلاش می‌کرد در گفتگوهای به‌ظاهر غیرمستقیم از استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ امتیاز بگیرد، حمله غافلگیرانه اسرائیل معادله را به‌طور کل تغییر داد. حذف فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و شماری از متخصصان اتمی، انهدام زیرساخت‌های نظامی، حملات هدفمند سایبری به زیرساخت‌های بانکی، مبارزان تأسیسات اتمی و در مرحله آخر حملات گسترده به مراکز اطلاعاتی، خانه‌های امن، مراکز انتظامی و پادگان‌های سپاه پاسداران که با سرکوب مردم ایران مرتبط بودند، پیام واضحی به علی‌خامنه‌ای و جمهوری اسلامی بود.

از چهار ستون اصلی که تأمین امنیت جمهوری اسلامی بر آنها استوار بود، شامل محور مقاومت، زیرساخت‌های اتمی، موشک‌ها و سرکوب، دو ستون عملاً از بین رفت. اکنون آنچه برای حکومت باقی مانده، موشک‌ها برای دفاع در برابر حمله احتمالی آبی و سرکوب در مقابل خیزش‌های اجتماعی است. دو ماه بعد از فعال شدن «مکانیسم ماشه»، از یک سو دلار به بیش از ۱۳۰ هزار تومان رسیده و تورم به شدت افزایش یافته است؛ به نظر می‌رسد فرمان اقتصاد از دست حکومت خارج شده است. از سوی دیگر سیاست خارجی به گل نشسته است و نسخه‌ای برای خروج از بحران وجود ندارد.

در چنین فضایی تنها گزینه نظام برای تسلط بر امور، تشدید فضای امنیتی است، چیزی شبیه حکومت نظامی. چنین وضعیتی به حکومت این اجازه را می‌دهد که پاسخگو نباشد و هر تصمیمی در امور اجرایی، حتی اگر تأثیر منفی بر زندگی مردم داشته باشد، را توجیه کند.

اکنون هر کجا که دست گذاشته شود، پای نهادهای امنیتی در میان است. در تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات، نهادهای امنیتی دخالت دارند. تعداد زیادی از مسابقات ورزشی، از رقابت‌های لیگ فوتبال و کشتی گرفته تا تجمعات عمومی و کنسرت‌ها، برای برگزاری معطل اعلام تصمیم نهایی نهادهای امنیتی، از جمله شوراها ←

بعد از جنگ ۱۲ روزه، حکومت کاملاً آشکار با تشدید فضای امنیتی تلاش کرد تا بر اوضاع به هم ریخته پس از جنگ مسلط شود. در چنین فضایی نهادهای امنیتی از «شورای عالی امنیت ملی» تا وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران که همواره به‌جز موارد اضطراری پشت صحنه بازیگردانی می‌کردند، با هدف «تضمین بقای نظام» علنی وارد عرصه «حکمرانی» شدند.

برقراری ایست‌های بازرسی در خیابان‌ها و جاده‌ها، گشت‌های شبانه در محلات، تقویت شبکه مخابرات، بازداشت فعالان سیاسی و افزایش اجرای احکام اعدام، عمده تلاش‌های حکومت برای نشان دادن تسلط خود بر امور جاری کشور بود. به بیان دیگر حکومت برای جبران شکست در میدان جنگ، به مردم چنگ و دندان نشان داد. حمله اسرائیل در خردادماه ۱۴۰۴، پس از ضربات سنگینی بود که گروه‌های نیابتی (محور مقاومت) دریافت کردند. سرلشکر غلامعلی رشید، فرمانده پیشین قرارگاه خاتم‌الانبیاء، که در نخستین ساعات آغاز جنگ ۱۲ روزه کشته شد، می‌گفت: «حاج قاسم شش ارتش را بیرون از ایران سازماندهی کرده است».

فروپاشی «محور مقاومت» پس از سقوط بشار اسد در سوریه، حذف حسن نصرالله و جانشینان و فرماندهان کلیدی حزب‌الله و از میان رفتن چندین فرمانده ارشد حماس، کمر بند امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه را از میان برد. میلیارد‌ها دلار پول و تسلیحات که برای بقای اسد و فعالیت‌های حزب‌الله و حماس خرج شد بر باد رفت. پولی که می‌توانست خرج رفاه مردم ایران شود یا اگر وضعیت کشور عادی و حکومت مردمی بود، صرف تقویت نیروهای مسلح و امنیتی برای تأمین امنیت ملت شود.

شکست مذاکرات

در شرایطی که نظام با تکیه بر غنی‌سازی اورانیوم به‌عنوان

تأمین استان، می‌مانند. تصمیم درباره سخت‌گیری یا شل گرفتن حجاب اجباری با نهادهای اطلاعاتی است و مواردی از این دست که فهرست طولانی دارند.

آسیب‌پذیری کل ساختار در مقابل شوک‌های امنیتی

مسلح و امنیتی تریق شود. یک کارشناس امنیتی که نخواست نامش فاش شود، به «کیهان لندن» می‌گوید: «در تمام ۴۶ سال گذشته نهادهای امنیتی در تصمیم‌های کلان دخالت داشتند، اما پس از جنگ ۱۲ روزه این دخالت علنی و گسترده‌تر شد و در



فضای امنیتی به حکومت این اجازه را می‌دهد که روش‌های مختلف «علمیات روانی» را برای مهار اجتماعات اجرا کند. در چنین فضایی «شایعه دستگیری رهبران گروه‌های معترض» مدام پخش می‌شود. در همین ارتباط ابراهیم جباری مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران ادعا کرد ۱۲۳ سلطنت‌طلب عضو «گارد جاویدان» را بازداشت کردیم. در فضای امنیتی حکومت فرصت می‌کند خواسته‌های اصلی معترضان را به ابتذال بکشاند یا با ایجاد کانون‌های خبری جدید افکار عمومی را منحرف یا آنها را از ادامه مبارزه دلسرد کند. ادامه این وضعیت برای حکومت با وجود فعالیت چندین نهاد امنیتی موازی دشوار است، از این رو زرمزه‌هایی برای ایجاد یک تحول اساسی در نهادهای اطلاعاتی حکومت شنیده می‌شود.

زرمزه‌های تشکیل «سما»

جنگ ۱۲ روزه ضربه به ساختار امنیتی نظام بود. از آنجا که در همه عرصه‌ها امنیتی‌ها میدان‌دار بودند، ضربات بر سایر بخش‌های حکومت از جمله سیاست خارجی، اقتصاد، جامعه و فرهنگ نیز اثر گذاشت.

گزارش‌های غیررسمی حاکی از آن است که ایران در آستانه یکی از مهم‌ترین تحولات ساختاری در حوزه امنیت و اطلاعات قرار گرفته است. بر اساس شنیده‌ها، طرحی در دست بررسی است که به موجب آن، دو نهاد اطلاعاتی اصلی، یعنی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، در یکدیگر ادغام شده و یک سازمان اطلاعاتی واحد با عنوان «سازمان ملی اطلاعات (سما)» تأسیس خواهد شد.

برخی ناظران می‌گویند تشکیل احتمالی «سما» برخلاف انتظار می‌تواند پیامدهای منفی عمیق‌تری برای حکومت داشته باشد، زیرا تمرکز آن باعث ضربه‌پذیرتر شدن آن می‌شود. بری یوزان نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل تشریح می‌کند که وقتی مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امنیتی‌سازی می‌شوند، مدیریت آنها از منطق تخصصی خارج می‌شود و وابستگی سیستم به نهادهای امنیتی افزایش می‌یابد. در این وضعیت، ضربه به نهاد امنیتی، کل سیستم را دچار اختلال می‌کند. اعتراضات پراکنده مردم بعد از جنگ ۱۲ روزه از جمله آنچه در مراسم یادبود خسرو علی‌کردی اتفاق افتاد نشان داد، هر قدر هم حکومت از ابزار زور برای امنیتی‌کردن فضا استفاده کند، نمی‌تواند دائم وضعیت پادگانی را برقرار نگه دارد. این دقیقاً همان وضعیتی است که شکنندگی ساختار را سرعت می‌بخشد.

جزئی‌ترین مسائل هم وارد می‌شوند. از برگزاری مراسم یادبود جانبختگان اعتراضات جلوگیری می‌کنند، مدام به روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های داخلی در مورد سانسور اخبار هشدار و دستورالعمل می‌فرستند، اگر قبلاً فقط روی محل برگزاری مسابقه ورزشی یا تماشگر پرتعداد حساس بودند، اکنون از هر مسابقه‌ای که اندک تماشگری را به خود جذب کند وحشت دارند. از شعارها می‌ترسند، از ویدیوهایی که از حواشی مسابقات منتشر می‌شود هراس دارند، زیرا اساساً هر چیزی را تهدیدی علیه موجودیت نظام می‌دانند.

به گفته همین کارشناس، ادامه این وضعیت یعنی تنگ‌تر شدن حلقه نظارت‌های اطلاعاتی که برای خود حکومت دردسرساز خواهد بود؛ به‌ویژه در شرایط فعلی که نهادها موازی‌کاری می‌کنند و رؤسای آنها برای نشان دادن وفاداری خود به نظام رقابت می‌کنند. در چنین فضایی، مدام کوچک‌ترین مسئله تبدیل به یک پرونده امنیتی می‌شود و این رویه حتی ممکن است دستگاه اطلاعاتی حکومت را قفل کند.

اما ادامه این وضعیت نمی‌تواند امنیت حکومت را تضمین کند. در ساختار حکمرانی ایران، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی نقش مسلط و تعیین‌کننده‌ای در مدیریت حوزه‌های مختلف ایفا می‌کنند. از این رو، وارد آمدن آسیب به ساختار اطلاعاتی در شرایط بحرانی همچون جنگ، پیامدهایی فراتر از حوزه امنیتی به همراه دارد و به‌صورت زنجیره‌ای کارکرد سایر نهادهای حاکمیتی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این اختلال به‌ویژه در عرصه‌هایی مانند سیاست خارجی، اقتصاد، نظم اجتماعی و حوزه‌های فرهنگی نمود پیدا می‌کند.

به‌عنوان مثال، در واکنش به اعتراضات عمومی نسبت به آلودگی هوا، عبدالرضا سهیوند دبیر دوم کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، گفت بر اساس آنچه به وزارت نفت و وزارت نیرو ابلاغ شده، مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها با اجازه شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود. چارلز تیلی (Charles Tilly) جامعه‌شناس آمریکایی در بحث «دولت‌سازی و جنگ»، می‌گوید دولت‌هایی که بیش از حد بر ابزار زور و امنیت تکیه می‌کنند و نهادهای مدنی و اقتصادی مستقل ندارند، در برابر شوک‌های امنیتی آسیب‌پذیرترند.

ریزش در بدنه دستگاه‌های نظامی و امنیتی

وزارت اطلاعات اواسط آذرماه ۱۴۰۴ درباره طیف گسترده‌ای از مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پس از جنگ ۱۲ روزه، گزارشی محرمانه به علی خامنه‌ای ارائه داده است. همزمان منابع غیررسمی می‌گویند ریزش در بدنه نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی حکومت ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است. تلاش فرماندهان برای افزایش حقوق و امتیازات پرسنل نظامی و امنیتی، بخشی از واکنش حکومت برای جلوگیری از تکرار باتلاقی است که بشار اسد در آن فرو رفت و نارضایتی نظامی‌ها، اصلی‌ترین عامل سرنگونی رژیم او شد.

تنها در دو ماه آبان و آذر بیش از هفت نماینده مجلس شورای اسلامی درباره کمبود بودجه نهادهای نظامی و امنیتی هشدارهای علنی داده‌اند. حتا بحث شده که از بودجه نهادهای مذهبی و دینی کاسته شود و به نیروهای



گزارش مراسم یادبود به خون کشیده شده خسرو علی‌کردی؛ بیش از ۱۵ نفر بازداشت شدند



دادند.

در این مراسم شماری از خانواده‌های دادخواه از جمله خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان جانباخته در اعتراضات ۱۴۰۱ که خسرو علی‌کردی وکیل آنها بود، و همچنین طایفه نظری مادر مریم آروین وکیل جانباخته در اعتراضات ۱۴۰۱ حضور داشتند.

بر اساس یکی از ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی طایفه نظری با در دست داشتن عکس دختر جوان جانباخته‌اش فریاد می‌زد «دارم می‌سوزم از صمیم قلب، آقای دکتر خسرو یار و پاور همه ما بود... نمی‌دانید چه داغی روی دل‌مان گذاشتند، آقای دکتر محبوب دل‌هاست، آقای دکتر محبوب قلب‌هاست، آقای دکتر سردار دل‌هاست...»

مأموران امنیتی و یگان ضدشورش حکومت به سوی جمعیت حمله‌ور شدند، با شلیک گاز اشک‌آور و ساچمه برای پراکنده کردن جمعیت تلاش کردند و همچنین حاضران را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

بر اساس گزارش‌ها بیش از ۱۵ نفر از جمله علی آدینه‌زاده، رضا آدینه‌زاده، طایفه نظری، نرگس محمدی، هستی امیری، پوران ناظمی، نورا حقی، عالیه مطلب‌زاده، اسدالله فخمی، اکبر امینی، حسن باقری‌نیا، ابوالفضل ابری و سپیده قلیان بازداشت شدند.

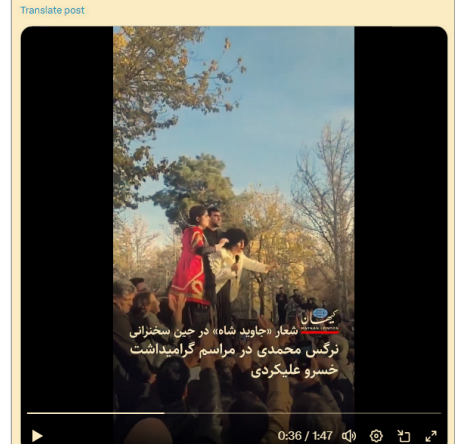
همچنین فعالان پادشاهی‌خواه نیز گزارش داده‌اند که حیدر چاه چمنی، زندانی سیاسی سابق و کنشگر پادشاهی‌خواه، که در این مراسم و پس از ضرب و جرح توسط مأموران حکومتی با صورت خونین شاهنامه خواند، توسط مأموران بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شده است.

مأموران امنیتی قصد بازداشت جواد علی‌کردی را نیز داشتند که به گفته منابع آگاه با حمایت مردم حاضر در مراسم از جواد، مأموران موفق به بازداشت او نشدند.

ساعتی پس از این مراسم به خون کشیده شده،

جانباختن او در شامگاه ۱۴ آذرماه، روز گذشته در مسجد «غدیر» مشهد برگزار شد. در این مراسم هزاران شهروند به صورت خودجوش حاضر شدند و شعارهایی از جمله

«جواد شاه» و «ایران که شاه نداره حساب کتاب نداره» و «ای شاه ایران برگرد به ایران سر دادند».



«پاینده ایران»، «جوادشاه»، «ایران که شاه نداره حساب کتاب نداره» و «ای شاه ایران برگرد به ایران سر دادند».

در این مراسم شماری از فعالان سیاسی، مدنی و خانواده‌های دادخواه نیز حضور داشتند. پس از سخنرانی جواد علی‌کردی، برادر خسرو، در میان جمعیت، نرگس محمدی فعال مدنی و برنده جایزه صلح نوبل نیز اقدام به سخنرانی کرد. همزمان با سخنرانی نرگس محمدی نیز جمعیت شعارهای خود از جمله «جوادشاه» را ادامه

● مراسم یادبود دکتر خسرو علی‌کردی یک هفته پس از جانباختن او در شامگاه ۱۴ آذرماه، روز گذشته در مسجد «غدیر» مشهد برگزار و با دخالت مأموران امنیتی و یگان ویژه به خشونت کشیده شد.

● در این مراسم هزاران شهروند به صورت خودجوش حاضر شدند و شعارهایی از جمله «پاینده ایران»، «جوادشاه»، «ایران که شاه نداره حساب کتاب نداره» و «ای شاه ایران برگرد به ایران سر دادند».

● مأموران امنیتی و یگان ضدشورش حکومت به سوی جمعیت حمله‌ور شدند، با شلیک گاز اشک‌آور و ساچمه برای پراکنده کردن جمعیت تلاش کردند و همچنین حاضران را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

● ساعتی پس از این مراسم به خون کشیده شده، جواد علی‌کردی، برادر خسرو، در یک لایو اینستاگرامی تهدید کرد که اگر تا شامگاه بازداشت‌شدگان آزاد نشوند او متنی محرمانه را منتشر خواهد کرد و «حسین‌گویان شربت شهادت» می‌نوشد.

● جواد علی‌کردی شب گذشته توسط مأموران امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد. خبر بازداشت جواد از سوی رسانه‌های حکومتی و همراه با سناریوسازی امنیتی منعکس شد.

● شاهزاده رضا پهلوی شنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۴ در واکنش به اعتراض ضدحکومتی مردم مشهد در مراسم خسرو علی‌کردی از شجاعت و ایستادگی شهروندان قدردانی کرد.

مراسم یادبود خسرو علی‌کردی وکیل دادگستری جانباخته، روز گذشته در شهر مشهد با حضور خودجوش هزاران شهروند برگزار شد. این مراسم با حمله مسلحانه مأموران امنیتی و یگان ضدشورش با خشونت و ضرب و جرح مردم همراه شد و تعدادی بازداشت شدند.

مراسم یادبود دکتر خسرو علی‌کردی یک هفته پس از

مراسم یادبود کامبیز آتابای با حضور شهبانو فرح پهلوی



خود ادامه داد.

او و پدرش، ابوالفتح آتابای، نزدیک به یک قرن از نزدیکان مورد اعتماد دربار و پادشاهان پهلوی بودند و مادرش بدری آتابای از بانوان اندیشمند و استادان دانشگاه تهران بود و در مصر آموزش رضا پهلوی ولیعهد ایران و سایر فرزندان خانواده پهلوی را بر عهده داشت.

کامبیز آتابای دهمین رئیس فدراسیون فوتبال ایران و آخرین رئیس آن در ایام حکومت پهلوی بود. او همچنین طولانی‌ترین دوران ریاست بر این فدراسیون را در اختیار داشت. وی در سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ ریاست کنفدراسیون فوتبال آسیا را برعهده گرفت و تنها ایرانی بوده که تاکنون به این جایگاه صعود کرده است.

او سمت‌های گوناگونی از جمله مدیر کلی امور فنی و خدمات اجتماعی دربار شاهنشاهی، ریاست فدراسیون فوتبال و سوارکاری ایران، ریاست کنفدراسیون فوتبال آسیا، دستیاری ویژه و آجودانی شاه فقید را در کارنامه درخشان خود داشت.

آتابای در سال ۱۳۵۷ برای حفظ جان خود ناچار به ترک میهن‌اش که به آن عشق می‌ورزید شد.

بنا به وصیت آن زنده یاد مراسم یادبود او به شکل ساده‌ای برگزار شد و روی میز عکس‌هایی از دوران مختلف زندگی وی در معرض دید همگان قرار داده شده بود.

این مراسم به همت دوستان و یاران آن زنده یاد از جمله دکتر شاهرخ امیر ارجمند برگزار شد و ساعت ۷ بعد از ظهر پایان یافت.

● **مراسم یادبود کامبیز آتابای با حضور شهبانو فرح پهلوی و با شرکت فرزندان و بیش از ۱۲۰ نفر از یاران و دوستان آن زنده‌یاد در روز دوم ماه دسامبر از ساعت ۴ بعد از ظهر در مرکز آسیایی نیویورک برگزار شد.**

● **کامبیز آتابای از چهره‌های شایسته، توانا، محبوب، متواضع و پرکار بود که در سن ۸۶ سالگی در ۱۲ آبان ماه ۱۴۰۴ (سوم نوامبر ۲۰۲۵) در نیویورک چشم از جهان فرو بست.**

● **او و پدرش، ابوالفتح آتابای، نزدیک به یک قرن از نزدیکان مورد اعتماد دربار و پادشاهان پهلوی بودند و مادرش بدری آتابای از بانوان اندیشمند و استادان دانشگاه تهران بود و در مصر آموزش رضا پهلوی ولیعهد ایران و سایر فرزندان خانواده پهلوی را بر عهده داشت.**

منصوره پیرنیا - مراسم یادبود کامبیز آتابای با حضور شهبانو فرح پهلوی و با شرکت فرزندان و بیش از ۱۲۰ نفر از یاران و دوستان آن زنده‌یاد در روز دوم ماه دسامبر از ساعت ۴ بعد از ظهر در مرکز آسیایی نیویورک برگزار شد.

کامبیز آتابای از چهره‌های شایسته، توانا، محبوب، متواضع و پرکار بود که در سن ۸۶ سالگی در ۱۲ آبان ماه ۱۴۰۴ (سوم نوامبر ۲۰۲۵) در نیویورک چشم از جهان فرو بست. کامبیز آتابای در سال ۱۳۵۴ ریاست فدراسیون فوتبال ایران را بر عهده داشت و پس از انقلاب عهده‌دار ریاست دفتر شهبانو شد و تا پایان عمر همچنان در آن مسند به کار

این رسانه اصلاح‌طلب مدعی شده «ابهامات موجود در این پرونده و حاشیه‌سازی‌های اخیر سبب شده که اپوزیسیون خارج‌نشین نیز فرصت را برای موج‌سواری و افزایش تنش‌ها مناسب ببیند. شعارهای سلطنت‌طلبان در این مراسم که در ویدیوهای منتشرشده در فضای مجازی

➔ **جواد علی‌کردی در یک لایو اینستاگرامی تهدید کرد که اگر تا شامگاه بازداشت‌شدگان آزاد نشوند او متنی محرمانه را منتشر خواهد کرد و «حسین‌گویان شربت شهادت» می‌نوشد.**

جواد علی‌کردی با تأکید بر اینکه «در عرصه حضور خواهد داشت» گفته بود مسئولیت و عواقب این اقدام را می‌پذیرد و برای هر اتفاقی «آماده» است.

جواد علی‌کردی برادر خسرو علی‌کردی در نهایت شب گذشته توسط مأموران امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد.

در این میان رسانه‌های حکومتی نیز خبر به آشوب کشاندن مراسم یادبود خسرو علی‌کردی را، طبق روال، با سناریوسازی بازتاب دادند.

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شب گذشته اعلام کرد «یک منبع آگاه از بازداشت «جواد علی‌کردی» به دلیل همراهی با جریان‌ات معاند و برهم‌زدن نظم عمومی خبر داد.»

این خبرگزاری افزوده بود «جواد علی‌کردی باوجود انتشار فیلم مداربسته از محل کار و نمایش لحظه فوت برادرش، به شایعه‌سازی درباره نحوه مرگ او ادامه داده است. شایان ذکر است نامبرده علی‌رغم داشتن محکومیت قضایی، مدتی است که با مساعدت دستگاه قضایی و با پابند الکترونیک بیرون از زندان بوده است.»

اشاره خبرگزاری «فارس» به «محکومیت قضایی» جواد علی‌کردی به پرونده‌ای است که در پی فشار بر خسرو علی‌کردی علیه جواد برادر وکیل او گشوده و به صدور حکم زندان ختم شد.

همزمان خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه، نیز با تأیید بازداشت شماری از شهروندان، مدعی شد که در این مراسم «فرمانده انتظامی و یکی دیگر از مأموران، با حمله تعدادی از افراد با سلاح سرد مجروح شدند.»

وبسایت «رویداد ۲۴» نزدیک به اصلاح‌طلبان نیز روز شنبه ۲۲ آذرماه با انتشار گزارشی از مراسم نوشته «مراسم هفتم خسرو علی‌کردی، وکیل دادگستری مشهد، با حواشی امنیتی و بازداشت شماری از حاضران همراه شد. قوه قضاییه از بازداشت افراد دارای سوابق امنیتی خبر داد و اعلام شد در جریان بی‌نظمی، دو مأمور انتظامی زخمی شدند. همچنین چند فعال مدنی و جواد علی‌کردی، برادر مرحوم، بازداشت شدند.»

این گزارش تأکید کرده «خسرو علی‌کردی از وکلای شناخته‌شده و مرتبط با پرونده‌های حساس و خانواده‌های جان‌باختگان اعتراضات ۱۴۰۱ بود و علت فوت او سکنه قلبی اعلام شده است. با این حال، ابهامات و مطالبات برای شفافیت، از جمله درخواست دسترسی به تصاویر دوربین‌های مداربسته، واکنش فعالان و چهره‌ها را برانگیخت. این حواشی و بازداشت‌ها پرونده را به موضوعی حساس در افکار عمومی تبدیل کرده و بر ضرورت اطلاع‌رسانی شفاف تأکید شده است.»

شاهزاده رضا پهلوی شنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۴ در واکنش به اعتراض ضدحکومتی مردم مشهد در مراسم خسرو علی‌کردی از شجاعت و ایستادگی شهروندان قدردانی کرد.

شاهزاده رضا پهلوی خطاب به مردم گفت: «به همه هم‌میهنان عزیزم، به‌ویژه مردم شریف مشهد، درود می‌فرستم. قدردان شجاعت شما و سپاسگزار حمایت‌های ارزشمندتان هستم. هم‌صدایی و همبستگی‌تان را حفظ کنید و خواستار آزادی بی‌قیدوشرط همه بازداشت‌شدگان در مراسم یادبود زنده‌یاد خسرو علی‌کردی باشید. پیروزی از آن شماست. به امید دیدار هرچه زودتر در وطن عزیزمان.»

دست به دست می‌شد، مصداق این مدعا است.»

خسرو علی‌کردی وکیل دادگستری شامگاه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۴ به طرز مشکوکی در دفتر کارش در شهر مشهد جان باخت. شواهد از قتل سازمانیافته از سوی جمهوری اسلامی حکایت دارد.

ترامپ: آمریکا قادر است فوری موشک‌های جمهوری اسلامی را از کار بیندازد



تمایل جمهوری اسلامی به توافق با آمریکا

● شش ماه پس از بمباران تأسیسات اتمی فردو، طنز و اصفهان، رئیس‌جمهوری آمریکا بار دیگر به مقامات جمهوری اسلامی گفت چنانچه بخواهند بدون توافق، برنامه هسته‌ای خود را احیا کنند، آمریکا «بار دیگر آن را نابود خواهد کرد».

● دونالد ترامپ پنجشنبه شب ۲۰ آذرماه در دیدار با خبرنگاران در کاخ سفید حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی را «زمینه‌ساز صلح» خواند و گفت: «این حمله کامل‌ترین نابودی ظرفیت هسته‌ای ایران بود و همین باعث شد صلح ممکن شود، چون پیش از آن همه از ایران می‌ترسیدند و حالا دیگر نمی‌ترسند».

● او جنگ‌ها را خشونت‌بار و ویرانگر خواند اما «نبرد بر سر زیرساخت‌های هسته‌ای ایران» را یک نقطه عطف در تحولات منطقه توصیف کرد و گفت: «این جنگ یک ضربه تمام‌عیار بود، البته این به آن معنی نیست که آنها دو یا سه سال دیگر تلاش نکنند، اما ضربه‌ای که خوردند چنان سنگین بود که بعید می‌دانم بخواهند دوباره امتحان کنند».

شش ماه پس از بمباران تأسیسات اتمی فردو، طنز و اصفهان، رئیس‌جمهوری آمریکا بار دیگر به مقامات جمهوری اسلامی گفت چنانچه بخواهند بدون توافق، برنامه هسته‌ای خود را احیا کنند، آمریکا «بار دیگر آن را نابود خواهد کرد».

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری اسلامی دونالد ترامپ پنجشنبه شب ۲۰ آذرماه در دیدار با خبرنگاران در کاخ سفید حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی را «زمینه‌ساز صلح» خواند و گفت: «این حمله کامل‌ترین نابودی ظرفیت هسته‌ای ایران بود و همین باعث شد صلح ممکن شود، چون پیش از آن همه از ایران می‌ترسیدند و حالا دیگر نمی‌ترسند».

او با اشاره به خسارت‌های سنگین جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه گفت: «آنها گفته‌اند شاید هیچ‌وقت نتوانند دوباره از همان نقطه شروع کنند و اگر بخواهند، باید جای جدیدی انتخاب کنند».

ترامپ تهدید کرد که آمریکا قادر است «فوری»

حمله مرگبار به نیروهای آمریکایی در سوریه؛ یکی از مهاجمان محافظ الجولانی بود

● فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) اعلام کرد که بر اثر کمین داعش در مرکز سوریه، دو نظامی و یک غیرنظامی آمریکایی کشته و سه نفر دیگر نیز زخمی شدند. این حمله که شنبه ۱۳ دسامبر (۲۲ آذر ۱۴۰۴) اتفاق، نخستین حمله مرگبار به نیروهای آمریکایی در سوریه از زمان سقوط رژیم بشار اسد بود.

● دونالد ترامپ در حالیکه عازم مسابقه راگبی بین تیم‌های ارتش و نیروی دریایی در بالتیمور بود در کاخ سفید به خبرنگاران گفت: «این حمله‌ای از سوی داعش است و ما تلافی خواهیم کرد».

● اکانت «موساد» در ایکس در واکنش به حمله تروریستی در سوریه علیه نظامیان آمریکا نوشت: عامل انتحاری که به گشت مشترک آمریکا-سوریه در پالمیرا حمله کرد، اکنون به‌عنوان عضوی از «امنیت عمومی سوریه شناسایی شده و محافظ شخصی مرتبط با احمد الشرع (الجولانی)، رئیس‌جمهور جدید سوریه بوده است».

● روزنامه «اورشلیم‌پست» با اشاره می‌نویسد که یگان «ارتش آزاد سوریه» شریک اصلی نیروهای آمریکایی در پایگاه «التنف» بود که از عرب‌های محلی سوریه تشکیل می‌شد و بعدها به لشکر ۷۰ نیروهای امنیتی جدید سوریه پیوست و به انجام ماموریت‌های امنیتی مشغول بود. این موضوع نشان می‌دهد که روند ادغام نیروها بدون نظارت دقیق می‌تواند خطرهایی در پی داشته باشد.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) اعلام کرد که بر اثر کمین داعش در مرکز سوریه، دو نظامی و یک غیرنظامی آمریکایی کشته و سه نفر دیگر نیز زخمی شدند. این حمله که شنبه ۱۳ دسامبر (۲۲ آذر ۱۴۰۴) اتفاق، نخستین حمله مرگبار به نیروهای آمریکایی در سوریه از زمان سقوط رژیم بشار اسد بود.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در حالیکه عازم مسابقه راگبی بین تیم‌های ارتش و نیروی دریایی در بالتیمور بود در کاخ سفید به خبرنگاران گفت: «این حمله‌ای از سوی داعش است و ما تلافی خواهیم کرد».

شان پارنل سخنگوی ارشد وزارت دفاع آمریکا نیز اعلام کرد که غیرنظامی کشته‌شده در این حمله یک مترجم آمریکایی بوده است. او افزود این حمله نیروهایی را هدف قرار داده که در عملیات‌های مستمر مقابله با تروریسم در منطقه حضور داشتند و تحقیقات درباره ابعاد این حمله همچنان به‌طور جدی ادامه دارد.

بر اساس گزارش خبرگزاری دولتی سانا، تیراندازی در نزدیکی شهر تاریخی پالمیرا رخ داده است. این خبرگزاری پیش‌تر اعلام کرده بود که در این حادثه دو عضو از نیروهای امنیتی سوریه و چند نظامی آمریکایی زخمی ←

موشک‌های جمهوری اسلامی را نیز از کار بیندازد. او جنگ‌ها را خشونت‌بار و ویرانگر خواند اما «نبرد بر سر زیرساخت‌های هسته‌ای ایران» را یک نقطه عطف در تحولات منطقه توصیف کرد و گفت: «این جنگ یک ضربه تمام‌عیار بود، البته این به آن معنی نیست که آنها دو یا سه سال دیگر تلاش نکنند، اما ضربه‌ای که خوردند چنان سنگین بود که بعید می‌دانم بخواهند دوباره امتحان کنند».

در بخش دیگری از این نشست خبری، ترامپ عنوان کرد برخی کارشناسان می‌گویند توان اتمی ایران «کاملاً نابود» شد... ایران خودش گفته احتمالاً هرگز نمی‌تواند به آن سایت‌های هسته‌ای برگردد و اگر روزی بخواهد دوباره شروع کند باید جای دیگری را انتخاب کند».

ترامپ برای چندمین بار در شش ماه گذشته تکرار کرد «هیچ کشور دیگری» قادر به انجام چنین حمله‌ای نبود و افزود: «آمریکا بهترین سلاح‌ها و بهترین ارتش جهان را دارد... وقتی ایران را از کار انداختیم، صلح ممکن شد. اگر ایران تا این اندازه بی‌اثر نشده بود، هیچ‌کدام از متحدان ما در منطقه نمی‌توانستند به توافقی‌های اخیر برسند».

او با تمجید از رهبران عربستان سعودی و امارات متحده عربی، گفت که ایران «دیگر آن کشور سابق نیست» و جایگاهش «به‌شدت افول کرده» است، با این همه هشدار داد که «شاید ایران در آینده برای احیای برنامه هسته‌ای خود تلاش کند اما خیلی طول می‌کشد تا مثل قبل شود».

ترامپ همچنین بار دیگر مدعی شد: «آنها [مقامات جمهوری اسلامی] خیلی دوست دارند با من توافق کنند. من هم اگر بتوانیم، دوست دارم با آنها توافق کنم. پیش از بمباران، ما تا حد قابل قبولی به یک توافق نزدیک شده بودیم».

ترامپ جنگ ۱۲ روزه را برای جمهوری اسلامی یک «فرصت از دست‌رفته» دانست و گفت: «می‌توانستند توافقی داشته باشند که نه کسی کشته شود، نه ساختمانی خراب شود... ما تأسیسات هسته‌ای آنها را نابود کردیم و تمام. آنها می‌توانستند یک توافق عالی داشته باشند، اما آن فرصت را از دست دادند. حالا دوباره می‌خواهند توافق کنند».

یک مقام اسرائیلی: جمهوری اسلامی پشت حمله مرگبار به یهودیان سیدنی است



نیروهای امدادی زخمی‌ها را به بیمارستان منتقل می‌کنند

قرار دادن منافع اسرائیل و جامعه یهودیان در خارج از خاورمیانه انجام شده باشد. یک مقام ارشد امنیتی اسرائیلی به رسانه‌ها گفته است که در ماه‌های اخیر «فعالیت [رژیم] ایران برای سازمان‌دهی حملات علیه اهداف اسرائیلی و یهودی در نقاط مختلف جهان افزایش یافته» و استرالیا نیز در این چارچوب قرار می‌گیرد.

بر اساس این ارزیابی‌ها، نهادهای امنیتی اسرائیل معتقدند ایران با استفاده از شبکه‌ای از عوامل، گروه‌های نیابتی و همچنین ایجاد هسته‌های تحریک در فضای مجازی، در پی فراهم کردن بستر حملات خشونت‌آمیز علیه نهادهای و افراد یهودی بوده است. در این میان، احتمال ارتباط با گروه‌هایی مانند حزب‌الله، حماس و حتی گروه‌های تندرو خارج از خاورمیانه نیز در دست بررسی قرار دارد. یک منبع اطلاعاتی اسرائیلی تاکید کرده است که «جهت‌دهی، طراحی و زیرساخت این‌گونه حملات در نهایت به تهران بازمی‌گردد»، هرچند شواهد نهایی همچنان در مرحله بررسی قرار دارد. روزنامه «اسرائیل هیوم» به نقل از یک مقام اسرائیلی نوشت که جمهوری اسلامی پشت حمله سیدنی است. این مقام که اشاره‌ای به نام او نشده گفته در ماه‌های اخیر فعالیت جمهوری اسلامی برای حملات علیه اهداف اسرائیلی و یهودی در جهان افزایش یافته و شکی نیست که حمله از تهران سرچشمه گرفته است.

پایگاه خبری «واینت» نیز نوشت که مقام‌های اسرائیل در حال بررسی این موضوع هستند که چه کسی پشت سیدنی است و اگر پای یک دولت در میان باشد، جمهوری اسلامی مظنون اصلی است.

پیش‌تر جرمی لیلر، یکی از رهبران جامعه یهودیان استرالیا، به تایمز اسرائیل گفته بود که مقامات این کشور در حال بررسی احتمال نقش داشتن جمهوری اسلامی در حمله سیدنی هستند.

● بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، ساعاتی پس از حمله تروریستی مرگبار تیراندازی در سیدنی در جریان جشن حنوکای یهودیان، گفت که در ماه اوت نامه‌ای به آنتونی آلبانیزی، نخست‌وزیر استرالیا، ارسال کرده بود و در آن نامه، کانبرا را متهم کرده بود که «بر این آتش یهودستیزی بنزین می‌ریزد».

● شارن هسکل، معاون وزیر خارجه اسرائیل، با لحنی تند به محکومیت آنتونی آلبانیز، نخست‌وزیر استرالیا، از حمله مرگبار امروز در ساحل بوندای سیدنی واکنش نشان داد و بیانیه او را «مایه شرمساری» خواند.

● اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، «حمله خشونت‌آمیز» در سیدنی استرالیا را محکوم کرد. او در «ایکس» نوشت: «ترور و کشتار انسان‌ها در هر کجا ارتکاب باید مردود و محکوم است».

● یک مقام ارشد امنیتی اسرائیلی به رسانه‌ها گفته است که در ماه‌های اخیر «فعالیت [رژیم] ایران برای سازمان‌دهی حملات علیه اهداف اسرائیلی و یهودی در نقاط مختلف جهان افزایش یافته» و استرالیا نیز در این چارچوب قرار می‌گیرد.

کریس مینز نخست‌وزیر ایالت نیو ساوت ولز استرالیا، اعلام کرد در جریان حمله تروریستی به محل اجتماع شهروندان یهودی در ساحل سیدنی جریان جشن حنوکای که یکشنبه ۲۳ آذرماه ۱۴۰۴ اتفاق افتاد، دست‌کم ۱۲ نفر کشته شدند. یکی از قربانیان این حمله کودک بود.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، ساعاتی پس از حمله تروریستی مرگبار تیراندازی در سیدنی در جریان جشن حنوکای یهودیان، گفت که در ماه اوت نامه‌ای به آنتونی آلبانیزی، نخست‌وزیر استرالیا، ارسال کرده بود و در آن نامه، کانبرا را متهم کرده بود که «بر این آتش یهودستیزی بنزین می‌ریزد».

نتانیاهو با بازگویی مضمون نامه خود افزود سیاست‌های آلبانیزی، که شامل به رسمیت شناختن یک دولت فلسطینی نیز می‌شود، «نفرت از یهودیان را که اکنون در خیابان‌های شما پرسه می‌زند» تشویق می‌کند. او گفت: «یهودستیزی یک سرطان است. وقتی رهبران سکوت می‌کنند، گسترش می‌یابد. شما باید ضعف را با اقدام جایگزین کنید».

شارن هسکل، معاون وزیر خارجه اسرائیل نیز با لحنی تند به محکومیت آنتونی آلبانیز، نخست‌وزیر استرالیا، از حمله مرگبار امروز در ساحل بوندای سیدنی واکنش نشان داد و بیانیه او را «مایه شرمساری» خواند.

او همچنین استدلال کرد که اسرائیل بارها هشدار داده بود اگر اقدامات بیشتری علیه یهودستیزی انجام نشود، وقوع چنین حادثه‌ای اجتناب‌ناپذیر است.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، «حمله خشونت‌آمیز» در سیدنی استرالیا را محکوم کرد. او در «ایکس» نوشت: «ترور و کشتار انسان‌ها در هر کجا ارتکاب باید مردود و محکوم است».

با این همه اما مقام‌های اسرائیلی انگشت اتهام را به سوی رژیم ایران گرفتند. به گفته مقام‌های امنیتی اسرائیل، نشانه‌هایی وجود دارد که حمله اخیر ممکن است در چارچوب الگوی گسترده‌تری از تلاش‌های ایران برای هدف

شده‌اند. مجروحان با هلیکوپتر به پادگان التنف در نزدیکی مرز عراق و اردن منتقل شدند. در پی این حمله تروریستی، نیروهای آمریکایی مستقر در سوریه با همراهی چند یگان ارتش سوریه علیه مواضع داعش دست به اقدام زدند. اکانت «موساد» در ایکس در واکنش به حمله تروریستی



یکی از عوامل عملیات تروریستی علیه نیروهای آمریکایی

در سوریه علیه نظامیان آمریکا نوشت: عامل انتحاری که به گشت مشترک آمریکا-سوریه در پالمیرا حمله کرد، اکنون به‌عنوان عضوی از «امنیت عمومی سوریه شناسایی شده و محافظ شخصی مرتبط با احمد الشرع (الجولانی)، رئیس‌جمهور جدید سوریه بوده است».

گزارش شده که او پیش‌تر به دلیل گرایش‌های افراطی در فهرست سیاه قرار داشته، اما همچنان در مأموریت باقی مانده بود. فردی که در این عکس دایره شده، مظنون به انجام این حمله است. این فقط یک حمله داعش نبود. این یک حمله از درون (خودی) توسط نیرویی بود که قرار بود شریک باشد.

نورالدین بابا سخنگوی وزارت کشور سوریه اعلام کرد یک فرد مسلح وابسته به داعش در مقابل در یک پست نظامی اقدام به تیراندازی کرده است. وی افزود مقام‌های سوری در حال بررسی این موضوع هستند که آیا این فرد عضو داعش بوده یا صرفاً ایدئولوژی افراطی این گروه را پذیرفته است. سخنگوی وزارت کشور سوریه همچنین گزارش‌هایی را که مهاجم را از نیروهای امنیتی معرفی می‌کردند، تکذیب کرد.

روزنامه «اورشلیم‌پست» با اشاره می‌نویسد که یگان «ارتش آزاد سوریه» شریک اصلی نیروهای آمریکایی در پایگاه «التنف» بود که از عرب‌های محلی سوریه تشکیل می‌شد و بعدها به لشکر ۷۰ نیروهای امنیتی جدید سوریه پیوست و به انجام مأموریت‌های امنیتی مشغول بود. این موضوع نشان می‌دهد که روند ادغام نیروها بدون نظارت دقیق می‌تواند خطرهایی در پی داشته باشد.

در بخشی گزارش آمده است که یکی از چالش‌های اصلی پیش روی دمشق، ادغام نیروهای دموکراتیک سوریه تحت حمایت آمریکا در شرق سوریه با نیروهای امنیتی تحت رهبری دولت مرکزی در غرب کشور است.

شکایت از چند شرکت قطعه سازی آمریکایی به اتهام تامین قطعات پهپادهای «شاهد»

● چند مؤسسه حقوقی آمریکایی و اوکراینی از جمله دفتر حقوقی «واتس» علیه برخی شرکت های آمریکایی تولیدکننده قطعات الکترونیکی که در پهپادهای «شاهد» جمهوری اسلامی استفاده می شوند و باعث کشتار اوکراینی ها و تخریب زیرساخت های انرژی این کشور شده اند، شکایت کرده اند. گفته می شود اکنون پنج شکایت در این ارتباط ثبت شده است.

● دیوید آلبرایت رئیس موسسه علوم و امنیت بین المللی، با انتشار پیامی در «ایکس» اعلام کرد که بر اساس تحقیقات موسسه او، شرکت «تگزاس اینسترومنتس» که کالاهای خود را به چین فروخته است، می داند که این قطعات در نهایت در پهپادهای شاهد و دیگر سامانه های نظامی به کار می روند.

● منابع غربی گزارش دادند چند شرکت از جمله «اینتل»، «ادونسد میکرو دیوایسز» (AMD)، «ماوسر الکترونیکس» و «تگزاس اینسترومنتز» ظاهراً به طور غیرمستقیم فناوری تراش های را فراهم کردند که در سامانه های تسلیحاتی روسی و ایرانی به کار رفته و توسط نیروهای روسیه مستقر



تست پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی

شده است. اینها شامل سامانه هایی چون شاهد۱۳۶- و موشک های Kh-101 و اسکندر-ام می شود.

چند مؤسسه حقوقی آمریکایی و اوکراینی از جمله دفتر حقوقی «واتس» علیه برخی شرکت های آمریکایی تولیدکننده قطعات الکترونیکی که در پهپادهای «شاهد» جمهوری اسلامی استفاده می شوند و باعث کشتار اوکراینی ها و تخریب زیرساخت های انرژی این کشور شده اند، شکایت کرده اند. گفته می شود اکنون پنج شکایت در این ارتباط ثبت شده است.

دیوید آلبرایت رئیس موسسه علوم و امنیت بین المللی، با انتشار پیامی در «ایکس» اعلام کرد که بر اساس

محاصره نفتکش های تحریم شده ونزوئلا؛ ترامپ: دولت مادورو سازمان تروریستی خارجی تعیین شد



دونالد ترامپ / عکس: رویترز

ونزوئلا به عنوان سازمان تروریستی خارجی شناخته شده است.

ترامپ با اشاره به دستور برای محاصره کامل نفتکش های تحت تحریم که وارد یا خارج ونزوئلا می شوند گفت: «مهاجران غیرقانونی و مجرمانی که رژیم مادورو در زمان دولت ضعیف و ناتوان بایدن به ایالات متحده فرستاده، با سرعت به ونزوئلا بازگردانده می شوند. آمریکا اجازه نمی دهد مجرمان، تروریست ها یا دیگر کشورها ملت ما را تهدید، غارت یا آسیب برسانند و به همان شکل، اجازه نمی دهد یک رژیم خصمانه نفت، زمین یا دیگر دارایی های ما را تصاحب کند. همه این دارایی ها باید فوراً به ایالات متحده بازگردانده شوند.»

یک نفتکش به نام «اسکیپر» اخیراً در سواحل ونزوئلا توقیف شد، این نفتکش به دلیل حمل نفت تحریم شده از ونزوئلا و ایران توقیف شده است.

دولت ترامپ می گوید «اسکیپر» یک کشتی است که به صورت مخفیانه نفت حمل می کند و بخشی از ناوگانی متشکل از تقریباً هزار نفتکش است که به طور مخفیانه از مسیرهای دریایی جهانی برای انتقال نفت از کشورهای تحریم شده مانند روسیه، ایران و ونزوئلا استفاده می کنند. به گفته مقامات، این کشتی ها موسوم «ناوگان شیخ» تحت پرچم کشورهای خارجی حرکت می کنند تا مبدا خود را پنهان کنند، نام خود را مرتباً تغییر می دهند، مالکیت را از طریق شرکت های صوری منتقل می کنند، فرستنده های موقعیت یاب خود را خاموش می کنند تا رهگیری نشوند و بار خود را با انتقال میان دریایی مخفی می کنند.

براساس گزارش فاکس، نیروهای نظامی آمریکا از سپتامبر تاکنون به باقیقی های مشکوک به قاچاق مواد مخدر در نزدیکی ونزوئلا حمله کرده اند تا جریان مواد مخدر به این کشور را متوقف کنند. از سپتامبر تاکنون حداقل ۲۲ حمله به قاچاقچیان مواد مخدر انجام شده که ۸۷ نفر کشته شده اند. فاکس می نویسد، این حملات دریایی به عنوان بخشی از کارزار فشار آمریکا بر ونزوئلا دیده می شوند که احتمالاً هدف آن نه تنها کاهش جریان مواد مخدر، بلکه برکناری مادورو به عنوان رهبر کشور نفت خیز است.

● رئیس جمهوری آمریکا سه شنبه ۱۶ دسامبر (۲۵ آذرماه) دستور محاصره کامل نفتکش های ورودی و خروجی از ونزوئلا را صادر کرد و رژیم نیکلاس مادورو را سازمان تروریستی خارجی اعلام کرد.

● اکنون به صورت رسمی مادورو و همدستانش متهم اند که از دارایی های سرقت شده آمریکا برای تامین مالی تروریسم، قاچاق و دیگر فعالیت های مجرمانه استفاده می کنند.

● دونالد ترامپ توضیح داد: «رژیم غیرقانونی مادورو از نفت این میادین نفتی سرقت شده برای تامین مالی خود، تروریسم مواد مخدر، قاچاق انسان، قتل و آدم ربایی استفاده می کند. به خاطر دزدی از دارایی های ما و دلایل متعدد دیگر، از جمله تروریسم، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان، رژیم ونزوئلا به عنوان سازمان تروریستی خارجی شناخته شده است.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا سه شنبه ۱۶ دسامبر (۲۵ آذرماه) دستور محاصره کامل نفتکش های ورودی و خروجی از ونزوئلا را صادر کرد و رژیم نیکلاس مادورو را سازمان تروریستی خارجی اعلام کرد. اکنون به صورت رسمی مادورو و همدستانش متهم اند که از دارایی های سرقت شده آمریکا برای تامین مالی تروریسم، قاچاق و دیگر فعالیت های مجرمانه استفاده می کنند.

به گزارش فاکس نیوز ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث» نوشت: «ونزوئلا کاملاً توسط بزرگترین ناوگان جمع شده در تاریخ آمریکای جنوبی محاصره شده است. این ناوگان بزرگتر هم خواهد شد و شوکی که به آنها وارد می شود، مانند هیچ چیزی است که قبلاً دیده اند - تا زمانی که همه نفت، زمین و دیگر دارایی هایی که قبلاً از ما دزدیده اند، به ایالات متحده بازگردانده شود.»

او در ادامه توضیح داد: «رژیم غیرقانونی مادورو از نفت این میادین نفتی سرقت شده برای تامین مالی خود، تروریسم مواد مخدر، قاچاق انسان، قتل و آدم ربایی استفاده می کند. به خاطر دزدی از دارایی های ما و دلایل متعدد دیگر، از جمله تروریسم، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان، رژیم

باشش

هرآنکس که دندان دهد...

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۷) مهر ۱۳۸۶



هم خنثی شد. حالا که سلاطین جور رفته‌اند و جایشان را به نمایندگان خدا سپرده‌اند که به نیابت او بر بندگانش ولایت می‌کنند، لاجرم باید فرهنگ مملکت هم تحول پیدا کند و خدایی شود. از همین روست که حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا ناصری یزدی نمایندۀ ولی فقیه در چهارمحال و بختیاری و امام جمعه شهرکرد، در دیدار با رؤسای آموزش و پرورش مناطق هفده‌گانه استان، فرموده‌اند: «بابا نان داد روحیۀ استعماری دارد و یک برنامه از پیش تعیین شده برای انحراف ذهن دانش‌آموزان است. به جای آن در نظام اسلامی آموزش و پرورش باید از خدا نان داد استفاده شود».

وقتی انسان، الفبای زبان را برای خواندن و نوشتن با «خدا نان داد» بیاموزد، فهم اشعاری از این قبیل برایش آسان می‌شود:

هیچ بر گوشت نیامد ای لئیم
حرف الرزق علی‌الله الکریم؟
که از شیخ بهائی است. یا:

غم روزی محور تا روز ماند
که خود روزی‌رسان روزی رساند

از حکیم نظامی، و نظیرش از صائب:
رزق را روزی‌رسان پر می‌دهد
بی‌مگس هرگز نماند عنکبوت

عیش فقط این است که با رواج این گونه ادبیات، همگان همه چیز را از خدا می‌خواهند و هرگاه کم و زیاد حاصل شود، چون خدا در مرکز مسؤولیت قرار دارد، اشعار انقلابی بازار پیدا می‌کند:

اگر دستم رسد بر چرخ گردون
ازو پرسم که این چنینست و آن چون
یکی را داده‌ای صد گونه نعمت
یکی را قرص جو آورده در خون

و کم کم بر خداوند عزّ شأنه آن رسد که بر شاهنشاه آریامهر رفت. یک نره غول خدانشناسی سر بلند می‌کند و می‌گوید «خدا باید برود»!

سعدی فرماید:

یکی طفل دندان برآورده بود
پدر سر به فکرت فرو برده بود
که من نان و برگ از کجا آرمش
مروت نباشد که بگذارمش
چو بیچاره گفت این سخن نزد جفت
نگر تا زن، او را چه مردانه گفت
مخور هول ابلیس، تا جان دهد
هرآنکس که دندان دهد نان دهد

قرن‌ها بعد از سعدی، شاعری طنزگوی در اقتضای وی چنین سرود:

طیبی است اندر خیابان ری
به پیر نودساله دندان دهد
برو دامنش را بگیر و بگوی
هرآنکس که دندان دهد نان دهد

ما که مدرسه می‌رفتیم شعر سعدی را در کتاب درسی می‌خواندیم و شعر اخیر را در روزنامه. برای خواندن روزنامه، می‌بایستی کتاب درسی خوانده باشیم و برای خواندن کتاب درسی می‌بایستی الفبا آموخته باشیم. الفبا را با شعر سعدی نمی‌شد یاد گرفت.

نسل ما، در دبستان به جای «الف دو زیر آندو دو زیر اِندو دو و پیش اُند» که شیوۀ تدریس الفبا و زیر و زبَر آن در مدارس قدیم بود، الفبا را با متد جدید به‌کار رفته در کتابهای رسمی آموزشی دورۀ رضاشاه یاد می‌گرفت که وزارت فرهنگ چاپ می‌کرد: «ای بابا، ای بیچاره، کی آمدی، خرابه‌های ری نزدیک تهران است»!

برای نسل بعدی، طراحان کتابهای درسی دوران محمدرضاشاه، روش تازه‌تری در نظر گرفتند. «بابا نان داد، ماما آب داد»، اولین کلماتی بود که این نسل در مدرسه می‌آموخت.

پشت این تغییر و تبدیل، شیطنتی وجود داشت که ما مردمان صاف و ساده ملتفتش نبودیم. می‌خواستند نسل نو را، از همان ابتدا که چشم باز می‌کند از خدا غافل کنند. انقلاب شکوهمند اسلامی آن بساط را به هم زد، آن توطئه

تحقیقات موسسه او، شرکت «تگزاس اینسترومنتس» که کالاهای خود را به چین فروخته است، می‌داند که این قطعات در نهایت در پهبادهای شاهد و دیگر سامانه‌های نظامی به کار می‌روند. به گفته آلبرایت، اسناد داخلی روسیه که تگزاس اینسترومنتس بدون تردید از آنها آگاه است، نشان می‌دهد که قطعات این شرکت در ماژول‌های کنترل پرواز، سامانه‌های ضد اخلا و سامانه‌های ناوبری پهباد شاهد استفاده می‌شوند.

منابع غربی گزارش دادند چند شرکت از جمله «اینتل»، «ادونسد میکرو دیوایسز» (AMD)، «ماوسر الکترونیکس» و «تگزاس اینسترومنتز» ظاهراً به‌طور غیرمستقیم فناوری تراشه‌ای را فراهم کردند که در سامانه‌های تسلیحاتی روسی و ایرانی به‌کار رفته و توسط نیروهای روسیه مستقر شده است. اینها شامل سامانه‌هایی چون شاهد ۱۳۶- و موشک‌های Kh-101 و اسکندر-ام می‌شود. اگرچه این شرکت‌ها به تامین مستقیم فناوری خود برای نیروهای روسیه متهم نشده‌اند، دادخواست‌ها استدلال می‌کنند که محصولاتشان از طریق «پروتکل‌های ضعیف انطباق ... و نظارت محدود بر زنجیره‌های تامین» به روسیه رسیده است. اسناد نشان می‌دهد که نهادهای فدرال، خبرنگاران و نهادهای بین‌المللی ناظر مستند کرده‌اند که چگونه تراشه‌های پردازشی آنها از مسیرهای توزیع آسیب‌پذیر دوباره مسی‌دهی می‌شد، اما فروش در سطح ایالتی به‌رغم این هشدارها ادامه یافت.

یکی از غونه‌ها، گزارشی در سال ۲۰۲۳ از مدرسه اقتصاد کی‌یف و کارگروه بین‌المللی تحریم‌های روسیه است که ۱۷۴ قطعه خارجی را در پهبادهای نظامی روسیه شناسایی می‌کند. از این میان، ۳۶ مورد به تگزاس اینسترومنتز و تراشه‌های زایلینکس تولیدشده توسط «ادونسد میکرو



دیوایسز» نسبت داده شده است.

استفاده جمهوری اسلامی از قطعات ساخت کشورهای غربی در تولدی موشک و پهباد سابقه طولانی دارد. روزنامه «گاردین» هم‌راه سال ۱۴۰۲ گزارش داد ایران برای تولدی پهباد از قطعات ساخت شرکت‌های اروپایی و کشورهای مثل آمریکا و ژاپن استفاده کرده است.

طبق این گزارش، ۵۲ قطعه الکترونیکی تولیدشده توسط شرکت‌های غربی در پهباد «شاهد ۱۳۱» و ۵۷ قطعه در «شاهد ۱۳۶» با بُرد پرواز دو هزار کیلومتر و با سرعت حدود ۱۸۰ کیلومتر در ساعت به کار رفته بود.

بخشی از این قطعات ساخت پنج شرکت اروپایی از جمله یک شرکت لهستانی و یک شرکت چندملیتی بریتانیایی بودند.

«عین الله» بالباس و آرایش غلیظ زنانه در مسابقه تلویزیونی شرکت کرد

بازنشسته

تقلید صدای نخست وزیر و رجال و معاریف توسط عبدالکریم اصفهانی در حضور شاه
در بین بینندگان برنامه‌های تلویزیونی کسانی بودند که اشتباهات ما را متوجه می‌شدند و مچمان را می‌گرفتند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: اسفند ۱۳۸۱ و فروردین‌ماه ۱۳۸۲ - شماره‌های ۹۴۷ - ۹۵۰)



خاطراتی چند از تلویزیون ایران (۲)

عزت الله متوجه

که می‌خواستیم برنامه را تمام کنیم اعلیحضرت می‌گفتند باز هم ادامه بدهید و سخت می‌خندیدند. یکی دو باری این برنامه تکرار شد، بالاخره جلو رفتم و دست شاهنشاه را بوسیدم و گفتم قربان، معاف بفرمایید، دیگر چیزی به یاد ندارم». عبدالکریم اصفهانی هر وقت ادای مرا درمی آورد سؤالی طرح می‌کرد و می‌گفت «عنصرالمعالی کیکاووس». او هم هرجا هست یادش بخیر.

گوشی مختصری در حدود ۹۰ درصد مبتلا شده است در عوض عزت الله متوجه هم زبان شیرین و هم قلم نمکین خود را حفظ کرده و به تشویق پسرش همایون خاطراتی را از بیست سال همکاری با تلویزیون روی کاغذ آورده است که در چند شماره خواهید خواند.

باینبری اردستان زاده کلارستانی دریابان» و هنگام معرفی گفتم اجازه بفرمایید برای کشیدن بار نام سرکار يك کامیون بیاوریم. خود من هنوز بعد از چهل سال که از این واقعه می‌گذرد با یادآوردن آن از خنده روده‌بر می‌شوم. البته در آخر برنامه او را معرفی کردیم و مجسم کنید وضع خانها و حاضران در استودیو را که تا پایان برنامه نفهمیده بودند که او زن نیست. هر کجا هست یادش بخیر.

نام و چهره عزت الله متوجه را نسل اول مهاجرین بعد از انقلاب از یاد نبرده اند. او یکی از چهره های سرشناس تلویزیونی بود که شهرت خود را با اجرای موفقیت آمیز برنامه های هوش آزمایی و مسابقات ادبی حاصل کرد. متوجه اینک دوران سوم زندگی را در سواحل نورماندی (فرانسه) می گذراند و دچار گرانشی است یا به قول خودش به گران

ایام نوروز یکی از سالهای ۴۰ بود و طبعاً برای برنامه مارگارت آستور باید چیزی شادتر از برنامه‌های معمولی تهیه می‌کردیم. با روح‌الله مبشر نشستیم و برنامه‌ای تهیه کردیم که یکی از قسمت‌هایش شرکت «حسن رضیانی» بود در برنامه؛ همان که در فیلمهای «صمد» نقش عین‌الله باقرزاده را بازی می‌کرد.

وی را به اتاق «گریم» یا اتاق آرایش فرستادیم و از او خانمی ساختند با لباس و شمایل واقعاً دیدنی. گیسویی افشان، صورتی به حد افراط و حتی زننده آرایش شده با چند خال و واقعا حالتی داشت که هر کس او را می دید به خنده می‌افتاد. با آن لباس عجیبی که برایش تهیه دیده بودیم و کفشها و راه رفتن و قر و قنبیله‌ای که مخصوص خود اوست و قسمتی از آن را در فیلم «صمد آرتیست می‌شود» دیده‌اید. ولی در هر حال خانمی بود مثل بقیه شرکت کنندگان و هیچکس در زن بودن او تردیدی نمی‌کرد و جزو منتظرین شروع برنامه در سالن انتظار نشسته بود. آن شب به مناسبت ایام نوروز و برنامه مخصوص، سالن انتظار تلویزیون ایران از خانمهایی که برای شرکت و تماشای مسابقه آمده بودند به‌قول معروف موج می‌زد و تا به حال هرگز اینقدر شلوغ نشده بود زیرا خیلی روی این شب تبلیغ کرده بودیم و جوایز نفیسی برای همه در نظر گرفته بودیم. باید بگویم که مسئولان اداری تلویزیون از دست من به عذاب بودند زیرا هر هفته بیش از يك گونی نامه برای تقاضای شرکت در این برنامه و یکی دو برنامه دیگر که در طول هفته اجرا می‌کردم، می‌آمد. به هرحال، ما مشغول انجام مقدمات برنامه بودیم که از قسمت فنی هراسان آمدند که به دادمان برسید، سر و صدای خانها به قدری زیاد است که به داخل استودیو ضبط می‌رسد و ممکن است برنامه‌های دیگر را خراب کند.

به‌سرعیت پایین رفتیم و دیدیم این خانم مکش مرگ می‌آرایش از ما بهتران کرده که در روزهای سرد اول بهار تهران، بادبزین بزرگ اسپانیولی قرن هیجدهم در دست دارد و دائماً خود را باد می‌زند و با هیچکس هم حرف نمی‌زند، اطواری می‌ریزد که همه خانمهای حاضر از شدت خنده بی‌تاب شده‌اند و تعجب می‌کنند این خانم کیست که برای شرکت در مسابقه آمده است. و بقدری ادا و اطوار او زیاد است که تا به حال ندیده‌اند. در هر صورت او را به استودیو بردیم و در مسابقه شرکت کرد و معلوم است که این خانم با آن آرایش غلیظ و عجیب و غریب و ادا و اطوار و بادبزین به دست و با آن صدای زنانه‌ای که بکار می‌برد، چه برنامه‌ای اجرا کرد. برای او نامی هم ساخته بودیم عجیب و غریب که به‌خاطر نمی‌آورم، چیزی مثل بانو «مهرالنظاره اشرف‌الملوک



عبدالکریم اصفهانی

در آن روزگار هنوز «عبدالکریم اصفهانی» کارش شناخته نشده بود و بسیاری از تقلید صداها را علی تایش می‌کرد. چند بار او را به تلویزیون آوردیم و برنامه‌های جالبی اجرا کرد. حتی به‌یاد دارم با دکتر امینی که در آن زمان نخست وزیر بود صحبت کردیم و موافقت کرد که صدا و حرکات او را هم تقلید کند ولی مقامات امنیتی موافقت نکردند.

«عبدالکریم اصفهانی» به‌قدری خوب صداها را تقلید می‌کرد که تا به حال مانند او نداشته‌ایم. خود اوتعریف می‌کرد که در يك شب نشینی که نخست وزیر هویدا و وزرا و بسیاری از رجال هم بودند و در حضور شاهنشاه و شهبانو برگزار می‌شد، تقلید بزرگان و نخست وزیر و وزرا و افراد مشهور و گویندگان و اجرا کنندگان را درمی‌آوردم و هر بار

شب به‌خیر دوستان بلنداکس

یکی از برنامه‌هایی که بسیار مورد توجه مردم بود و برنامه‌ای بود بسیار پربیننده و در حد خود علمی و ادبی، برنامه «بلنداکس» بود که هنوز هم بزرگترها و بینندگان آن روزها حتی در اروپا و آمریکا وقتی به من می‌رسند می‌گویند «شب بخیر دوستان بلنداکس». این برنامه پس از مؤسسه بلنداکس، وسیله «هواپیمایی ملی ایران» به‌نام برنامه «هما» و بعدها که تلویزیون دولتی شد، باز هم وسیله «هما» و پس از آن، وسیله خود «تلویزیون ملی ایران» تا سال ۵۷ اجرا می‌شد.

سال ۴۶ یا ۴۷ بود. در یکی از شبها که برنامه‌هایی بلنداکس به‌پایان رسیده بود و قرار بود جوایز فراوانی به برندگان نهایی بدهیم تصمیم گرفتیم جوایز را به‌وسیله کودکان خردسال اهدا کنیم. در حدود ده نفر یا بیشتر

به جای لندن «لندن» و غیره که سر دراز دارد و تازه اگر من یکی دو تا از این اسامی را بدین صورت بگویم بلافاصله تلفنها شروع خواهد شد که آقا جان چرا در تلویزیون اظهار فضل بیهوده می کنی و «جعفرخان از فرنگ آمده» می شوی. عرض خود می بری و زحمت ما می داری و ملانقطی فرنگی شده ای. اجازه بفرمایید به همان صورتی که معمول عامه است حرف بزنیم.

آقای نامه نوشته بود که در زبان فارسی تشدید نیست و چرا شما بعضی از کلمات را مشدد بکار می برید. در تلویزیون جواب دادم راست است و تشدید مخصوص کلمات عربی است اما تکلیف بنده را با ادبیات هزارساله ایران روشن کنید. اشعار بزرگترین شعرای ایران و حتی شعرای قرون چهارم و پنجم هجری پر است از کلمات مشدد فارسی، مثلا این اشعار فردوسی استاد طوس را جز اینکه با تشدید بخوانید چه چاره ای:

به دست وی اندر یکی پشام

وز این آفرینش پر اندیشه ام

یا:

جهان را بلندی و پستی تویی

ندانم چهای هرچه هستی تویی

یا:

هنر مردمی باشد و راستی

ز گزئی بود کمی و کاستی

بعدها مجبور بودم اغلب شبها تا دو و سه پس از نیمه شب در کتابخانه ام که بتدریج از کتب ارزنده تهیه کرده بودم، بنشینم و هر سؤال را با مراجعه به مآخذ متعدد و مطالعه بیشتر تهیه کنم. به عنوان مثال در همان سالهای اولیه، شبی پرسیدم این شعر از کیست:

چو در طاس لغزنده افتاد مور

رهاننده را چاره باید نه زور

جواب دادند از سعدی است و برنده شدند و جایزه ای گرفتند و تمام شد. اما خیر! هفته بعد جوانی با خطی بسیار خوش نامه ای نوشت که نه آقا، اشتباه کرده اید، این شعر از نظامی است در شرفنامه و از شیخ اجل نیست. و معلوم شد که بنده شرمندۀ سؤال را از روی حافظه بی حافظه طرح کرده ام و چون ضرب المثل است و از تلویزیون که یک مرجع رسمی است پخش شده، اعتراض برانگیخته است. مجبور شدیم آن جوان را به تلویزیون دعوت کنیم و جایزه ای هم به ایشان تقدیم کنیم که الحق والانصاف شایسته اش بود.

پس از مدتی به این نکته رسیدم که علامه فقید محمد قزوینی گفته بود که «من اگر بخواهم سوره قل هوالله را هم بنویسم، بدون مراجعه به متن قرآن از نقل آن خودداری می کنم». صحبت از اشتباهات و بی توجهی ها بود و گرفتاریهای بعدی. یک مورد از این اشتباهات را ذکر می کنم و سپس می پردازم به گرفتاریهای بعد از برنامه.

شبی پرسیدم بفرمایید این شعر بسیار معروف از کیست:

از کودکان را به استودیو آوردیم که پسر و دختر ۴ و ۵ ساله من هم جزو آنها بودند. من در وسط استودیو ایستاده و مشغول ادای توضیحات راجع به معلومات فراوان برندگان و اطلاعات عمومی آنان بودم. در این میان پسر من که جزو گروه خردسالان، پشت سر من ایستاده بود، مرتباً گوشه کت مرا می کشید ولی من به صحبت مشغول بودم و اعتنایی نمی کردم. بالاخره ناچار شدم و گفتم بینندگان عزیز، این پسر من است و نمی گذارد حرفم را بزنم. اجازه بدهید ببینم چه می گوید. میکروفن را جلو بردم و گفتم باباجان، چه می خواهی؟ بگو! پسر مرا که در صف بود نشان می داد و مرتب می گفت «باباجون، این جیش کرده! باباجون این جیش کرده» دوربین هم نامردی نکرد و تمام منظره و آثار جرم را تعقیب کرد و نشان داد. خودتان وضع استودیو را با تماشاگرانی که در استودیو تا آن تاریخ در تلویزیون سابقه نداشت مجسم کنید و خنده و شلوغی را در استودیو.

به هر حال، این برنامه از برنامه های فراموش نشدنی بود و یکی از افسران اداره راهنمایی و رانندگی به من می گفت فلانی، دو شب تهران خلوت شده بود و مردم هر جا بودند در ساعت ۹ خود را به تلویزیون می رسانیدند. یکی شبی که تلویزیون پایان فیلم فراری و گرفتار شدن و معرفی جنایتکار اصلی را نشان می داد، و دومی شبی که برنامه نهایی بلنداکس و پخش جوایز آنان اتمام می یافت.

یاد باد آن روزگاران، یاد باد.

امیرعباس هویدا هم...

جزو خاطراتم باید این را هم بنویسم که معمولا از لوازم آرایش مارگارت آستور به همراه داشتم و به شرکتها و ادارات که می رفتم به شوخی به مدیران می دادم. یکی از اینها شادروان «امیرعباس هویدا» بود که در آن روزگار رئیس کل امور اداری شرکت ملی نفت ایران بود و آن موقع هنوز متأهل نبود و بسیار خندید. سالها بعد در یک شب نشینی در هتل هیلتون که هویدا نخست وزیر و اکثر وزرا حضور داشتند و من هم در آن شب مسئولیتی داشتم به سراغم آمدند که جناب آقای نخست وزیر با شما کار دارند. جلو رفتم. مرحوم هویدا گفت «فلانی، من ادعای غبن دارم، چون از وقتی که نخست وزیر شده ام دیگر نمی توانم برنامه های شما را ببینم و لذت ببرم».

چندان هم متوجه نبودم!

اینک می پردازم به مسابقات جدی تر و مشکلاتی که پخش سؤالات برای من به وجود می آورد. سؤالات تمام برنامه ها را خود من طرح می کردم. مرحوم ثابت به من علاقه و اعتماد فراوان داشت و هیچ مقامی در تلویزیون در مورد سؤالات برنامه ها به قول مشهور کاری به کار من نداشت و این جریان حتی در دوران فعالیت در تلویزیون دولتی (تلویزیون ملی ایران) نیز به همین صورت بود. در اوایل که هنوز کاملاً وارد گود نشده بودم به نظم کاری بسیار آسان می آمد. کتابی را برمی داشتم و از روی آن پرسشی طرح می کردم و برنامه ای اجرا می شد. پس از آن که چندین بار با اشکالات متعدد و اعتراض مواجه شدم، تازه متوجه گردیدم که برخلاف نام چندان هم «متوجه» نبوده ام و عمق دریایی را که در آن وارد شده ام نمی دانستم.

سؤالی را از فلان کتاب مطرح می کردم و بعداً معلوم می شد نویسنده هم مانند من بی اطلاع بوده و جواب صحیح چیزی دیگر است و در نتیجه تلفنها بود و نامه های فراوان اعتراض. حق هم همین بود زیرا مردم از تلویزیون همیشه صحیح ترین را در هر موردی می خواهند و نمی پذیرند که مطلبی از رادیو یا تلویزیون غلط گفته شود.



حسن رضیانی (عین الله باقرزاده) و غلامحسین بهمنیار

تا بدانجا رسید دانش من

که بدانم همی که نادانم

جواب دادند «ابوعلی سینا» و طبعاً برنده هم شدند. زیرا من و بسیاری از شما همواره این شعر را از استاد بزرگ ابوعلی سینا می دانستیم و در بسیاری از کتب هم به نام او ثبت شده است. چند روز بعد نامه ای رسید که نه جانم، اشتباه کرده ای، این شعر از ابوعلی سینا نیست بلکه از «ابوشکور بلخی» است. و همین طور هم بود.

در مورد تلفظ نامه های فرنگی مشکلی داشتیم. شبی خامی تلفن زد که آقا جان، چرا می گوید «آبراهام لینکلن». در حالی که باید بگوید «لینکن» و راست هم می گفت. ولی جواب دادم سرکار خانم اگر بخواهیم کاملاً صحیح بگوییم باید گفت «آبراهام لینکن» یا «جک لاندن» یا «ویکتور اوگو» و تازه چه کنیم با پاریس که باید بگوییم «پری» یا

که در این ابیات اصلاً کلمه عربی بکار نرفته است. یا این اشعار که از قصیده داغاه فرخی سیستانی است: دوش وقت نیمشب بوی بهار آورد باد
حبذا باد شمال و خرما بوی بهار
داغاه شهریار اکنون چنان خرم بود
کاندر او از نیکویی حیران هماند روزگار

و ما همه «خرم» را که کلمه ایست فارسی، با تشدید می خوانیم و تازه اینها نمونه ای بود از آثار شعرای قرن چهارم و پنجم و به سراغ نظامی و مولوی و سعدی و حافظ نرفته ایم و به هر صورت بکار نبردن تشدید در ادبیات موجود فارسی امکانپذیر نیست و آنچه را که در کتب دستور زبان فارسی خوانده اید برای شناختن لغات است.

دنباله دارد

یک مقام امنیتی اسرائیل: نخستین جنگ سایبری تمام‌عیار به زودی در خاورمیانه رخ می‌دهد



سرتیپ یوسی کارادی مدیرکل اداره سایبری اسرائیل

حمل‌ونقل فلج می‌شود و منابع آب آلوده می‌شود.» در کنار تمرکز شدید بر سامانه‌های صنعتی حیاتی، هشدارها شامل جنگ اطلاعاتی و حملات مستقیم سایبری علیه غیرنظامیان نیز می‌شود؛ جایی که «هر شهروندی یک هدف است.»

کارادی به عملیات «طلوع شیران» [جنگ ۱۲ روزه] اشاره کرد که در آن «۱۲۰۰ کارزار نفوذ و تأثیرگذاری علیه غیرنظامیان اسرائیلی» اجرا شد؛ به این معنا که طی دو هفته، میلیون‌ها شهروند دست‌کم یک بار در معرض پیام‌ها یا ویدئوهای گمراه‌کننده قرار گرفتند.

به گفته او، جمهوری اسلامی ایران نقش محوری در این اقدامات داشته و مسئول «جمع‌آوری هدفمند اطلاعات درباره چهره‌های نظامی، دولتی و دانشگاهی اسرائیل با هدف ارعاب فیزیکی» بوده است.

براساس گزارش منابع اطلاعاتی اسرائیل تیم‌های سایبری وابسته به حکومت ایران از جاسوسی صرف عبور کرده‌اند و به سمت حملات سایبری مخرب و ویرانگر حرکت کرده‌اند که به اعتقاد سرتیپ کارادی، این تهدید را تا این اندازه حیاتی می‌کند.

سرتیپ یوسی کارادی هشدار داد در حالیکه آمریکا و متحدانش همچنان با چین و روسیه و محورهای آن‌ها درگیر خواهند بود، نخستین جنگ واقعی ترکیبی سایبری احتمالاً در خاورمیانه رخ خواهد داد؛ جنگی که شاید چندان هم دور نباشد.

او در بخش دیگری از این سخنرانی توضیح داد: «وابستگی کامل ما به سیستم‌های دیجیتال، همراه با گسترش انفجاری هوش مصنوعی در همه ابعاد زندگی، فرصت‌های خارق‌العاده‌ای ایجاد می‌کند، اما هم‌زمان تهدیدهای تازه‌ای را هم به وجود می‌آورد و میدان عملی تقریباً نامحدودی در اختیار دشمنان سایبری می‌گذارد.»

در سخنرانی افتتاحیه، پروفیسور آریل پُرات رئیس دانشگاه تل‌آویو، دو خطر اصلی برای امنیت جهانی را تشریح کرد: «ترکیب حملات سایبری تهاجمی با هوش مصنوعی، و گسترش اطلاعات نادرست همراه با افزایش اخبار جعلی. برخی حتی می‌گویند این بزرگ‌ترین خطر است؛ اینکه مردم دیگر نتوانند تشخیص دهند چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست. با ظهور هوش مصنوعی مولد و چت‌جی‌پی‌تی، این تهدیدها جدی‌تر و خطرناک‌تر شده‌اند.» مقام‌های امنیت سایبری اسرائیل می‌گویند در پی جنگ ۱۲ روزه و افزایش سطح تقابل با جمهوری اسلامی ایران، تهران دامنه حملات سایبری خود را گسترش داده است.

بزرگ‌ترین جنگ سایبری در خاورمیانه

مدیرکل اداره ملی سایبری اسرائیل در کنفرانس «هفته سایبری» در تل‌آویو، با ارائه تصویری «نگران‌کننده» از آینده نسبت به اقدامات ایران هشدار داد و گفت نگرانی‌ها به دلیل «روش‌های حمله و نفوذی است که ایران طی شش ماه گذشته علیه اسرائیل به‌کار گرفته است.»

سرتیپ یوسی کارادی که تاکنون هرگز تا این حد علنی و هشدارآمیز درباره ایران صحبت نکرده بود، گفت: «یک کلیک می‌تواند یک کشور را زمین‌گیر کند.»

مدیرکل اداره سایبری اسرائیل به حاضران در کنفرانس گفت جهان به‌سوی «نخستین جنگ مبتنی بر سایبر» پیش می‌رود؛ جنگی که در آن حتی یک گلوله هم شلیک نمی‌شود و «یک کشور می‌تواند صرفاً از طریق فضای مجازی هدف حمله قرار گیرد»، به‌گونه‌ای که سامانه‌های حیاتی آن فلج شده و نوعی «محاصره دیجیتال» شکل بگیرد.

او تأکید کرد: «این یک سناریوی تخیلی نیست، بلکه مسیری کاملاً واقعی است. محاصره دیجیتال را تصور کنید: نیروگاه‌ها خاموش می‌شوند، ارتباطات قطع می‌شود،

● کنفرانس «سایبرویک ۲۰۲۵» برای پانزدهمین سال پیاپی در تل‌آویو آغاز شد؛ رویدادی که برگزاری آن به‌دلیل جنگ ۱۲ روزه با ایران، از زمان معمول تابستانی خود به تعویق افتاده بود. مدیرکل اداره ملی سایبری اسرائیل در این کنفرانس پیش‌بینی کرد نخستین جنگ سایبری تمام‌عیار به زودی در خاورمیانه رخ می‌دهد.

● پروفیسور آریل پُرات رئیس دانشگاه تل‌آویو، دو خطر اصلی برای امنیت جهانی را تشریح کرد: «ترکیب حملات سایبری تهاجمی با هوش مصنوعی، و گسترش اطلاعات نادرست همراه با افزایش اخبار جعلی. برخی حتی می‌گویند این بزرگ‌ترین خطر است؛ اینکه مردم دیگر نتوانند تشخیص دهند چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست. با ظهور هوش مصنوعی مولد و چت‌جی‌پی‌تی، این تهدیدها جدی‌تر و خطرناک‌تر شده‌اند.»

● مدیرکل اداره سایبری اسرائیل به حاضران در کنفرانس گفت جهان به‌سوی «نخستین جنگ مبتنی بر سایبر» پیش می‌رود؛ جنگی که در آن حتی یک گلوله هم شلیک نمی‌شود و «یک کشور می‌تواند صرفاً از طریق فضای مجازی هدف حمله قرار گیرد»، به‌گونه‌ای که سامانه‌های حیاتی آن فلج شده و نوعی «محاصره دیجیتال» شکل بگیرد.

● سرتیپ یوسی کارادی هشدار داد در حالیکه آمریکا و متحدانش همچنان با چین و روسیه و محورهای آن‌ها درگیر خواهند بود، نخستین جنگ واقعی ترکیبی سایبری احتمالاً در خاورمیانه رخ خواهد داد؛ جنگی که شاید چندان هم دور نباشد.

کنفرانس «سایبرویک ۲۰۲۵» برای پانزدهمین سال پیاپی در تل‌آویو آغاز شد؛ رویدادی که برگزاری آن به‌دلیل جنگ ۱۲ روزه با ایران، از زمان معمول تابستانی خود به تعویق افتاده بود. مدیرکل اداره ملی سایبری اسرائیل در این کنفرانس پیش‌بینی کرد نخستین جنگ سایبری تمام‌عیار به زودی در خاورمیانه رخ می‌دهد.

به گزارش «جوئیش‌نیوز سندیکا» ۱۰ دسامبر (۱۹ آذرماه) این کنفرانس جشن شکوفایی بخش امنیت سایبری اسرائیل و فرصتی برای استارت‌آپ‌های جوان بود تا فناوری‌های جدید خود را به کارشناسان امنیت سایبری، رهبران صنعت، سرمایه‌گذاران، دانشگاهیان، دیپلمات‌ها و مقامات دولتی معرفی کنند.

سایبرویک ۲۰۲۵ در شرایطی برگزار شد که پیش‌تر اعلام شده بود بخش امنیت سایبری اسرائیل در سال ۲۰۲۵ رکورد جذب ۴/۴ میلیارد دلار سرمایه را ثبت کرده است؛ رقمی که برای نخستین بار، بخش عمده آن در تمامی مراحل از سوی سرمایه‌گذاران بین‌المللی تأمین شده بود. بیش از ۱۱ هزار شرکت‌کننده از ۹۹ کشور جهان در این رویداد حضور یافتند تا در پایان یک سال رکوردشکن، درباره دوران پس از جنگ اسرائیل اطلاعات بیشتری کسب کنند.

قدرت هوش مصنوعی به‌عنوان یک سلاح

در سال ۲۰۲۵، تمرکز ویژه‌ای بر اهمیت هوش مصنوعی، رایانش کوانتومی، عملیات نفوذ و رمزنگاری وجود داشت. همچنین نگرانی‌های مهمی درباره آینده جنگ‌های سایبری در میدان‌های نبرد و نظام‌های دموکراتیک مطرح شد.

واشنگتن پست:

حمله به جمهوری اسلامی طرح مشترک ترامپ و نتانیاهو بود



عملیات نیروهای ویژه موساد در ایران، ویدیویی که در جریان جنگ ۱۲ روزه منتشر شد

غیرممکن شود.

تحقیق می‌گوید که ۱۱ نفر از ۱۲ هدف اصلی در حملات هماهنگ طی مرحله ابتدایی جنگ کشته شدند. دانشمند باقی‌مانده در ابتدا موفق به فرار شد، اما بعدها شناسایی و قبل از پایان ۱۲ روزه درگیری کشته شد. مقامات ایرانی بعداً از دست دادن کارکنان کلیدی خبر دادند و امنیت دانشمندان باقی‌مانده را تشدید کردند، برخی از آن‌ها نیز به مخفیگاه فرار کردند.

تحقیق همچنین همکاری عملیاتی نزدیک بین اسرائیل و ایالات متحده را برجسته می‌کند. در حالیکه واشنگتن به صورت عمومی بر تلاش‌های دیپلماتیک تأکید داشت، مقامات آمریکایی و اسرائیلی در پیشبرد اطلاعات و برنامه‌ریزی احتمالی قبل از جنگ همکاری داشتند. پیشنهاد دقیقه آخر آمریکا برای رفع بخشی از تحریم‌ها در ازای محدودیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران و حمایت از نیروهای نیابتی منطقه‌ای رد شد، و پس از آن نیروهای آمریکایی به کمپین نظامی پیوستند.

تا پایان جنگ، ایران متحمل خسارات سنگینی به ذخایر موشکی، سیستم‌های دفاع هوایی و تخصص هسته‌ای خود شد. گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که هرچند ایران ممکن است تاسیسات خود را بازسازی کند، از دست دادن دانشمندان ارشد و تأثیر روانی ترورهای هدفمند باعث شد برنامه هسته‌ای ایران به شکل قابل توجهی ضعیف شود، بیش از آنچه حملات هوایی به تنهایی می‌توانست ایجاد کند.

در این گزارش آمده طرح حمله به ایران از مدت‌ها پیش از سوی دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو برنامه‌ریزی شده بود و این دو رهبر با نقشه فریب از طریق مذاکره، در ماه‌های پیش از حمله، یک بازی را راه انداختند که نشان دهند بین آنها اختلاف است.

این دو پس از اولین دیدارشان در بهمن ۱۴۰۳، برنامه‌ریزی برای حمله احتمالی به برنامه هسته‌ای ایران را آغاز کردند و یک برنامه فریب عمومی دقیق تدوین کردند.

محققان می‌گویند که سرویس‌های اسرائیلی دهه‌ها وقت صرف جمع‌آوری پرونده‌های اطلاعاتی دقیق درباره حدود ۱۰۰ دانشمند هسته‌ای جمهوری اسلامی کرده‌اند و روال‌های روزانه، محل سکونت، الگوهای سفر و اقدامات امنیتی آن‌ها را رصد کرده‌اند. این فهرست نهایتاً به ۱۲ چهره ارشد محدود



شد که برای تداوم برنامه هسته‌ای حیاتی محسوب می‌شدند. گزارش توضیح می‌دهد که همزمان با آغاز حملات هوایی اسرائیل در خردادماه، بیش از ۱۰۰ عامل مرتبط با اسرائیل در داخل ایران فعال شدند. این عوامل در نزدیکی اهداف و زیرساخت‌های کلیدی مستقر بودند و مجهز به آنچه تحقیق «سلاح‌های ویژه» می‌نامد، از جمله مواد منفجره با حجم کم، دستگاه‌های دقیق و ابزارهای دیگری برای حذف‌های نزدیک با حداقل آسیب‌های جانبی، شدند. برخی حملات در محل سکونت خصوصی یا در حین حرکت اهداف انجام شد و زمان‌بندی آن‌ها به گونه‌ای بود که هشدار یا فرار هدف

● یک تحقیق مشترک توسط «واشنگتن پست» و «PBS Frontline» جزئیات بیشتری از یک عملیات مخفی طولانی‌مدت اسرائیل را فاش کرده است که هدف آن تضعیف برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه بود. این عملیات شامل استفاده از سلاح‌های ویژه و شبکه گسترده‌ای از عوامل داخلی می‌شده است.

● در این گزارش آمده طرح حمله به ایران از مدت‌ها پیش از سوی دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو برنامه‌ریزی شده بود و این دو رهبر با نقشه فریب از طریق مذاکره، در ماه‌های پیش از حمله، یک بازی را راه انداختند که نشان دهند بین آنها اختلاف است.

● بر اساس این گزارش که ۱۷ دسامبر (۲۶ آذرماه) منتشر شد، سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل سال‌ها قبل به این نتیجه رسیده بودند که حملات مکرر به تاسیسات هسته‌ای مانند نطنز و فردو تنها اختلال موقت ایجاد می‌کند. تاسیسات قابل بازسازی هستند، اما تخصص علمی قابل جایگزینی نیست. بنابراین، سازمان‌های اسرائیلی تمرکز خود را بر حذف دایره کوچک دانشمندان گذاشتند که طراحی، نظارت و پیشبرد فعالیت‌های غنی‌سازی و تسلیحاتی ایران را بر عهده داشتند.

یک تحقیق مشترک توسط «واشنگتن پست» و «PBS Frontline» جزئیات بیشتری از یک عملیات مخفی طولانی‌مدت اسرائیل را فاش کرده است که هدف آن تضعیف برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در جریان



جنگ ۱۲ روزه بود. این عملیات شامل استفاده از سلاح‌های ویژه و شبکه گسترده‌ای از عوامل داخلی می‌شده است.

بر اساس این گزارش که ۱۷ دسامبر (۲۶ آذرماه) منتشر شد، سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل سال‌ها قبل به این نتیجه رسیده بودند که حملات مکرر به تاسیسات هسته‌ای مانند نطنز و فردو تنها اختلال موقت ایجاد می‌کند. تاسیسات قابل بازسازی هستند، اما تخصص علمی قابل جایگزینی نیست. بنابراین، سازمان‌های اسرائیلی تمرکز خود را بر حذف دایره کوچک دانشمندان گذاشتند که طراحی، نظارت و پیشبرد فعالیت‌های غنی‌سازی و تسلیحاتی ایران را بر عهده داشتند.

ام‌آی‌سیکس به دنبال سبقت گرفتن از پوتین

قرار دارد. در حالی که ولادیمیر پوتین به زعم او همچنان غرب را به سوی تقابل سوق می‌دهد. می‌تروی، رئیس‌جمهور روسیه را متهم کرد که عمداً مذاکرات مربوط به جنگ اوکراین را به درازا می‌کشد.

او افزود: «روسیه ما را در منطقه خاکستری با تاکتیک‌هایی که اندکی پایین‌تر از آستانه جنگ قرار دارند می‌آزماید» و مدعی شد که پوتین از طریق حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی بریتانیا، پرواز پهپادها بر فراز فرودگاه‌ها و پایگاه‌ها، و فعالیت‌های تهاجمی در دریاها، در پی «ارباب، ایجاد هراس و دستکاری افکار» است.

به گفته او، روسیه همچنین به «آتش‌افروزی و خرابکاری سازمان‌یافته دولتی» و انتشار تبلیغات سمی دست می‌زند؛ تبلیغاتی که هدف آن «شکاف انداختن و بهره برداری از گسل‌های درون جوامع» است.

می‌تروی در سخنرانی گسترده خود هشدار داد که اطلاعات «مسلح» شده‌اند؛ نه فقط از سوی دولت‌های متخاصم، بلکه به وسیله الگوریتم‌ها، شرکت‌ها و مدیران فناوری. او گفت بریتانیا با جبهه‌ای تازه از جنگ اطلاعاتی روبروست که در آن الگوریتم‌ها و غول‌های فناوری ممکن است از دولت‌ها قدرتمندتر شوند.

این سخنرانی تازه‌ترین هشدار در سلسله اظهارات مقامات غربی در زمینه دفاع و امنیت است که نسبت به تهدیدهای ترکیبی فزاینده از سوی روسیه، ایران و چین هشدار می‌دهند.

خانم می‌تروی تأکید کرد: «چالش اصلی قرن بیست و یکم تنها این نیست که چه کشوری قدرتمندترین فناوری‌ها را دارد، بلکه این است که چه کسی با خرد و دقت بیشتری آنها را هدایت می‌کند. امنیت، رفاه و انسانیت ما به این بستگی دارد.»

او درباره نبرد پیش رو برای حقیقت و اعتماد هشدار داد و گفت باید اطمینان حاصل کرد که کودکان فریب دستکاری اطلاعات و الگوریتم‌هایی که بر ترس تکیه می‌کنند، را نخرند. رئیس‌ام‌آی‌سیکس (MI6)، که با نام رمزی «سی» شناخته می‌شود، محل سخنرانی خود را اتاق غذاخوری خصوصی «سی» در طبقه هشتم ساختمان انتخاب کرده بود. یک تالار نیم دایره‌ای با چشم‌انداز رود تیمز که در فیلم «اسکای‌فال» از مجموعه جیمز باند، به شکلی به یادماندنی در آتش فرو می‌رود. او در برابر پنجره‌های سبزرنگ شاخص این ساختمان به خبرنگاران گفت: «به ام‌آی‌سیکس خوش آمدید. این ساختمان نمادین که برای دوستانان سینما در سراسر جهان شناخته می‌شود. می‌تروی در بخشی از سخنرانی خود به پیشینه خانوادگی‌اش اشاره کرد و گفت از خانواده‌ای می‌آید که «زندگی‌شان به شدت تحت تأثیر ویرانی‌های جنگ شکل گرفته است.»

تابستان گذشته، روزنامه میل بطور اختصاصی فاش کرده بود که پدر بزرگ می‌تروی که او هرگز وی را ندیده است، از همکاران بدنام نازی‌ها بوده و برای آلمان تحت رهبری آدولف هیتلر جاسوسی و اقدام به قتل کرده است.

رئیس جدید ام‌آی‌سیکس (MI6) در پایان، بر تعهد خود به شفافیت بیشتر تأکید کرد و گفت: «من با احساسی عمیق از قدردانی نسبت به دموکراسی و آزادی ارزشمند بریتانیا بزرگ شدم.

*منبع: دلی میل

*نویسنده: تارین پدرل

*ترجمه: کیهان لندن



تزیینی در واقع ابزارهای شود با نظارتی باشند. با توجه به سابقه بخش فنی ام‌آی‌سیکس (MI6) در جاسازی تجهیزات پیشرفته در اشیای روزمره، از ساعت و خودکار گرفته تا دکمه سردست و حتی زیورآلات، چنین گمانی چندان هم دور از ذهن نیست.

می‌تروی زمانی که ریاست بخش فناوری ام‌آی‌سیکس (MI6) را بر عهده داشت، در گفتگویی که در آزمایشگاه نوآوری این سازمان انجام شد، توضیح داده بود که تقریباً هر شیئی در دسترس می‌تواند برای پنهان‌سازی فناوری استفاده شود. با این پیش زمینه، حضور اخیر او بطور طبیعی موجب کنجکاوی و حتی تعجب شد.

نخستین سخنرانی عمومی، می‌تروی نگاهی کم‌سابقه به درون ام‌آی‌سیکس (MI6) فراهم آورد. او در این سخنرانی، ضمن استقبال از خبرنگاران در مقر این سازمان، به شهرت داستانی ساختمان نیز اشاره‌ای گذرا کرد و آن را برای علاقه‌مندان مجموعه جیمز باند آشنا خواند.

به نوشته «دیلی میل»، او در این سخنرانی اعلام کرد که مأموران این سازمان «تیغ خود را تیزتر خواهند کرد» و «با جسارت اثر خواهند گذاشت»، عباراتی که یادآور تاکتیک‌های خرابکاری، نفوذ و مقاومت واحد افسانه‌ای عملیات ویژه بریتانیا در جنگ جهانی دوم، که موسوم به «سازمان عملیات ویژه» است.

او گفت: «ما به گرایش تاریخی سازمان عملیات ویژه بازخواهیم گشت» و به مأمورانی اشاره کرد که در دوران جنگ جهانی دوم، اغلب با چتر یا زیردریایی، به قلمرو تحت اشغال نازی‌ها نفوذ می‌کردند. مأمورانی که به دستور وینستون چرچیل، نخست وزیر وقت، مأموریت داشتند «اروپا را به آتش بکشند.»

می‌تروی تأکید کرد: «ما ریسک‌های حساب شده خواهیم کرد، آن‌جا که پادش بزرگ و منافع ملی روشن باشد، ما هرگز به سطح تاکتیک‌های رقبای خود سقوط نخواهیم کرد، اما باید از آنها پیشی بگیریم. در هر حوزه و به هر شکل.»

او در نخستین حضور رسمی خود در مقر ام‌آی‌سیکس (MI6) گفت بریتانیا اکنون «در فضایی میان صلح و جنگ»

● بلیز می‌تروی رئیس ام‌آی‌سیکس (MI6) این هفته در حالی مقابل دوربین‌ها ظاهر شد که سنجاق سینه جواهرنشان و چشمگیری بر لباس خود داشت؛ سنجاق سینه‌ای که بسیاری آن را یادآور «میس مانی‌پنی»، شخصیت مشهور مجموعه سینمایی «جیمز باند»، دانستند.

● بلیز می‌تروی پیش از تصدی عالی‌ترین سمت در ام‌آی‌سیکس ریاست بخش فناوری این سازمان را بر عهده داشت. سمتی که در دنیای واقعی با نام رمز «کیو» شناخته می‌شود و مسئول توسعه ابزارها، فناوری‌ها و شیوه‌های پنهان‌سازی پیشرفته برای مأموران فعال در خارج از کشور است.

● رئیس ام‌آی‌سیکس که با نام رمزی «سی» شناخته می‌شود گفت: «روسیه ما را در منطقه خاکستری با تاکتیک‌هایی که اندکی پایین‌تر از آستانه جنگ قرار دارند می‌آزماید.»

● او افزود پوتین از طریق حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی بریتانیا، پرواز پهپادها بر فراز فرودگاه‌ها و پایگاه‌ها، و فعالیت‌های تهاجمی در دریاها، در پی «ارباب، ایجاد هراس و دستکاری افکار» است.

● به گفته او، روسیه همچنین به «آتش‌افروزی و خرابکاری سازمان‌یافته دولتی» و انتشار تبلیغات سمی دست می‌زند؛ تبلیغاتی که هدف آن «شکاف انداختن و بهره برداری از گسل‌های درون جوامع» است.

بلیز می‌تروی، ۴۸ ساله، نخستین زن در تاریخ ام‌آی‌سیکس (MI6) است که به ریاست آن منصوب شده و این هفته در حالی مقابل دوربین‌ها ظاهر شد که سنجاق سینه‌ای جواهرنشان و چشمگیری بر لباس خود داشت؛ سنجاق سینه‌ای که بسیاری آن را یادآور «میس مانی‌پنی»، شخصیت مشهور مجموعه سینمایی «جیمز باند»، دانستند.

به گزارش دیلی میل، این سخنرانی نادر تلویزیونی که از داخل مقر ام‌آی‌سیکس (MI6)، در وکسال لندن انجام شد، به سرعت توجه رسانه‌ها و مخاطبان را به خود جلب کرد. نه فقط به دلیل محتوای آن، بلکه به سبب سنجاق سینه‌ای به شکل زنبور، با طراحی کلاسیک، و ساخته شده از فلز طلایی رنگ و آراسته به سنگ‌های رنگارنگ، که به روشنی در قاب دوربین دیده می‌شد. طراح این قطعه شناسایی نشده است، اما طراحی جسورانه آن باعث شد از نگاه‌ها پنهان نماند.

بسیاری از علاقه‌مندان سینما به شباهت این سنجاق سینه به زیورآلاتی اشاره کردند که «میس مانی‌پنی»، شخصیت خیالی مجموعه جیمز باند استفاده کرده بود. در فیلم «در خدمت سرویس مخفی ملکه» (۱۹۶۹) و «اختاپوسی» (۱۹۸۳)، لویییس مکسول، بازیگر این نقش، سنجاق سینه‌ای به شکل حشره و با رنگ‌های طلایی و فیروزه‌ای بر لباس خود داشت.

بلیز می‌تروی پیش از تصدی عالی‌ترین سمت در ام‌آی‌سیکس (MI6) ریاست بخش فناوری این سازمان را بر عهده داشت. سمتی که در دنیای واقعی با نام رمز «کیو» شناخته می‌شود و مسئول توسعه ابزارها، فناوری‌ها و شیوه‌های پنهان‌سازی پیشرفته برای مأموران فعال در خارج از کشور است.

او پیش از این با لحنی طنزآمیز اعتراف کرده بود که به سنجاق سینه‌های بزرگ با طرح حشرات علاقه دارد. زیورآلاتی که به گفته خودش، گاه در جلسات باعث اضطراب دیگران می‌شد. زیرا این تصور را ایجاد می‌کرد که شاید این اشیای

نقش دلال‌های میلیارد نفت در حفظ نظام و تعیین جانشین علی خامنه‌ای



تصویر: امیرحسین شمخانی و بابک زنجانی

زنجانی دارایی خالص خود را ۱۳/۵ میلیارد دلار برآورد کرد. تا سال ۲۰۱۳ فعالیت‌های تجاری او باعث شد اتحادیه اروپا و آمریکا او را در فهرست تحریم‌ها قرار دهند، به‌خصوص به دلیل نقش او در انتقال نفت و پول مرتبط با نفت برای دور زدن تحریم‌ها و همکاری با نهادهای مرتبط با سپاه پاسداران. زنجانی همچنین به فعالیت‌های انتقال نفت از طریق «نفتكش به نفتکش» در سواحل شرقی مالزی متهم بود.

زنجانی اکنون در ایران تحت برند «دات وان» در حال فعالیت در زمینه حمل و نقل و واردات طلا است. در این گزارش آمده امپراتوری تجاری زنجانی اکنون دوباره رونق گرفت و روابط متعددی با نهادهای دولتی و سپاه پاسداران دارد. او در «ایکس»، حمله شدیدی علیه حسن روحانی رئیس‌جمهور سابق انجام داد که نامش به عنوان یکی از احتمالات برای جانشینی خامنه‌ای مطرح شده است. هر دو نفر یعنی شمخانی و زنجانی، همچنان آزادانه سفر می‌کنند اما به نظر می‌رسد اخیراً ترجیح داده‌اند وقت بیشتری را در ایران بگذرانند؛ احتمالاً به دلیل نگرانی از امنیت شخصی.

در حالیکه زنجانی از محکومان به «افساد فی‌الارض» فعلاً در رفاه به سر می‌برد، دست‌کم پنج هزار کارگر صنعت نفت ایران در منطقه مجتمع گازی پارس جنوبی، بزرگ‌ترین مجموعه گازی کشور، اعتصاب‌هایی بزرگ و بی‌سابقه را آغاز کرده‌اند؛ اعتصاب‌هایی که با وجود تهدیدهای حکومتی، با حمایت گسترده مواجه شده‌اند. همبستگی کارگران نشان می‌دهد که این اعتراض‌ها ادامه‌دار خواهد بود و ناگزیر بر صادراتی که دولت برای درآمد به آن متکی است، تأثیر خواهد گذاشت.

یکی از انتقادهای دائمی معترضان -از جمله همین کارگران اعتصابی- این است که در حالیکه با وضعیت بد معیشتی روبه‌رو هستند، افراد فاسد و به ظاهر مذهبی نزدیک به قدرت ثروت‌های هنگفت به جیب می‌زنند.

که همچنان از مشاوران نزدیک خامنه‌ای است از طریق دو شرکت «آدمیرال» و «میلادوس» در دبی، از سال ۲۰۱۱ نفت ایران و روسیه را با هم ترکیب می‌کرده و با جعل منشاء آنها سال‌ها این محموله‌ها را به شرکت‌های معتبر نفتی غرب می‌فروخته است.

او در سال ۲۰۱۱ از سوی اتحادیه اروپا تحریم شد و در به‌روزرسانی اخیر تحریم‌های اتحادیه نیز به عنوان «یکی از بازیگران کلیدی فعال در ناوگان سایه روسیه» معرفی شد. با وجود تحریم‌های اتحادیه اروپا، شمخانی ارتباط خود با شرکت میلادوس و هرگونه مشارکت در ارسال پهنادهای ساخت ایران به روسیه را رد کرده است. با وجود تحریم‌های اتحادیه اروپا، شمخانی فعالیت خود در میلادوس یا حمل محموله‌های پهناد ایرانی به روسیه را انکار کرده است. وزارت خزانه‌داری آمریکا شمخانی و شبکه وابسته به او در امارات از جمله «مارویس»، «آرمادا گلوبال»، «کوبان شیپینگ»، «کریوس شیپینگ» و «فراکتال مارین» را تحریم کرد. فهرست خزانه‌داری آمریکا امپراتوری شمخانی را شامل «بیش از ۵۰ کشتی» توصیف کرده است.

بابک زنجانی نیز به‌همین اندازه به محافل قدرت وصل است. او در سال ۲۰۱۳ به فساد متهم و بازداشت شد، اما اغلب در زندان حضور نداشت. او در سال ۲۰۲۱ به اعدام محکوم شد، متهم به «فساد زیرزمینی» و به‌طور ویژه سرقت ۲/۷ میلیارد دلار متعلق به وزارت نفت برای صادرات نفت از طریق امپراتوری تجاری خود است. حکم او در سال ۲۰۲۴ با دستور رهبر جمهوری اسلامی به ۲۰ سال زندان کاهش یافت، اما خیلی زود آزاد شد و دوباره به فعالیت بازگشت. گروه «سورینت» زنجانی در امارات مستقر است و در زمینه‌های لوازم آرایشی، مالی و بانکی، هتلداری، هواپیمایی تجاری، زیرساخت، مصالح ساختمانی، فناوری اطلاعات و توسعه املاک بین‌المللی فعالیت می‌کند. این شرکت در ترکیه، تاجیکستان، مالزی و چین فعال است و در سال ۲۰۱۳

● پایگاه خبری- تحلیلی «maritime executiv» که رویدادهای مرتبط با دریانوردی را پوشش می‌دهد با اشاره به افزایش سن و سال علی خامنه‌ای رهبر ۸۶ ساله جمهوری اسلامی و گمانه‌زنی‌ها درباره وضعیت سلامت او، پیش‌بینی کرده است که احتمالاً بر سر جانشین او و سرنوشت حکومت رقابت‌هایی شکل بگیرد که برای تجار نفتی و دلال‌ها که مسئول دور زدن تحریم‌های نفتی هستند اهمیت زیادی دارد.

● در این گزارش که ۱۱ دسامبر (۲۰ آذرماه) منتشر شد آمده، حکومت ایران از شبکه‌های فساد و مافیایی کمک می‌گیرد، شبکه‌هایی که هم رژیم را حفظ می‌کنند و هم سود هنگفتی برای افراد مرتبط با حلقه درونی ایجاد می‌کنند.

● دو نفر وارد بحث درباره جانشینی علی خامنه‌ای شده‌اند، که هر دو از فعالیت‌های «ناوگان سایه» در صادرات نفت ایران ثروت کلان کسب کرده‌اند و به‌خاطر همین فعالیت‌ها تحریم شده‌اند: امیرحسین شمخانی (پسر علی شمخانی) معروف به هکتور و بابک زنجانی.

● در حالیکه زنجانی از محکومان به «افساد فی‌الارض» فعلاً در رفاه به سر می‌برد، دست‌کم پنج هزار کارگر صنعت نفت ایران در منطقه مجتمع گازی پارس جنوبی، بزرگ‌ترین مجموعه گازی کشور، اعتصاب‌هایی بزرگ و بی‌سابقه را آغاز کرده‌اند؛ اعتصاب‌هایی که با وجود تهدیدهای حکومتی، با حمایت گسترده مواجه شده‌اند.

● یکی از انتقادهای دائمی معترضان -از جمله همین کارگران اعتصابی- این است که در حالیکه با وضعیت بد معیشتی روبه‌رو هستند، افراد فاسد و به ظاهر مذهبی نزدیک به قدرت ثروت‌های هنگفت به جیب می‌زنند.

پایگاه خبری- تحلیلی «maritime executiv» که رویدادهای مرتبط با دریانوردی را پوشش می‌دهد با اشاره به افزایش سن و سال علی خامنه‌ای رهبر ۸۶ ساله جمهوری اسلامی و گمانه‌زنی‌ها درباره وضعیت سلامت او، پیش‌بینی کرده است که احتمالاً بر سر جانشین او و سرنوشت حکومت رقابت‌هایی شکل بگیرد که برای تجار نفتی و دلال‌ها که مسئول دور زدن تحریم‌های نفتی هستند اهمیت زیادی دارد.

در این گزارش که ۱۱ دسامبر (۲۰ آذرماه) منتشر شد آمده، حکومت ایران از شبکه‌های فساد و مافیایی کمک می‌گیرد، شبکه‌هایی که هم رژیم را حفظ می‌کنند و هم سود هنگفتی برای افراد مرتبط با حلقه درونی ایجاد می‌کنند.

دو نفر وارد بحث درباره جانشینی علی خامنه‌ای شده‌اند، که هر دو از فعالیت‌های «ناوگان سایه» در صادرات نفت ایران ثروت کلان کسب کرده‌اند و به‌خاطر همین فعالیت‌ها تحریم شده‌اند: امیرحسین شمخانی (پسر علی شمخانی) معروف به هکتور و بابک زنجانی.

جزئیات فعالیت‌های آنان کاملاً عمومی نشده، زیرا با مهارت، دلالی‌های خود را پشت شرکت‌های صوری و نیمه‌قانونی پنهان کرده‌اند. با این حال، اطلاعاتی که دولت‌ها از آنان در اختیار دارند برای اعمال تحریم‌ها کافی بوده است، هرچند این افراد همچنان در برخی کشورها که سود مالی نسبت به پایبندی به تحریم‌های غربی اهمیت بیشتری دارد، قادر به فعالیت هستند.

گفته می‌شود محمدحسین شمخانی فرزند علی شمخانی

نمایشگاه تسلیحاتی جمهوری اسلامی تلاش برای انحراف افکار عمومی پس از جنگ ۱۲ روزه



نمایشگاه موشکی سپاه پاسداران

پهپادهای اسرائیلی به تهران شوند. علی محمد نائینی سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، می‌گوید ایران در این فاصله برای افزایش دقت و کارایی موشک‌های خود کار کرده است. او گفت: «ما شبانه‌روز در حال کار هستیم تا به سطح جدیدی از آمادگی برسیم. اگر موشک‌های بالستیک دوربرد نداشتیم، این جنگ به‌جای ۱۲ روز، هشت سال طول می‌کشید؛ مثل جنگ با عراق».

در جریان جنگ، ایران تعداد کمتری موشک شلیک کرد، اما به گفته تحلیلگران، این موشک‌ها مخرب‌تر بودند. همین موضوع باعث شد برخی ناظران گمان کنند تأسیسات زیرزمینی ذخیره سلاح‌های ایران آسیب دیده‌اند. محمدرضا نقدی از فرماندهان ارشد سپاه این ادعا را رد کرد و گفت: «اسرائیل حتی سه درصد از سکوی پرتاب ما را هم نابود نکرده است. فناوری ما آن‌قدر بومی شده که می‌توان یک سکوی پرتاب را در کارگاه یک آهنگر ساخت».

یک دیپلمات ارشد غربی در تهران می‌گوید ممکن است سایت‌های موشکی ایران به مناطق شرقی کشور، دورتر از دسترس جنگنده‌های اسرائیلی و آمریکایی، منتقل شوند. نقدی در این باره گفت: «اگر اهداف دشمن را از دسترس او خارج کنیم، دیگر جنگی در کار نخواهد بود. هزینه‌های آن‌ها باید از دستاوردهایشان بیشتر شود».

دیپلمات‌های غربی همچنین در حال رصد این موضوع هستند که آیا جمهوری اسلامی برای بازسازی توان نظامی خود به دنبال کمک خارجی است یا نه؟ به گفته یکی از آن‌ها، پرسش کلیدی این است که آیا کشورهایی مانند روسیه، چین یا پاکستان به ایران کمک خواهند کرد یا نه.

این روزنامه در پایان گزارش خود می‌نویسد برای بسیاری از بازدیدکنندگان نمایشگاه هوافضا، نتیجه این بازدید روشن بود: آینده ایران نه‌فقط به حفظ، بلکه به تقویت برنامه تسلیحاتی کشور وابسته است.

این موشک‌ها و پهپادها را از نزدیک می‌بینند و متوجه می‌شوند که این‌ها سلاح‌هایی هستند که در داخل کشور ساخته شده‌اند تا از سرزمین دفاع کنند. توانمندی‌های ما ایران را در زمره کشورهایی قرار می‌دهد که به توسعه جدی موشکی شناخته می‌شوند».

این نمایشگاه همچنین تلاشی بود برای تغییر روایت عمومی و فاصله گرفتن از ضرباتی که در جریان جنگ با اسرائیل و آمریکا به جمهوری اسلامی وارد شد. در آن جنگ، اسرائیل در حمله‌ای ویرانگر ده‌ها فرمانده ارشد و دانشمند هسته‌ای ایران را کشت. به گفته مقام‌های محلی، بیش از هزار نفر در ایران جان باختند.

روزنامه «فایننشال تایمز» در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد در ماه‌های پس از جنگ ۱۲ روزه بسیاری از ایرانیان می‌گویند در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بلا تکلیف مانده‌اند. جمهوری اسلامی، اجازه بازدید به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از حساس‌ترین سایت‌های هسته‌ای خود را که هدف بمباران آمریکا قرار گرفته‌اند نمی‌دهد. مذاکرات با آمریکا به بن‌بست رسیده است و کشورهای اروپایی نیز پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را دوباره برقرار کرده‌اند.

همین وضعیت باعث شده در داخل ایران نگرانی فزاینده‌ای درباره احتمال تکرار دوباره جنگ شکل گیرد. سارا دانشجوی ۱۹ ساله روانشناسی که از نمایشگاه بازدید می‌کرد، گفت: «توان موشکی ما باید همچنان افزایش پیدا کند. جنگ ممکن است هر لحظه دوباره شروع شود».

مقام‌های جمهوری اسلامی اصرار دارند که توان نظامی ایران به سرعت در حال بازیابی است. با این حال، نمایشگاهی بخشی از تلاش برای تغییر تمرکز افکار عمومی از ضعف‌هایی بود که در جریان جنگ آشکار شد؛ زمانی که سامانه‌های راداری ساخت داخل نتوانستند مانع حملات جنگنده‌ها و

● روزنامه «فایننشال تایمز»، در گزارشی که ۱۵ دسامبر (۲۴ آذرماه) منتشر شد به برگزاری نمایشگاه موشکی و تسلیحاتی در تهران اشاره می‌کند و می‌نویسد جمهوری اسلامی با به نمایش گذاشتن مجموعه‌ای از تسلیحات نظامی، تلاش می‌کند به افکار عمومی اطمینان دهد که برای هرگونه درگیری احتمالی آینده با ایالات متحده و اسرائیل آماده است.

● در ماه‌های پس از جنگ ۱۲ روزه بسیاری از ایرانیان می‌گویند در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بلا تکلیف مانده‌اند.

● جمهوری اسلامی، اجازه بازدید به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از حساس‌ترین سایت‌های هسته‌ای خود را که هدف بمباران آمریکا قرار گرفته‌اند نمی‌دهد. مذاکرات با آمریکا به بن‌بست رسیده است و کشورهای اروپایی نیز پس از فعال شدن «مکانیسم ماشه» تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را دوباره برقرار کرده‌اند. همین وضعیت باعث شده در داخل ایران نگرانی فزاینده‌ای درباره احتمال تکرار دوباره جنگ شکل گیرد.

● یک دیپلمات ارشد غربی در تهران می‌گوید ممکن است سایت‌های موشکی ایران به مناطق شرقی کشور، دورتر از دسترس جنگنده‌های اسرائیلی و آمریکایی، منتقل شوند. نقدی در این باره گفت: «اگر اهداف دشمن را از دسترس او خارج کنیم، دیگر جنگی در کار نخواهد بود. هزینه‌های آن‌ها باید از دستاوردهایشان بیشتر شود».

روزنامه «فایننشال تایمز»، در گزارشی که ۱۵ دسامبر (۲۴ آذرماه) منتشر شد به برگزاری نمایشگاه موشکی و تسلیحاتی در تهران اشاره می‌کند و می‌نویسد جمهوری اسلامی با به نمایش گذاشتن مجموعه‌ای از تسلیحات نظامی، تلاش می‌کند به افکار عمومی اطمینان دهد که برای هرگونه درگیری احتمالی آینده با ایالات متحده و اسرائیل آماده است.

این روزنامه بریتانیایی در مقدمه گزارش به برگزاری نمایشگاه موشکی سپاه پاسداران اشاره می‌کند و می‌نویسد بعد از ظهر یکی از روز پاییزی، خانواده‌ها و دانشجویان به نمایشگاهی در «پارک ملی هوافضا ایران» در غرب تهران رفتند تا مجموعه‌ای را ببینند که به ندرت در معرض دید عموم قرار می‌گیرد: تسلیحات جمهوری اسلامی.

کودکان در فضای باز روی خودروهای زرهی بالا می‌رفتند و بزرگ‌ترها در سالن وسیعی که موشک‌های بالستیک و هایپرسونیک در آن مستقر بود، قدم می‌زدند. بقایای پهپاد اسرائیلی «هرمس» که در جنگ ۱۲ روزه سرنگون شده بود، روی زمین به نمایش گذاشته شده بود.

نسرین حسابداری ۳۵ ساله که مقابل یک موشک بالستیک «سجیل» ایستاده می‌گوید: «دوران جنگ، ویدیو پرتاب موشک‌ها در شبکه‌های اجتماعی پخش شد به‌خاطر همین موشک‌ها بود که آمریکا و اسرائیل جلوی ما زانو زدند. اگر این‌ها نبود، ایران هم مثل غزه می‌شد».

این نمایشگاه که ماه گذشته برگزار شد، بخشی از تلاش‌ها برای نمایش اقتدار بود؛ آن هم پس از جنگ که جمهوری اسلامی در آن ضربات سنگینی متحمل شد. هدف دیگر این بود که به مردم ایران اطمینان داده شود که کشور، در صورت لزوم، آماده ورود دوباره به جنگ است.

سردار پاسدار علی بلالی مدیر نمایشگاه، می‌گوید: «مردم

معرفی برنده بورسیه تحصیلی عبدالرضا انصاری از سوی «بنیاد آموزشی پرشیا»



نزنین انصاری همچنین کیمیا شریعتی را به‌عنوان برنده امسال بورسیه تحصیلی عبدالرضا انصاری معرفی و دلائل برگزیدن او برای اعطای بورسیه را توضیح داد. کیمیا شریعتی نیز طی سخنانی ضمن تشکر از مسئولین بنیاد، مختصری در مورد پروژه تحصیلی خود توضیح داد و ابراز خشنودی کرد که پروژه‌اش مورد تأیید جامعه ایرانی قرار گرفته است. این مراسم همچنین شامل نمایش فیلم کوتاه «توی ابرها» با معانی عمیق انسانی بود که مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت. «توی ابرها» ساخته آلکساندرا بهییه وین است. سازنده فیلم پس از توضیحاتی در مورد فیلم به همراه تعدادی از دست‌اندرکاران ساخت فیلم در نشست پرسش و پاسخ شرکت کردند.

«بنیاد آموزشی پرشیا» روز آدینه ۹ دسامبر ۲۰۲۵ مراسم معرفی برنده بورسیه تحصیلی عبدالرضا انصاری را در دانشگاه مطالعات آسیایی و آفریقایی دانشگاه لندن (سواس) برگزار کرد. طاهره دانش، مدیر اجرایی «بنیاد آموزشی پرشیا»، نخستین سخنران مراسم بود که توضیحاتی در مورد تاریخچه بنیاد و از جمله دو بورسیه تحصیلی آن ارائه کرد. به دنبال آن نازنین انصاری، یکی از دو مؤسس «بنیاد آموزشی پرشیا»، در سخنانی تأکید کرد که «ایده تأسیس بنیاد تماماً از پدرش، عبدالرضا انصاری، بوده و او تنها مجری طرح بوده است.» نازنین انصاری افزود: «انگیزه پدرش از تأسیس بنیاد از علاقه وافر وی به آموزش و پرورش سرچشمه می‌گرفت.»



بازداشت یک شهروند دو تابعیتی در ایران به اتهام جاسوسی؛ وزارت خارجہ سوئد تأیید کرد



● وزارت خارجہ سوئد بازداشت یک شهروند خود در ایران را تأیید کرده است اما جزئیاتی در این باره، از جمله هویت فرد بازداشت شده را ارائه نکرده است.

● در این اطلاعیه همچنین آمده است: «به دلیل احترام به اسرار کنسولی و برای اینکه مانعی در کار ما ایجاد نشود، جزئیات بیشتری ارائه نخواهیم کرد.»

وزارت خارجہ سوئد بازداشت یک شهروند خود در ایران را تأیید کرده است اما جزئیاتی در این باره، از جمله هویت فرد بازداشت شده را ارائه نکرده است.

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران سه‌شنبه ۲۵ آذرماه ۱۴۰۴ اعلام کرد که یک شهروند دوتابعیتی ایرانی-سوئدی به اتهام جاسوسی برای سرویس اطلاعاتی اسرائیل بازداشت شده است و به زودی حکم او صادر خواهد شد ولی نام او را اعلام نکرد. جهانگیر گفت که متهم، از سال ۱۳۹۹ خورشیدی تابعیت سوئد را دریافت کرد و در آن کشور اقامت داشت. او همچنین گفت که متهم یک ماه قبل از شروع جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل «وارد کشور شده و در ویلایی در اطراف کرج مستقر شده بود.»

زمان دستگیری او روز چهارم در جریان جنگ ۱۲ روزه اعلام شده است که از ۲۳ خرداد ماه آغاز شد.

در واکنش به این اظهارات، دولت سوئد بازداشت یک شهروند این کشور را تأیید کرد. وزارت خارجہ سوئد در اطلاعیه‌ای گفته است این نهاد به همراه سفارت سوئد در تهران با خانواده فرد بازداشت شده در تماس هستند و او وکیل برای دفاع از خود در دادگاه دارد. در این اطلاعیه همچنین آمده است: «به دلیل احترام به اسرار کنسولی و برای اینکه مانعی در کار ما ایجاد نشود، جزئیات بیشتری ارائه نخواهیم کرد.»

هفته پیش رئیس دادگستری استان البرز، از آغاز رسیدگی به این پرونده در دادگاه انقلاب کرج خبر داده بود و محل اقامت این متهم را «ویلایی در کرج» اعلام کرده بود.

پس از جنگ ۱۲ روزه ده‌ها نفر به اتهام جاسوسی برای اسرائیل بازداشت شدند. حکومت همچنین تعدادی از کسانی که قبلاً با همین اتهام بازداشت شده بودند اعدام کرد. سعید منتظرالمهدی، سخنگوی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی و اواخر امرداد ۱۴۰۴، اعلام کرد که در جریان جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل حدود ۲۱ هزار نفر از شهروندان به عنوان «مظنون» دستگیر شدند.

«جاوید شاه» و بازگشت سیاست به عقلانیت



مردم با حضور خودجوش در مراسم یادبود خسرو علی کردی وکیل جانباخته در مشهد شعارهایی از جمله «جاویدشاه» سر دادند

جامعه امروز ایران است. با به بن‌بست رسیدن این دو مسیر، اصلاح طلبی و چپ، جامعه ناگزیر به سنجش روی آورد. سنجش ایران با کشورهایی که زمانی هم‌تراز یا حتی عقب‌تر بودند؛ کره جنوبی، ترکیه پیش از اردوغان و حتی کشورهای حاشیه خلیج پارس. همچنین سنجش ایران امروز با ایران پیش از فتنه ۱۳۵۷. نتیجه این سنجش برای بسیاری روشن بود. تنها دوره‌ای که ایران دولتی سکولار، ملی و توسعه‌گرا داشت، دوران پهلوی بود.

در همین جاست که «جاوید شاه» معنای واقعی خود را پیدا می‌کند. این شعار نه ستایش بی‌چون و چرای گذشته، بلکه اشاره به یک الگوی حکمرانی آزموده شده است؛ الگویی که توانست دولت مدرن بسازد، نهاد پدید آورد و ایران را به مسیر پیشرفت وارد کند.

همانگونه که در مقاله‌ای دیگر در کیهان لندن در چهارشنبه ۶ فروردین ۱۴۰۴ برابر با ۲۶ مارس ۲۰۲۵ به گسترده‌ترین بررسی شده، نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که دآوری مردم بی‌پایه نیست. رضاشاه کبیر کشوری را تحویل گرفت که عملاً دولت متمرکزی نداشت. ایلات مسلح، نفوذ روحانیت سنتی، نبود ارتش ملی و نبود آموزش نوین، ایران را به سرزمینی نیمه فروپاشیده بدل کرده بود. در کمتر از دو دهه، دولت متمرکز شکل گرفت، آموزش نوین گسترش یافت، حقوق زنان به رسمیت شناخته شد و اندیشه ایران مدرن پا گرفت. محمدرضاشاه فقید نیز این روند را ادامه داد. انقلاب سپید با اصلاحات ارضی، صنعتی‌سازی، گسترش آموزش عالی و تبدیل ایران به یک قدرت منطقه‌ای، از واقعیت‌های انکارناپذیر آن دوره است. سنجش شاخص‌های اقتصادی، جایگاه جهانی و کیفیت زندگی، برای بسیاری از ایرانیان امروز تعیین‌کننده بوده و این دستاوردها در حافظه جمعی ایرانیان پیوسته بازخوانی می‌شود.

راه‌های دیگر یا آزموده شده و شکست خورده‌اند، یا از بنیاد با منافع ملی و تجربه تاریخی ایران ناسازگارند. یکی از نخستین مسیرهایی که اعتبار خود را به طور کامل از دست داد، جریان موسوم به اصلاح‌طلبی حکومتی بود. از اواخر دهه هفتاد خورشیدی، این جریان با وعده اصلاح درون سیستمی توانست بخش بزرگی از سرمایه اجتماعی جامعه را گرد خود آورد. اما در عمل، آنچه از اصلاح طلبی بر جای ماند، چیزی جز مدیریت نرم برای بقای نظام نبود. اصلاح‌طلبان نه هرگز ساختار ولایت فقیه را به چالش کشیدند و نه حاضر شدند هزینه رویارویی واقعی با قدرت محافظه کار را بپردازند. در بزنگاه‌های تاریخی، از سرکوب اعتراضات ۱۳۸۸ تا خیزش‌های سراسری دهه ۱۴۰۰، یا سکوت کردند، یا توجیه آوردند، یا مردم را به صبر و صندوق رای فراخواندند. در تجربه ایرانیان، آنان نه نماینده دگرگونی، بلکه بخشی از مسئله شدند و همین تجربه اعتماد همگانی به اصلاح طلبی را به تمامی فرسود. به زبان ساده‌تر، مردم دریافته‌اند که اصلاح طلبان تنها شاخه‌ای دیگر از درخت جمهوری اسلامی بوده‌اند و همچنان در ذات آن ریشه دارند.

در کنار اصلاح‌طلبان، چپ‌های ایرانی نیز کارنامه‌ای ناپسند دارند که جامعه دیگر حاضر نیست از آن چشم‌پوشد. چپ ایران از دهه ۱۳۲۰ تاکنون، در بیشتر بزنگاه‌های تاریخی یا در کنار شوری سابق ایستاده، یا با برتری دادن ایدئولوژی ضد امریکایی، منافع ملی را نادیده گرفته است. از بحران آذربایجان و همسویی با شوروی، تا نقش‌آفرینی در انقلاب ۵۷، تا توجیه جمهوری اسلامی به عنوان نظامی ضد امپریالیستی، چپ ایرانی هرگز نتوانست طرحی منسجم برای دولت‌سازی، اقتصاد کارآمد و آزادی‌های فردی ارائه دهد. در حافظه جمعی مردم، چپ هم معنا با اقتصاد ناکارآمد، دولت فربه و بی‌اعتنایی به آزادی شد. کنار گذاشتن این جریان نیز نتیجه یک دآوری تاریخی و تصمیم جمعی

دکتر مهدی میرسعیدی پژوهشگر و استاد دانشگاه -
شعار «جاوید شاه» که امروز در خیابان‌های ایران شنیده می‌شود، که از زبان جوانانی بیرون می‌آید که نه انقلاب ۵۷ را دیده‌اند و نه دوران پهلوی را تجربه کرده‌اند، و با جسارت، تکرار و آگاهی بیان می‌شود، دیگر نمی‌توان آن را در دسته نوستالژی، خشم لحظه‌ای یا واکنش نمادین گذاشت. این شعار، برخلاف برخی تفسیرهای رایج، نه فریاد بی‌پناهی است و نه جانشین موقت یک بدیل غایب. «جاوید شاه» امروز به بیانی فشرده، به یک گزینش سیاسی آگاهانه بدل شده است. گزینشی که از دل تجربه زیسته کنونی، سنجش تاریخی و فروپاشی اعتماد به همه راه‌های دیگر بیرون آمده است.

جامعه‌ای که چهار دهه و نیم زیر یک حکومت توتالیتر ایدئولوژیک زیسته، آزموده، شکست خورده و بهای آن را پرداخته، دیگر در جایگاهی نیست که یک واکنش احساسی نشان دهد. این جامعه به مرحله‌ای رسیده که از چند دهه گذشته خود جمع‌بندی می‌کند و «جاوید شاه» حاصل همین جمع‌بندی است.

بخش بزرگی از تحلیل‌های رایج، به ویژه در رسانه‌های چپ‌گرای بیرون از ایران، می‌کوشند این شعار را نمادین تفسیر کنند. در این روایت‌ها، «شاه» تنها نقطه مقابل جمهوری اسلامی است، نه یک گزینه واقعی برای حکمرانی. گویی مردم ایران توان یا جسارت گزینش یک الگوی روشن سیاسی را ندارند و تنها از سر نفی، به گذشته روشن خود پناه می‌برند. این نگاه، هرچند در ظاهر قانع‌کننده به نظر می‌رسد، در عمل مردم را به حاشیه می‌راند و آنان را از جایگاه کنشگر سیاسی به واکنشگر اجتماعی فرو می‌کاهد.

اما واقعیت اجتماعی ایران چیز دیگری می‌گوید. مردمی که امروز «جاوید شاه» می‌گویند، نه در خلاء تصمیم گرفته‌اند و نه از سر ناآگاهی تاریخی. آنان به این دآوری رسیده‌اند که

دوران محمدرضا شاهی؛ ۲۵ آذر، روز مادران ایران (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ایران باشد.
این بنگاه که پس از جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران، یکی از کهن‌ترین و با سابقه‌ترین سازمان‌های خیریه کشور محسوب می‌شود، در ۱۳۳۸ ریاست عالی آن به ملکه فرح پهلوی سپرده شد.

پیش از آنکه ایران به اشغال نیروهای متفقین درآید و رضاشاه پهلوی به تبعید اجباری برود، یکی از مهمترین اقدامات بنیادین او در ۲۵ آذر ۱۳۱۹ انجام گرفت. روزی که با فرمان رضاشاه «بنگاه حمایت مادران و نوزادان» در ایران بنیاد شد تا کانونی برای نگاهداری مادران و نوزادان

پرسش مهم دیگر این است که چرا پاسخ جامعه دیگر «جمهوری» نیست و چرا بازگشت به سلطنت مطرح می‌شود. پاسخ را باید در تجربه نهادی ایرانیان جست. جمهوری بدون نهادهای ریشه دار، در جوامعی با شکاف‌های ژرف اجتماعی، اغلب به پوپولیسم یا اقتدارگرایی میانجامد. تجربه جمهوری اسلامی و نیز تجربه کوتاه جمهوری‌های پیشین در تاریخ ایران، مانند جمهوری آذربایجان و جمهوری کردستان در مهاباد، این واقعیت را برای مردم روشن کرده است. در برابر، سلطنت مشروطه با رأس غیرایدئولوژیک، پیوستگی تاریخی و امکان رقابت واقعی سیاسی، الگویی است که در بسیاری کشورها کار کرده و می‌تواندگذار در ایران را شدنی سازد.

در این چارچوب اندیشه‌ای است که پشتیبانی از شاهزاده رضا پهلوی معنا پیدا می‌کند. نقش او نه در ساختن شعار «جاوید شاه» بوده و نه در هدایت مستقیم آن، بلکه در نمایش پایداری همراه با متانت و بزرگواری جلوه یافته است. شاهزاده در سال‌های طولانی کنش سیاسی خود، بیش از آنکه در پی رهبری کاریزماتیک یا بسیج احساسی باشد، کوشیده است با پرهیز از ایدئولوژی، تأکید بر سکولاریسم، حقوق شهروندی و تمامیت ارضی، تصویر متفاوتی از سیاست ورزی ارائه دهد. تصویری که نه ادامه جمهوری اسلامی است و نه بازتولید دعوای فرسوده اپوزیسیون. این شیوه کنش، آرام و کم صدا، به تدریج نگاه منفی ریشه داری را خنثی کرد؛ نگاهی برآمده از بی‌اعتمادی تاریخی جامعه به قدرت متمرکز، رهبران خودخوانده و پروژه‌های انقلابی. شاهزاده نه وعده معجزه داد، نه نسخه فوری پیچید و نه خود را منجی معرفی کرد. او باایستادن در جایگاه نماد تداوم تاریخی، نه فرمانده یک جنبش، این امکان را فراهم کرد که جامعه پیش از هر چیز به یک جمع‌بندی درونی برسد.

در واقع، جامعه ایران نخست به این داوری رسید که سلطنت مشروطه، با توجه به تجربه تاریخی و وضعیت نهادی کشور، بهترین گزینه ممکن برای گذار است و سپس به دنبال نمادی گشت که بتواند این پیوستگی تاریخی را بدون تحمیل اراده سیاسی نمایندگی کند. در این روند، شاهزاده رضا پهلوی نه علت شکل‌گیری شعار «جاوید شاه»، بلکه نقطه تمرکز طبیعی آن شد؛ تمرکزی که از بالا تحمیل نشد، بلکه از پایین شکل گرفت.

به این معنا، نقش شاهزاده نقش یک رهبر بسیج‌کننده نیست، بلکه نقش یک عامل سیاسی قابل اتکا است؛ شخصیتی که با ماندن، هزینه دادن، پرهیز از خشونت و تأکید بر همبستگی ملی، امکان انتخاب را برای جامعه حفظ کرد. از این نگاه، «جاوید شاه» فریاد شخصی برای یک فرد نیست، بلکه اعلام وفاداری به مسیری است که او نماد تاریخی و سیاسی آن شده است.

در پایان، «جاوید شاه» را باید پایان یک دوره فکری دانست؛ پایان پندار اصلاح‌پذیری جمهوری اسلامی، پایان رویای ایدئولوژی چپ و پایان جمهوری خواهی بی‌پشتوانه نهادی. این شعار اعلام زایش یک خواست روشن است؛ بازگشت به دولت ملی، سکولار، توسعه گرا، مداراگر با کشورهای جهان و پاسخگو.

شاید برای نخستین بار در چند دهه اخیر، مردم ایران نه تنها علیه چیزی، بلکه برای تغییری معنادار فریاد می‌زنند و همین است که «جاوید شاه» را از یک شعار به یک برنامه سیاسی بدل کرده است. و بی‌گمان سال‌ها طول می‌کشد تا تاریخ درباره این لحظه داوری کند، اما یک چیز روشن است: «جاوید شاه» صدای جامعه‌ای است که پس از دهه‌ها آزمون و خطا، دوباره راه خود را یافته است.

دروغ و فریب، دو بال پرواز دیکتاتور

علی خامنه‌ای دو روز پیش در یک سخنرانی برای طرفداران معدودش در توجیه وضعیت وخیم اقتصادی و صنعتی و اجتماعی کشور گفت که پیشرفت تدریجی است؛ آن هم پس از گذشت ۴۷ سال از زمامداری خودش و خمینی! این در حالیست که او در ۱۳ خرداد ۱۳۹۱ در کنار گور خمینی ادعا کرده بود که «ما پیشرفت کردیم. ما رکورد زدیم».



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی



واردات اسپارتاک به ایران

اسپارتاک روسی: زره پوش مورد استفاده در جنگ اوکراین، اولویت حکومت وحشت زده

● در میانه تورم افسارگسیخته، بیکاری فزاینده و بحران های عمیق اقتصادی و زیرساختی، خبر واردات حدود ۴۰ دستگاه خودروی زرهی «اسپارتاک» از روسیه موجی از پرسش ها را برانگیخته است.

● س. روزبه در مقاله ای با طرح این پرسش که «چرا حکومتی که زیر فشار تحریم های کمرشکن قرار دارد و آسیب پذیری نظامی و هوایی اش سالهاست آشکار شده، ده ها میلیون دلار را صرف خرید این زره پوش ها می کند؟» پیش بینی کرده است که این «دژ متحرک» روسی قرار است واقعاً در نقطه صفر مرزی به کار گرفته شود، یا برای روزی که دوباره خیابان های زاهدان، سنندج، مهاباد و دیگر شهرهای معترض شعله ور شوند؟ و مهم تر از همه، واردات چنین ابزاری چه چیزی را درباره تصویری که حاکمیت از مردم خود در ذهن دارد، برملا می کند؟

س. روزبه- در میانه تورم افسارگسیخته، بیکاری فزاینده و بحران های عمیق اقتصادی و زیرساختی، خبر واردات حدود ۴۰ دستگاه خودروی زرهی «اسپارتاک» از روسیه موجی از پرسش ها را برانگیخته است. اسپارتاک یک خودروی ۱۴ تا ۱۵ تنی از نوع امراپ (MRAP) است؛ تجهیزاتی که تخصص آن ها مقاومت در برابر مین، مپ کنار جاده ای و کمین است، نه انجام وظایف عادی پلیس شهری یا مقابله با تهدیدات هوایی و موشکی پیشرفته.

چرا حکومتی که زیر فشار تحریم های کمرشکن قرار دارد و آسیب پذیری نظامی و هوایی اش سالهاست آشکار شده، ده ها میلیون دلار را صرف خرید این زره پوش ها می کند؟ این «دژ متحرک» روسی قرار است واقعاً در نقطه صفر مرزی به کار گرفته شود، یا برای روزی که دوباره خیابان های زاهدان، سنندج، مهاباد و دیگر شهرهای معترض شعله ور شوند؟ و مهم تر از همه، واردات چنین ابزاری چه چیزی را درباره تصویری که حاکمیت از مردم خود در ذهن دارد، برملا می کند؟

برآوردها نشان می دهد قیمت جهانی هر امراپ در این کلاس، دست کم بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار دلار است. اگر رقم ۴۰ دستگاه را مبنا بگیریم، هزینه این ناوگان زرهی در بازه تقریباً ۲۰ تا ۳۲ میلیون دلار قرار می گیرد؛ آن هم در شرایطی که مدارس کانکسی، بیمارستان های فرسوده و زیرساخت های بحرانی، شاخصی از عمق مشکلات داخلی اند. این هزینه کرد پیام ساده ای دارد: امنیت بقای سیستم، بر امنیت معیشت و رفاه شهروندان ارجحیت دارد.

تلخی ماجرا زمانی بیشتر می شود که این خرید را در کنار ناتوانی یا بی میلی همان روسیه برای تأمین سامانه های دفاع هوایی و راداری واقعاً مؤثر برای ایران ببینیم. مسکو به عنوان «شریک راهبردی» یا نمی خواهد و یا نمی تواند گاف های

در همین چارچوب است که باید به یک صحنه نمادین در کلیپ رسمی رونمایی از این خودرو توجه کرد: خبرنگار وابسته به پلیس در پایان گزارش با افتخار اعلام می کند که با این تجهیزات «می توانیم در برابر هر نوع تهدیدی مقابله کنیم». در نگاه اول، مخاطب قرار است به یاد قاچاقچی، تروریست یا دشمن خارجی بیفتد، اما در حافظه جمعی جامعه، «تهدید» همان دانشجو، زن بی حجاب، معترض خیابانی، شهروند بلوچ و کرد و کارگری است که برای دستمزدش تجمع کرده است. این جمله، ناخواسته حقیقتی را لو می دهد: برای حاکمیتی که از داخل می ترسد، هر حرکت مستقل اجتماعی بالقوه «تهدید» است و اسپارتاک قرار است سپر این ترس باشد.

کنار هم گذاشتن این قطعات، تصویر روشنی می سازد. واردات اسپارتاک در بستر اقتصادی و سیاسی امروز ایران، بیش از آن که نشانه تقویت امنیت ملی باشد، نشانه تقویت امنیت حاکمیت در برابر جامعه است. ترس واقعی نه از حمله فرضی دشمن خارجی، بلکه از خیزش دوباره شهروندانی است که در ۱۴۰۱ نشان دادند می توانند ستون های مشروعیت را بلرزانند. به جای سرمایه گذاری جدی برای اصلاح ساختار، کاهش تبعیض، باز کردن مسیر مشارکت و پاسخ گوئی، سرمایه به سمت ابزارهایی می رود که قرار است فاصله فیزیکی و نمادین بین حاکم و محکوم را بیشتر کند؛ ابزارهایی مانند اسپارتاک که زره را روی آسفالت شهر می آورد و رابطه را از «حکومت-شهروند» به «فرمانده-منطقه عملیات» تبدیل می کند.

در نهایت، اسپارتاک بیش از آن که یک تکه تجهیزات نظامی باشد، یک استعاره است؛ استعاره نوع رابطه ای که قدرت با شهروندانش ساخته است. واردات چند ده دستگاه از این زره پوش ها نشان می دهد هر بار جامعه وارد دوره ای تازه از بحران و پرسشگری می شود، پاسخ سیستم نه گوش دادن، نه اصلاح قانون و نه گفت و گو، بلکه افزودن یک لایه تازه از زره و سرکوب است. چنین استراتژی ای امنیت واقعی نمی آورد. زره پوش شاید برای مدتی تعادل قوا را در خیابان به نفع حاکمیت عوض کند، اما هم زمان دیوار بی اعتمادی و فاصله میان حاکم و جامعه را بلندتر و ضخیم تر می کند و زمینه را برای رویارویی های خشونت آمیزتر در آینده می سازد. وقتی آخرین راهکار حکومت در برابر شهروند معترض، «زره روی آسفالت شهر» است، یعنی خود حکومت پیش از همه، از آینده ای که ساخته است می ترسد.

دفاعی تهران را پر کند، اما در فروش ابزارهای سرکوب زمینی هیچ تردیدی به خود راه نمی دهد. این انتخاب نشان می دهد در ترازوی محاسبات حاکمیت، تقویت امنیت داخلی برای مهار خیزش ها و حفاظت از نخبگان امنیتی، از تقویت امنیت ملی در برابر تهدیدات خارجی مهم تر شده است. روایت رسمی می گوید اسپارتاک برای «یگان های مرزی نیروی انتظامی» و مقابله با قاچاق و ناامنی در مرزها وارد شده است. اما تجربه تاریخی جمهوری اسلامی چیز دیگری می گوید. هر بار که فعالیت های مدنی و اعتراضات مردمی اوج گرفته، ابزارهای سرکوب داخلی تقویت و به روز شده اند. خودروی آب پاش، نفربر زرهی و تجهیزات ضد شورش، ابتدا با عناوینی مثل «حفاظت از تأسیسات» یا «مرزبانی» وارد شدند، اما خیلی زود در خیابان های تهران، شیراز، اهواز و کرج در سال های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و به ویژه خیزش ۱۴۰۱ ظاهر شدند. هیچ نشانه ای در این سابقه رفتاری وجود ندارد که اسپارتاک سرنوشت متفاوتی پیدا کند.

ویژگی های فنی اسپارتاک این تحلیل را تقویت می کند. امراپ بودن یعنی بدنه بلند و زره سنگین، مقاومت در برابر انفجار و تیراندازی و قابلیت حرکت در خیابان های تنگ و محله های حاشیه نشین بدون ترس از حمله ناگهانی. این خودرو می تواند نیرو را در برابر پرتاب سنگ، کوکتل مولوتف و گلوله سلاح سبک حفظ کند و هم زمان به عنوان دژ متحرک برای استقرار فرمانده صحنه و تک تیرانداز عمل کند. استقرار یک زره پوش ۱۴ تنی در میدان شهر، به ویژه در شهرهایی مانند زاهدان، سنندج یا مهاباد، نه فقط برتری تاکتیکی ایجاد می کند، بلکه پیام روانی روشنی می فرستد: «این جا میدان جنگ است، نه میدان گفت و گو با شهروند».

لایه دیگر ماجرا به حفاظت از فرماندهان و نخبگان امنیتی برمی گردد. در سال های اخیر، تعدادی از فرماندهان و چهره های کلیدی سپاه و نهادهای امنیتی در داخل و خارج ایران هدف حملات موشکی، پهبادی یا مپ های کنار جاده ای قرار گرفته اند. برای سیستمی که ستون اصلی بقایش بر دستگاه امنیتی استوار است، امن سازی رفت و آمد این افراد یک اولویت حیاتی است. اسپارتاک این امکان را می دهد که فرماندهان، افسران اطلاعاتی و محمولات حساس در یک «کپسول فولادی» جابه جا شوند و در برابر حملات کوچک یا انفجارهای محدود مصون بمانند. به این معنا، اسپارتاک فقط برای مرزبان نیست؛ حلقه دیگری در زنجیره حفاظت از مغزهای امنیتی و نظامی است.

جمهوری اسلامی یک نفتکش خارجی را در دریای عمان توقیف کرد



خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران تصاویر نفتکش توقیف شده را منتشر کرد

او همچنین ادعا کرد که ایران «با هدف مبارزه با شبکه‌های قاچاق سوخت و قاچاقچیان» این کشتی را توقیف کرده است.

این در حالی است که پس از توقیف یک ابرنفتکش حامل نفت خام صادراتی ونزوئلا توسط گارد ملی آمریکا، شرکت امنیت دریایی «امبری» نسبت به احتمال اقدام تلافی‌جویانه ایران هشدار داد.

در بیانیه این شرکت آمده بود: «احتمال دارد ایران در واکنش به این توقیف دست به اقدام تلافی‌جویانه بزند. ارزیابی می‌شود که کشتی‌های وابسته به ایالات متحده در خلیج فارس و دریای عمان به‌ویژه نفتکش‌های حامل نفت خام، با سطح بالاتری از خطر مواجه باشند.»

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا روز چهارشنبه از توقیف این نفتکش در سواحل ونزوئلا خبر داد و گفت: «ما همین حالا یک نفتکش را در سواحل ونزوئلا توقیف کردیم، یک نفتکش بزرگ، بسیار بزرگ، در واقع بزرگترین نفتکشی که تاکنون توقیف شده است.»

ترامپ همچنین گفت که انتظار دارد ایالات متحده نفت این کشتی را برای خود نگه دارد. او در پاسخ به پرسشی درباره سرنوشت محموله کشتی گفت: «خب، فکر می‌کنم ما آن را نگه داریم.»

طبق داده‌های دریانوردی عمومی، نفتکش «اسکیپر» در سال ۲۰۲۲ توسط وزارت خزانه‌داری ایالات متحده به دلیل ارتباطات ادعایی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و حزب‌الله تحریم شد. در آن زمان، این کشتی با نام «Adisa» در حرکت بود. این نفتکش ۲۰ ساله پیش‌تر در سال ۲۰۰۵ با نام «The Toy» فعالیت می‌کرد.

پاملا بوندی، دادستان کل آمریکا با انتشار ویدئویی از عملیات توقیف تانکر تاکید کرد که این کشتی «برای انتقال نفت تحریم‌شده از ونزوئلا و ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت.»

پس از توقیف یک نفتکش وابسته به «ناوگان شیخ» جمهوری اسلامی و ونزوئلا توسط نیروهای آمریکا، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان از توقیف یک نفتکش خارجی در دریای عمان خبر داد.

مجتبی قهرمانی رئیس دادگستری استان هرمزگان جمعه ۲۱ آذرماه گفت، این نفتکش «حامل شش میلیون لیتر گازوئیل قاچاق» بود.

او افزود که این کشتی ۱۸ نفر خدمه از کشورهای هند، سریلانکا و بنگلادش داشته است.

این در حالی است که پس از توقیف یک ابرنفتکش حامل نفت خام صادراتی ونزوئلا توسط گارد ملی آمریکا، شرکت امنیت دریایی «امبری» نسبت به احتمال اقدام تلافی‌جویانه ایران هشدار داد.

پس از توقیف یک نفتکش وابسته به «ناوگان شیخ» جمهوری اسلامی و ونزوئلا توسط نیروهای آمریکا، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان از توقیف یک نفتکش خارجی در دریای عمان خبر داد.

مجتبی قهرمانی رئیس دادگستری استان هرمزگان جمعه ۲۱ آذرماه گفت، این نفتکش «حامل شش میلیون لیتر گازوئیل قاچاق» بود.

به گفته این مقام قضایی نفتکش مذکور «بدون مدارک دریانوردی در خصوص سفر و بارنامه محموله سوخت» در حرکت بوده و همه «سامانه‌های ناوبری و کمک‌ناوبری خود را خاموش کرده بود.»

او افزود که این کشتی ۱۸ نفر خدمه از کشورهای هند، سریلانکا و بنگلادش داشته است.

قهرمانی با اشاره به این که این کشتی روز پنجشنبه توقیف شده است، افزود که پرونده این کشتی تشکیل و دستور تخلیه محموله آن نیز صادر شده است.

دو درگیری مسلحانه در فهرج و ایرانشهر چند کشته و زخمی برجا گذاشت



تصاویری از وضعیت ایست بازرسی فهرج

● در درگیری مسلحانه میان افراد ناشناس و مأموران ایست بازرسی ورودی شهرستان فهرج در جاده زاهدان چهار نفر از جمله سه مأمور نیروی انتظامی کشته شدند. این درگیری بامداد سه‌شنبه ۱۵ آذرماه ۱۴۰۴ اتفاق افتاد اما دلیل اصلی آن هنوز مشخص نیست.

● در گزارش حال‌وش به نقل از منابع محلی گفته شد شدت تیراندازی بالا بود و درگیری باعث «ایجاد وضعیت امنیتی پرتنش در محدوده ایست بازرسی» شد.

در درگیری مسلحانه میان افراد ناشناس و مأموران ایست بازرسی ورودی شهرستان فهرج در جاده زاهدان چهار نفر از جمله سه مأمور نیروی انتظامی کشته شدند. این درگیری بامداد سه‌شنبه ۱۵ آذرماه ۱۴۰۴ اتفاق افتاد اما دلیل اصلی آن هنوز مشخص نیست.

قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه اعلام کرد «سه نفر از عوامل انتظامی و یک شهروند عادی» کشته شدند. پیش‌تر، حال‌وش از کشته شدن دو مأمور وزارت اطلاعات و دو مأمور انتظامی خبر داده بود.

در بیانیه روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه آمده: «موضوع توسط دستگاه‌های امنیتی و انتظامی در دست پیگیری است.»

در گزارش حال‌وش به نقل از منابع محلی گفته شد شدت تیراندازی بالا بود و درگیری باعث «ایجاد وضعیت امنیتی پرتنش در محدوده ایست بازرسی» شد.

همزمان در ایرانشهر نیز ماشین‌های گشتی نیروی انتظامی یا اطلاعات کمین خوردند که تعدادی کشته و زخمی برجا گذاشت اما آمار دقیقی از تلفات در دست نیست. ویدیوهایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد مأموران در حال انتقال کشته‌ها و زخمی‌ها هستند. یک هفته قبل از این در درگیری مشابه چهار مأمور در زاهدان کشته شدند. گزارش‌هایی از درگیری در شهرستان تفتان نیز منتشر شده بود اما جزئیات آن دقیق نبود.

هویت و انگیزه افراد مسلح مهاجم مشخص نیست و هیچ گروه یا سازمانی مسئولیت این حمله را برعهده نگرفته است.

حمله به سفارتخانه‌ها؛ بازخوانی تاریخی یک رویه پرهزینه در ایران



حمله «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» به سفارت آمریکا در تهران، ۱۳ آبان ۱۳۵۸ برابر با ۴ نوامبر ۱۹۷۹

بیرونی ایالات متحده.

پدیده‌ای تکرار شونده؛ زمینه‌های تاریخی و پیامدهای ژئوپلیتیک

حملات مکرر به نمایندگی‌های دیپلماتیک خارجی در ایران یک چالش منحصر به فرد و مداوم برای حقوق بین‌الملل و دیپلماسی محسوب می‌شود. تصرف سفارت آمریکا در تهران در ۴ نوامبر ۱۹۷۹، که اغلب به عنوان برجسته‌ترین نمونه شناخته می‌شود، سرآغاز بحران ۴۴۴ روزه گروگان‌گیری در ایران بود. این رویداد، که طی آن ۵۲ آمریکایی تا ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ گروگان نگه داشته شدند، بی‌تردید مسیر تاریخ معاصر ایران را تغییر داد. با این حال، این واقعه نه بی‌سابقه بود و نه یک مورد استثنا. درک این الگو مستلزم تمایز قائل شدن میان اقدامات تاریخی و خودجوش خشم مردمی و حوادث مدرنی است که با درجات متفاوتی از تأیید یا هدایت دولتی همراه بوده‌اند.

حملات به سفارتخانه‌ها در بستر وسیع‌تر خاورمیانه
حمله به تأسیسات دیپلماتیک منحصر به ایران نیست. با این حال، زمینه و عاملان این حملات در منطقه اغلب به طور چشمگیری متفاوت است. در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، حملات به سفارتخانه‌ها در درجه اول با بی‌ثباتی ژئوپلیتیک و اقدامات بازیگران غیردولتی مرتبط است: **درگیری داخلی و شورش**: کشورهایی که با جنگ داخلی یا شورش‌های شدید مواجه‌اند و دولت‌های مرکزی برای حفظ امنیت تلاش می‌کنند، حملات مکرری را شاهد هستند. لبنان، به ویژه در طول جنگ داخلی (۱۹۷۵-۱۹۹۰)،

عرفان نوربخش - هر ساله در آستانه سالگرد اشغال سفارت ایالات متحده در تهران توسط «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» به سفارت آمریکا در تهران در آبان ۱۳۵۸ تحلیل‌های متعددی در فضای رسانه‌ای داخل ایران منتشر می‌شود. در اغلب این تحلیل‌ها، تلاش می‌شود تا نشان داده شود که اشغال سفارت در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) و خصومت‌های متعاقب، عمدتاً ناشی از **تعارض ذاتی و هژمونیک** ایالات متحده با ایران بوده است. از زمان وقوع این حمله، بسیاری از افرادی که در آن مشارکت داشتند، از آن تمجید و سعی کرده‌اند این اقدام را به عنوان واکنشی به **توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب ایران** یا حتی فراتر از آن، به عنوان پاسخی به **تمام دخالت‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران** (از جمله سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق در ۱۹۵۳) توجیه کنند.

این مقاله در نظر دارد که این استدلال را به چالش بکشد و نشان دهد که اتکای صرف به «خصومت ذاتی آمریکا» برای توضیح این پدیده، از یک نکته حیاتی غفلت می‌ورزد: **حمله و اشغال سفارتخانه‌های خارجی در ایران نه اولین بار بوده و نه آخرین بار**. تکرار حملات به نمایندگی‌های دیپلماتیک خارجی، این پدیده را به یک رویه دائم تبدیل کرده است که به جای ریشه‌یابی صرفاً در یک **تعارض ژئوپلیتیک خارجی واحد**، نشان‌دهنده یک الگوی رفتاری عمیق‌تر و مزمن در جامعه و ساختار سیاسی ایران است. ما در این بررسی، فراتر از روایت تعارض هژمونیک، به دنبال ریشه‌یابی این رویه هستیم و نشان خواهیم داد که چرا این رفتار مکرر، بیشتر نمودی از **واکنش‌های درونی** به احساس ضعف و تحقیر است تا صرفاً پاسخ به فشارهای

● هر ساله در آستانه سالگرد اشغال سفارت ایالات متحده در تهران توسط «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» به سفارت آمریکا در تهران در آبان ۱۳۵۸ تحلیل‌های متعددی در فضای رسانه‌ای داخل ایران منتشر می‌شود.

● از زمان وقوع این حمله، بسیاری از افرادی که در آن مشارکت داشتند، از آن تمجید و سعی کرده‌اند این اقدام را به عنوان واکنشی به توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب ایران یا حتی فراتر از آن، به عنوان پاسخی به تمام دخالت‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران توجیه کنند.

● **حمله و اشغال سفارتخانه‌های خارجی در ایران نه اولین بار بوده و نه آخرین بار**. تکرار حملات به نمایندگی‌های دیپلماتیک خارجی، این پدیده را به یک رویه دائم تبدیل کرده است که به جای ریشه‌یابی صرفاً در یک **تعارض ژئوپلیتیک خارجی واحد**، نشان‌دهنده یک الگوی رفتاری عمیق‌تر و مزمن در جامعه و ساختار سیاسی ایران است.

● پس از گروگان‌گیری سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹، الگوی حملات به سفارتخانه‌ها در تهران تغییر کرد و از اقدام صرفاً خودجوش توده مردم به حوادث هدایت‌شده سیاسی تبدیل شد که اغلب از رضایت یا حمایت دولتی بهره می‌بردند.

● اکثریت مردم ایران و اقتصاد ملی بار این اقدامات را به دوش می‌کشند. این حوادث پیوسته منجر به انزوای شدید دیپلماتیک، اعمال تحریم‌ها و ایجاد یک درک منفی جهانی شده است که به طور اساسی به جایگاه بین‌المللی و چشم‌انداز اقتصادی ایران آسیب رسانده است.

احساسی و اغلب تکانشی به تحقیر یا شکست در برابر قدرت‌های خارجی.

ابزاری شدن دولتی: از سال ۱۹۷۹ به بعد، این انگیزه توسط جناح‌های سیاسی به ابزار تبدیل شده است. حملات اغلب به عنوان یک راه کم‌هزینه و تأیید شده برای ابراز خشم رسمی، تنبیه یک دولت خارجی یا اعمال فشار دیپلماتیک بدون توسل به درگیری نظامی مستقیم استفاده می‌شوند. عاملان، که اغلب از گروه‌های شبه‌نظامی یا دانشجویی هستند، غالباً این اقدامات را نردبانی برای پیشرفت سیاسی خود می‌دانند.

با این حال، اکثریت مردم ایران و اقتصاد ملی بار این اقدامات را به دوش می‌کشند. این حوادث پیوسته منجر به انزوای شدید دیپلماتیک، اعمال تحریم‌ها و ایجاد یک درک منفی جهانی شده است که به طور اساسی به جایگاه بین‌المللی و چشم‌انداز اقتصادی ایران آسیب رسانده است. رفع این چرخه مستلزم فراتر رفتن از واکنش‌های تکانشی و اغلب مخرب به ضعف درک شده و پذیرش یک رویکرد بالغ و نهاده شده در قبال تعهدات بین‌المللی است.

منابع و مأخذ

برگردان فارسی کنوانسیون وین: کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)، منتشر شده توسط وزارت امور خارجه یا پژوهشگاه‌های حقوقی.
روند گروگان‌گیری: آبراهامیان، پرواند. ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل‌محمدی و ابراهیم فتاحی. تهران: نشر مرکز.

جرقه فوری: آخرین عامل تحریک‌کننده، امتناع گریبایدوف از تحویل دادن یک خواجه ارمنی بلندپایه و دو زن ارمنی بود که از حرم‌سرای شاه فرار کرده و تحت حمایت دیپلماتیک روسیه در سفارت پناه گرفته بودند. روحانیون اعلام کردند که اقدامات روسیه ناقض احکام شرعی است و این امر توده مردم را به حمله گسترده وادار کرد.

پیامد: تقریباً ۵۴ نفر در این کشتار جان باختند. برای جلوگیری از یک جنگ تلافی‌جویانه با امپراتوری روسیه (که همزمان با امپراتوری عثمانی درگیر بود)، شاه نوه خود، خسرو میرزا، را برای ارائه عذرخواهی رسمی و اهدای **الماس مشهور شاه** به تزار نیکلای اول به سن پترزبورگ فرستاد. این حادثه رسماً «به بوته فراموشی سپرده شد» تا از درگیری بیشتر جلوگیری شود.

مورخان در مورد میزان تحریک دربار قاجار اختلاف نظر دارند، اما شدت واقعه نشان‌دهنده انباشت تحقیر و رنجش اجتماعی علیه تحمیل خارجی است که اقدام «نابجای» گریبایدوف آن را به خشم تکانشی و مخرب تبدیل کرد.

حوادث با تأیید دولتی از سال ۱۹۷۹ به بعد

پس از گروگان‌گیری سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹، الگوی حملات به سفارتخانه‌ها در تهران تغییر کرد و از اقدام صرفاً خودجوش توده مردم به حوادث هدایت‌شده سیاسی تبدیل شد که اغلب از رضایت یا حمایت دولتی بهره می‌بردند.

نتیجه‌گیری: هزینه روانی و ژئوپلیتیک

→ حملات ویرانگری به نمایندگی‌های دیپلماتیک، مانند مپ‌گذاری‌های سفارت آمریکا در ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ را تجربه کرد که عمدتاً به گروه‌های افراطی وابسته به جمهوری اسلامی نسبت داده شد است. به همین ترتیب، عراق نیز پس از تهاجم ۲۰۰۳، شاهد هدف قرار گرفتن مکرر سفارتخانه‌ها (مانند سفارت اردن در ۲۰۰۳) توسط جناح‌های شبه‌نظامی مختلف بوده است، حملاتی که دولت‌ها عموماً آن‌ها را محکوم می‌کنند.

ستیزه‌جویی و افراط‌گرایی: در کشورهایی مانند **پاکستان و افغانستان**، حملات اغلب توسط گروه‌های ستیزه‌جو انجام می‌شود که نمایندگی‌های دیپلماتیک کشورهای دارای مواضع بحث‌برانگیز در سیاست خارجی یا حضور امنیتی را هدف قرار می‌دهند. مپ‌گذاری خودرو در منطقه دیپلماتیک کابل در سال ۲۰۱۷ و مپ‌گذاری سفارت مصر در اسلام‌آباد در سال ۱۹۹۵ نمونه‌هایی از این حملات هستند که دولت‌ها معمولاً آن‌ها را محکوم می‌کنند.

ایران یک ناهنجاری متمایز را ارائه می‌دهد: بر خلاف همسایگان منطقه‌ای خود، ایران در دوران مدرن جنگ داخلی طولانی‌مدت را تجربه نکرده است، با این حال نمایندگی‌های دیپلماتیک مکرراً هدف قرار گرفته‌اند، اغلب توسط گروه‌هایی که با رضایت ضمنی یا حمایت صریح عناصری در دستگاه حاکم فعالیت می‌کنند.

سابقه تاریخی: کشتار سفارت روسیه در سال ۱۸۲۹
اولین حادثه مستند و بسیار خشونت‌آمیز در تاریخ ایران، **کشتار سفارت روسیه در تهران در سال ۱۸۲۹** بود. این

تاریخ	سفارتخانه / کنسولگری هدف	زمینه حمله	پیامد و اهمیت
۱ مرداد ۱۳۶۶ (۱۹۸۷)	سفارتخانه‌های عربستان و کویت	حمله معترضان پس از درگیری پلیس عربستان با حجاج ایرانی در مکه در جریان مراسم حج.	یک دیپلمات سعودی کشته شد؛ سفارت کویت به آتش کشیده شد.
۱۷ بهمن ۱۳۸۴ (۲۰۰۶)	سفارتخانه‌های دانمارک و اتریش	حمله گروه‌های شبه‌نظامی (گزارش شده اعضای بسیج) در اعتراض به انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام در یک روزنامه دانمارکی.	سفارت دانمارک با کوکتل مولوتف مورد حمله قرار گرفت.
۸ آذر ۱۳۹۰ (۲۰۱۱)	سفارت بریتانیا	معترضان در اعتراض به تحریم‌های جدید بریتانیا علیه ایران، وارد محوطه سفارت شدند.	دروازه‌ها شکسته شد، پنجره‌ها خرد شد، اسناد تخریب و پرچم بریتانیا سوزانده شد. این حادثه مستقیماً به قطع روابط دیپلماتیک منجر شد.
۱۳ دی ۱۳۹۴ (۲۰۱۶)	سفارت و کنسولگری عربستان	حمله و به آتش کشیدن سفارت در تهران و کنسولگری در مشهد توسط اوباش، پس از اعدام روحانی برجسته شیعه، نمر النمر، توسط عربستان سعودی.	عربستان سعودی بلافاصله تمامی روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد و تنش‌های منطقه‌ای را تشدید نمود.
۷ بهمن ۱۴۰۱ (۲۰۲۲)	سفارت جمهوری آذربایجان	یک حمله مسلحانه که به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن دو نفر دیگر منجر شد.	این حادثه توسط برخی مقامات به اختلافات شخصی نسبت داده شد، اما تنش سیاسی بین دو کشور را برجسته کرد.

۱۳۷۷. (بخش‌های مربوط به پیامدهای انقلاب و بحران گروگان‌گیری).

تحلیل کشتار ۱۸۲۹: کاظم‌زاده، فیروز. روس و انگلیس در ایران: ۱۹۱۴-۱۸۶۴. ترجمه منوچهر امیری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴. (بخش‌های مرتبط با تنش‌های پس از عهدنامه ترکمانچای و حادثه گریبایدوف).

تحلیل ژئوپلیتیک معاصر: رابرت، ج. و ل. اودانل. سیاست خارجی ایران: ایدئولوژی، منافع و بازیگران. (بخش‌های مرتبط با نقش بسیج و گروه‌های شبه‌دولتی در اعتراضات و حملات دیپلماتیک پس از ۱۹۷۹)

هدف قرار دادن مکرر نمایندگی‌های دیپلماتیک، چه به صورت مستقیم و چه با اغماض، تصویر ایران را به عنوان کشوری که تمایل به نادیده گرفتن اصول اساسی حقوق بین‌الملل، به ویژه مصونیت اماکن دیپلماتیک مندرج در **کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)** دارد، تقویت کرده است.

این الگو نشان‌دهنده یک تعامل حیاتی است: **تکانش‌گری تاریخی:** حادثه ۱۸۲۹ منعکس‌کننده یک تمایل روانی خطرناک در جامعه ایران است - یک واکنش بسیار

رویداد که در تاریخ‌نگاری روسیه اغلب به عنوان «تراژدی تهران» شناخته می‌شود، به کشته شدن سفیر روسیه، **الکساندر گریبایدوف** -نویسنده و دیپلمات مشهور- و تقریباً تمامی کارکنان سفارت منجر شد.

زمینه: این حمله در اوج احساسات شدید ضد روسی پس از انعقاد **عهدنامه ترکمانچای (۱۸۲۸)** رخ داد، که پس از جنگ‌های ایران و روس (۱۸۲۸-۱۸۲۶)، شرایط سنگینی را بر ایران تحمیل کرده بود. گریبایدوف به عنوان عامل اصلی اجرای مفاد عهدنامه، از جمله خواسته‌های مربوط به بازگرداندن اتباع روس و اسیران ارمنی شناخته می‌شد.

رافائل گروسی: مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی به هیچ‌وجه حل نشده است



رافائل گروسی / عکس: رویترز

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در مصاحبه‌ای اختصاصی با رسانه‌های آرژانتینی با ابراز نگرانی نسبت به وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران گفت: «در رابطه با ایران، بویژه پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، مسائل به هیچ‌وجه حل نشده است. بخصوص وضعیت ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد که در سطح تقریباً نظامی است.» او هشدار داد که بدون دسترسی کامل به این سایت‌ها، نمی‌توان ایمنی یا عدم انحراف این مواد را تضمین کرد.

● در واکنش به اظهارات سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفت، هر وقت لازم باشد جمهوری اسلامی با آژانس در ارتباط است اما در خصوص شکل‌گیری یک همکاری جدید، باید بحث و تبادل نظر صورت گیرد.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در مصاحبه‌ای اختصاصی با رسانه‌های آرژانتینی اعلام کرد که مسائل مرتبط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل به هیچ‌وجه حل نشده است.

رافائل گروسی با ابراز نگرانی نسبت به وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران گفت: «در رابطه با ایران، بویژه پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، مسائل به هیچ‌وجه حل نشده است. بخصوص وضعیت ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد که در سطح تقریباً نظامی است.»

گروسی که هم‌زمان نامزد دبیرکل سازمان ملل متحد است، تأکید کرد که آژانس بر اساس گزارش‌های اخیر خود، تخمین می‌زند حدود ۴۰۰ کیلوگرم از این ماده غنی‌شده همچنان در تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده ایران [اصفهان، فردو و نطنز] نگهداری می‌شود.

او هشدار داد که بدون دسترسی کامل به این سایت‌ها، نمی‌توان ایمنی یا عدم انحراف این مواد را تضمین کرد.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به

محدودیت‌های اعمال‌شده توسط رژیم ایران به دلیل نگرانی‌های امنیتی، تأکید کرد: «بازرسان باید کار خود را در ایران از سر بگیرند.»

گروسی افزود که آژانس در حال مذاکره برای چارچوبی است تا بازرسی‌ها تحت نظارت کامل از سر گرفته شود و این امر برای حفظ رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ضروری است. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که گروسی از تماس‌های مداوم خود با مقام‌های رژیم ایران، اروپایی، روسی و چینی برای یافتن راه‌حل دیپلماتیک پایدار خبر داد. او همچنین به تهدیدهای جانی دریافتی خود در جریان جنگ اسرائیل و ایران اشاره کرد و گفت که همچنان تحت حفاظت ویژه قرار دارد.

گروسی این تجربیات را یکی از نقاط قوت خود برای رهبری سازمان ملل دانست و تأکید کرد که احیای نقش محوری سازمان ملل در بحران‌های جهانی، از جمله پرونده هسته‌ای ایران، نیازمند رهبری مؤثر و دیپلماسی فعال است. در واکنش به اظهارات رافائل گروسی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید هر وقت لازم باشد جمهوری اسلامی با آژانس در ارتباط است اما در خصوص شکل‌گیری یک همکاری جدید، باید بحث و تبادل نظر صورت گیرد.

بقایبی در باره نحوه ارتباط کنونی میان ایران و آژانس گفت که در حال حاضر نمایندگی جمهوری اسلامی در این نهاد در صورت لزوم با مقام‌های آژانس در ارتباط هستند. او در عین حال اضافه کرد که مبنای کار ایران در همکاری با آژانس، صوبه مجلس است.

بعد از جنگ ۱۲ روزه همچنان سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران مبهم است و علی‌رغم هشدارهای بین‌المللی، جمهوری اسلامی به بازرسان اجازه بازدید از تأسیسات کلیدی که در جنگ بمباران شده‌اند را نمی‌دهد.

محمد اسلامی: آژانس حق بازرسی از مراکز اتمی مورد حمله قرار گرفته شده را ندارد

● رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید پاسخگو باشد و «حق ندارد» بدون دستورالعمل مشخص، مدعی بازرسی از تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده شود.

● محمد اسلامی دوشنبه ۱۵ دسامبر (۲۴ آذرماه) در حاشیه مراسم رونمایی از «جدیدترین دستاوردهای پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای» گفت: «با وجود اینکه تحت فشار اسرائیل، سه کشور اروپایی و آمریکا قرار داریم، این فشارها تاثیری بر ما ندارد؛ بلکه این آژانس است که باید پاسخ دهد و به دنیا توضیح بدهد.»

● او ادامه داد: «بازرسی‌ها پیش از این از مراکز که آسیب ندیده بودند انجام شده است، اما اکنون موضوع مراکز مورد حمله مطرح است. برای این مراکز، باید پروتکل مشخصی وجود داشته باشد. آژانسی که محکومیتی اعلام نکرده و دستورالعملی ندارد، حق ندارد ادعای بازرسی کند.»

● اسلامی در ادامه تأکید کرد: «تمامی تأسیسات هسته‌ای ما به‌طور کامل در آژانس ثبت شده و تحت نظارت آن بوده است. اکنون زمان طرح پرسش برای آژانس نیست، بلکه زمان پاسخ‌گویی آن است. باید پاسخ دهد چه دارد، چه پاسخی ارائه می‌کند، چرا محکوم نکرده و چه دستورالعملی در اختیار دارد. اگر دستورالعملی وجود دارد، باید روند آن طی شود تا ما بررسی کنیم.»

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید پاسخگو باشد و «حق ندارد» بدون دستورالعمل مشخص، مدعی بازرسی از تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده شود.

محمد اسلامی دوشنبه ۱۵ دسامبر (۲۴ آذرماه) در حاشیه مراسم رونمایی از «جدیدترین دستاوردهای پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای» در پاسخ به پرسشی درباره اظهارات اخیر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر آغاز دسترسی نداشتن بازرسان به سایت فردو، نطنز و اصفهان گفت: «با وجود اینکه تحت فشار اسرائیل، سه کشور اروپایی و آمریکا قرار داریم، این فشارها تاثیری بر ما ندارد؛ بلکه این آژانس است که باید پاسخ دهد و به دنیا توضیح بدهد.»

او ادامه داد: «بازرسی‌ها پیش از این از مراکز که آسیب ندیده بودند انجام شده است، اما اکنون موضوع مراکز مورد حمله مطرح است. برای این مراکز، باید پروتکل مشخصی وجود داشته باشد. آژانسی که محکومیتی اعلام نکرده و دستورالعملی ندارد، حق ندارد ادعای بازرسی کند.»

اسلامی در ادامه تأکید کرد: «تمامی تأسیسات

هشدارهای مکرر رافائل گروسی: به سایت‌های اتمی کلیدی ایران دسترسی نداریم



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کنفرانس خبری / واشنگتن / ۱۵ مارس ۲۰۲۳

بعد از جنگ ۱۲ روزه سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران مبهم است. شماری از مقامات مدعی شدند که این اورانیوم‌ها پیش از جنگ به «مکان امن» منتقل شدند اما عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت زیر آوار مدفون شده‌اند.

در واکنش به هشدارهای مکرر گروسی، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفته بود «مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به طور مکرر جملات و گزاره‌هایی را تکرار می‌کند که تغییری در واقعیت‌های موجود نخواهد داشت.»

او روز یکشنبه در بارابراز تأسف نسبت به عملکرد آژانس و شورای حکام گفت: «آنها حتی از اشاره‌ای گذرا به این واقعیت که تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران مورد تعرض غیرقانونی آمریکا و اسرائیل قرار گرفته، خودداری کرده‌اند. در چنین شرایطی که رویکردها منصفانه نیست و فقط یک طرف مورد خطاب قرار گرفته، این مشکل حل نخواهد شد. مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید با تأکید بر صلاحیت‌های خود طبق اساسنامه آژانس، نگاه فنی خود را در رابطه با این موضوعات حاکم کند.»

بعد از فعال شدن «مکانیسم ماشه» دولت‌های اروپایی بارها از جمهوری اسلامی خواستند، مذاکرات با آمریکا را از سر بگیرد و با آژانس همکاری کند اما در مقابل ایران از «توافق قاهره» را لغو کرد و مذاکرات با آژانس متوقف شد. در داخل ایران برخی کارشناسان به حکومت در باره پیامدهای عدم همکاری با آژانس هشدار دادند به ویژه آنکه اکنون احتمال جنگ مجدد نیز وجود دارد.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده ۲۰ آذرماه بار دیگر جمهوری اسلامی را تهدید کرد و گفت اگر تهران بخواهد بدون توافق برنامه هسته‌ای خود را احیا و توان خود را بازسازی کند، آمریکا «بار دیگر آن را نابود خواهد کرد.»

● شش ماه پس از چهاران تأسیسات اتمی فردو، نطنز و اصفهان، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر هشدار که بازرسان این نهاد نظارتی همچنان به تأسیسات هسته‌ای کلیدی که در جنگ ۱۲ روزه آسیب دیدند دسترسی ندارند.

● رافائل گروسی در مصاحبه با خبرگزاری روسی «ریانووستی» در پاسخ به پرسشی درباره وجود پیشرفت عملی در ازسرگیری بازرسی‌ها پس از حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای ایران، توضیح داد که آژانس موفق شده است فعالیت‌های بازرسی را از سر بگیرد، اما این فعالیت‌ها بسیار محدود است و هنوز امکان دسترسی به تأسیسات کلیدی وجود ندارد.

شش ماه پس از چهاران تأسیسات اتمی فردو، نطنز و اصفهان، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر هشدار که بازرسان این نهاد نظارتی همچنان به تأسیسات هسته‌ای کلیدی که در جنگ ۱۲ روزه آسیب دیدند دسترسی ندارند.

رافائل گروسی در مصاحبه با خبرگزاری روسی «ریانووستی» در پاسخ به پرسشی درباره وجود پیشرفت عملی در ازسرگیری بازرسی‌ها پس از حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای ایران، توضیح داد که آژانس موفق شده است فعالیت‌های بازرسی را از سر بگیرد، اما این فعالیت‌ها بسیار محدود است و هنوز امکان دسترسی به تأسیسات کلیدی وجود ندارد. او افزود: «ما فقط اجازه ورود به تأسیساتی را داریم که هدف حمله قرار نگرفته‌اند. این دسترسی نیز خوب است، چرا که نام این سایت‌ها نیز در فهرست توافق‌شده برای بازرسی قرار و برای ما اهمیت دارند اما بی تردید تأسیسات نطنز، اصفهان و فردو اهمیت بسیار بیشتری دارند؛ هنوز حجم قابل توجهی از مواد و تجهیزات هسته‌ای در آنها وجود دارد و ما باید به آنجا بازگردیم.»

→ هسته‌ای ما به‌طور کامل در آژانس ثبت شده و تحت نظارت آن بوده است. اکنون زمان طرح پرسش برای آژانس نیست، بلکه زمان پاسخ‌گویی آن است. باید پاسخ دهد چه دارد، چه پاسخی ارائه می‌کند، چرا محکوم نکرده و چه دستورالعملی در اختیار دارد. اگر دستورالعملی وجود دارد، باید روند آن طی شود تا ما بررسی کنیم.»



محمد اسلامی

رافائل گروسی در مصاحبه با «ریانووستی» اعلام کرده بود که بازرسان این نهاد به ایران بازگشته‌اند، اما دسترسی به سه مورد تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده از حملات آمریکا و اسرائیل شامل فردو، نطنز و اصفهان نداشته‌اند. او گفت: «تأسیسات اصلی دچار خسارت‌های جدی شده‌اند و در زمان حملات، از نظر ایمنی امکان انجام بازرسی وجود نداشت. پس از حملات، ایران سطح همکاری خود با آژانس را محدود کرد.»

گروسی تأکید کرد که گفتگوها برای حل این موضوع ادامه دارد و با وجود بازدید بازرسان از سایر سایت‌ها، هنوز دسترسی به مراکز آسیب‌دیده میسر نشده است.

تهران اعلام کرده است که به دلیل خطرات زیست‌محیطی و ایمنی ناشی از حملات غیرقانونی، نیاز به تدوین مکانیسم جدید بازرسی وجود دارد و تا آن زمان امکان دسترسی به تأسیسات آسیب‌دیده وجود نخواهد داشت.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی همچنین افزود که هرگونه همکاری با آژانس باید مطابق مصوبه مجلس باشد و تکرار اظهارات رافائل گروسی درباره ذخایر اورانیوم ایران، واقعیت‌ها را تغییر نخواهد داد. وی افزود: «مدیرکل آژانس به جای مخاطب قرار دادن مکرر ایران، باید طرف‌هایی را مخاطب قرار دهد که مسبب این وضعیت هستند.»

جمهوری اسلامی ضمن رد اتهامات کشورهای غربی درباره اهداف نظامی برنامه اتمی خود، تأکید می‌کند که به عنوان عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی (NPT) و آژانس، حق دسترسی به فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را دارد و تاکنون هیچ مدرکی که نشان‌دهنده انحراف برنامه صلح‌آمیز ایران به سمت اهداف نظامی باشد، ارائه نشده است اما بعد از سه سال همچنان پاسخ قانع‌کننده ندارد که چرا اورانیوم را تا ۶۰ درصد غنی‌سازی کرده است.

فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش بدون «مراسم تودیع» برکنار شد



علیرضا صباحی فرد

● براساس گزارش رسانه‌های داخلی ایران، علیرضا صباحی فرد فرماندهی نیروی پدافند هوایی ارتش برکنار و علیرضا الهامی به عنوان جایگزین او منصوب شد.
● خبرگزاری‌های حکومتی دوشنبه ۲۴ آذرماه ۱۴۰۴ بدون هیچ توضیحی با اعلام این خبر نوشتند «الهامی که از سال ۱۳۹۸ تاکنون به عنوان جانشین این نیرو فعالیت می‌کرد».

براساس گزارش رسانه‌های داخلی ایران، علیرضا صباحی فرد فرماندهی نیروی پدافند هوایی ارتش برکنار و علیرضا الهامی به عنوان جایگزین او منصوب شد.
خبرگزاری‌های حکومتی دوشنبه ۲۴ آذرماه ۱۴۰۴ بدون هیچ توضیحی با اعلام این خبر نوشتند «الهامی که از سال ۱۳۹۸ تاکنون به عنوان جانشین این نیرو فعالیت می‌کرد».
در همین خبر آمده «او سابقه فرماندهی دانشگاه پدافند هوایی و معاون عملیات قرارگاه پدافند هوایی «خاتم الانبیاء» را در کارنامه خود دارد».

همزمان عبدالرحیم موسوی فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در بازدید از قرارگاه مشترک پدافند هوایی «خاتم‌الانبیاء» گفت: «نیروی پدافند هوایی ارتش و سپاه، بازوان قدرتمند مطمئن و با ارزشی هستند که می‌توانند یاری‌گر قرارگاه پدافند در پیشبرد راهبردها و هدف‌گذاری‌های نوین باشند».

او همچنین تأکید کرد سپاه و ارتش می‌توانند با تقویت سپر دفاعی شبکه یکپارچه پدافند هوایی، برای رویارویی موفق با تهدیدات، در هم‌افزایی با سایر نیروها و سازمان‌های فعال و مسئول نقش اساسی ایفا کنند.

صباحی فرد بدون برگزاری مراسم تودیع برکنار شده است. برای انتصاب خود او در همین پست ۱۲ خرداد ۱۳۹۷ «آیین معارفه» برگزار شد. برای الهامی هم مراسم معارفه برگزار نشد. این وضعیت نشان می‌دهد تا چه اندازه در بالاترین سطوح نظامی شرایط غیرعادی است. در جریان جنگ ۱۲ روزه بخش عمده سایت‌های راداری و پدافندی ارتش و سپاه پاسداران به طور کامل منهدم شد. الهامی در حالی مسئولیت جدید را به عهده می‌گیرد که با توجه به تحریم‌ها و کمبود بودجه جایگزین کردن تجهیزات و ادوات برای نیروی پدافند ارتش بسیار دشوار است، هرچند گزارش‌هایی وجود دارد بر این مبنی که روسیه و چین در احیای بخشی از توانمندی پدافنی جمهوری اسلامی همکاری می‌کنند.

یوسف رجبی دعوت عباس عراقچی به تهران را رد کرد؛ آغاز گفتگوهای مستقیم لبنان و اسرائیل



عباس عراقچی و یوسف رجبی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و لبنان (تصویر آرشیوی از دیدارهای گذشته)

بی‌طرف ندارند.»
او همچنین تصمیم وزیر خارجه لبنان را ناشی از حملات اسرائیل دانست و گفت: «با توجه به اشغالگری اسرائیل در لبنان و نقض آشکار آتش‌بس، کاملاً درک می‌کنم که چرا همتای لبنانی ارجحندم آماده سفر به تهران نیست. از این رو با کمال میل دعوت او برای سفر به بیروت را می‌پذیرم».
عراقچی در بخش دیگری از پیام خود با بیان این که جمهوری اسلامی نیز خواهان «فصلی جدید» در روابط دوجانبه با لبنان است، گفت که ایران نیز به دنبال روابطی بر پایه همان اصول دقیقی است که وزیر خارجه لبنان بر آن تأکید کرده است.

رجبی پیش از این نیز خواستار پایان دادن به مداخله جمهوری اسلامی در امور داخلی لبنان شد و اخیراً اعلام کرد بود که به صورت رسمی این موضوع را با عراقچی مطرح کرده است.

این مقام لبنانی در واکنش گفته بود که لبنان آماده آغاز مرحله‌ای تازه از روابط سازنده با ایران است، مشروط بر اینکه این روابط کاملاً بر پایه احترام متقابل، به رسمیت شناختن کامل استقلال و حاکمیت هر دو کشور و عدم مداخله در امور داخلی تحت یکدیگر استوار باشد.

او با اشاره‌ای تلویحی به درخواست‌ها برای «خلع سلاح» حزب‌الله لبنان اضافه کرد که هیچ دولت قدرتمندی شکل نخواهد گرفت مگر آنکه دولت تنها مرجع قانونی در اختیار داشتن سلاح باشد.

انتقادات وزیر خارجه لبنان اما به طور خاص تنها محدود به موضوع خلع سلاح حزب‌الله نبود. او اخیراً نیز با انتشار پیامی نسبت به اظهارات علی‌اکبر ولایتی مشاور ارشد علی خامنه‌ای و عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری واکنش نشان داده بود.

بعد از اعلام آتش‌بس میان حزب‌الله و اسرائیل روابط جمهوری اسلامی و لبنان بهم ریخت، بویژه آنکه از تهران تلاش می‌شود با ارسال پول و سلاح برای حزب‌الله روند خلع سلاح این گروه تروریستی مختل شود.

● همزمان با آغاز گفتگوهای مستقیم میان لبنان و اسرائیل، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به اظهارات یوسف رجبی وزیر خارجه لبنان در رد دعوت سفر به ایران، این تصمیم را «مایه شگفتی» دانست. رجبی با رد دعوت جمهوری اسلامی برای مذاکره، پیشنهاد کرد مذاکرات در کشور ثالث انجام شود.

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی اشاره نکرد که چرا وزیر خارجه لبنان دعوت را نپذیرفته است و ادعا کرد: «روشن است وزیر خارجه کشورهایی که روابط برادرانه و روابط کامل دیپلماتیک دارند، برای دیدار نیازی به یک محل بی‌طرف ندارند».

● او همچنین تصمیم وزیر خارجه لبنان را ناشی از حملات اسرائیل دانست و گفت: «با توجه به اشغالگری اسرائیل در لبنان و نقض آشکار آتش‌بس، کاملاً درک می‌کنم که چرا همتای لبنانی ارجحندم آماده سفر به تهران نیست. از این رو با کمال میل دعوت او برای سفر به بیروت را می‌پذیرم».

همزمان با آغاز گفتگوهای مستقیم میان لبنان و اسرائیل، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به اظهارات یوسف رجبی وزیر خارجه لبنان در رد دعوت سفر به ایران، این تصمیم را «مایه شگفتی» دانست. رجبی این بار رد دعوت جمهوری اسلامی برای مذاکره، پیشنهاد کرد مذاکرات در کشور ثالث انجام شود.

عراقچی با انتشار پستی در «ایکس» نوشت: «از دعوت محبت‌آمیز آقای یوسف رجبی سپاسگزارم. در عین حال تصمیم او برای عدم استقبال از دعوت متقابل ایران در پاسخ به مهمان‌نوازی گرم ایشان در سفر گذشته اینجانب به لبنان، مایه شگفتی است».

وزیر خارجه جمهوری اسلامی اشاره نکرد که چرا وزیر خارجه لبنان دعوت را نپذیرفته است و ادعا کرد: «روشن است وزیر خارجه کشورهایی که روابط برادرانه و روابط کامل دیپلماتیک دارند، برای دیدار نیازی به یک محل

دیدار عراقچی و لاوروف در مسکو؛ مذاکره جمهوری اسلامی با روسیه برای تکرار نشدن حمله اسرائیل



دیدار عراقچی و لاوروف در مسکو / آذرماه ۱۴۰۴

عراقچی در همین دیدار گفت: «روابط تهران و مسکو روز به روز عمیق‌تر می‌شود. خوشبختانه ما مواضع مشترکی در مسائل مختلف داریم. ما همواره از هم حمایت کردیم و روابط ما هر روز نزدیک‌تر و پیوسته‌تر می‌شود.»

ترامپ و تغییر رژیم در ایران

وزیر خارجه جمهوری اسلامی پیش از سفر به مسکو با شبکه «الجزیره» مصاحبه کرد. او در این مصاحبه گفت: «آمریکا در حمله به تأسیسات هسته‌ای موفق بوده و تأسیسات ما آسیب دیده و آسیب‌های جدی دیده‌ایم. در اثر حمله هوایی، بسیاری از تجهیزات ما در این تأسیسات از بین رفته است.»

یکی از پرسش‌های مجری الجزیره از عراقچی درباره «پیغام ترامپ درباره تغییر رژیم در ایران» بود. او در پاسخ گفت: «من مطمئن نیستم منظورشان دقیقاً چه بوده، چون این دخالت آشکار رئیس‌جمهور یک کشور در امور داخلی یک کشور دیگر است این که آیا ایران به یک کشور بزرگ یا یک کشور با عظمت تبدیل شود یا نشود، این فقط به مردم ایران مربوط می‌شود. هیچ کسی دیگری حق ندارد در این مورد تصمیم بگیرد. اینکه آیا ایران الان در یک موقعیت بزرگ و با عظمتی هست یا نیست به خود ما و به مردم ایران مربوط می‌شود.»

او در همین ارتباط ادامه داد: «من به همین دلیل مطمئن نیستم که رئیس‌جمهور آمریکا واقعا منظورشان از این صحبتی که کرده همین بوده که الان برداشت شده است. من واقعا توصیه میکنم که آمریکا به مردم ایران احترام بگذارد و به نظامی که مردم ایران برای خودشان انتخاب کرده اند، احترام بگذارد.»

از اظهارات عراقچی و گفتگوهای او با لاوروف پیداست که حکومت ایران، موجودیت خود را در خطر می‌بیند بویژه آنکه پایگاه اجتماعی آن در داخل تا حدی فرو ریخته، محور مقاومت فروپاشیده و نارضایتی در بین مردم به اوج خود رسیده است.

شش ماه بعد از جنگ ۱۲ روزه، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که به مسکو سفر کرده است، روز پنجشنبه ۲۶ آذرماه ۱۴۰۴ با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه دیدار کرد.

براساس اظهارات عراقچی و بازتاب آن در رسانه‌ها این دیدار تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا، بن‌بست مذاکرات اتمی و احتمال حمله مجدد اسرائیل به ایران قرار داشت. عراقچی در همین دیدار گفت جمهوری اسلامی روی راپزنی با روسیه برای تکرار نشدن حمله اسرائیل حساب می‌کند.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی همچنین از لاوروف به دلیل حمایت از ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه تشکر کرد. این در حالیست که حتا در داخل ایران شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تحلیلگران و رسانه‌ها به دلیل عدم حمایت روسیه و چین از جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه انتقادهای زیادی را مطرح کردند.

شش ماه بعد از جنگ ۱۲ روزه، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که به مسکو سفر کرده است، روز پنجشنبه ۲۶ آذرماه ۱۴۰۴ با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه دیدار کرد.

براساس اظهارات عراقچی و بازتاب آن در رسانه‌ها این دیدار تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا، بن‌بست مذاکرات اتمی و احتمال حمله مجدد اسرائیل به ایران قرار داشت. عراقچی در همین دیدار گفت جمهوری اسلامی روی راپزنی با روسیه برای تکرار نشدن حمله اسرائیل حساب می‌کند.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی همچنین از لاوروف به دلیل حمایت از ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه تشکر کرد. این در حالیست که حتا در داخل ایران شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تحلیلگران و رسانه‌ها به دلیل عدم حمایت روسیه و چین از جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه انتقادهای زیادی را مطرح کردند. حتا اظهارات برخی فرماندهان نظامی هم آشکار بود که در تهران توقعاتی از روسیه داشتند که عملی نشد.

بعد از فرماندهان نیروی زمینی و پدافند ارتش، فرمانده نیروی هوایی نیز برکنار شد



بازدید حمید واحدی فرمانده پیشین نیروی هوایی ارتش از پایگاه «فکوری»

شش ماه پس از جنگ ۱۲ روزه، با حکم علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا، حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی از مقام خود برکنار و بهمن بهمرد به عنوان جایگزین او منصوب شد.

بهمرد درحالی به عنوان فرمانده نیروی هوایی ارتش منصوب شد که در جریان جنگ ۱۲ روزه مشخص شد تا چه اندازه ناوگان جنگنده‌های جمهوری اسلامی فرسوده و مستهلک هستند. جنگنده‌های پیشرفته اسرائیل به مراکز نظامی و سایت‌های راداری و پدافندی حمله کردند و بمب‌افکن‌های رادار گریز آمریکا تأسیسات اتمی در عمق ایران را بمباران کردند بی‌آنکه نیروی هوایی مزاحم آنها شود.

شش ماه پس از جنگ ۱۲ روزه، با حکم علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا، حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی از مقام خود برکنار و بهمن بهمرد به عنوان جایگزین او منصوب شد.

مراسم تودیع و معارفه فرماندهان سابق و جدید «نهایا» چهارشنبه ۲۶ آذرماه ۱۴۰۴ با حضور امیر حاتمی فرمانده کل ارتش، سردار محمد شیرازی رئیس دفتر نظامی خامنه‌ای، حیدری جانشین قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء، سرتیپ دادرس جانشین فرمانده کل ارتش، حبیب‌الله سیاری رئیس ستاد و معاون هماهنگ کننده ارتش برگزار شد.

بهمرد درحالی به عنوان فرمانده نیروی هوایی ارتش منصوب شد که در جریان جنگ ۱۲ روزه مشخص شد تا چه اندازه ناوگان جنگنده‌های جمهوری اسلامی فرسوده و مستهلک هستند. جنگنده‌های پیشرفته اسرائیل به مراکز نظامی و سایت‌های راداری و پدافندی حمله کردند و بمب‌افکن‌های رادار گریز آمریکا تأسیسات اتمی در عمق ایران را بمباران کردند بی‌آنکه نیروی هوایی مزاحم آنها شود. علیرضا صباحی‌فرد فرماندهی نیروی پدافند هوایی ارتش ۲۴ آذرماه برکنار و علیرضا الهامی به عنوان جایگزین او منصوب شد. برای صباحی‌فرد مراسم تودیع برگزار نشد. پیش از او کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش نیز برکنار شده بود.

برخی منابع غیررسمی گزارش دادند که رئیس سازمان حفاظت اطلاعات ارتش نیز به زودی تغییر می‌کند. همچنین گفته می‌شود حبیب‌الله سیاری نیز از سمت خود کنار خواهد رفت.

رائد سعد نفر دوم گروه تروریستی حماس در غزه کشته شد



سعد رائد

● ارتش اسرائیل شنبه ۱۲ دسامبر (۲۲ آذرماه) در بیانیه‌ای اعلام کرد که با همکاری شاباک (سازمان امنیت داخلی) رائد سعد یکی از طراحان عملیات تروریستی «هفت اکتبر» را از پای درآوردند.

● در گزارش‌ها آمده است که رائد سعد در بازسازی توان حماس و تولید سلاح نقش داشته است. یکی از نزدیک‌ترین افراد به سنوار و ضیف به شمار می‌رفته است.

رائد سعد نفر دوم گروه تروریستی حماس و از فرماندهان ارشد گردان‌های القسام در حمله پهبادی ارتش اسرائیل در غزه کشته شد.

ارتش اسرائیل شنبه ۱۲ دسامبر (۲۲ آذرماه) در بیانیه‌ای اعلام کرد که با همکاری شاباک (سازمان امنیت داخلی) رائد سعد یکی از طراحان عملیات تروریستی «هفت اکتبر» را از پای درآوردند.

به گزارش «اسکای نیوز عربی» یک منبع امنیتی نیز تأیید کرد: «ارتش اسرائیل حمله‌ای علیه رائد سعد انجام داد و بر اساس ارزیابی‌ها، این عملیات با موفقیت انجام شده و او کشته شده است. در غزه گزارش‌هایی از کشته شدن تعدادی از افراد در نتیجه این حمله هوایی منتشر شده است.»

در گزارش‌ها آمده است که رائد سعد در بازسازی توان حماس و تولید سلاح نقش داشته است. یکی از نزدیک‌ترین افراد به سنوار و ضیف به شمار می‌رفته است.

سعد در سال ۲۰۰۵، پس از عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از نوار غزه، فرماندهی تیپ غزه -بزرگ‌ترین تیپ در گردان‌های قسام- را بر عهده گرفت. او سپس مسئولیت صنایع نظامی در این گردان‌ها را عهده‌دار شد تا در سایه محاصره اسرائیل علیه نوار غزه که از زمان به قدرت رسیدن حماس در سال ۲۰۰۷ اعمال شده، به خودکفایی دست یابند. بر اساس منابع متعدد، او بر ساخت موشک‌ها، گلوله‌های ضدزره، تفنگ‌های تک‌تیراندازی و دیگر تجهیزات نظارت داشت. ارتش اسرائیل در سال ۲۰۲۴ و در جریان جنگ غزه، پس از بمباران اردوگاه الشاطی در این شهر، اعلام کرده بود که او را ترور کرده است، اما حماس در آن زمان این خبر را تکذیب کرد.

بر پایه گزارش‌های مختلف، پس از ترور محمد الضیف و به‌دست گرفتن فرماندهی توسط عزالدین حداد، رائد سعد به جانشینی فرمانده کل گردان‌های قسام منصوب شد.

هشدار منابع عربی و منطقه‌ای به دولت لبنان: اسرائیل آماده اقدام نظامی علیه حزب‌الله است



حامیان حزب‌الله / عکس: رویترز

همچنان از خلع سلاح خودداری می‌کند. اظهارات رجبی همچنین بر رویارویی گسترده‌تر لبنان با نفوذ حکومت ایران در داخل کشور و در سراسر منطقه تأکید داشت. وزیر خارجه لبنان در گفت‌وگو با الجزیره نقش تهران در لبنان و خاورمیانه را «بسیار منفی» توصیف کرد و سیاست‌های ایران را «منبع بی‌ثباتی» خواند. او گفت دولت طرفدار غرب لبنان همچنان آمادگی گفتگو با جمهوری اسلامی را دارد، مشروط بر اینکه تهران تأمین مالی «یک سازمان غیرقانونی» در لبنان -کنایه‌ای به حزب‌الله- را متوقف کند و از مداخله در امور داخلی کشور دست بردارد.

این اظهارات پس از آن مطرح شد عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، روز پنجشنبه اعلام کرد پس از آنکه رجبی دعوت جمهوری اسلامی برای سفر به تهران را رد کرده است. رجبی گفته بود همتای ایرانی‌اش می‌تواند به بیروت بیاید یا آنکه دو طرف در کشور ثالث دیدار کنند.

در ادامه، رجبی با اشاره به گفتگوهای مستقیم اخیر با اسرائیل تأکید کرد که لبنان وارد «مذاکرات سنتی» نشده، بلکه در تلاش است به وضعیت آتش‌بس (قرارداد متارکه جنگ) با اسرائیل بازگردد.

از زمان آغاز آتش‌بس میان اسرائیل و این گروه تروریستی، کمی بیش از یک سال پیش، درخواست‌ها برای خلع سلاح حزب‌الله افزایش یافته است.

بر اساس مفاد آتش‌بسی که به درگیری اکتبر ۲۰۲۳ تا نوامبر ۲۰۲۴ میان اسرائیل و حزب‌الله به‌شدت تضعیف‌شده پایان داد، قرار بود حزب‌الله خلع سلاح شود و به نیروهای مسلح لبنان اجازه داده شود در سراسر کشور به‌طور کامل مستقر شوند، هم‌زمان با عقب‌نشینی نیروهای دفاعی اسرائیل. با این حال، با وجود آنکه لبنان طرحی برای اجرای این خلع سلاح تهیه کرده، این امر هنوز محقق نشده است.

اسرائیل همچنان نیروهایی را در خاک لبنان حفظ کرده و به‌طور منظم حملاتی انجام می‌دهد که به گفته خود، در پاسخ به تلاش‌های حزب‌الله برای بازسازی توان نظامی‌اش است.

● منابع منطقه‌ای گزارش دادند دولت لبنان از سوی طرف‌های عربی و بین‌المللی هشدارهایی دریافت کرده مبنی بر اینکه اسرائیل در حال آماده‌سازی یک عملیات نظامی گسترده علیه حزب‌الله است.

● رجبی گفت دولت لبنان از طریق کانال‌های دیپلماتیک در حال گفتگوهای فشرده‌ای است تا از وقوع چنین عملیاتی جلوگیری کند و اطمینان یابد که کارکنان و تأسیسات دولتی هدف قرار نمی‌گیرند. او افزود که هم‌زمان، بیروت تلاش‌های خود برای مذاکره با حزب‌الله را ادامه می‌دهد تا این سازمان تروریستی مورد حمایت جمهوری اسلامی را متقاعد کند که به‌طور داوطلبانه «خلع سلاح» را بپذیرد.

منابع منطقه‌ای گزارش دادند دولت لبنان از سوی طرف‌های عربی و بین‌المللی هشدارهایی دریافت کرده مبنی بر اینکه اسرائیل در حال آماده‌سازی یک عملیات نظامی گسترده علیه حزب‌الله است.

یوسف رجبی وزیر خارجه لبنان، روز جمعه ۱۲ دسامبر (۲۱ سپتامبر) در گفتگو با الجزیره اعلام کرد، مقام‌های بیروت تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای جلوگیری از تشدید بیشتر تنش‌ها افزایش داده‌اند. رجبی با انتقاد از حمایت‌های جمهوری اسلامی از حزب‌الله، رژیم ایران را به بی‌ثبات‌سازی لبنان متهم کرد.

رجبی گفت دولت لبنان از طریق کانال‌های دیپلماتیک در حال گفتگوهای فشرده‌ای است تا از وقوع چنین عملیاتی جلوگیری کند و اطمینان یابد که کارکنان و تأسیسات دولتی هدف قرار نمی‌گیرند. او افزود که هم‌زمان، بیروت تلاش‌های خود برای مذاکره با حزب‌الله را ادامه می‌دهد تا این سازمان تروریستی مورد حمایت جمهوری اسلامی را متقاعد کند که به‌طور داوطلبانه «خلع سلاح» را بپذیرد.

به گفته رجبی، سلاح‌های حزب‌الله در تحقق هدف ادعایی خود ناکام بوده و طی دو سال گذشته «نه در حمایت از غزه و نه در دفاع از کشور» مؤثر نبوده‌اند، با این حال این گروه

سختگیری قوه قضاییه: ارتباط عامل ترور قاضی مقیسه و قاضی رازینی با مجاهدین خلق محرز شده است



قاضی رازینی (راست) و قاضی مقیسه (چپ)

آنجا که خودکشی کرده در خصوص کسانی که با او معاونت کرده بودند و ارتباط داشتند و پرونده باز است و در حال رسیدگی است. معاونت بعضی افراد با او محرز شده و به زودی در خصوص مرتبطین با او کیفرخواست صادر و به دادگاه ارسال می‌شود.

ادعای ارتباط عامل ترور با مجاهدین خلق در حالی مطرح شده که اصغر رضوی که از او به عنوان «کارشناس امنیتی» نام برده شده، در مصاحبه‌ای که ششم بهمن‌ماه ۱۴۰۳ منتشر شد به تشریح ابعاد مختلف ترور دو حاکم شرع دیوان‌عالی دادگستری پرداخت و ادعاها را در مورد اینکه سازمان مجاهدین پشت این قضیه قرار داشته، رد کرد. در بخشی از این مصاحبه رضوی با اشاره به اینکه قتل دو قاضی «سیاسی نبود» توضیح داد، عامل تیراندازی در کاخ دادگستری به علت تغییر رسته‌اش از اداری به خدماتی با کسر حقوق مواجه شد و عصبی بود و نسبت به رازینی و مقیسه و کلیت سازمان قضایی دلخوری داشت. رضوی در بخشی از این مصاحبه با بیان تجربیات خود از پرونده‌های مشابه در سال‌های دورتر گفته که مقام‌های جمهوری اسلامی تمایل دارند ترورها و رویدادهای مشابه را به مجاهدین نسبت دهند، در صورتی که در بسیاری موارد پس از تحقیقات گسترده شواهد و اسنادی برای اثبات آن وجود نداشت.

نخستین‌بار مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری در دولت حسن روحانی و نماینده وزارت اطلاعات در گروه چهارنفره موسوم به «هیئت مرگ» در دهه ۶۰ و برخی مقامات دیگر نظام ادعا کرده بودند ترور دو قاضی «سازماندهی شده» و «هدفدار» بود و «مجاهدین خلق در آن دست داشتند».

با منافقین اعدام شده و دونفر دیگر نیز در زندان بودند» و افزوده بنابراین او انگیزه زیادی برای انجام این عملیات تروریستی داشته است.

در یک حمله تروریستی ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۳ در دیوان عالی کشور در درون کاخ دادگستری تهران رخ داد سه نفر از حاکمان شرع معروف دادگاه‌های انقلاب اسلامی و دیوان عالی جمهوری اسلامی ترور شدند. در این عملیات محمد مقیسه و علی رازینی مُردند و حسینعلی نیری زخمی شد. ضارب نیز که نیروهای شاغل در بخش خدمات دیوان عالی کشور بود پس تیراندازی اقدام به خودکشی کرد و جان باخت. ساعاتی پس از این حمله، خبرگزاری «میزان» مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضائیه جمهوری اسلامی در خبری اعلام کرده بود «فرد مسلح نفوذی در دیوان عالی در اقدامی برنامه‌ریزی شده اقدام به ترور دو قاضی شجاع و پرسابقه در مبارزه با جرائم علیه امنیت ملی، جواسیس و تروریسم کرد». این در حالیست که کارمندی که اقدام به تیراندازی به قضاوت کرده بود سالها بود به عنوان نیروی خدماتی در دیوان عالی کشور مشغول به کار بوده است.

اصغر جهانگیر نیز در نشست خبری امروز گفته «از آنجایی که عامل ترور، کارمند خدماتی دادگستری بوده و معمولاً کارمندان خدماتی مورد عنایت و توجه و محبت قرار می‌گیرند از این حسن نیت نسبت به این نیرو نهایت سوءاستفاده را کرده و سلاحی تهیه کرده و به دیوان عالی منتقل می‌کند».

سختگیری قوه قضاییه افزوده که این فرد «به دنبال ترور شخص سوم بوده که نتوانسته و خودکشی کرده است. از

● اصغر جهانگیر سختگیری قوه قضاییه: در تحقیقاتی که انجام شد ارتباط تروریستی که خودکشی کرد، با گروهک تروریستی منافقین محرز شد و نامبرده با یکی از سرپل های منافقین در ارتباط بوده است.

● سختگیری قوه قضاییه مدعی شده «فروشنده‌ای که سلاح را در اختیار تروریست قرار داده بود شناسایی و دستگیر شد و اعتراف کرد که سلاح را در اختیارش قرار داده و افراد دیگر نیز شناسایی و دستگیر شدند. همه دستگیرشدگان به ارتباط او با گروهک منافقین اذعان داشتند و می‌دانستند از عوامل مرتبط با منافقین است.»

● در یک عملیات مسلحانه که دی‌ماه پارسال در دیوان عالی کشور رخ داد محمد مقیسه و علی رازینی مُردند و حسینعلی نیری زخمی شد. ضارب نیز که نیروهای شاغل در بخش خدمات دیوان عالی کشور بود پس تیراندازی اقدام به خودکشی کرد و جان باخت.

● اصغر رضوی کارشناس امنیتی پیشتر گفته بود قتل دو قاضی «سیاسی نبود» بلکه عامل تیراندازی در کاخ دادگستری به علت تغییر رسته‌اش از اداری به خدماتی با کسر حقوق مواجه شد و عصبی بود و نسبت به رازینی و مقیسه و کلیت سازمان قضایی دلخوری داشت.

سختگیری قوه قضاییه درباره آخرین وضعیت پرونده عملیات تروریستی در کاخ دادگستری تهران ادعا کرده ارتباط فردی که این دو قاضی را ترور کرد با مجاهدین خلق محرز شده است. او افزوده عامل تیراندازی به افرادی گفته بوده که «قصد دارم سران دیوان عالی کشور را به قتل برسانم».

اصغر جهانگیر سختگیری قوه قضاییه روز سه‌شنبه ۲۵ آذرماه ۱۴۰۴ در نشست خبری درباره آخرین جزئیات پرونده مربوط به ترور قاضی رازینی و قاضی مقیسه که طی یک عملیات تروریستی در دیوان عالی کشور واقع در داخل کاخ دادگستری تهران رخ داد مُردند گفته «در تحقیقاتی که انجام شد ارتباط تروریست که خودکشی کرد، با گروهک تروریستی منافقین محرز شد و نامبرده با یکی از سرپل های منافقین در ارتباط بوده است.»

اصغر جهانگیر افزوده عامل این عملیات تروریستی «چند بار گفته به دنبال این هستم تعدادی را در دیوان عالی به قتل برسانم و افرادی این مطلب را شنیده بودند و به عنوان شاهد احضار شدند و گواهی کردند که این فرد تحت تأثیر سرپل منافقین قرار گرفته و واسطه و سرپل شناسایی شد و معلوم شد که کیست.»

سختگیری قوه قضاییه افزوده «فروشنده‌ای که سلاح را در اختیار تروریست قرار داده بود شناسایی و دستگیر شد و اعتراف کرد که سلاح را در اختیارش قرار داده و افراد دیگر نیز شناسایی و دستگیر شدند. همه دستگیرشدگان به ارتباط او با گروهک منافقین اذعان داشتند و می‌دانستند از عوامل مرتبط با منافقین است.»

او همچنین مدعی شده «از وضعیت خانوادگی او جويا شدیم که در سال ۶۷ چند تن از بستگانش به علت ارتباط

تبارشناسی ترور سرخ: میراث تروریسم دولتی قرن بیستم از مسکو تا تهران



رژه اعضای بسیج

سیاسی بود؛ و ترور دولتی ابزار ثابت حفظ قدرت. به این معنا، گسترش نفوذ شوروی به اروپای شرقی نه تنها به استقرار رژیم‌های کمونیستی انجامید، بلکه موجب انتقال یک الگوی حکمرانی شد که در آن حذف، یکی از سازوکارهای اصلی عملکرد دولت بود.

در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، این مدل از مسیر همکاری‌های امنیتی و نظامی بلوک شرق به خاورمیانه انتقال یافت. پژوهشگرانی چون کنعان مکيه و بری روبین نشان داده‌اند که عراق و سوریه بعثی با اقتباس مستقیم از مدل‌های امنیتی شوروی، دستگاه‌های نظارتی و حذف سازمان‌یافته را به بخش ثابت حکومت تبدیل کردند. اردوگاه‌های گروه‌های فلسطینی چپ‌گرا در لبنان و سوریه نیز حلقه انتقال این الگو به نیروهای ایرانی بودند. در این مراکز، علاوه بر آموزش نظامی، ایده حذف سیاسی و طراحی هسته‌های شهری آموزش داده می‌شد؛ همان الگویی که در گزارش‌های امنیتی آمریکا، بریتانیا و اسرائیل نیز ثبت شده است.

در ایران، ورود این منطق به سیاست داخلی چند مرحله داشت. نخست، سوءقصد به محمدرضا شاه پهلوی در بهمن سال ۱۳۳۷ نشانه‌ای بود که حذف هدفمند، وارد فضای ایران شده است. حزب توده اگرچه فاقد سازمان مسلح پایدار بود، اما در انتقال ادبیات امنیتی شوروی به فضای فکری ایران نقش داشت. در دهه ۴۰، گروه‌های چریکی ایرانی تحت آموزش اردوگاه‌های فلسطینی و کوبایی به الگویی نزدیک به مدل امنیتی بلوک شرق دست یافتند. عملیات سیاهکل (۱۳۴۹)، با وجود تنوع الهام‌های جهانی، در طراحی هسته‌ای و منطق حذف، ادامه همین مسیر بود.

در دهه ۱۳۵۰، موج عملیات علیه متخصصان و مدیران پروژه‌های مدرن‌سازی دوران پهلوی و همچنین تصفیه‌های درون تشکیلاتی همچون حذف مجید شریف واقعی نشان داد که الگوی حذف در سازمان‌های ایرانی ریشه یافته است. تا آستانه بهمن ۵۷، حذف سیاسی به جزء طبیعی رفتار چریکی تبدیل شد و «ترور سرخ» نه تنها از طریق آموزش، بلکه در قالب ذهنیت و تشکیلات وارد سیاست ایران

الگو بود؛ اقرار آن حاملان منطقه‌ای همین منطق شدند؛ و جمهوری اسلامی یکی از آخرین واحدهای سیاسی معاصر است که با وجود تفاوت‌های شکلی ایدئولوژیک، همین منطق امنیتی را بازتولید کرده است.

در روسیه پس از انقلاب ۱۹۱۷، ترور دولتی به شکل نهادینه پدید آمد. «ترور سرخ» که از ۱۹۱۸ آغاز شد، تحت هدایت چکا نه یک واکنش اضطراری، بلکه نخستین برنامه سیستماتیک حذف سیاسی بود. پژوهش‌هایی چون آثار رابرت کانکووست و ریچارد پایپس نشان می‌دهند که چکا و سپس KGB، GPU، OGPU، NKVD و در ادامه KGB، نه ابزار سرکوب، بلکه ستون اصلی قدرت در دولت جدید بودند. سه رکن اصلی این الگو دشمن‌سازی دائمی، محوریت دستگاه امنیتی، و حذف سازمان‌یافته به‌گونه‌ای عمل می‌کرد که دولت، بقای خود را نه در کارآمدی، بلکه در تداوم حذف می‌دید. پاکسازی‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸، با حذف چهره‌هایی چون بوخارین و توخاچفسکی، نمونه‌های برجسته‌ای از این منطق بودند؛ مجموعه‌ای از حذف‌های هدفمند که نه ناشی از وحشت مقطعی، بلکه بخشی از فناوری حکمرانی برای تثبیت قدرت بود.

پس از جنگ جهانی دوم، این الگو در اروپای شرقی بازتولید شد. آلمان شرقی با «اشتازی» پیچیده‌ترین شبکه نظارتی را پدید آورد و برخوردهای سیاسی با افرادی چون هرالده پول و جویچیم رودولف نشان می‌داد که حذف در آنجا بخشی از مدیریت جامعه است. رومانی، با دستگاه «سکیوریتاته»، حذف‌های خاموش و ساختاری را اجرا کرد و پرونده گئورگه اوسرو نمونه‌ای از آن بود. لهستان، با حذف پایپوشکو در ۱۹۸۴، وابستگی دستگاه امنیتی به منطق حذف را آشکار کرد. در مجارستان، پرونده لایوش راجک (۱۹۴۹) نقطه عطفی در تثبیت ترور سیاسی بود، و در چکسلواکی، مرگ یان ماساریک (۱۹۴۸) و تصفیه‌های پس از ۱۹۶۸ همان منطق را تکرار می‌کرد. در همه این کشورها، مخالف سیاسی نه رقیب، بلکه دشمن ایدئولوژیک تلقی می‌شد؛ دستگاه امنیتی قلب ساختار

● آریا چمروش تحلیلگر سیاسی در مقاله‌ای با عنوان «تبارشناسی ترور سرخ: میراث تروریسم دولتی قرن بیستم از مسکو تا تهران» به بررسی ترورهای سازمان‌یافته فعالان سیاسی در شوروی و کشورهای کومونیستی بلوک شرق [پس از جنگ دوم جهانی] پرداخته و می‌نویسد جمهوری اسلامی دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی نیز کم‌وبیش از همان الگو پیروی می‌کنند.

● ترور دولتی به استفاده سازمان‌یافته و غالباً پنهان یا فراقانونی خشونت از جمله حذف فیزیکی، ناپدیدسازی، ارباب و عملیات برون‌مرزی توسط نهادهای دولتی اطلاق می‌شود؛ خشونتی که هدف آن مدیریت رقابت سیاسی، ایجاد رعب ساختاری و تثبیت قدرت حاکم است.

● سرکوب دولتی معمولاً واکنشی و در چارچوب رسمی برای کنترل وضعیت است، اما ترور دولتی حذف پنهان و فراقانونی سازمان‌یافته‌ای است که به‌صورت پایدار بخشی از منطق حکمرانی می‌شود.

● رژیم‌های ایدئولوژیک هنگامی که سه مؤلفه دشمن‌سازی رسمی، دستگاه امنیتی متمرکز و استمرار حذف را هم‌زمان دارند، ترور دولتی را از ابزار موردی به روش پایدار حکمرانی بدل می‌کنند. اتحاد شوروی از نخستین نمونه ساختاری این الگو بود؛ اقرار آن حاملان منطقه‌ای همین منطق شدند؛ و جمهوری اسلامی یکی از آخرین واحدهای سیاسی معاصر است که با وجود تفاوت‌های شکلی ایدئولوژیک، همین منطق امنیتی را بازتولید کرده است.

آریا چمروش- ترور دولتی به استفاده سازمان‌یافته و غالباً پنهان یا فراقانونی خشونت از جمله حذف فیزیکی، ناپدیدسازی، ارباب و عملیات برون‌مرزی توسط نهادهای دولتی اطلاق می‌شود؛ خشونتی که هدف آن مدیریت رقابت سیاسی، ایجاد رعب ساختاری و تثبیت قدرت حاکم است.

لازم به توضیح است که سرکوب دولتی معمولاً واکنشی و در چارچوب رسمی برای کنترل وضعیت است، اما ترور دولتی حذف پنهان و فراقانونی سازمان‌یافته‌ای است که به‌صورت پایدار بخشی از منطق حکمرانی می‌شود.

تمايز این پدیده با خشونت دولتی معمول در دو عنصر اساسی نهفته است: نخست، هدف سیاسی روشن آن مهندسی جامعه، حذف رقیب یا تثبیت ایدئولوژی و دوم، تداوم ساختاری آن، یعنی اینکه حذف نه واکنشی مقطعی به بحران، بلکه بخشی از منطق درونی دولت باشد. هنگامی که دولت دشمن دائمی تعریف می‌کند و دستگاه امنیتی متمرکز اختیار تشخیص و اقدام علیه آن را در دست دارد، سیاست به امنیت فروگذاشته می‌شود و امنیت به حذف؛ در چنین ساختاری، ترور دیگر رویدادی استثنایی نیست، بلکه یکی از شیوه‌های عمل دولت است.

رژیم‌های ایدئولوژیک هنگامی که سه مؤلفه دشمن‌سازی رسمی، دستگاه امنیتی متمرکز و استمرار حذف را هم‌زمان دارند، ترور دولتی را از ابزار موردی به روش پایدار حکمرانی بدل می‌کنند. اتحاد شوروی از نخستین نمونه ساختاری این

رئیس موساد: نمی‌گذاریم پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی دوباره فعال شود



دیوید بارنئا مدیر سازمان اطلاعات و عملیات ویژه اسرائیل (موساد)

رئیس موساد در ادامه گفت جمهوری اسلامی «نابودی اسرائیل را بر پرچم خود حک کرده، جهان را در روند ساخت سلاح هسته‌ای فریب داده و اورانیوم را تا سطوحی غنی‌سازی کرده است که هیچ توضیحی جز میل به دستیابی به بمب هسته‌ای نظامی ندارد» و «به محض آن‌که اجازه داده شود، از آستانه [تولید سلاح هسته‌ای] عبور خواهد کرد».

بارنئا در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به حمله مسلحانه مرگبار دو تروریست به یهودیان در استرالیا گفت: «جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های تروریستی برای هدف قرار دادن اهداف یهودی و اسرائیلی تلاش می‌کنند». او گفت: «اندیشه تروریستی جنایتکارانه آسیب رساندن به غیرنظامیان بی‌گناه، همواره و همچنان در بنیان راهبرد امنیتی رژیم کنونی ایران قرار دارد».

بارنئا در ادامه نیز گفت: «ما مهاجمان و فرستندگان ایرانی آنها، و نیز جهادی‌ها را، هر کجا که بگیرند، پیدا می‌کنیم و حسابشان را می‌رسیم. عدالت اجرا خواهد شد و دیده خواهد شد. آنها این را خوب می‌دانند. نور بر تاریکی پیروز خواهد شد».

همزمان روزنامه اسرائیلی «ماکور ریشون» در مقاله تحلیلی با اشاره به موفقیت‌های حملات اسرائیل به ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه، تأکید کرد که «در اسرائیل برای همه روشن است که کار با ایران تمام نشده است... برخی مقام‌های اسرائیلی از جمله بنیامین نتانیاهو در شب پایانی جنگ ۱۲ روزه، حمله مجدد به ایران را ناگزیر می‌دانستند».

دیوید بارنئا رئیس موساد سه‌شنبه ۲۵ آذرماه ۱۴۰۴ در جریان مراسم تقدیر از افسران این سازمان در اورشلیم گفت: «ایده ادامه توسعه بمب هنوز در دل مقامات جمهوری اسلامی می‌تپد [اما] مسئولیت ما این است اطمینان حاصل کنیم که پروژه هسته‌ای که در همکاری نزدیک ما با آمریکا به‌شدت آسیب دید، هرگز فعال نمی‌شود».

او با اشاره به حملات غافلگیرکننده اسرائیل به ایران در آغاز «جنگ ۱۲ روزه» گفت که این حملات نشان داد جاسوسان اسرائیلی چه حجم گسترده‌ای از اطلاعات را درباره ایران جمع‌آوری کرده‌اند. بارنئا همچنین گفت: «رژیم آیت‌الله‌ها یک لحظه از خواب بیدار شد و فهمید ایران کاملاً در معرض نفوذ و رخنه قرار گرفته است».

بارنئا با اشاره به حمله مسلحانه مرگبار دو تروریست به یهودیان در استرالیا گفت: «جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های تروریستی برای هدف قرار دادن اهداف یهودی و اسرائیلی تلاش می‌کنند... ما مهاجمان و فرستندگان ایرانی آنها، و نیز جهادی‌ها را، هر کجا که بگیرند، پیدا می‌کنیم و حسابشان را می‌رسیم. عدالت اجرا خواهد شد و دیده خواهد شد. آنها این را خوب می‌دانند. نور بر تاریکی پیروز خواهد شد».

همزمان روزنامه اسرائیلی «ماکور ریشون» در مقاله تحلیلی با اشاره به موفقیت‌های حملات اسرائیل به ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه، تأکید کرد که «در اسرائیل برای همه روشن است که کار با ایران تمام نشده است... برخی مقام‌های اسرائیلی از جمله بنیامین نتانیاهو در شب پایانی جنگ ۱۲ روزه، حمله مجدد به ایران را ناگزیر می‌دانستند».

دیوید بارنئا رئیس موساد سه‌شنبه ۲۵ آذرماه ۱۴۰۴ در جریان مراسم تقدیر از افسران این سازمان در اورشلیم گفت: «ایده ادامه توسعه بمب هنوز در دل مقامات جمهوری اسلامی می‌تپد [اما] مسئولیت ما این است اطمینان حاصل کنیم که پروژه هسته‌ای که در همکاری نزدیک ما با آمریکا به‌شدت آسیب دید، هرگز فعال نمی‌شود».

او با اشاره به حملات غافلگیرکننده اسرائیل به ایران در آغاز «جنگ ۱۲ روزه» گفت که این حملات نشان داد جاسوسان اسرائیلی چه حجم گسترده‌ای از اطلاعات را درباره ایران جمع‌آوری کرده‌اند. بارنئا همچنین گفت: «رژیم آیت‌الله‌ها یک لحظه از خواب بیدار شد و فهمید ایران کاملاً در معرض نفوذ و رخنه قرار گرفته است».

شد.

پس از ۱۳۵۷، این الگو وارد مرحله‌ای تازه شد: برای نخستین‌بار در تاریخ ایران، نیروهای چریکی دیروز با امکانات یک دولت کامل ترکیب شدند. اسناد پژوهشی ماتیو لویت، رونن برگمن و گزارش‌های رسمی اتحادیه اروپا نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی شبکه حذف خود را در داخل و خارج کشور بنا کرد و ترور را از ابزار گروهی به سازوکار حکمرانی تبدیل نمود.

حذف‌هایی همچون جاوید نام شهریار شفیق، فریدون فرخزاد و مجموعه عملیات ثبت‌شده طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی، نمونه‌هایی از تداوم همین الگو هستند. در روزهای اخیر نیز پرونده‌هایی که به‌عنوان حذف سیاسی در فضای عمومی مطرح شده از جمله جاوید نام امید سرلک و خسرو علی‌کردی نشان می‌دهد که منطق امنیتی جمهوری اسلامی همچنان بر همان بنیان ترور سرخ استوار است که یک قرن پیش در مسکو شکل گرفت. در این ساختار، دولت نه ناظر امنیت، بلکه خود بازیگر حذف است.

در حالی‌که فروپاشی شوروی بسیاری از الگوهای امنیتی در اروپای شرقی و حتی عراقی بعثی را فرو ریخت، همین دگرگونی ژئوپلیتیک برای ایران وضعیتی معکوس رقم زد و زمینه‌ی نقش‌آفرینی تازه‌ای را برای جمهوری اسلامی فراهم ساخت.

الگو در ایران نه فروپاشید و نه اصلاح شد؛ بلکه با درآمیختن ایدئولوژی انقلابی با منطق امنیتی بلوک شرق، به مدلی سخت‌هسته و اصلاح‌ناپذیر تبدیل و در محور مقاومت نیابتی غرب ستیز گسترش یافت. دستگاه امنیتی در جمهوری اسلامی، مانند دستگاه‌های بلوک شرق، KGB، StB یا SB، ÁVH، مخالف را نه رقیب، بلکه دشمن وجودی تلقی می‌کند؛ و همین تعریف، حذف را به رفتار عادی دولت بدل کرده است. بر این اساس، جمهوری اسلامی نه یک انحراف تاریخی، بلکه آخرین بازمانده فعال فناوری امنیتی بلوک شرق است؛ با این تفاوت مهم که برخلاف اقمار شوروی، در ایران الگو خود به مرکز نیابتی تبدیل شد.

بر پایه این مسیر تاریخی و ماهیت ایدئولوژیک و امنیت‌محور جمهوری اسلامی، تغییر پایدار نه از مسیر اصلاحات محدود و نه از مصالحه با دستگاه امنیتی به‌دست می‌آید. پایان چرخه حذف سیاسی تنها زمانی ممکن است که ساختار سیاسی از مدل ایدئولوژیک، گسسته و به‌الگویی بازگردد که در تاریخ ایران کارکرد پایدار، سکولار، تکتگرا و مدرن داشته است. این ویژگی‌ها در سامانه پادشاهی ایرانی، که بر نهادهای تاریخی و هویت ملی استوار است و وابسته به ایدئولوژی‌های قرن بیستم نیست، بیش از هر گزینه دیگری قابل تحقق است.

بازسازی نظم ملی در قالب چنین ساختاری، تنها راه خروج از چرخه‌ای است که از مسکو آغاز شد، در جهان و خاورمیانه بازتکثیر شد و امروز در تهران ادامه دارد؛ چرخه‌ای که مهار و گذر از آن با بازگشت به ایرانیت و سامانه پادشاهی ایرانی ممکن است.

منابع مرتبط برای مطالعه بیشتر:

- Robert Conquest – The Great Terror (1968/1990)-
- Richard Pipes – Russia Under the Bolshevik Regime (1993)-
- Anne Applebaum – Iron Curtain (2012)-
- Kanan Makiya – Republic of Fear (1989)-
- Matthew Levitt – Hezbollah: The Global Footprint of Lebanon's Party of God (2013)

تفکر آخرالزمانی؛ استراتژی بلندمدت تروریسم اسلامگرا



تصویر با استفاده از هوش مصنوعی تدوین شده است

الگوی حملات به جشن‌ها

همانطور که در سال ۱۳۵۷ در ایران، روحانیت اسلامگرای شیعه جشن‌های نوروز باستانی و اجرای موسیقی حمله کرد و فتوای حرام بودن آن را صادر کردند، چنین حملاتی به جشن‌ها در غرب نیز ترویج شده است.

در دهه گذشته، حملات تروریستی به طور فزاینده‌ای نمادهای شادی و وحدت جمعی در جوامع غربی را هدف قرار داده‌اند. در دسامبر ۲۰۱۶، یک کامیون به بازار کریسمس در برلین آلمان برخورد کرد و ۱۲ نفر را کشت و ده‌ها نفر را مجروح کرد. در رویدادی مشابه در استراسبورگ فرانسه در سال ۲۰۱۸، یک تیرانداز به بازار کریسمس حمله کرد که منجر به کشته شدن چند تن شد و یا دسامبر سال ۲۰۲۴ در شهر ماگدلبرگ آلمان مجدد حمله مشابه انجام شد. ده‌ها مورد از این حملات پیش از وقوع خنثی شده‌اند.

این‌ها رویدادهای تروریستی تصادفی نبودند و نیستند؛ آنها قلب جشن‌ها را هدف گرفتند، جایی که خانواده‌ها و جوامع برای شادی گرد هم می‌آیند. جشنواره‌های یهودی نیز هدف قرار گرفته‌اند: در ۲۷ اکتبر سال ۲۰۱۸، به یک کنیسه در پیتسبورگ طی مراسم شابات حمله شد که منجر به کشته شدن ۱۱ نفر و زخمی شدن ۷ تن دیگر انجامید؛ حمله با چاقو در منوسنی نیویورک در سال ۲۰۱۹؛ حمله به کنیسه منچستر در سال ۲۰۲۵ یا آخرینشان حمله به جشن‌های حانوکا در دسامبر ۲۰۲۵ در ساحل بوندی، استرالیا.

حتی رویدادهای غیرمذهبی نیز در امان نمانده‌اند. مپ‌گذاری در آرنای منچستر در سال ۲۰۱۷ طی کنسرت آریانا گراند ۲۲ نفر را کشت، یا جشنواره موسیقی نوا در سال ۲۰۲۳ در اسرائیل که عمدتاً طرفداران جوان داشت، یک شب موسیقی و هیجان را به تراژدی تبدیل کرد. این حملات یک اشتراک دارند: آنها لحظات شادی جمعی را مختل

است. از بازارچه‌های کریسمس در آلمان، فرانسه و اسپانیا گرفته تا جشنواره‌های یهودی مانند روش‌هشانا، حانوکا و حتی رویدادهای موسیقی مانند کنسرت «آریانا گراند» در منچستر تا حملات هفتم اکتبر به جشنواره نوا در اسرائیل، همگی با روش‌های مشابهی توسط تروریست‌های اسلامگرا، این گردهمایی‌های شادی‌آفرین را به مکان‌های وحشت و مرگ تبدیل کردند.

این حوادث، اقدامات افراطی جداگانه‌ای نیستند، بلکه بخشی از یک استراتژی گسترده و بلندمدتی هستند که توسط یک محور ضد دموکراسی، عمدتاً هدایت‌شده توسط رژیم‌های اقتدارگرا در شرق سازماندهی شده است.

همان‌طور که دموکراسی‌های غربی تلاش کرده‌اند چارچوب ایدئولوژیک لیبرالیسم و حکومت دموکراتیک خود را به سمت شرق صادر کنند و به عدم آزادی‌ها در کشورهای اقتدارگرا انتقاد کنند، قدرت‌های شرقی نیز با تضعیف دموکراسی از داخل، در حال مقابله با غرب هستند.

هدف آنها این است که جوامع دموکراتیک را آشفته، دچار تفرقه و ناکارآمد نشان دهند و در نهایت منجر به فروپاشی آنها شوند. این استراتژی بر دو ستون ایدئولوژیک استوار است: «روانشناسی غم» و «هراس و تفرقه افکنی در جامعه». تروریست‌ها با ایجاد هراس، اندوه مداوم و نفاق این بازیگران قصد دارند بافت اجتماعی غرب را فرسوده کنند و آن را در برابر فروپاشی داخلی یا سلطه‌ی خارجی آسیب‌پذیر و به اشغال درآورند.

درک انگیزه‌های پشت این حملات و مکانیسم‌های این استراتژی ضد دموکراسی حیاتی است، زیرا عدم مقابله با آن می‌تواند منجر به ناآرامی‌های مدنی، تضعیف ساختار دولتها و یا حتی جنگ جهانی سوم شود.

● فرد صابری تحلیلگر سیاسی در این مقاله بررسی کرده است که در سال‌های اخیر، جهان شاهد الگویی نگران‌کننده از حملات تروریستی بوده که جشن و کارناوال‌های مردم را در کشورهای غربی نشانه گرفته است. از بازارچه‌های کریسمس در آلمان، فرانسه و اسپانیا گرفته تا جشنواره‌های یهودی مانند روش‌هشانا، حانوکا و حتی رویدادهای موسیقی مانند کنسرت «آریانا گراند» در منچستر تا حملات هفتم اکتبر به جشنواره نوا در اسرائیل.

● به اعتقاد نویسنده، عملیات تروریستی گروه‌های اسلامگرا و نیابتی با روش‌های مشابهی به همایش‌ها و تجمعات شادی‌آفرین است تا آنها را به مکان‌های وحشت و مرگ تبدیل کند.

● ستون اول این استراتژی «روانشناسی غم» است، تلاشی عمدی برای مخالفت با شادی اجتماعی. سیستم‌های اقتدارگرا بر کنترل اجتماعی استوار می‌شوند و جمعیت شاد و خوش‌بین سخت‌تر سرکوب می‌شود. شادی و خلاقیت، مخالفت و همبستگی جمعی را پرورش می‌دهند.

● ستون دوم شامل ایجاد ترس و تشدید تفرقه است و فضای باز دموکراتیک را علیه خود آن برمی‌گرداند. این از طریق تاکتیک‌هایی مانند برچسب‌زنی، اتهام، تخریب فرهنگ و اعتراض‌های سازمان‌یافته ظاهر می‌شود. ترس بیان آزاد عقیده را سرکوب می‌کند: افراد از وحشت به خودسانسوری روی می‌آورند، در حالیکه تفرقه‌ها سیاست را قطبی و حکومت را فلج می‌کنند.

فرد صابری- در سال‌های اخیر، جهان شاهد الگویی نگران‌کننده از حملات تروریستی بوده که جشن و کارناوال‌های مردم را در کشورهای غربی نشانه گرفته

کردند و جو ارباب ایجاد نمودند. این‌ها طراحی شده‌اند تا جامعه را آزار دهند، گروه‌ها را علیه یکدیگر قرار دهند و دموکراسی‌ها را ناتوان از حفظ نظم نشان دهند.

این قطبی‌سازی فراتر از تقسیم‌های سنتی چپ-راست است. استراتژی‌های شرقی چپ افراطی (کمونیست محور) و راست افراطی (فاشیسم) را تقویت می‌کنند و اختلافات کاذب ایجاد می‌کنند. برای مثال، حمایت روسیه از گروه‌های آنتیفا و شبه‌نظامیان افراطی راست در غرب قصد تشدید تعارضات را دارد، همان‌طور که گزارش‌های اف بی آی در مورد مداخله خارجی در اعتراض‌های ۲۰۲۰ نشان داد.

نقش رهبری چین مرموز و روسیه بسته

این عملیات‌ها اتفاقی نیستند؛ آنها به کارگردانی چین و روسیه و عاملیت جمهوری اسلامی اجرا می‌شوند که تفرقه غرب را کلید سلطه جهانی خود می‌بینند. دکترین «اقدامات فعال» روسیه، که به زمان کاگ.ب برمی‌گردد، شامل دادن اطلاعات غلط است. کار «جبهه متحد» چین نفوذ را از طریق جوامع دیاسپورا و اهرم اقتصادی گسترش می‌دهد. با هم، آنها وحدت غربی را فرسوده می‌کنند و اتحادیهایی مانند ناتو را شکننده می‌سازند.

ریسک‌ها بالا است: بدون کنترل، این می‌تواند منجر به عقب‌گرد دموکراتیک شود، همان‌طور که در بازی‌های سیاسی برخی کشورهای اروپای مرکزی با اقتدارگرایی دیده می‌شود. بدتر از آن، آسیب‌پذیری در جنگ‌های نیابتی مانند اوکراین را افزایش می‌دهد، جایی که نفاق داخلی غرب کمک‌های نظامی را به تأخیر و نهایتاً از آن جلوگیری می‌کند. پیوند زدن نیروهای میانه رو و وحدت ملی راهکار را باید در برقراری پیوند میان احزاب و نیروهای میانه‌رو چه در چپ و چه در راست جست. باید تهدیدهای مشترک مانند اطلاعات غلط را مورد بررسی قرار دهیم و آن را بین گروه‌های سیاسی مطرح کنیم.

آموزش سواد رسانه‌ای، مقررات سختگیرانه‌تر بر نفوذ خارجی در رسانه‌های اجتماعی و اشتراک‌گذاری قوی اطلاعات بین دستگاه‌های امنیتی کشورها ضروری است. از باب فرهنگی، بازپس‌گیری شادی از طریق جشن‌ها با تأمین امنیت‌شان می‌تواند روانشناسی غم را به چالش بکشد و همزمان از مراسم عمدتاً اندوهناک کشورهای خاورمیانه در غرب و تجمعات مذهبی تحت عنوان آزادی‌های دینی در خیابان‌ها ممانعت شود.

عدم اقدام اما، ریسک تشدید شرایط را در پی دارد: تفرقه‌های داخلی می‌تواند جنگ‌های مدنی را شعله‌ور کند یا دفاع را در برابر تجاوز شرقی ضعیف کند و بالقوه جنگ جهانی سوم را شعله‌ور سازد. با اولویت دادن به همکاری اقشار سیاسی میانه، دموکراسی‌ها می‌توانند قدرت خود را تحکیم کنند و سد دفاعی را در برابر محور ضد دموکراسی تقویت نمایند.

سخن آخر

حملات به جشن‌های غربی علائم استراتژی عمیق‌تری برای تخریب دموکراسی، کنترل و اشغال از طریق وحشت‌آفرینی غم و تفرقه هستند. این محور هدایت‌شده توسط روسیه، چین و جمهوری اسلامی، از فضای دموکراسی برای کاشت بذر آشفتنی بهره می‌برد و تلاش می‌کند که هوشیاری دائمی برای حفظ آزادی را از بین ببرد. با متحد کردن میانه‌ها و تقویت نهادها، غرب می‌تواند ارزش‌های خود را حفظ کند و فاجعه را دفع نماید. اجتناب از این کار باعث وگرنی جهان می‌شود که به سمت بی‌قانونی رفته و نادیده گرفتن آن بسیار ویران‌کننده است.

ترجیح‌پذیر به نظر می‌رسد. در نتیجه اگر در چین سرکوبتان می‌کنیم اعتراض نکنید چراکه راه دیگر این «بلبشوی» غربی است.

ستون ایدئولوژیک دوم: هراس افکنی و تفرقه جامعه

ستون دوم شامل ایجاد ترس و تشدید تفرقه است و فضای باز دموکراتیک را علیه خود آن برمی‌گرداند. این از طریق تاکتیک‌هایی مانند برچسب‌زنی، اتهام، تخریب فرهنگ و اعتراض‌های سازمان‌یافته ظاهر می‌شود. ترس بیان آزاد عقیده را سرکوب می‌کند: افراد از وحشت به خودسانسوری روی می‌آورند، در حالیکه تفرقه‌ها سیاست را قطبی و حکومت را فلج می‌کنند.

مکانیسم کلیدی، نفوذ به نهادهای تصمیم‌گیری غربی است. عوامل قدرت‌های شرقی در رسانه‌های جریان اصلی، نهادهای تصمیم‌گیری و شبکه‌های اجتماعی نفوذ می‌کنند. برای مثال، مورد آنا مونتس، تحلیلگر ارشد سابق آژانس اطلاعات دفاعی ایالات متحده که ۱۷ سال برای کوبا جاسوسی کرد! او حتی به مقامات عالی در مورد امور کوبا مشاوره می‌داد و در نهایت به دلیل جاسوسی زندانی شد. مثال‌های ملموس‌تر، اتهامات به عوامل روسیه برای تأمین مالی همزمان گروه‌های راست افراطی و چپ افراطی در اروپاست، مانند افشاگری‌های ۲۰۱۹ در مورد روابط کرملین با حزب لگا در ایتالیا.

تیم‌های مدراتور (پایش محتوی) رسانه‌های اجتماعی میدان نبرد دیگری هستند. گزارش‌ها مبنی بر نفوذ عوامل دولت‌های شرقی چون جمهوری اسلامی، چین و روسیه در پلتفرم‌هایی مانند ایکس (توییتر) و فیسبوک باعث از کار انداختن و تعلیق اکانت‌هایی شده که علیه رژیم‌های این محور صحبت می‌کنند و محتوای تفرقه‌آمیز تولید می‌کنند. ارتش‌های سایبری یا مزارع ترول در سن پترزبورگ، ووهان و تهران، شبکه‌ها را با اطلاعات غلط پر می‌کنند و ترس‌ها را در مسائلی، از تغییرات آب و هوا و محیط زیست گرفته تا استقلال اسکاتلند برمی‌انگیزند!

حتی گفتمان تغییرات آب و هوایی تبدیل به یک سلاح شده است. آنچه به عنوان بحث علمی آغاز شد، به افشاحی سیاسی تبدیل شده، با روایت‌های حمایت‌شده توسط شرق که غرب را به ریاکاری متهم می‌کنند یا سناریوهای آخرالزمانی را ا عراق می‌کنند تا ناامیدی ایجاد کنند. این تلاش‌ها تأثیر چندلایه ایجاد می‌کنند: رسانه‌های سنتی شک ایجاد می‌کنند، رسانه‌های اجتماعی آن را تقویت می‌کنند و تفرقه را دامن می‌زنند، و اعتراض‌های خیابانی آن را عینی می‌کنند.

اعتراض‌های طرفداران حماس در بریتانیا، ایالات متحده و اکثر کشورهای اروپایی پس از حملات اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل را در نظر بگیرید. در حالیکه برخی شرکت‌کنندگان واقعاً برای حقوق فلسطینیان تلاش می‌کنند اما مقیاس و شدت نشان می‌دهد که این تظاهرات سازمان‌یافته هستند. این اعتراض‌ها که اغلب با شعارهای تفرقه افکنانه و یهودستیزانه همراه و در نهایت به درگیری با پلیس و اختلال در زندگی روزانه تبدیل می‌شوند، نه برای حل اختلافات بلکه برای شعله‌ور کردن آنها هستند. بسیاری از فعالان با تأمین مالی از منابع جمهوری اسلامی و قطری مرتبط هستند، نیابتی‌های محور ضد دموکراسی، با بات‌های روسی و آفریقای جنوبی که این شبه‌گفتمان را در شبکه‌های اجتماعی تقویت می‌کنند.

در لندن و اکثر پایتخت‌های کشورهای اروپایی، راهپیمایی‌ها منجر به مسدود شدن خیابان‌ها شد و باعث دستگیری‌ها و تنش‌های تفرقه‌انگیز بین جوامع گردید. در ایالات متحده، اعتراض‌های دانشگاهی آموزش عالی را مختل

می‌کنند و بذر ترس و غم را می‌کارند.

اما چرا شادی را هدف قرار می‌دهند؟ زیرا در جوامع دموکراتیک، جشن‌های مشترک پیوندهای اجتماعی، هویت فرهنگی و تاب‌آوری را تقویت می‌کنند. عناصری که رژیم‌های اقتدارگرا آنها را تهدیدی برای مدل‌های کنترل‌محور خود می‌بینند.

مقابله ژئوپلیتیکی: تضعیف دموکراسی غربی

ترویج دموکراسی توسط غرب از طریق نهادهایی مانند اتحادیه اروپا و ناتو، که در نهایت به حفظ قانون منجر می‌شود و حرکاتی مانند انتقاد از نقض حقوق بشر در چین، ایران و روسیه، مدت‌هاست که اقتدارگرهای شرقی را خشمگین کرده است. این رژیم‌ها گسترش دموکراتیک را تهدیدی وجودی می‌بینند که به حوزه نفوذ آنها آسیب می‌زند. در پاسخ، آنها استراتژی متقابل به کار می‌گیرند: نه حمله مستقیم، بلکه خرابکاری نرم برای ناکارآمد نشان دادن دموکراسی.

روسیه، چین، کوبا، ایران و ونزوئلا به ویژه، این محور را رهبری می‌کنند و ثبات داخلی غرب را مورد تهدید قرار می‌دهند با تأمین مالی یا الهام‌بخشی به بازیگران نیابتی از گروه‌های تروریستی تا ترول‌های آنلاین، آنها قصد دارند افول غرب را تسریع کنند.

این صرفاً یک توهم توطئه نیست؛ گزارش‌های اطلاعاتی محرمانه و تحقیقات، مانند گزارش «مولر» در مورد دخالت روسیه در انتخابات، تلاش‌های سیستماتیک برای بهره‌برداری از تفرقه را برجسته می‌کنند. هدف نهایی در این پروژه این است که نشان دهد دموکراسی به هرج و مرج منجر می‌شود و مدل‌های اقتدارگرای خود را در سطح جهانی توجیه کنند.

ستون ایدئولوژیک اول: روانشناسی غم

ستون اول این استراتژی «روانشناسی غم» است، تلاشی عمدی برای مخالفت با شادی اجتماعی. سیستم‌های اقتدارگرا بر کنترل اجتماعی استوار می‌شوند و جمعیت شاد و خوش‌بین سخت‌تر سرکوب می‌شود. شادی و خلاقیت، مخالفت و همبستگی جمعی را پرورش می‌دهند. عناصری مغایر با رژیم‌هایی که بر بی‌تفاوتی و ترس تکیه دارند. با هدف قرار دادن جشن‌ها، مهاجمان غم گسترده‌ای ایجاد می‌کنند که ماندگار است و روحیه عمومی را فرسوده می‌کند.

از نظر روانشناختی، غم چرخه‌ای از انزوا ایجاد می‌کند: مردم از گردهمایی‌های عمومی اجتناب می‌کنند، منجر به انزوا و کاهش اعتماد به نهادها می‌شود. پس از حمله به بازار کریسمس برلین، حضور در رویدادهای مشابه کاهش یافت و اقدامات امنیتی افزایش یافته، مانند ایجاد موانع در مراکز شهر، جو جشن را به مناطق امنیتی تبدیل کرد. این وضعیت دائمی اندوه، جوامع را آسیب‌پذیر می‌کند، زیرا جوامع سوگوار کمتر احتمال دارد علیه تهدیدهای خارجی یا بی‌عدالتی‌های داخلی بسیج شوند.

قدرت‌های شرقی این را از طریق پروپاگاندا تقویت می‌کنند. رسانه‌های دولتی روسیه و جمهوری اسلامی اغلب جوامع غربی را فاسد و محکوم به فنا نشان می‌دهند و تراژدی‌ها و حملات تروریستی را به گونه‌های مختلف تبلیغ می‌کنند، تا مثلاً شکست دموکراسی را برجسته کنند تا خود را توجیه کنند. رسانه‌های چینی، کوبایی، و جمهوری اسلامی به طور مشابه «آشفتنی» و بحران‌های غربی را برجسته می‌کنند و آن را با «نظم هماهنگ» خود که ناشی از اقتدارگرایی‌شان است مقایسه می‌کنند. نتیجه؟ تلقین نرم که شادی در دموکراسی‌ها گذرا است و ثبات اقتدارگرا

فاجعه سیل در ایران؛ از کشته شدن دو کودک و مفقودی یک شهروند تا مسدود شدن جاده منتهی به «بندر رجایی»

شهروندان ایجاد کرده است. معاون فرماندار فسا در استان فارس اعلام کرده که «باران راه ارتباطی ۱۱ روستا و بیش از ۶۲۰ خانوار در فسا را مسدود کرد. این روستاها شامل روستاهای حسین آباد، ولی آباد، جلال آباد، فتح آباد، قلعه قرمز، حیدرآباد، له قربانی علیا و سفلی، علی آباد، خیرآباد و پنج منطقه عشایری است.»

غلامرضا غلامی، مدیرکل مدیریت بحران استانداری فارس، نیز از مسدود شدن راه مواصلاتی لامرد به لارستان در نزدیکی چاهورز به دلیل عبور آب از آب‌ها و احتمال خطر برای خودروها خبر داد.

از سوی دیگر یعقوب میرزایی قیری، فرماندار گراش در استان فارس نیز با اشاره به سرریز شدن ۹۵ درصد سدها و بندهای خاکی این شهرستان از آبگرفتگی برخی منازل و معابر شهری و روستایی خبر داده و گفت: «از مجموع ۹ سد و بند خاکی در روستاهای بخش مرکزی و ارد شامل فداغ، آغضه، زینل آباد، خلیلی، تنگ آب، کنگ و ریشه، حدود سه میلیون و ۷۵۰ هزار متر مکعب آبگیری صورت گرفته و ۹۵ درصد این بندها سرریز شده‌اند.»

او افزود: «چند دستگاه خودرو دچار آب‌بردگی شده و بیش از ۲۰ منزل مسکونی که دچار آبگرفتگی شده بودند، با تلاش نیروهای جمعیت هلال احمر، آتش‌نشانی و گروه‌های جهادی مورد خدمات‌رسانی قرار گرفت و عملیات تخلیه آب و کمک به ساکنان همچنان ادامه دارد.»

علی‌علیزاده، فرماندار لامرد، یکی دیگر از شهرهای استان فارس، هم از تعطیلی برخی مدارس خبر داده و گفت: «تقریباً ۱۳۰ منزل قدیمی و کاه‌گلی آسیب دیده‌اند که هلال‌احمر به آنان خدمات رسانده است. دو محور این شهرستان به دلیل شدت بارش‌ها مسدود است؛ مسیر سه‌راه فاریاب شمال بخش چاهورز که به بیرم وصل می‌شود به دلیل آبگرفتگی مسدود شده و تنها ماشین‌های سنگین تردد دارند. همچنین مسیر لارستان-لامرد به دلیل آب‌های بیرم مسدود شده و مسیر جایگزین از سمت خنج، محمله و علامرودشت است. به دلیل حجم زیاد آب، تردد خودروهای سبک خطرناک است.»

در استان‌های کرمان و بوشهر نیز بارش باران و وقوع سیل در روزهای گذشته باعث آبگرفتگی خانه‌ها در چند روستا شد و خسارت‌هایی به بخش‌های مختلف از جمله راه و ابنیه فنی جاده‌ها، تأسیسات و شبکه برق، بخش کشاورزی و ... وارد شد. همچنین اعلام شده بارش‌ها و خطر آبگرفتگی معابر و خانه‌ها تا فردا جمعه ۲۸ آذرماه ادامه دارد. پلیس راهور نیز از شهروندان خواسته از سفرهای غیرضروری در مناطق جنوب و جنوب غرب کشور خودداری کنند.

مهدی زارع، کارشناس ارشد زمین‌شناسی و استاد دانشگاه با هشدار نسبت به گستردگی خطر سیلاب در ایران گفته بیش از ۱۲۰۰ شهر و روستا در معرض این تهدید قرار دارند. به گفته این زمین‌شناس، مناطق شمالی کشور به دلیل شیب تند ارتفاعات و تخریب پوشش گیاهی، و مناطق جنوبی مانند هرمزگان، سیستان و بلوچستان و بخش‌هایی از فارس و بوشهر به سبب بارش‌های رگباری، بیشترین آسیب‌پذیری را دارند. او افزوده توسعه شهرنشینی و عوامل انسانی، خطر سیلاب را در کلان‌شهرهایی مانند تهران، مشهد، تبریز و شیراز به‌طور چشمگیری افزایش داده است.



سیل در استان هرمزگان، آذرماه ۱۴۰۴

تصاویر زیادی از شهرهای و روستاها در استان‌های هرمزگان، کرمان و بوشهر منتشر شده که نشان می‌دهد چند ساعت بارش باران چگونه زندگی مردم را مختل کرده و خانه‌هایشان را زیر آب برده است. قابل توجه آنکه به علت آبگرفتگی شش کیلومتر از مسیر منتهی به بندر تجاری «رجایی»، دسترسی به این بندر قطع شده است. بندر «رجایی» بزرگ‌ترین و مهمترین بندر تجاری ایران است و بخش عمده‌ای از تجارت بین‌المللی ایران از طریق این بندر صورت می‌گیرد.

بر اساس داده‌های سازمان بنادر و دریانوردی کشور، در سال ۱۴۰۲ از دو میلیون و ۵۹۳ هزار تخلیه و بارگیری کانتینری در کشور، ۸۲ درصد از آن مربوط به «بندر رجایی» بوده است. اختلال در رفت‌وآمد کانتینرها ممکن است تأمین برخی کالاها را با چالش روبرو کند.

بر اساس گزارش‌ها روز گذشته پس از آبگرفتگی معابر در محدوده «بندر رجایی» یک دستگاه مینی‌بوس در مسیر زیرگذر دچار حادثه شد و سرنشینان که کارگران «بندر رجایی» بودند در آن گرفتار شدند. زمانی که مینی‌بوس قادر به ادامه حرکت نبود و خطر غرق‌شدگی سرنشینان آن را تهدید می‌کرد، راننده چند اتومبیل عبوری و چند تن از کارگران بندر «رجایی» با سرعت توانستند سرنشینان را از مینی‌بوس بیرون بکشند و جان آنها را نجات دهند.

در دو جزیره کیش و قشم نیز بارش باران سیلاب به راه انداخته است. ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد نیروهای پلیس راهور در کیش با شکست لبه جاده‌ها با ایجاد خاکریز در تلاشند مسیر سیل را در راه‌ها پس از بارندگی‌های اخیر منحرف کنند.

همچنین با شدت سیلاب در جزیره قشم طی روز چهارشنبه فرماندار قشم دستور تخلیه اضطراری روستای «طولا» را صادر کرد.

● در حالیکه ایران به علت خشکسالی، تشنه بارش باران بود اما به علت ناتوانی مسئولان در کنترل شرایط و ضعف در مدیریت بحران، نخستین بارندگی سبب سیل و آبگرفتگی در چند استان و بروز خسارت‌های گسترده شد.

● طی سه روز گذشته دو کودک ۹ ساله در استان‌های فارس و هرمزگان بر اثر سیل جان خود را از دست دادند و یک شهروند ۴۰ ساله نیز در مسجد سلیمان استان خوزستان مفقود شده است.

● منطقه «هدیش» در بندرعباس از جمله مناطقی است که از شامگاه دوشنبه دچار آبگرفتگی شد و در نهایت روز گذشته زیر آب رفت.

● با شدت سیلاب در جزیره قشم طی روز چهارشنبه فرماندار قشم دستور تخلیه اضطراری روستای «طولا» را صادر کرد.

● معاون فرماندار فسا در استان فارس اعلام کرده که سیلاب ناشی از بارش باران راه ارتباطی ۱۱ روستا و بیش از ۶۲۰ خانوار در فسا را مسدود کرد.

ایران در حالی با مشکلات انباشته مربوط به خشکسالی پایدار روبروست که در روزهای گذشته بارش‌های سیل‌آسا در چند استان، از هرمزگان تا گیلان، سبب آبگرفتگی معابر و خانه‌ها شده و چند کشته و زخمی بر جای گذاشته است. بارش باران طی روزهای گذشته در چند استان کشور سبب آبگرفتگی معابر و خانه‌ها شده است. در حالیکه ایران به علت خشکسالی، تشنه بارش باران بود اما نخستین بارندگی به علت ناتوانی مسئولان در کنترل شرایط و ضعف در مدیریت بحران، سبب سیل و آبگرفتگی در چند استان ایران و بروز خسارت‌های گسترده شد.

طی سه روز گذشته دو کودک ۹ ساله در استان‌های فارس و هرمزگان بر اثر سیل جان خود را از دست دادند و یک شهروند ۴۰ ساله نیز در مسجد سلیمان استان خوزستان مفقود شده است. صدها شهروند به علت آبگرفتگی خانه‌هایشان ناچار به نقل مکان به محل دیگری شدند و یک روستا در قشم به‌طور اضطراری کاملاً تخلیه شده است. استان هرمزگان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های سیلاب روزهای اخیر بوده است. منطقه «هدیش» در بندرعباس از جمله مناطقی است که از شامگاه دوشنبه دچار آبگرفتگی شد و در نهایت روز گذشته زیر آب رفت.

منطقه هدیش بندرعباس، روز چهارشنبه ۲۶ آذر ماه، پس از بارش‌های سنگین در مناطق جنوبی کشور زیر آب رفت. خبرگزاری «تسنیم» با انتشار ویدیویی از استفاده از قایق برای نجات کودکان و خانواده‌ها از سیلاب نوشت: «نبود سیستم دفع آب مناسب سبب گرفتاری برای شهروندان به ویژه در منطقه هدیش بندرعباس شده است.»

پیشتر سازمان هواشناسی از روز دوشنبه ۲۴ آذر ماه برای چهار استان کرمان، هرمزگان، فارس و بوشهر هشدار سطح قرمز شرایط جوی صادر کرد و حتی مرخصی نیروهای نیز لغو شد اما باز هم مدیران و مسئولان در این استان‌ها از مدیریت شرایط عاجز بودند!

روزنامه «هم‌میهن» گزارش داده در بندرعباس به دلیل اختلاف ارتفاعی که با زمین‌های بالادست خود دارد، حتی سیلاب‌ها روی تپه‌های شمالی بندرعباس به آبشار تبدیل شدند.

عمق فساد در بانک‌های خصوصی ایران؛ کانال‌های پولشویی و تأمین مالی تروریسم



شعبه بانک اقتصاد نوین

خامی در کلیبی که اخیراً پخش شد نیز ضرابیه مؤسس بانک سامان می‌باشد که نامش در ابریده‌کاران بانکی نیز به چشم می‌خورد، پایه سرمایه اولیه ضرابیه ده‌ها کارخانه مصادره شده مثل «ایران برک» است که به لطف نزدیکی به خامی و صدقی، صاحب آن شد.

اولین تشکیل دهندگان بانک کارآفرین هم عباس آخوندی و رسول‌اف هستند، در تشکیل دهندگان بانک پاسارگارد هم نام مجید قاسمی رئیس اسبق بانک مرکزی به چشم می‌خورد. از دیگر بانک‌های خصوصی و مشهور به فساد هم بانک سرمایه است، که در دولت خامی و دوره وزارت آموزش و پرورش محسن حاجی‌میرزایی شکل گرفت آن دوران که برادرش را به عنوان مدیرعامل صندوق فرهنگیان منصوب کرد. در سال‌های بعد هم «بنیاد مستضعفان» بانک سینا و «بنیاد شهید» بانک دی را تشکیل دادند.

محسن مهرعلیزاده که در آن مقطع مدیرعامل تشکیلات اقتصادی «بنیاد شهید» بنام کوثر بود تلاش زیادی برای تأسیس بانک دی کرد. محمدباقر قالیباف نیز در دوره شهرداری، بانک شهر را تشکیل داد، ارتش نیز بانک حکمت را تأسیس کرد که در سال‌های اخیر با فساد فاطمه صالحی دختر سرلشکر صالحی فرمانده پیشین ارتش که در آن بانک مسئولیت‌های مهمی دارد خبرساز شد. همچنین بانک گردشگری نیز که با نقش آفرینی مهدی جهانگیری و زنوزی تشکیل شد عرصه تاخت و تاز و فساد و چپاول برادر معاول اول حسن روحانی است.

اینها تنها گوشه‌ای از فساد گسترده سازمان‌یافته در بانک‌های ایران است که همه از هر جناحی دستی بر آتش آن دارند.

به عنوان مثال احمد عراقچی و ولی‌الله سیف باوجود محکومیت و فساد قطعی با دخالت مستقیم خامنه‌ای تتره شدند و با دیوان دره‌ای، محمدعلی هادی و بسیار دیگر نیز همینطور، حجت‌الله صیدی رئیس کنونی بورس از متهمان «چای دیش» بود، عبدالناصر همتی از دوره مدیرعاملی «بانک سینا» و بانک ملی و مرکزی ده‌ها پرونده فساد دارد، بیژن خاوری با کمک غلامحسین محسنی اژه‌ای فراری داده شد، مصطفی پورمحمدی رئیس وقت بازرسی کل کشور فسادش را گمانه‌زنی خوان و در دولت خامی مدیر نمونه شد. راز مصونیت کامل این مدیران عامل فاسد بانک‌ها دسترسی و نقش‌شان در دور زدن تحریم‌ها، تغذیه تروریست، پولشویی و ارتباطات گسترده ناسالم با مقامات ارشد نظام است.

بررسی سوابق و پیشینه و منشاء ثروت اولین نفرات تشکیل دهنده بانک‌های خصوصی نیز مؤید آنچه گفته شد می‌باشد. اسامی چون صدر هاشمی‌نژاد از عوامل تشکیل بانک «اقتصاد نوین»، غروری از بنیانگذاران «بانک پارسیان»، خانواده ضرابیه و علی خامی و صدوقی و بنیاد صدق بنیانگذاران «بانک سامان».

خانواده ضرابیه جزو حامیان بزرگ مالی انتخاباتی خامی در سال‌های ۷۶ و ۸۰ بودند. در سال‌های ۱۳۷۰ که محمد ضرابیه مدیرعامل شرکت یخچال‌سازی «فیلور» یزد بود و با سیدعلی خامی ارتباطی بسیار نزدیک داشت. نام خانواده‌های خامی، تابش و ضرابیه را می‌توان به عنوان صاحبان سهام و نیز مدیر در شرکت «پلاستیران» و «بنیاد صدوق» و «بانک سامان» یافت، طرف پینگ‌پنگ بازی

● امیر مقدم روزنامه‌نگار در مقاله‌ای به عمق فساد در بانک‌های خصوصی ایران اشاره کرده و می‌نویسد، بانک‌های خصوصی از وزارت اطلاعات دولت محمد خامی بر آمدند. بعد از ممنوعیت فعالیت‌های اقتصادی وزارت اطلاعات به دستور علی خامنه‌ای این شبه بانک‌ها برای حفظ منافع نیروهای اطلاعاتی و فعالیت‌های پوششی و پشتیبانی از شرکت‌های خودی ایجاد شدند.

● بانک‌های خصوصی جمهوری اسلامی همواره پوشش پولشویی، اختلاس، حمایت تروریست و غارت و چپاول بوده‌اند و یکی از دلایل وضعیت فلاکت‌بار کنونی ایران هستند، همه مدیران بانک‌ها فاسد هستند و سابقه اختلاس و پرونده دارند اما حتی یک مدیرعامل بانک تا حالا بصورت واقعی محاکمه نشده است.

امیر مقدم- بانک‌های خصوصی از وزارت اطلاعات دولت محمد خامی بر آمدند. بعد از ممنوعیت فعالیت‌های اقتصادی وزارت اطلاعات به دستور علی خامنه‌ای این شبه بانک‌ها برای حفظ منافع نیروهای اطلاعاتی و فعالیت‌های پوششی و پشتیبانی از شرکت‌های خودی ایجاد شدند. علی یونسی وزیر سابق اطلاعات در مصاحبه‌ای گفته بود، «تمام کارهای اقتصادی وزارت اطلاعات و شرکت‌های زیرمجموعه آن را تعطیل کردیم و برای بانک امین اقدام کردم، به‌جز تعاونی وزارت اطلاعات که مربوط به بازنشستگان است.»

در این فرآیند بخشی از شرکت‌های وزارت اطلاعات توسط امنیتی‌های با نفوذ مثل محمد هاشمی همسر معصومه ابتکار به بهای ناچیز بالا کشیده شدند و همان فعالیت‌های آلوده را با رانت، خارج از وزارت اطلاعات با آزادی عمل بیشتر ادامه دادند. بخش دیگری هم شدند پایه شبه بانک‌های خصوصی!

در واقع یک عملیات فریب اتفاق افتاد، فعالیت اقتصادی وزارت اطلاعات هم هرگز تعطیل نشد. کما اینکه بارها گزارش‌هایی در مورد فعالیت‌های وزارت اطلاعات در سال‌های بعد منتشر شد و همچنان هم همین وضعیت برقرار است.

در سال ۱۳۷۸ اعلام شد که فعالیت‌های اقتصادی وزارت اطلاعات متوقف شده است. دقیقاً در همان سال هم موسسات مالی پیش‌بانک مثل «سامان» و «کارآفرین» ثبت شدند، دقیقاً در همان سال هم اساسنامه بانک‌های خصوصی در مجلس تصویب شد، از سال بعد هم موسسات یکی یکی بانک شدند و بانک‌های خصوصی مثل سامان و اقتصاد نوین و غیره مثل قارچ سبز شدند.

بانک‌های خصوصی جمهوری اسلامی همواره پوشش پولشویی، اختلاس، حمایت تروریست و غارت و چپاول بوده‌اند و یکی از دلایل وضعیت فلاکت‌بار کنونی ایران هستند، همه مدیران بانک‌ها فاسد هستند و سابقه اختلاس و پرونده دارند اما حتی یک مدیرعامل بانک تا حالا بصورت واقعی محاکمه نشده است.

روابط ایران فردا با روسیه چگونه باید باشد



دیدار محمدرضا شاه و شهبانو فرح پهلوی با برژنف در سال ۱۹۷۰

عرفان نوربخش - شش ماه پس از درگیری‌های موسوم به «جنگ ۱۲ روزه»، دیدار عباس عراقچی و سرگئی لاوروف در ۲۶ آذرماه ۱۴۰۴، پرده از یک بن‌بست فکری در دیپلماسی ایرانی برداشت. تکیه بر روسیه برای «توقف حملات اسرائیل»، در حالی که مسکو همواره روابطی پیچیده و چندلایه با تل‌آویو داشته است، نشان‌دهنده تداوم همان «دیپلماسی ساده‌لوحانه‌ای» است که منافع ملی را به انتظارات غیر واقعی گره می‌زند. تاریخ روابط دوجانبه ثابت کرده است که کرملین هیچ‌گاه امنیت یا منافع کلان خود را فدای شرکای منطقه‌ای نکرده و نخواهد کرد.

در ایران آینده، یکی از کلیدی‌ترین ضرورت‌ها، بازنگری بنیادین در این الگوست. ما نباید اشتباهات هزینه‌زای جمهوری اسلامی را تکرار کنیم. روابط با فدراسیون روسیه باید از بند «احساسات ایدئولوژیک» و «انتظارات امنیتی یک‌طرفه» رها شده و بر پایه منطق سرد سیاسی، توازن قوا و واقع‌گرایی بنا شود. تنها راه رسیدن به یک رابطه پایدار با همسایه شمالی، نه التماس برای حمایت امنیتی، بلکه تبدیل شدن به بازیگری مستقل و قدرتمند است که روسیه (و هر قدرت دیگری) را ناچار به احترام متقابل و همکاری بر اساس منافع دوسویه نماید.

مقدمه

مسیر آینده سیاست خارجی ایران به طور قابل توجهی به چگونگی تنظیم روابط آن با فدراسیون روسیه بستگی دارد. در حالی که تصور یک «شراکت استراتژیک» بی‌عیب و نقص اغلب در گفتمان سیاسی داخلی ایران مطرح می‌شود، یک رویکرد عمل‌گرایانه و آینده‌نگر باید مبتنی بر ارزیابی صادقانه از سوابق تاریخی، واقعیات ژئوپلیتیک کنونی و منافع ملی متفاوت باشد. توافق اخیر میان روسیه و عربستان سعودی برای اجرای رژیم بدون ویزا برای گردشگران و تجار - امتیازی که ایران بیش از یک دهه به دنبال آن بوده است - یک نمونه ملموس از ماهیت معاملاتی و سیال سیاست خارجی روسیه است که اغلب روابط دیرینه را تحت الشعاع دستاوردهای استراتژیک و اقتصادی فوری قرار می‌دهد. این واقعیت، در کنار کندی پروژه‌های کلیدی دوجانبه مانند کریدور بین‌المللی شما، بر لزوم عبور ایران از انتظارات آرمان‌گرایانه و تدوین الگویی از رابطه که ریشه در عمل‌گرایی (پراگماتیسم)، تنوع‌بخشی (تنوع منابع)، و دیپلماسی مبتنی بر دانش دارد، تأکید می‌کند.

زمینه تاریخی روابط دشوار

درک آینده مستلزم بررسی نقادانه گذشته است؛ جایی که روابط به طور تاریخی بین دوره‌های سلطه امپراتوری، همکاری عمل‌گرایانه و رقابت آشکار در نوسان بوده است.

دوران تزاری و شوروی

روابط مدرن ایران و روسیه در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با الحاق‌های ارضی روسیه تزاری و مداخله قابل توجه در حاکمیت ایران آغاز شد. پس از انقلاب بلشویکی، دوره اولیه شوروی شاهد یک تغییر موقت بود و به رضا شاه پهلوی اجازه داد تا یک رابطه تجاری متعادل‌تر، هرچند محدود، با روسیه برقرار کند. تلاش بعدی او برای ایجاد توازن در برابر نفوذ فزاینده امپراتوری بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی با دعوت از یک قدرت سوم (آلمان نازی) در نهایت

زده می‌شود ۵۰ درصد از زرادخانه نظامی عراق را تأمین کرد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روابط تثبیت شد و منجر به خریدهای عمده تسلیحاتی و مهم‌تر از آن، قرارداد سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) با شرکت اتم‌استروی اکسپورت روسیه برای تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر شد. این پروژه شاخص، که در ابتدا توسط شرکت‌های آلمانی آغاز شده بود، با تأخیرهای فنی و سیاسی متعدد مواجه شد. روند تکمیل دو دهه‌ای آن غم‌انگیز از چالش‌های مداوم، بی‌اعتمادی و دشواری در تبدیل همسویی استراتژیک به پروژه‌های دوجانبه کارآمد و به موقع بود. تغییرات بعدی در سیاست روسیه، از جمله رأی آن به تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران و لغو موقت فروش سامانه موشکی اس-۳۰۰، درک مسکو را به عنوان یک شریک غیرقابل پیش‌بینی که در درجه اول توسط منافع ملی فوری و دینامیک قدرت جهانی هدایت می‌شود، بیشتر تثبیت کرد.

چالش‌های کنونی و محدودیت‌های سیاست

دشواری‌ها در روابط دوجانبه ناشی از کاستی‌های هم از سوی ایران و هم از سوی روسیه است که یک شراکت ناپایدار و نابرابر ایجاد می‌کند.

کمبود ایران: فقدان دانش و تنوع‌بخشی

یکی از چالش‌های حیاتی در طرف ایرانی، فقدان بنیان فکری و آکادمیک کافی برای سیاست خارجی نسبت به روسیه است. در حالی که مطالعات ایرانی (ایران‌شناسی) سابقه غنی (حداقل ۱۵۰ ساله) در روسیه دارد، مطالعات روسی در ایران نسبتاً نوپا است (گروه مطالعات روسیه در دانشگاه تهران در حدود ۱۵ سال پیش تأسیس شده است) و متخصصان اغلب نفوذ حداقلی در طراحی و اجرای سیاست‌ها دارند. این کسری دانش موجب اتکا به انتظارات غیرواقعی و روایت‌های احساسی از «شراکت استراتژیک» می‌شود و منجر به احساس مکرر شوک و خیانت هنگام تغییر سیاست روسیه بر اساس منافع خود می‌شود.

شکست خورد و منجر به حمله متفقین به ایران در سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) و برقراری مجدد نفوذ شوروی به سبک استعماری شد.

یک نقطه عطف عمده در دوره پس از جنگ جهانی دوم رخ داد. تلاش‌های دیپلماتیک ایران، که با حمایت یک قدرت خارجی انجام شد، منجر به خروج نیروهای شوروی از آذربایجان در سال ۱۳۲۵ (۱۹۴۶) شد. روابط در دوران استالین و خروشچف سرد باقی ماند. با این حال، در دوران محمد رضا شاه پهلوی، در دوره برژنف، یک دوره بی‌سابقه از گرمای روابط و همکاری عمل‌گرایانه ظهور کرد. شاه، با تضمین حمایت قاطع غرب، به ویژه از ایالات متحده، به طرز ماهرانه‌ای از این موقعیت برای تقویت روابط عالی با اتحاد جماهیر شوروی استفاده کرد. در این دوران، اولین انتقال عمده فناوری کامل صنعتی از شوروی به ایران صورت گرفت که مهم‌ترین آن، قرارداد سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) برای ساخت کارخانه ذوب آهن آریامهر (بعدها شرکت ذوب آهن اصفهان) بود. این پروژه شاخص، که عملیات خود را حدود سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) آغاز کرد، نشان‌دهنده تمایل شوروی به تأمین فناوری پیشرفته (کوره‌های بلند) بود که برخی کشورهای غربی قبلاً از ارائه آن به ایران خودداری کرده بودند. به طور متناقض، روابط شوروی و ایران دقیقاً زمانی شکوفا شد که ایران در اوج قدرت و همسویی استراتژیک با غرب بود، که نشان می‌دهد مسکو برای یک شریک قوی، مستقل و مهم از نظر استراتژیک نسبت به یک دولت وابسته، ارزش قائل بوده است.

دوره پس از انقلاب و روابط معاملاتی

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) عمل‌گرایی شاه در ایجاد توازن میان شرق و غرب را با خصومت ایدئولوژیک نسبت به غرب جایگزین کرد که در ابتدا روابط گرم با شوروی را متشنج ساخت. با وجود حمایت‌های لفظی از مواضع ضدغربی ایران، اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷)، موضع عمل‌گرایانه‌ای اتخاذ کرد و تبدیل به تأمین‌کننده اصلی تسلیحات عراق شد و تخمین

توانایی روسیه برای بهره‌برداری از رقابت‌های منطقه‌ای علیه ایران را کاهش می‌دهد.

حل و فصل پروژه‌های تکمیل نشده: پیشرفت محسوس در پروژه‌های اقتصادی مانند کریدور شمال-جنوب حیاتی



رژم‌آرا در حال انعقاد قرارداد با مقامات شوروی

است. ایران باید موانع داخلی خود - مانند خط آهن مفقود بین رشت و آستارا - را برطرف کند تا این کریدور را به یک واقعیت اقتصادی متقاعدکننده برای همه شرکا تبدیل کند. در نتیجه، هدف برای ایران آینده نباید یک اتحاد فرعی یا ایدئولوژیک با روسیه باشد، بلکه یک رابطه عمل‌گرایانه و مبتنی بر منافع است که در آن تهران یک دولت قدرتمند و خودمختار با گزینه‌های جایگزین واقعی باشد. تنها زمانی که ایران توانایی خود را برای تبدیل شدن به یک بازیگر قوی، متعادل و سازنده در صحنه جهانی نشان دهد، روسیه به راستی «خواهان رابطه» خواهد شد و پویایی قدرت را از وابستگی به احترام متقابل و منافع دوسویه تغییر خواهد داد.

منابع و مأخذ

روابط تاریخی: کاظم‌زاده، فیروز. روس و انگلیس در ایران؛ پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱. (منبع اصلی برای درک رقابت‌های قدرت‌های بزرگ در خاک ایران).

سیاست خارجی معاصر: رمضان، روح‌الله. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. ترجمه علیرضا طبیب. تهران: نشر نی، ۱۳۸۰. (تحلیل ریشه‌های ایدئولوژیک و تغییرات عمل‌گرایانه در سیاست خارجی پس از انقلاب).

فناوری و صنعت: فاوست، لوئیز. ایران و جنگ سرد؛ بحران آذربایجان. ترجمه کاوه بیات. تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۴. (بررسی خروج نیروهای شوروی و اولین همکاری‌های صنعتی).

ژئوپلیتیک نوین: کولایی، الهه. سیاست و حکومت در روسیه. تهران: سمت، ۱۳۹۵. (بررسی ساختار قدرت در روسیه مدرن و رویکردهای این کشور به «خارج نزدیک» و خاورمیانه).

کریدور شمال-جنوب: گزارش‌های تحلیلی شورای روابط خارجی (CFR) درباره International North-South Transport Corridor (INSTC) و تأثیر آن بر موازنه قدرت در اوراسیا.

را دوباره برقرار سازد. این اقدام متعادل‌کننده، که یادآور دیپلماسی عمل‌گرایانه دهه‌های گذشته است، ارزش استراتژیک ایران را برای روسیه افزایش می‌دهد، زیرا مسکو به طور تاریخی به شرکایی که درجه‌ای از استقلال استراتژیک

و اهرم‌های ژئوپلیتیکی جایگزین را حفظ می‌کنند، احترام گذاشته و آنها را اولویت‌بندی کرده است.

استقلال استراتژیک: رابطه با روسیه باید به عنوان یکی از اجزای یک سیاست خارجی بزرگ‌تر و متنوع قرار گیرد، نه ویژگی تعیین‌کننده آن.

۳. اولویت‌دهی به نقش‌های سازنده منطقه‌ای و بین‌المللی
سیاست تنش صفر: سیاست خارجی آینده ایران باید هدف خود را «سیاست تنش صفر» در منطقه قرار دهد و از یک نقش مخرب یا برهم‌زننده درک شده به یک نقش سازنده و قابل اثبات تغییر مسیر دهد. یک ایران باثبات، با رونق اقتصادی، به دور از درگیری‌های منطقه‌ای و انزوای بین‌المللی، ذاتاً به شریکی جذاب‌تر و قابل اعتمادتر برای روسیه و سایر بازیگران جهانی تبدیل می‌شود. این امر



علاوه بر این، سیاست خارجی ایران اغلب از خطای استراتژیک اتکای بیش از حد به یک قدرت بزرگ - در حال حاضر روسیه - به عنوان وزنه تعادل در برابر غرب رنج برده است. این رویکرد «گذشتن همه تخم‌مرغ‌ها در یک سبد» ایران را از اهرم فشار و گزینه‌های جایگزین لازم برای مذاکره بر سر شرایط مطلوب و حفظ یک توازن استراتژیک واقعی محروم می‌کند.

رویکرد روسیه: معاملاتی و کوتاه‌مدت

رفتار روسیه در این رابطه نیز با مسائل سیستمی مشخص می‌شود، از جمله تمایل به اولویت‌بندی منافع معاملاتی و کوتاه‌مدت بر ایجاد شراکت بلندمدت. سیاست خارجی آن اغلب فرصت‌طلبانه توصیف می‌شود و به سرعت بر اساس ضرورت‌های فوری ژئوپلیتیک و اقتصادی تغییر مسیر می‌دهد، همانطور که در مقایسه سیاست ویزای آن با ایران در مقابل عربستان سعودی مشاهده می‌شود. ترجیح مسکو برای روابط دولت‌محور به جای تقویت روابط ملت‌محور (مانند قدرت نرم و تبادل فرهنگی)، عمق و انعطاف‌پذیری رابطه را بیشتر محدود می‌کند و در عوض بر همکاری قدرت سخت مانند هماهنگی نظامی و امنیتی تکیه دارد که در سال‌های اخیر شتاب قابل توجهی یافته است.

توصیه‌ها برای یک سیاست آینده‌نگر ایرانی

برای ایجاد یک رابطه قوی، دوجانبه و سودمند متقابل با روسیه، سیاست خارجی آینده ایران باید چندین درس اصلی برگرفته از تجربه تاریخی خود را پیاده‌سازی کند.

۱. استقرار یک سیاست خارجی مبتنی بر دانش

ارتقاء تخصص: هسته اصلی هر سیاست آتی باید تأسیس یک سازوکار سیاست‌گذاری روسیه باشد که توسط دانش تخصصی هدایت شود. این امر شامل اعطای نقش‌های قابل توجه به محققان، دیپلمات‌ها و متخصصان ایرانی است که دارای درکی عمیق و ظریف از زبان، تاریخ، فرهنگ سیاسی و فرآیندهای تصمیم‌گیری روسیه هستند و از تعصبات ایدئولوژیک و آرزواندیشی فراتر می‌روند.

۲. استقبال مجدد از استراتژی توازن قدرت‌های بزرگ

پرورش قطب‌های متعدد: ایران باید از همسویی منحصر به فرد با روسیه فاصله بگیرد و یک استراتژی تعامل فعال و چندوجهی با تمام قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای

دانشگاه آرکانزاس برکناری دکتر شیرین سعیدی را تأیید کرد؛ متن کامل نامه رسمی رئیس دانشکده به استاد حامی خامنه‌ای



شیرین سعیدی

● دانشگاه آرکانزاس در نامه‌ای رسمی، که توسط گروه «اتلاف علیه توجیه‌گران و مدافعان رژیم اسلامی ایران» منتشر شده است، برکناری دکتر شیرین سعیدی از مدیریت «مرکز ملک فهد برای مطالعات خاورمیانه» را تأیید کرده است.

● در این نامه آمده «به نظر می‌رسد که شما پی‌درپی تصمیم گرفته‌اید ترویج عمومی دیدگاه‌های شخصی خود را بر منافع برنامه مطالعات خاورمیانه‌ای که مسئول هدایت آن هستید، و بر منافع دانشگاه، مقدم بدارید.»

● این نامه افزوده «پست‌های شما هرگونه تصور از تنوع فرصت‌های فکری را، آن گاه که پای یکی از مهمترین مسائل سیاسی خاورمیانه در میان است، تضعیف می‌کند. صراحتاً باید گفت، چنین پست‌هایی برای فردی که در جایگاه رهبری یک برنامه دانشگاهی قرار دارد، غیرمسئولانه است.»

● شیرین سعیدی استاد علوم سیاسی در دانشگاه آرکانزاس آمریکا پس از آنکه به حمایت از رهبر جمهوری اسلامی، مواضع تند ضداسرائیلی و دفاع از یک مقام محکوم شده جمهوری اسلامی، متهم شد، از سمت خود به عنوان رئیس برنامه مطالعات خاورمیانه این دانشگاه برکنار شد.

● دانشگاه آرکانزاس شیرین سعیدی را اخراج نکرده بلکه او را از سمت مدیریت برکنار نموده تا بررسی‌های لازم را انجام و تصمیم نهایی را اتخاذ کند.

دانشگاه آرکانزاس در نامه‌ای رسمی، که توسط گروه «اتلاف علیه توجیه‌گران و مدافعان رژیم اسلامی ایران» منتشر شده است، برکناری دکتر شیرین سعیدی از مدیریت «مرکز ملک فهد برای مطالعات خاورمیانه» را تأیید کرده است. این نامه که در تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۲۵ از سوی رئیس دانشکده هنر و علوم، برایان رینز، صادر شده سعیدی را از سمت مدیریت برکنار نموده تا بررسی‌های لازم را انجام و تصمیم نهایی را اتخاذ کند.

برایان رینز نوشته است «امیدوار بودم این نگرانی‌ها را به صورت حضوری یا از راه دور با شما در میان بگذارم، اما شما به روشنی اعلام کرده‌اید که در این هفته خود را برای دیدار در دسترس قرار نخواهید داد. با توجه به ضرورت رسیدگی فوری به این موضوعات، در راستای منافع مرکز و دانشگاه، این نامه را در این مقطع به شما ارائه می‌کنم.»

این دانشگاه تأکید کرده است که این تصمیم صرفاً بر اساس نظارت بر جایگاه اداری شیرین سعیدی بوده و در چارچوب آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های داخلی اتخاذ شده است.

رئیس دانشکده در این نامه تأکید کرده که هرچند دانشگاه آرکانزاس به آزادی بیان اعضای هیئت علمی احترام می‌گذارد، اما تصدی مناصب مدیریتی مستلزم رعایت استانداردهای مضاعفی است.

برایان رینز یادآوری کرده است که در ژوئیه ۲۰۲۵، شیرین سعیدی به دنبال ارسال یک شهادت‌نامه با استفاده از سربرگ دانشگاه آرکانزاس به دادگاه در سوئد در سال ۲۰۲۳ در دفاع از حمید نوری متهم به مشارکت در اعدام‌های زندانیان سیاسی در سال دهه هشتاد و ندادن توضیحی روشن مبنی بر اینکه این اظهارات صرفاً دیدگاه شخصی بوده است، هشدار دریافت کرده بود. «شما هرگز درخواستی

آزاد شد.

بر اساس این گزارش، سعیدی همچنین در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی «ایکس» (تویتر سابق)، که اکنون تعلیق شده، مواضع تندی علیه اسرائیل اتخاذ کرده و از علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، تمجید کرده بود.

بر اساس قوانین جاری ایالت آرکانزاس، پیمانکاران دولتی موظف‌اند تعهدنامه‌ای امضا کنند مبنی بر این که در تحریم اسرائیل مشارکت نخواهند داشت.

در دادخواستی که پیش از برکناری سعیدی از سوی گروهی موسوم به «اتلاف علیه توجیه‌گران و مدافعان رژیم اسلامی ایران» با بیش از ۳۸۰۰ امضا گردآوری شده، آمده است: «این اقدامات با نقض اصول بنیادین علمی و اخلاقی، از جمله صداقت در پژوهش، دقت در کار علمی، حفاظت از موضوعات انسانی پژوهش، سلامت رفتار حرفه‌ای و احترام به بازمندگان جنایات گسترده، به شدت اعتبار دانشگاه آرکانزاس را خدشه دار کرده است.»

در پایان، نامه رئیس دانشکده هنر و علوم دانشگاه آرکانزاس را که بصورت الکترونیکی به شیرین سعیدی ابلاغ شده می‌خوانید:

دکتر سعیدی گرامی،

در خصوص نقش اداری شما به عنوان مدیر «مرکز ملک فهد برای مطالعات خاورمیانه» به شما می‌نویسم. در این نقش، از شما انتظار می‌رود رهبری یک برنامه دانشگاهی برجسته را بر عهده داشته باشید و چه در داخل دانشگاه و چه در خارج از آن، به‌عنوان چهره این برنامه ایفای نقش کنید.

من نگرانی‌های بسیار جدی در مورد برخی از پست‌های عمومی اخیر شما دارم که به اطلاع دانشگاه رسانده شده‌اند. امیدوار بودم این نگرانی‌ها را به صورت حضوری یا از راه دور با شما در میان بگذارم، اما شما به روشنی اعلام کرده‌اید که در این هفته خود را برای دیدار در دسترس قرار نخواهید داد. با توجه به ضرورت رسیدگی فوری به

برای استفاده از سربرگ دانشگاه در ارتباط با این فعالیت ارائه نکردید و مجوزی نیز دریافت ننمودید.»

در این نامه همچنین آمده است که پیش از این نیز به دکتر سعیدی درباره نحوه حضور و اظهارنظر در فضای عمومی تذکراتی داده شده بود، اما ادامه این رفتارها، نهایتاً دانشگاه را به این نتیجه رسیده است که ادامه مسئولیت اداری وی با مأموریت و منافع نهادهای دانشگاه همخوانی ندارد.

در پایان نامه آمده است که دانشگاه آرکانزاس حق خود را برای اتخاذ اقدامات تکمیلی در صورت لزوم محفوظ می‌داند.

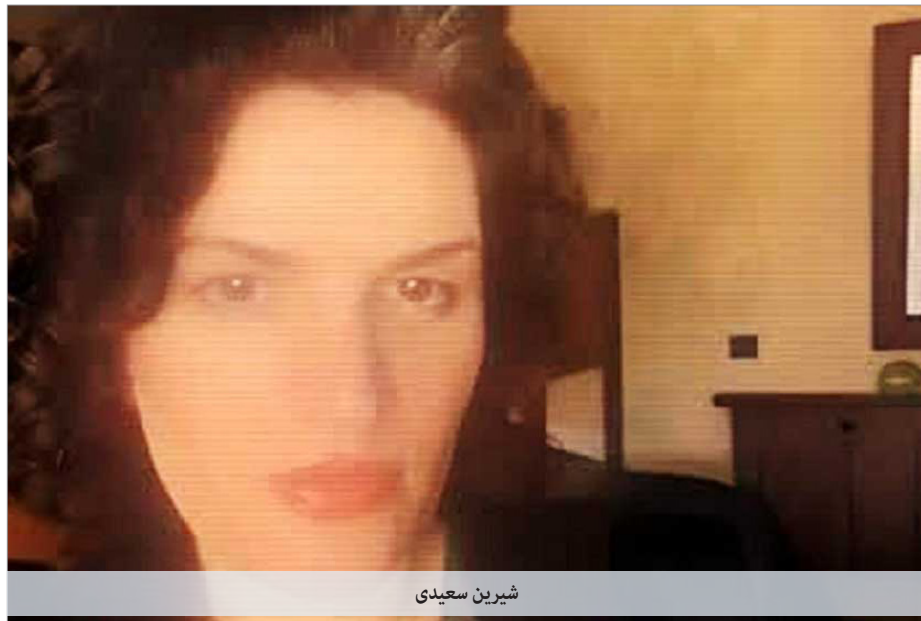
گفتنی است، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی نیز در یک نشست خبری هفتگی در ۲۳ آذرماه، در بخشی از سخنان خود به برکناری شیرین سعیدی اشاره کرده و گفته «این نشانه رویکرد مطلقاً تبعیض‌آمیز در آمریکاست که یک فرد دانشگاهی صرفاً به دلیل اعلام موضع خود درباره نسل‌کشی رژیم صهیونیستی و دفاع از کشور خود، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد.»

از سوی دیگر، اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه نیز در سی و نهمین نشست خبری روز سه شنبه ۲۵ آذرماه با اشاره به برکناری شیرین سعیدی گفت «در کشوری که خود را مهد آزادی و تمدن می‌داند، هرگونه صدای آگاهی‌بخش، انسان‌شناس و انسان‌خواه که با فطرت انسان‌ها موافق است و مورد نظر جهان‌خواهران نیست، تلاش دارند خفه کنند!»

اظهار نظرهای این سخنگویان در حالی است که دانشگاه آرکانزاس شیرین سعیدی را اخراج نکرده بلکه او را از سمت مدیریت برکنار نموده تا بررسی‌های لازم را انجام و تصمیم نهایی را اتخاذ کند.

به گزارش نیویورک پست، سعیدی متهم شده که از سربرگ دانشگاه برای درخواست آزادی حمید نوری استفاده کرده، فردی که در سال ۲۰۲۲ در دادگاهی در سوئد به دلیل مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی در ایران در سال ۱۹۸۸ محکوم شده بود و سال گذشته در چارچوب تبادل زندانیان

ذهنی خصمانه یا غیرخوشایند تلقی شود، هرچند که ناقض سیاست دانشگاه در زمینه تبعیض و آزار و اذیت نباشد. **پُست ها در خصوص «برچیدن اسرائیل»** با در نظر گرفتن این رویدادها به عنوان پیش زمینه، ابتدا به دو پُست دیگر در شبکه «ایکس» (توییتر سابق) که بنظر می رسد از سوی شماس می پردازم که در تاریخ ۲۵ نوامبر



شیرین سعیدی

۲۰۲۵ به دانشگاه ارسال شده اند. هرچند این پُست ها برای بررسی هرگونه نقض احتمالی سیاست عدم تبعیض مجموعه دانشگاهی ما، به مرکز مالکیت کارکنان اوهایو ارجاع خواهد شد، اما نگرانی هایی درباره این پست ها دارم که لازم است در حال حاضر و به عنوان یک موضوع اداری، فوراً با شما مطرح کنم.

این نوشته ها بر پایه ترور بنیان گذاشته شده و از طریق ماشین سرکوب، استمرار یافته اند.

«در کانون فکری و معنوی «محور مقاومت» آیت الله سید علی خامنه ای قرار دارد که هدایت مادام العمر او نه تنها جمهوری اسلامی ایران، بلکه جبهه گسترده تر مقاومت در سراسر منطقه را شکل داده است. او فراتر از یک رهبر سیاسی، «فیلسوف رهایی» توصیف شده است، کسی که تشخیص او از صهیونیسم به عنوان «پروژه ای استعماری و نژاد پرستانه» در گذر دهه ها آینده نگرانه و سازگار باقی مانده است. تمایز قاطع و تزلزل ناپذیر او، وی را در جایگاهی یگانه در میان رهبران جهان قرار می دهد. رهبری آیت الله خامنه ای سازش ناپذیر، راهبردی و ریشه دار در معنویت توصیف شده و او را به یکی از مقتدرترین متفکران ضد صهیونیست زمانه ما بدل کرده است. این ماشین، به طور بی امان، مشروعیت را لکه دار می کند.»

و همچنین:

«چهره هایی چون امام خمینی، که روز قدس را نماد بیداری جهانی اعلام کرد، آیت اله خامنه ای، با رهبری تزلزل ناپذیر خود بر محور مقاومت و شیخ ابراهیم زکراکی، صدای بیداری اسلامی در آفریقا، نه صرفاً نمایندگان یک منطقه، بلکه پیشقراولان معنوی و راهبردی یک پیکار جهانی اند که افق حقیقی آن عدالت است.»

بار دیگر، در این سند، شما وابستگی خود به دانشگاه آرکانزاس را به طور مشخص و بدون هیچ توضیحی درج کرده اید، امری که بار دیگر ناقض سیاست ۱۰۰.۷ هیئت امنای دانشگاه است بطور بالقوه این تصور را ایجاد

این موضوعات، در راستای منافع مرکز و دانشگاه، این نامه را در این مقطع به شما ارائه می کنم.

این نگرانی ها مبتنی بر دیدگاه های شخصی من درباره مباحث سیاستی زیربنایی مطرح شده، نیست، بلکه ناشی از اثر اخلاط گرانه پُست های شما بر فعالیت های دانشگاه است. نگرانی های من به این موضوع مربوط می شود که پست های شما ممکن است از سوی افراد داخل دانشگاه و نیز خارج از دانشگاه چگونه تلقی شوند، و این امر چه تأثیری بر برنامه مطالعات خاورمیانه، دانشکده فولبرایت و خود نهاد دانشگاهی می گذارد.

لازم به ذکر است که شما به عنوان مدیر منصوب، مسئولیت ایجاد و مدیریت یک برنامه دانشگاهی با پشتوانه مالی را بر عهده دارید که به عنوان یک منبع معتبر و حرفه ای برای تدریس، پژوهش و برنامه ریزی در مورد مسائل مربوط به خاورمیانه شناخته شود. برای موفقیت، برنامه مطالعات خاورمیانه باید پژوهشگران و دانشجویان را از دیدگاه های مختلف در مورد مسائل چالش برانگیز پیش روی منطقه جذب و حفظ کند.

پیش از پرداختن به این پُست ها، لازم است به برخی رویدادهای پیشین اشاره کنم.

نخست، همان گونه که به یاد دارید، در تاریخ اول ژوئیه ۲۰۲۵، به دلیل ارسال شهادت نامه به یک دادگاه سوئدی در سال ۲۰۲۳ با استفاده از سربرگ دانشگاه آرکانزاس، و نیز به علت عدم درج توضیحی که به روشنی نشان دهد شما صرفاً از جانب خود سخن می گوید، من نامه اخطاری به شما ارائه کردم. در آن زمان توضیح دادم که این نگرانی تشدید می شود، زیرا شما نه تنها عضو هیئت علمی هستید، بلکه نقش اداری را نیز به عنوان مدیر یک برنامه دانشگاهی بسیار برجسته، برعهده دارید.

به تازگی، در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۲۵، دفتر فرصت های برابر، رعایت مقررات و عنوان نهم دانشگاه، گزارشی درباره اظهارات عمومی شما دریافت کرد که شامل ادعاهایی درباره یهودستیزی بود. این ادعاها به امضای مشترک شما، دو بیانیه عمومی و نیز پُست های مختلف در شبکه های اجتماعی درباره غزه، اسرائیل و ایران مربوط می شد.

مرکز Ohio Employee Ownership Center (مرکز مالکیت کارکنان اوهایو) اخیراً بررسی خود درباره این ادعاها را به پایان رسانده و به این نتیجه رسیده است که



مردم برای شوک تورمی دلار ۱۳۰ هزار تومانی «تاب‌آوری» دارند؟

● قیمت دلار به عنوان یکی از نشانه‌گرهای مهم اقتصاد ایران، ظهر دوشنبه ۲۴ آذرماه ۱۴۰۴ به ۱۳۲ هزار تومان رسیده است. همچنین هر سکه طلا به قیمت بی‌سابقه ۱۴۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شد.

● آمارها نشان می‌دهد طی یک سال و چهار ماه فعالیت دولت مسعود پزشکیان قیمت دلار با بیش از ۱۰۰ درصد افزایش روبرو شده است. این در حالیست که کاهش قیمت ارز و تورم، و تقویت ارزش پول ملی از مهمترین وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشکیان و اصلاح‌طلبان حامی او بود.

● افزایش قیمت ارز در روزهای گذشته به معنای وارد شدن شوکی افزایشی بر تورم خواهد بود؛ تورمی که به گواه آمارهای حکومتی اکنون در مرز ۵۰ درصد قرار دارد و طی تنها یک ماه، در فاصله ابتدا تا انتهای آبان امسال، ۳/۴ درصد افزایش یافته است.

● اگر چه فقر سالها پیش تداعی‌کننده بیکاری بود اما در ایران امروز غالب افراد فقیر، شاغل هستند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده ۸۹ درصد خانوارهای زیر خط فقر شاغل هستند!

● حذف تدریجی گوشت و مرغ و میوه از سبد خرید خانوارها، کاهش مصرف لبنیات و حبوبات، و جایگزین شدن مواد خوراکی شکم‌سیرکن و غیرمغذی مانند ماکارونی با سبزیجات و پروتئین در سفره بسیاری از خانوارها بیانگر فاجعه‌ای است که افزایش پیوسته تورم و عدم متناسب دستمزدها و هزینه‌ها در اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد ایجاد کرده است.

● بسیاری از تحلیلگران معتقدند آستانه تحمل جامعه برای شوک‌های پی‌درپی معیشتی و تورمی رو به پایان است و در صورت تداوم این شرایط دیر یا زود موجی از اعتراضات سراسری و شورش‌وار جامعه دامن جمهوری اسلامی را خواهد گرفت.

روشنک آسترکی - همزمان با افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها در بازار ارز در ایران و عبور قیمت هر دلار آمریکا از مرز ۱۳۰ هزار تومان، هشدارها درباره کاهش قدرت خرید مردم و گسترش فقر، و احتمال اعتراضات سراسری افزایش یافته است. رقبای درون‌حکومتی دولت اصلاح‌طلب نیز دولت را متهم به نداشتن برنامه برای مدیریت اقتصادی کشور و ساماندهی بازار ارز می‌کنند.

قیمت‌ها در دو بازار ارز و طلا طی روزهای گذشته با افزایش قابل توجهی روبرو شده است. قیمت دلار به عنوان یکی از نشانه‌گرهای مهم اقتصاد ایران، ظهر دوشنبه ۲۴ آذرماه ۱۴۰۴ به ۱۳۲ هزار تومان رسیده است. همچنین هر سکه طلا به قیمت بی‌سابقه ۱۴۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شد.

افزایش قیمت ارز و طلا بیانگر سقوط ارزش پول ملی کشور است. آمارها نشان می‌دهد طی یک سال و چهار ماه

مغایر با سیاست ۱۰۰.۷ هیئت امنای دانشگاه آرکانزاس است. شما هرگز درخواستی برای استفاده از سربرگ دانشگاه در ارتباط با این فعالیت ارائه نکردید و مجوزی نیز دریافت نمودید. بنابراین، اظهارنظر شما مبنی بر این که دانشگاه مشارکت شما را «با سربرگ و همه جزئیات» تأیید کرده است، نادرست بوده و موضع دانشگاه را در این خصوص به‌صورت ناصحیح به افکار عمومی منتقل می‌کند. سیاست ۳۳۵.۱ هیئت امنای دانشگاه، یعنی آیین‌نامه رفتار اخلاقی دانشگاه، در بخشی از خود بیان دارد:

کارکنان باید به گونه‌ای رفتار کنند که اعتماد و اطمینان عمومی را تقویت کند، با پایبندی به اصول زیر:

- رفتاری فراتر از هرگونه خدشه و با بالاترین سطح سلامت اخلاقی
- صداقت و انصاف
- پاسخگویی، شفافیت و تعهد به رعایت مقررات.

اظهار خلاف واقع شما به افکار عمومی درباره سربرگ، نقض سیاست ۳۳۵.۱ هیئت امنای دانشگاه محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

در نامه انتصابی که از سوی همکار سابق من، رئیس دانشکده تاد شیلدر، برای شما صادر شده است، آمده است که «انتظار می‌رود شما با الگو بودن رهبری کنید...» و این‌که «نقش شما به عنوان مدیر برای پیشرفت مستمر گروه و دانشکده فولبرایت حیاتی است. از اینرو، مطابق با سیاست‌های دانشکده فولبرایت و دانشگاه... رئیس دانشکده حق دارد در هر زمان، در صورتی که عملکرد شما به طور مثبت در خدمت مأموریت دانشکده و دانشگاه نباشد، به دوره مسئولیت شما پایان دهد.»

همچنین در این نامه تصریح شده است که انتصاب شما تابع سیاست‌های هیئت امنای دانشگاه آرکانزاس و نیز سیاست‌های دانشگاه آرکانزاس، فایتویل و دانشکده فولبرایت است. سیاست ۴۰۵.۱ ب، بیان می‌کند افرادی که به عنوان مدیر یک برنامه یا مرکز دانشگاهی منصوب می‌شوند، «به خواست رئیس دانشکده خدمت می‌کنند.»

بدین‌وسیله تصمیم گرفته‌ام که در راستای منافع برنامه مطالعات خاورمیانه و دانشکده فولبرایت، خدمت شما به‌عنوان مدیر «مرکز ملک فهد» برای مطالعات خاورمیانه، با اثر فوری پایان یابد. می‌دانم این تصمیم برای شما ناامید کننده خواهد بود، اما معتقدم اقدامات شما برای من جای هیچ انتخاب واقع بینانه‌ای جز اتخاذ این تصمیم باقی نگذاشته است. به اختصار، اعتماد خود را به توانایی شما برای هدایت این منبع مهم دانشگاهی از دست داده‌ام.

مطابق با شرایط انتصاب شما و سیاست‌های قابل اجرای دانشگاه، شما بلافاصله به انتصاب دانشگاهی ۹ ماهه خود بازمی‌گردید و تعدیلات متناسب در جبران خدمات شما اعمال خواهد شد، از جمله حذف حق‌الزحمه اداری شما. مطابق با سیاست دانشگاه، از این پس حجم کاری شما توسط رئیس گروه علوم سیاسی تعیین خواهد شد.

من حق خود را برای اتخاذ اقدامات استخدای اضافی مرتبط با این موضوعات در صورت لزوم، محفوظ می‌دارم. چنانچه مایل باشید پس از بازگشت به فایتویل درباره این موضوعات گفتگو کنید، همچنان آمادگی انجام آن را دارم.

با احترام،
برایان رینز
رئیس دانشکده هنر و علوم فولبرایت
رونوشت:

معاون آموزشی و قائم مقام اجرایی رئیس دانشگاه در امور آموزشی، ایندراجیت چوبی
رئیس گروه علوم سیاسی، بیل شرکایز

می‌کند که شما از جانب دانشگاه سخن می‌گویید. اخیراً نیز، در تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۲۵، به نظر می‌رسد شما پستی در شبکه «ایکس» منتشر کرده‌اید که در آن به آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرده و از خدا خواسته‌اید که او را حفظ کند.

به‌عنوان یک مدیر و رهبر دانشگاهی، افراد، طبیعتاً، نوشته‌های شما را بازتابی از برنامه مطالعات خاورمیانه، فضای حاکم بر آن برنامه، و نیز بازتابی از دانشگاه به‌عنوان یک گل تلقی خواهند کرد.

من عمیقاً نگران اظهارات مکرر شما هستم مبنی بر این که اسرائیل، کشوری که از سوی ایالات متحده به رسمیت شناخته شده است، باید «برچیده شود»، یا جمله «برچیدن از طریق نیروهای بین‌المللی». چنین اظهاراتی می‌تواند به منزله حمایت از تهاجم نظامی و نابودی یکی از متحدان ایالات متحده تلقی شود. امری که با انتقادی که ممکن است علیه هر کشور دیگری مطرح شود، قابل قیاس نیست.

چنین اظهاراتی به احتمال زیاد اثر بازدارنده‌ای بر بسیاری از اسرائیلی‌ها یا یهودیانی که به مشارکت در برنامه مطالعات خاورمیانه ما می‌انديشند، و نیز بر دیگران، خواهد داشت. این امر همچنین هرگونه برداشت از برنامه ما به‌عنوان منبعی علمی و عینی برای پژوهش و اطلاع‌رسانی، نه القای ایدئولوژیک را تضعیف می‌کند.

شرح برنامه در وبسایت برنامه مطالعات خاورمیانه می‌گوید که این مرکز:

«مرکزی میان رشته‌ای و بین‌دپارتمانی در حوزه مطالعات منطقه‌ای است که فرصت‌های متنوع فرهنگی، فکری و آموزشی را برای جامعه دانشگاه آرکانزاس فراهم می‌کند و پژوهش و آموزش در مطالعات میان رشته‌ای خاورمیانه را ترویج می‌دهد.»

با این حال، پُست‌های شما هرگونه تصور از تنوع فرصت‌های فکری را، آن گاه که پای یکی از مهمترین مسائل سیاسی خاورمیانه در میان است، تضعیف می‌کند. صراحتاً باید گفت، چنین پُست‌هایی برای فردی که در جایگاه رهبری یک برنامه دانشگاهی قرار دارد، غیرمسئولانه است. به‌همین سان، پُست‌های شما که به طور فعال به ستایش آیت‌الله می‌پردازند، با توجه به موضع ایالات متحده در قبال ایران، نگران‌کننده است و هرگونه مفهوم عینیت علمی در ارتباط با «مرکز ملک فهد» را مخدوش می‌کند.

همچنین نگرانم که اقدامات شما نشان‌دهنده ضعف در قضاوت باشد و مستلزم دخالت‌های مکرر از سوی دفتر اینجانب شده و موجب ایجاد جنجال‌های غیرضروری و انحراف از سایر اولویت‌های دانشگاه گردد.

به نظر می‌رسد که شما پی‌درپی تصمیم گرفته‌اید ترویج عمومی دیدگاه‌های شخصی خود را بر منافع برنامه مطالعات خاورمیانه‌ای که مسئول هدایت آن هستید، و بر منافع دانشگاه، مقدم بدارید.

پُست در خصوص: استفاده از سربرگ در دادگاه

در نهایت، به نظر می‌رسد که در تاریخ ۳ دسامبر ۲۰۲۵، شما پستی در شبکه «ایکس» منتشر کرده‌اید که در آن آمده است: «دانشگاه آرکانزاس صددرصد و بطور کامل مشارکت من در دادگاه حمید نوری را با سربرگ و همه جزئیات، تأیید کرده است.»

همان‌گونه که آگاهید، در تاریخ ۱ ژوئیه ۲۰۲۵، من به شما نامه‌ای نوشتم و بطور مشخص هشدار دادم که ارائه شهادت دادگاهی در این موضوع با استفاده از سربرگ دانشگاه آرکانزاس و بدون هرگونه زبان توضیحی که نشان دهد شما صرفاً از جانب خود سخن می‌گویید و نه از طرف دانشگاه،

معنای کمبود فیزیکی کالا در بازار نیست اما به علت گسترش فقر و افزایش قیمت‌ها، شهروندان توان خرید این کالاها را ندارند و تقاضا برای این کالاها به صفر می‌رسد یا به بیان دیگر تقاضا قحط می‌شود.

در همین رابطه حسین ایمانی جاجرمی، جامعه‌شناس شهری و استاد دانشگاه تهران با اشاره به خطر بروز «قحطی تقاضا» گفته «کاهش ارزش پول ملی باعث شده حتی تقاضای مؤثر برای غذا نیز کاهش یابد» و به گزارش‌هایی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد حتی ساندویچ نیز به غذایی لوکس تبدیل شده است. به گفته او مسئولیت اصلی این وضعیت بر عهده دولت است، زیرا همه ابزارهای کلیدی اقتصادی از بانک مرکزی تا

تضعیف شدن بنیه اقتصادی کشور و بحرانی انباشته در معیشت اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد است. حذف تدریجی گوشت و مرغ و میوه از سبد خرید خانوارها، کاهش مصرف لبنیات و حبوبات، و جایگزین شدن مواد خوراکی شکم‌سیرکن و غیرمغذی مانند ماکارونی با سبزیجات و پروتئین در سفره بسیاری از خانوارها بیانگر فاجعه‌ای است که افزایش پیوسته تورم و عدم متناسب دستمزدها و هزینه‌ها در اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد ایجاد کرده است. این فاجعه اما ابعاد گسترده‌ای دارد؛ آمارها نشان می‌دهد بسیاری از خانوارهای بازنشسته و حقوق‌بگیر به جای اینکه هزینه جاری زندگی را با حقوق ماهانه خود تأمین کنند،



سازمان برنامه و بودجه در اختیار دولت قرار دارد. فقر به صورت خزنده در میان جامعه ایران در حال گسترش است. اگر چه فقر سالها پیش تداعی‌کننده بیکاری بود اما در ایران امروز غالب افراد فقیر، شاغل هستند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده ۸۹ درصد خانوارهای زیر خط فقر شاغل هستند!

فعالان کارگری و بازنشسته سالهاست تأکید دارند که ناتوانی در مدیریت تورم و مقاومت دولت برای افزایش عادلانه و متناسب با افزایش نرخ تورم دستمزدها سبب شده هر سال و حتی هر ماه فاصله میان رقم دستمزد و رقم هزینه زندگی در میان خانوارهای حقوق‌بگیر افزایش پیدا کند. عمیق شدن این فاصله نه تنها اقشار کم‌درآمد بلکه حتی حقوق‌بگیران قشر متوسط را نیز هدف قرار داده است. بطوریکه کارشناسان از پدیده «حذف قشر متوسط» در ایران و رانده شدن این قشر به زیر خط فقر سخن می‌گویند؛ پدیده‌ای که اثرات همه‌جانبه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در پی دارد چرا که قشر متوسط موتور محرک توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به شمار می‌روند.

با وجود بحران معیشت در ایران که زنگ خطرهای متعددی را به صدا درآورده، پرسش اساسی اینست که آیا بخش حداکثری جامعه ایران که زیر خط فقر قرار دارند، توان ریارویی با شوک‌های تورمی ناشی از افزایش نرخ ارز را دارند؟ بسیاری از تحلیلگران معتقدند آستانه تحمل جامعه برای شوک‌های پی‌درپی معیشتی و تورمی رو به پایان است و در صورت تداوم این شرایط دیر یا زود موجی از اعتراضات سراسری و شورش‌وار جامعه دامن جمهوری اسلامی را خواهد گرفت.

حتی با وجود به حداقل رساندن هزینه‌هایشان، با فروش دارایی‌هایی چون طلا و زمین و اتومبیل در حال تأمین هزینه‌های ضروری زندگی هستند.

همچنین تأمین هزینه درمان به بحرانی جدی در میان خانوارهای حقوق‌بگیر و کم‌درآمد تبدیل شده است. دندان‌های خراب، بیماری‌هایی که به علت عدم درمان به موقع حاد شده‌اند، عدم امکان خرید دارو و حتی رها کردن درمان، همگی از جمله نمودهای بحران درمان در میان این خانوارهاست. در این میان بازنشستگان که به علت افزایش سن، با بیماری‌های بیشتری روبرو هستند با مشکلات جدی‌تری در حوزه درمان روبرو هستند. فعالان حقوق بازنشستگان تأکید دارند که پوشش بیمه درمانی نیز مناسب نیست و بخش زیادی از هزینه‌های درمانی را باید از جیب پرداخت کنند.

خانواده‌هایی که در دهک‌های پایین درآمدی هستند سبد مصرفی خود را محدود کرده‌اند و اقلامی مانند ورزش، تفریح، سفر، و درمان را حذف کرده تا بتوانند ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی مانند خوراک و اجاره‌خانه را پرداخت کنند. با اینهمه بخشی از آنها با چنان بحران فزاینده‌ای در رابطه با تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی روبرو هستند که به ناچار فرزندان خود را به جای مدرسه راهی بازار کار کرده تا کمک‌خرج خانواده باشند. آمارها نشان می‌دهد نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان در ایران چه در مقطع ابتدایی و چه در مقطع دبیرستان در سالهای گذشته روندی افزایشی را طی کرده است.

محدود شدن سبد مصرفی خانوارها هشدار بروز «قحطی تقاضا» (Demand Shortage) در اقتصاد ایران را نیز به دنبال داشته است؛ وضعیتی که مانند شرایط قحطی به

فعالیت دولت مسعود پزشکیان قیمت دلار با بیش از ۱۰۰ درصد افزایش روبرو شده است. این درحالیست که کاهش قیمت ارز و تورم، و تقویت ارزش پول ملی از مهمترین وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشکیان و اصلاح‌طلبان حامی او بود. افزایش ساعتی قیمت دلار از ابتدای هفته جاری در حالیست که روز گذشته بانک مرکزی از «بسته کنترل ارزی» روغایی کرد. این بسته شامل نحوه مدیریت سمت عرضه و تقاضای ارز، ساماندهی سازوکارهای معاملاتی، تشدید اقدامات نظارتی و مقابله با فعالیت‌های مخرب و سفته‌بازانه است. قیمت‌ها در بازار ارز روز دوشنبه بی‌اعتنا به روغایی از این بسته همچنان با سرعت بیشتری به افزایش ادامه دادند. در آنسوی ماجرا افزایش قیمت ارز، به علت واردات‌محور بودن اقتصاد ایران، سبب افزایش قیمت کالاها و خدمات مختلف می‌شود و همچنین کاهش قدرت خرید مردم به علت سقوط ارزش پولی فشار مضاعفی را بر معیشت خانوارهای کم‌درآمد و تنگ‌دست وارد می‌کند.

سکوت معنادار مسعود پزشکیان و تیم اقتصادی او به آنچه طی روزهای گذشته در بازار ارز رخ داده سبب انتقاد برخی از رسانه‌های «رقیب» شده است. از جمله روزنامه «کیهان» چاپ تهران روز گذشته نوشت «دلار آزاد به مرز ۱۳۰ هزار تومان رسیده و اثرش پیش از تابلو صرافی‌ها، وارد زندگی مردم شده اما ملت انتظار دارد که دولت به جای اینکه تماشاجی باشد مسئولانه عمل کند».

در ادامه مطلب روزنامه «کیهان» آمده بود «آنچه وضعیت کنونی را از جهش‌های قبلی خطرناک‌تر کرده، نه صرفاً سطح قیمت، بلکه پذیرفته‌شدن آن در سکوت و همراهی سیاست‌گذار است که به بازار می‌گوید سقفی وجود ندارد و به مردم القا می‌کند که قرار نیست کسی جلوی این مسیر بایستد. در چنین فضائی، فروشنده، تولیدکننده و حتی مصرف‌کننده، همه به یک زبان مشترک رسیده‌اند؛ «بدر هم می‌شود». این همان نقطه‌ای است که نااطمینانی، به سیاست رسمی اقتصاد تبدیل می‌شود.»

روزنامه اصولگرای «جوان» هم در شماره روز دوشنبه ۲۴ آذرماه با انتقاد از سکوت دولتمردان اصلاح‌طلب، به تبعات اقتصادی افزایش قیمت ارز بر خانوارها پرداخته و نوشته «افزایش نرخ ارز مثل موجی است که همه زنجیره تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آرد، گندم و نان شاید در داخل کشور تولید شوند، اما ماشین‌آلات نانوائی‌ها، قطعات یدکی، انرژی، بسته‌بندی و حتی حمل‌ونقل به نرخ ارز وابسته است. وقتی دلار بالا می‌رود، هزینه واردات غیرمستقیم، هزینه انرژی، قیمت سوخت و هزینه حمل‌ونقل افزایش می‌یابد و در نهایت همه این فشارها به ساده‌ترین کالای سفره مردم یعنی نان شب منتقل می‌شود.»

روزنامه «جوان» تأکید کرده «واضح است که جهش‌های ناگهانی دلار نتیجه مستقیم تصمیمات غلط و بی‌ثباتی اقتصادی است. افزایش یک شبه دلار، قدرت خرید میلیون‌ها کارگر و کارمند را نصف می‌کند، این یعنی سوءمدیریت آشکار، نه تحریم».

حتی اگر دولت زیر فشار منتقدان بتواند قیمت ارز را با کاهشی جزئی طی روزهای گذشته روبرو کند، افزایش قیمت دلار و عبور آن از مرز ۱۳۰ هزار تومان در این روزها به معنای وارد کردن شوکی افزایشی بر تورم خواهد بود؛ تورمی که به گواه آمارهای حکومتی اکنون در مرز ۵۰ درصد قرار دارد و طی تنها یک ماه، در فاصله ابتدا تا انتهای آبان امسال، ۲/۴ درصد افزایش یافته است.

از سوی دیگر باید در نظر داشت اقتصاد ایران بیش از پنج سال است تورمی در محدوده بالای ۳۰ درصد را تجربه کرده است. تداوم نرخ تورم ۳۰ درصدی در این مدت به معنای

پیش‌بینی تورم ۶۰ درصدی و دلار ۱۴۸ هزار تومانی تا پایان سال



● در بازه کوتاه ۸ تا ۲۰ آذرماه، قیمت دلار ۱۳/۱ درصد افزایش یافت. در همین بازه زمانی نرخ طلای ۱۸ عیار با افزایش ۱۶/۹۶ درصدی و قیمت سکه طلا با رشد ۱۷ درصدی روبرو شدند. این میزان افزایش پرسرعت بیانگر سرعت سقوط ارزش پولی در ایران است!

● هومن زنگنه کارشناس بازارهای طلا و ارز می‌گوید که نرخ دلار تا پایان سال جاری به محدوده ۱۴۷ تا ۱۴۸ هزار تومان خواهد رسید.

● اغلب اقتصاددانان معتقدند در صورت بن‌بست در مذاکرات جمهوری اسلامی با غرب و آمریکا، تورم افزایشی خواهد بود. این پیش‌بینی به معنای تداوم افزایش تورم، و ادامه سقوط ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارز است!

● وبسایت «اقتصاد نیوز» نتایج یک نظرسنجی از اقتصاددانان را منتشر کرده که بیانگر پیش‌بینی تورم ۶۰ درصدی، تورم مزمن بالا و ضعف پایدار رشد اقتصادی است.

با گذشت چند روز از ارائه «بسته کنترل ارز» از سوی بانک مرکزی همچنان قیمت‌ها در بازار ارز کاهش نیافته است. یک کارشناس بازار ارز و طلا معتقد است قیمت دلار تا پایان سال جاری خورشیدی احتمالاً به ۱۴۸ هزار تومان افزایش خواهد یافت.

قیمت‌ها در دو بازار ارز و طلا در ایران طی هفته‌های گذشته روندی صعودی را طی کرده است. در بازه کوتاه ۸ تا ۲۰ آذرماه، قیمت دلار ۱۳/۱ درصد افزایش یافت. در همین بازه زمانی نرخ طلای ۱۸ عیار با افزایش ۱۶/۹۶ درصدی و قیمت سکه طلا با رشد ۱۷ درصدی روبرو شدند.

این میزان افزایش بالای ۱۰ درصد در قیمت طلا و ارز پیش‌تر در یک محدوده چند ماهه یا حتی یکساله رخ می‌داد. این ارقام همچنین بیانگر سرعت سقوط ارزش پولی در ایران است!

در شرایطی که عملکرد تیم اقتصادی دولت مسعود پزشکیان و به ویژه محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی در رابطه با حمایت از ارزش پول ملی با انتقاد شدید کارشناسان و البته رقابتی سیاسی دولت در دیگر جناحین حکومت روبروست، بانک مرکزی ابتدای هفته از «بسته کنترل ارز» روغایی کرد.

روغایی از این بسته حتی نتوانست به صورت روانی بر بازار ارز اثر بگذارد و همچنان قیمت دلار در کانال ۱۳۱ هزار تومان باقی‌مانده است.

کارشناسان معتقدند دولت ابزارهای لازم برای کاهش پایدار قیمت ارز را در دست ندارد و با تداوم شرایط کنونی روند افزایشی در بازار ادامه خواهد داشت.

هومن زنگنه کارشناس بازارهای طلا و ارز می‌گوید که نرخ دلار تا پایان سال جاری به محدوده ۱۴۷ تا ۱۴۸ هزار تومان خواهد رسید.

این کارشناس همچنین می‌گوید قیمت‌ها در بازار طلا به دو علت ناشی از افزایش قیمت جهانی طلا، و همچنین شرایط اقتصادی داخل کشور، همچنان با افزایش روبرو خواهد بود.

علی حیات‌نیا کارشناس اقتصادی نیز درباره دلایل افزایش قیمت ارز در هفته‌های گذشته توضیح داده که «این روند افزایشی دلایل مختلفی از جمله پایان سال میلادی و تسویه حساب تجار ایرانی در معاملات بین‌المللی و همچنین

مشکلات ناشی از عدم برگشت بخشی از ارز حاصل از صادرات به کشور دارد.»

علی حیات‌نیا افزوده «شرایط ناشی از تحریم‌ها و خصوصاً فعال شدن مکانیسم ماشه نیز به تدریج اثر خود را نشان داده و مجموع این عوامل باعث روند افزایشی نرخ ارز شده است.»

برخی کارشناسان از جمله علی حیات‌نیا امیدوارند با کاهش فشار تقاضا برای ارز طی هفته‌های پیش‌رو، قیمت ارز با روندی کاهشی روبرو شود.

در آنسو تحلیلگران اقتصادی افزایش تورم را به عنوان یکی از محرک‌های افزایش قیمت در بازار ارز می‌دانند. دولت با کسری بودجه روبروست و اقداماتی که برای جبران کسری بودجه انجام می‌شود از جمله استقراض از نظام بانکی و یا برداشت از صندوق توسعه ملی همگی سبب افزایش نقدینگی می‌شود. افزایش نقدینگی نیز یکی از مهمترین عوامل تحریک تورم در اقتصاد ایران است.

اینهمه در حالیست که اغلب اقتصاددانان معتقدند در صورت بن‌بست در مذاکرات جمهوری اسلامی با غرب و آمریکا، تورم افزایشی خواهد بود. این پیش‌بینی به معنای تداوم افزایش تورم، و ادامه سقوط ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارز است!

وبسایت «اقتصاد نیوز» نیز نتایج یک نظرسنجی از کارشناسان اقتصادی و مدیران دارایی را منتشر کرده که نشان می‌دهد چشم‌انداز کلان اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ همچنان با تورم مزمن بالا و ضعف پایدار رشد اقتصادی تعریف می‌شود. تمرکز اکثریت پاسخ‌دهندگان بر نرخ تورم ۴۵ تا ۶۰ درصدی، حاکی از نهادینه شدن انتظارات تورمی و کاهش اثرگذاری سیاست‌های پولی است.

هم‌زمان، ارزیابی منفی از رشد اقتصادی، بیانگر تداوم کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش بهره‌وری و محدودیت‌های ساختاری در سمت عرضه است؛ ترکیبی که اقتصاد را در وضعیت عمیق‌تر شدن رکود تورمی قرار می‌دهد!

«اقتصاد نیوز» همچنین نوشته انتظارات ارزی تشدید شده و دلار به متغیر لنگر در شکل‌دهی انتظارات تورمی و

قیمت‌گذاری دارایی‌ها تبدیل شده است. بازتاب این شرایط در بازارها، به‌ویژه در طلا و سهام، به‌صورت گرایش پررنگ به دارایی‌های پوشش‌دهنده تورم نمایان شده است. نتایج سال ۱۴۰۵ نیز با وجود تعدیل نسبی انتظارات، همچنان از بدبینی ساختاری و اولویت مدیریت ریسک در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی حکایت دارد.

در آنسو اما افزایش تورم و سقوط ارزش پول ملی به معنای گسترده‌تر شدن بحران‌های معیشتی خانوارهای، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد و حقوق‌بگیر، است.

در همین رابطه مرتضی افقه اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز هشدار داده اقتصاد ایران در حال ورود به یک بحران بزرگ و کم سابقه است و اقداماتی چون افزایش قیمت ارز ترجیحی و دیگر سیاست‌هایی که به گرانی منجر می‌شود سطح بحران را تشدید خواهند کرد. مرتضی افقه معتقد است اقتصاد ایران در حالی سال جاری را سپری می‌کند که دوباره تورم افزایش یافته و به بیش از ۴۰ درصد رسیده و رشد اقتصادی هم به سمت منفی شدن رفته و این مهم به معنای بازگشت رکود تورمی است.»

او افزوده «همزمان به نظر می‌رسد دولت چهاردهم ابتکار عمل کافی را ندارد و حتی به وعده‌های انتخاباتی هم عمل نمی‌کند. از جمله اینکه با وجود تاکید مکرر بر افزایش ندادن قیمت بنزین آن را سه نرخی کرده و بدون خیرسانی اقدام به حذف ارز ترجیحی یکسری کالاهای اساسی از جمله برنج کردند. گفته می‌شود دلیل سه برابر شدن نرخ برنج در هفته‌های گذشته تخصیص نیافتن ارز ترجیحی بوده است.»

مرتضی افقه با تأکید بر اینکه «ثبت‌شدن بالاترین رکورد تورمی در کشور یک‌اتفاق خودبه‌خودی نبوده و محصول اقداماتی مشخص از سوی دولت بود» گفته «دولت سیزدهم که تمایلی به افزایش حقوق کارمندان و دستمزد کارگران نداشت و در توجیه این اقدام از ضرورت کنترل تورم سخن می‌گفت در زمینه ارزی به شوک درمانی روی آورد که از قضا نتیجه آن نه کنترل تورم که ثبت بدترین عملکرد تورمی در ۸۰ سال گذشته بوده است.»

گردهمایی ایرانیان در سوگ زنده یاد خسرو علی کردی مقابل دفتر نخست وزیری در لندن

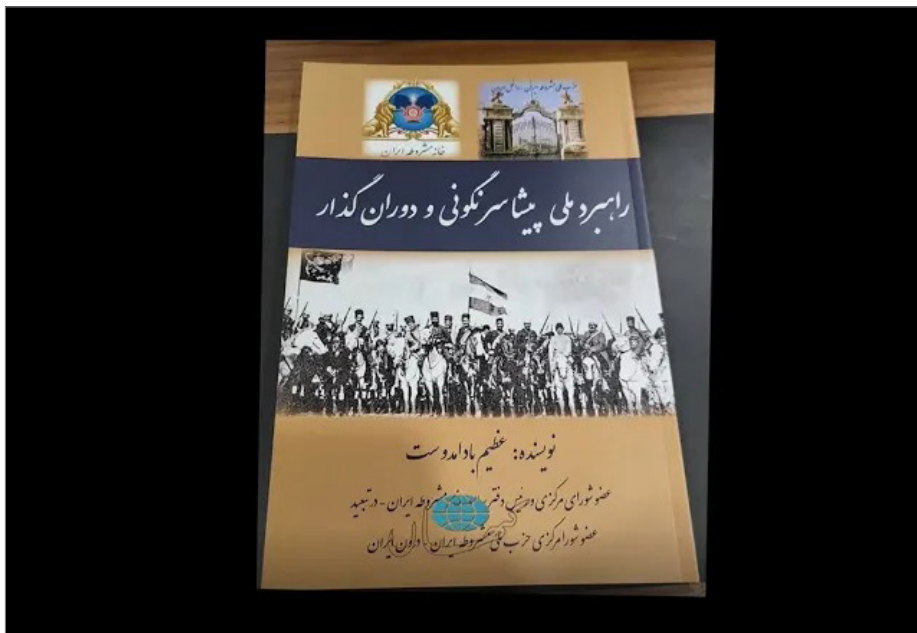


جمهوری اسلامی است. گردهمایی به یاد خسرو علی کردی همزمان با هفتمین روز درگذشت او، و مصادف با چهلیم زنده یاد امید سرلک فعال پادشاهی خواه بود که آبان امسال و چند روز پس از آزادی از زندان پیکر گلوله باران شده او در اتومبیلش پیدا شد.

ایران را اعلام کنند. زنده یاد خسرو علی کردی وکیل شماری از زندانیان سیاسی و خانواده های دادخواه، در حالیکه با فشارهای امنیتی و قضایی گسترده روبرو بود شامگاه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۴ به شکل مشکوکی در دفتر کارش جان باخت. شواهد نشان دهنده وقوع یک «قتل حکومتی» از سوی

شماری از هموندان سازمان «صحنه آزادی» عصر پنجشنبه ۱۱ دسامبر ۲۰۲۵ برابر با ۲۰ آذرماه ۱۴۰۴ مقابل دفتر نخست وزیری بریتانیا در لندن گرد هم آمدند تا نام و یاد خسرو علی کردی، وکیل شجاع و مبارز حقوق بشر، را گرمی دارند و حمایت خود از خانواده وی و فعالان حقوق بشر در

رونمایی از کتاب «راهبرد پیشا سرنگونی و دوران گذار» به قلم دکتر عظیم بادامدوست



جلسه معرفی کتاب «راهبرد پیشا سرنگونی و دوران گذار» به قلم دکتر عظیم بادامدوست یکشنبه ۳۰ نوامبر ۲۰۲۵ (نهم آذرماه ۱۴۰۴) به ابتکار «خانه مشروطه ایران در تبعید»، که ناشر کتاب نیز می باشد، برگزار شد. جدا از حضاران، بسیاری از هموندان «خانه مشروطه ایران در تبعید» به صورت آنلاین در این جلسه شرکت کردند. نویسنده کتاب، دکتر عظیم بادامدوست، که به علت کسالت نتوانسته بود در لندن حضور داشته باشد به صورت ویدئو کنفرانس به معرفی کتاب خود و نکات برجسته آن پرداخت. او در سخنانش انتقادات صریحی بر شیوه عملکرد اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز مطرح کرد. چهره هایی از جمله همایون هزدوست بنیانگذار خانه مشروطه، دکتر نامدار بقایای دبیرکل و بنیانگذار خانه مشروطه، دکتر میترا بابک فعال سیاسی و روانکار سرشناس، و نادر صدیقی چهره سرشناس رسانه ای در این نشست سخنرانی کردند. دکتر نامدار بقایای در گفت وگو با «کیهان لندن» تأکید کرد که بسیاری از اندیشمندان درباره دوره گذار اندیشه هایی ارائه داده اند، اما نوآوری دکتر عظیم بادامدوست در ارائه راهبرد برای رسیدن به دوره گذار است.

تولد «حزب زنان پیشرو»؛ آغاز قدرت زنانه



سکولاریسم، دموکراسی و ۱۲ اصل زنان پیشرو
«حزب زنان در قدرت» و شاخه‌ی ایرانی آن بر سکولاریسم، دموکراسی و مقابله با هر نوع افراط‌گرایی مذهبی و نژادی تأکید دارند. حزبی که خود را در طیفی میان لیبرال-دموکرات تا لیبرال-محافظه‌کار معرفی می‌کند و معتقد است: هر زنی که با زن‌ستیزی مخالف باشد و اصول ۱۲‌گانه‌ی حزب را بپذیرد، می‌تواند بخشی از این مسیر باشد—مسیر ساختن آینده‌ای که حضور پررنگ زنان در قدرت قابل‌مذاکره نیست.

از خیابان‌های هامبورگ تا پارلمان اروپا؛ هدف بعدی
این حزب قصد دارد ابتدا در انتخابات اروپا، سپس در انتخابات ملی آلمان و ایالت‌ها شرکت کند. آنطور که هوروش پورکیان گفته: «ما حزب را برای سرگرمی تأسیس نکرده‌ایم؛ ما می‌خواهیم وارد قدرت شویم.»
و برای زنانی که شاهد خشونت سیاسی و جنسیتی در ایران بوده‌اند، این مسیر یک معنای عمیق دارد: بازگرداندن قدرت به زنانی که سال‌ها از حق حضور محروم شده‌اند.

حرکت از اعتراض به ساختار
در نهایت، نشست هامبورگ تنها یک کنفرانس خبری نبود؛ نقطه‌ی گذار بود:
از اعتراض‌های خیابانی زنان در ایران و اروپا به شکل‌گیری یک نهاد رسمی، یک زیرساخت پایدار، و شبکه‌ای جهانی از زنانی که می‌خواهند تصمیم بگیرند، نه اینکه تنها دیده شوند.
همان‌طور که در بیانیه‌ی رسمی حزب زنان پیشرو ایران آمده است،
این تنها آغاز راه است؛
راهی که قرار است زنان،
با شفافیت، با اراده،
و با مسئولیت‌پذیری سیاسی،
آن را ادامه دهند.

صرفاً بیان دغدغه‌ها، بلکه ورود زنان به سطح تصمیم‌سازی، مدیریت و حضور واقعی در سیاست اروپا است.

زنانی که از مشاهدی جهان به تغییر آن رسیده‌اند
هوروش پورکیان موسس و دبیرکل این حزب در سخنانش بر این نکته تأکید کرد که مبارزه برای حقوق زنان، مرزی نمی‌شناسد؛ ستم علیه زن در ایران، افغانستان یا حتی اروپا چهره‌های مختلفی دارد، اما ریشه‌اش یکی است: افراط‌گرایی و نگاه مردسالارانه‌ای که می‌خواهد بدن، انتخاب و آینده‌ی زن را کنترل کند. او هشدار داد که حتی در جوامع ظاهراً لیبرال نیز جریان‌های اسلام‌گرا در تلاش‌اند نگاه سرکوبگرانه‌ی خود را عادی‌سازی کنند؛ موضوعی که در جلسه با استقبال جدی رسانه‌های آلمانی روبرو شد.

در این نشست، دو محور اصلی حزب برجسته شد: سیاست‌ورزی از زاویه‌ی تجربه‌ی زن؛ و بازپس‌گیری قدرت از ساختارهایی که زنان را نادیده می‌گیرند.
چیزی که روزنامه‌ی Hamburger Abendblatt نیز در گزارش خود بر آن متمرکز شد و نوشت: «این حزب قصد دارد شفاف سخن بگوید، جایی که دیگران سکوت می‌کنند.»

جایی که تاریخ زنان ایران، در یک حزب رسمی بازتابی شد
در ادامه‌ی نشست، پانته‌آ مدیری به عنوان معاون دبیرکل حزب، بر این نکته تأکید کرد که گفت‌وگو و مقاومت در برابر افراط‌گرایی دینی مسیریست که زنان، نه از حاشیه بلکه از جایگاه مدیریتی، می‌توانند آن را پیش ببرند. مسیر امروز ما ادامه‌ی تاریخی طولانی از مبارزه است؛ تاریخی که مولود حاجی‌زاده، خزانهدار حزب، در سخنانش به زیبایی یادآوری کرد: «ما هرگز در ایران یک حزب رسمی ویژه‌ی زنان نداشتیم. این حزب، ادامه‌ی مبارزات زنان از عصر مشروطه تا امروز است؛ از انجمن‌نسون تا تمام زنانی که برای آزادی و شأن انسانی ایستاده‌اند.»

این برای من شخصاً یکی از مهم‌ترین بخش‌های نشست بود: پیوند گذشته‌ی زنان ایران با آینده‌ای که قرار است در یک ساختار رسمی و بین‌المللی روایت شود.

● «حزب زنان پیشرو ایران» روز جمعه ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵ در یک نشست خبری و به‌عنوان شاخه‌ای از حزب آلمانی «زنان در قدرت» رسماً اعلام موجودیت کرد؛ حزبی که هدفش نه صرفاً بیان دغدغه‌ها، بلکه ورود زنان به سطح تصمیم‌سازی، مدیریت و حضور واقعی در سیاست اروپا است.

● در این نشست، دو محور اصلی حزب برجسته شد: سیاست‌ورزی از زاویه‌ی تجربه‌ی زن؛ و بازپس‌گیری قدرت از ساختارهایی که زنان را نادیده می‌گیرند.

● هوروش پورکیان موسس و دبیرکل این حزب در سخنانش بر این نکته تأکید کرد که مبارزه برای حقوق زنان، مرزی نمی‌شناسد؛ ستم علیه زن در ایران، افغانستان یا حتی اروپا چهره‌های مختلفی دارد، اما ریشه‌اش یکی است: افراط‌گرایی و نگاه مردسالارانه‌ای که می‌خواهد بدن، انتخاب و آینده‌ی زن را کنترل کند.

● در این نشست همچنین پانته‌آ مدیری به عنوان معاون دبیر حزب، بر این نکته تأکید کرد که گفت‌وگو و مقاومت در برابر افراط‌گرایی دینی مسیریست که زنان، نه از حاشیه بلکه از جایگاه مدیریتی، می‌توانند آن را پیش ببرند.

● این حزب قصد دارد ابتدا در انتخابات اروپا، سپس در انتخابات ملی آلمان و ایالت‌ها شرکت کند. آنطور که پورکیان گفته: «ما حزب را برای سرگرمی تأسیس نکرده‌ایم؛ ما می‌خواهیم وارد قدرت شویم.»

پانته‌آ مدیری - زنان ایران و آلمان، دست در دست هم، فصل تازه‌ای از سیاست زنانه را آغاز کردند.
هامبورگ، جمعه ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵؛ شهر بندری همیشه پر از داستان است، اما امروز روایت دیگری در آن آغاز شد: روایت زن ایرانی که می‌خواهد از دل یک ساختار حزبی در اروپا، صدای زنان سرزمینش را به سیاست جهان پیوند بزند.
«حزب زنان پیشرو» روز جمعه ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵ در یک نشست خبری و به‌عنوان شاخه‌ای از حزب آلمانی «زنان در قدرت» رسماً اعلام موجودیت کرد؛ حزبی که هدفش نه

نمایش گل‌های ایرانی در پاریس



اثر فریدون آو



اثر فرهاد استوانی



اثر رعنا فرنود

نروی ایتالیا به نمایش در آمده‌اند و شماری از آنها نیز در مجموعه دائمی موزه‌ها نگهداری می‌شوند. رعنا فرنود: هنرمند نقاش، متولد سال ۱۹۵۳ در ایران است. اولین نمایشگاه انفرادی این هنرمند در سال ۱۹۸۸ برگزار شد. سالهای پس از آن او به خلق نقاشی‌های انتزاعی الهام‌گرفته از طبیعت و حافظه روی آورد و از سال ۲۰۰۰ بدن انسان در آثارش بیشتر نمایان شد. مسیر هنری رعنا فرنود بین سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ دستخوش تحولی عمیق شد. تحولات سیاسی تاثیر زیادی بر آثار وی گذاشت. در سال ۲۰۰۹ و اتفاق جنبش سبز در ایران نقطه تعیین‌کننده در مسیر هنری او بود. تجربه آن دوران بر این هنرمند در نمایشگاهی با نام «آنچه حیوانات از انسان‌ها می‌دانند» انجامید.

آثاری که برای نمایشگاه گروهی «FLOWERS» از این هنرمند توسط گالری سیمین پاریس انتخاب شده‌اند، از مجموعه‌ای با عنوان گل‌های رنج «Flowers of Boredom» هستند که با الهام از شعر شارل بودلر شاعر فرانسوی شکل گرفته‌اند.

مینا غازیانی: دیگر هنرمند حاضر در این نمایشگاه در سال ۱۳۴۱ در ایران به دنیا آمده است. او در سال ۱۹۹۰ مدرک کارشناسی خود را در زمینه نقاشی از دانشگاه الزهرا تهران و سپس در سال ۱۹۹۶ کارشناسی ارشد نقد هنر را از دانشگاه تهران دریافت کرد. مینا غازیانی علاوه بر نقاشی در دانشگاه آزاد تهران مشغول به تدریس است و همچنین عضو انجمن نقاشان ایران است.

شادی مهسا: دیگر هنرمند نقاش ایرانی و ساکن انگلستان است. او دارای کارشناسی ارشد هنرهای زیبا با درجه ممتاز از دانشکده معتبر Chelsea College of Art در لندن، و همچنین مدرک HNC در هنرهای زیبا از Kensington and Chelsea College است.

آثار شادی مهسا در شهرهای لندن، تهران و سیدنی و در گالری‌های شناخته شده‌ای مانند گالری ZARI در لندن، گالری امتداد (Etemad) در تهران به نمایش درآمده‌اند.

نمایشگاه «FLOWERS» به مدت چهار روز در منطقه پاریس هشت میزبان علاقمندان بود.

پاریس نگهداری می‌شوند. آثاری که برای نمایشگاه گروهی «FLOWERS» انتخاب شده‌اند، متعلق به مجموعه‌ای در سال ۲۰۲۵ با عنوان «Flowers» هستند.

فرهاد استوانی: نقاش ایرانی ساکن فرانسه است که بیشتر آثارش با الهام از طبیعت است. فرهاد استوانی در این نمایشگاه با چند اثر از مجموعه لاله‌های زرد و دو اثر از مجموعه ماگنولیا حضور داشت. آثار فرهاد استوانی در گالری‌ها و موزه‌های معتبر جهان مانند موزه «رامبراند» در آمستردام، موزه هنر و باستان‌شناسی «پریو» در فرانسه، موزه «وی‌وی» در سوئیس و موزه «ولفسونینا» در شهر



اثر شادی مهسا



اثر مینا غازیانی

● «گالری سیمین پاریس» از تاریخ ۲۷ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۲۵ نمایشگاهی گروهی از آثار چند نقاش ایرانی برگزار کرد.

● فرهاد استوانی، فریدون آو، مینا غازیانی، رعنا فرنود و شادی مهسا، هنرمندان ایرانی از نسل‌های مختلف هستند که از کشورهای فرانسه، ایران و انگلستان با موضوع طبیعت و گل در این نمایشگاه در کنار یکدیگر قرار گرفتند. ● آثار فریدون آو در مجموعه‌های دائمی بسیاری از معتبرترین موزه‌ها و نهادهای هنری جهان از جمله موزه بریتانیا در لندن، موزه متروپولیتن نیویورک، موزه هنر شهرستان لس‌آنجلس، بنیاد سای تومبلی، موزه هنرهای معاصر تهران و مرکز پمپیدو در پاریس نگهداری می‌شوند.

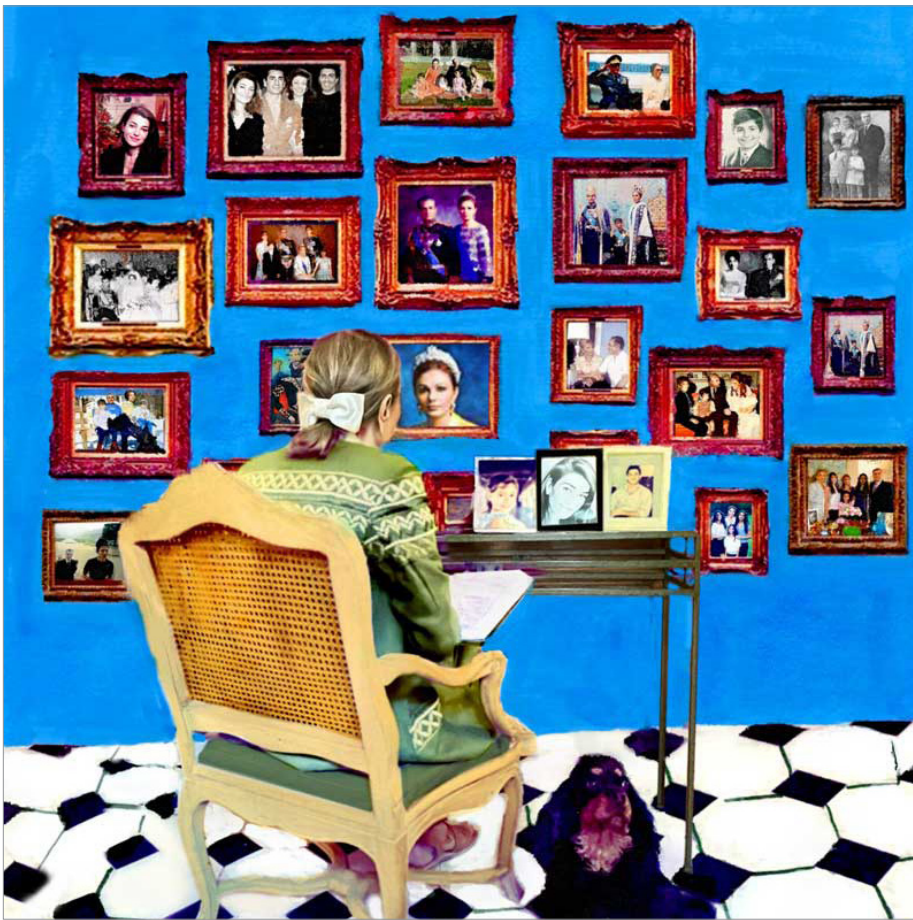
کتابیون حلاجان - در روزهای تاریک و ابری اواخر ماه نوامبر «گالری سیمین پاریس» نمایشگاهی گروهی از گل‌های ایرانی ترتیب داد. آثار پنج هنرمند نقاش ایرانی با موضوع گل «FLOWERS» یادآور زندگی و گذر زمان، از تاریخ ۲۷ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۲۵ در پاریس به نمایش درآمد.

فرهاد استوانی، فریدون آو، مینا غازیانی، رعنا فرنود و شادی مهسا، هنرمندان ایرانی از نسل‌های مختلف هستند که از کشورهای فرانسه، ایران و انگلستان با موضوع طبیعت و گل در این نمایشگاه در کنار یکدیگر قرار گرفتند.

فریدون آو: متولد سال ۱۹۴۵ در تهران یکی از چهره‌های برجسته هنر معاصر ایران است. او در سال ۱۹۷۰ پس از اتمام تحصیلات از آمریکا به ایران بازگشت و کار خود را با طراحی پوستر، صحنه، لباس و نورپردازی در تئاتر شهر تهران آغاز کرد. فریدون آو به عنوان کلکسیونر، کیوریتور (گرداننده نمایشگاه)، گالری دار و حامی هنر، نقش مهمی در گسترش و شناساندن هنر معاصر ایران در سطح بین‌المللی داشته است.

آثار او در مجموعه‌های دائمی بسیاری از معتبرترین موزه‌ها و نهادهای هنری جهان از جمله موزه بریتانیا در لندن، موزه متروپولیتن نیویورک، موزه هنر شهرستان لس‌آنجلس، بنیاد سای تومبلی، موزه هنرهای معاصر تهران و مرکز پمپیدو در

یک عصر پاییزی در پاریس با ملکه نائینی هنرمند نقاش و عکاس



دوربین عکاسی‌ام را با انتخاب بهمن جلالی (که نسبت فامیلی با ما دارد) در تولد بیست ساگی‌ام از مادر و پدرم هدیه گرفتم. با اشتیاق به آن دوربین نیکون نگاه می‌کردم و تمام فکرم این بود که چگونه بهترین استفاده را از آن بکنم. اولین پروژه‌ی عکاسی من در دانشگاه کار روی سایه‌ها بود. بعد عکاسی با ماسک را شروع کردم، با پایپه ماشه ماسک درست می‌کردم و در صحنه‌های مختلف از آن‌ها عکاسی می‌کردم. اولین نمایشگاه از این پروژه در «گالری آتلانتیک» در نیویورک برگزار شد. بعدها تمرکز من به روی تکنیکی قدیمی به نام «فتوگرام» گذاشتم و سبک خودم را در رنگ‌ها ابداع کردم. تکنیکی که برایم جادویی و پرمز و راز بود زیرا بر پایه‌ی استفاده از مواد شفاف غیرقابل پیش‌بینی انجام می‌شد و هرگز نمی‌دانستی نتیجه روی کاغذ چگونه خواهد بود. این سبک کارم در نیویورک با استقبال مواجه شد و مجله‌ی عکاسی «Camera Arts» چندین صفحه در مورد آن نوشت. دو نمایشگاه نیز از این پروژه در نیویورک برگزار کردم.

بخش دوم پایان تحصیلات و تصمیم برای بازگشت به ایران

پس از گرفتن مدرک کارشناسی هنر، مشتاق بازگشت به ایران بودم که والدینم مخالفت کردند، زیرا در ایران انقلاب شده بود. نمی‌دانستم به کجا بروم سرگردان بودم. نه ذوقی داشتم و نه هدفی به اجبار و اصرار مادر و پدرم تصمیم گرفتم به نیویورک بروم، جایی که ۹ سال در آن

بکشم. پس از آن به مدرسه‌ای در سوئیس فرستاده شدم جایی که برخلاف انگلستان مرا باهوش یافتند و مستقیم وارد کلاس پیشرفته شدم. دو سال آرام را در آن مدرسه گذرانده و دیپلم گرفتم و سپس برای دوره‌ی کارشناسی راهی آمریکا شدم. سردرگم بودم که در آینده چه شغلی می‌خواهم داشته باشم. آرزو داشتم مانند پدرم پزشک شوم و به مردم کمک



ملکه نائینی

کنم. اما چون درس خوبی نداشت، رویای پزشک شدن را کنار گذاشته و تصمیم گرفتم طراحی پارچه و سپس عکاسی بخوانم. بدین ترتیب مسیر زندگی من مشخص شد. زمانی که هنوز رشته عکاسی را شروع نکرده بودم، اولین

● ملکه نائینی هنرمند نقاش و عکاس است، او جزء اولین کسانی است که هنر عکاسی را با خلاقیت پیوند زد و مرزهای آن را با ترکیب فتوگرام رنگی و نقاشی جابه‌جا کرد. ● ملکه نائینی: اولین پروژه‌ی عکاسی من در دانشگاه کار روی سایه‌ها بود. بعد عکاسی با ماسک را شروع کردم، با پایپه ماشه ماسک درست می‌کردم و در صحنه‌های مختلف از آن‌ها عکاسی می‌کردم.

● «در میان اشیاء، نامه‌ها و عکس‌های رها شده از گذشته به دنبال راهی برای ثبت لحظات حضور مادرم در این دنیا بودم. بدین ترتیب پروژه‌ی عکاسی، بر اساس عکس‌های قدیمی خانواده‌ام را آغاز کردم.»

● «پس از انقلاب چندین بار به ایران سفر کردم. آخرین بار بر می‌گردد به ۲۵ سال پیش که در این سفر احساس عجیبی داشتم. اسم تمام خیابان‌ها عوض شده بود، آدم‌ها طور دیگری حرف می‌زدند، هم برای من ایران بود و هم نبود. این آخر سفر من به ایران بود.»

کتابون حلاجان - ملکه نائینی هنرمند نقاش و عکاس است، او جزء اولین کسانی است که هنر عکاسی را با خلاقیت پیوند زد و مرزهای آن را با ترکیب فتوگرام رنگی و نقاشی جابه‌جا کرد.

ملکه نائینی هنرمندی فروتن، بی‌حاشیه و ساکتی است که سال‌ها آثارش در معتبرترین گالری‌ها و موزه‌ها جهان به نمایش گذاشته شده و تجربه زندگی در شهرهای نیویورک، لندن، سوئیس و پاریس را از سر گذرانده است و با بسیاری از هنرمندان هم نسل خود، تاریخ هنر پیشگام و مدرن را رقم زده است.

اواخر ماه نوامبر در یک عصر پاییزی با ملکه نائینی در کافه هتل دونورد* در پاریس قرار گذاشتم و او بسیار ساده و صمیمی روبروی من نشست و داستان زندگی‌اش را برایم روایت کرد.

بخش اول دوران کودکی و نوجوانی

من در سال ۱۹۵۵ در تهران به دنیا آمدم. در کودکی عاشق بازی با مورچه‌های باغمان بودم، به آن‌ها شکر می‌دادم و ساعت‌ها با شگفتی تماشايشان می‌کردم که چگونه با صبر و حوصله در یک کار گروهی دانه‌ها را به لانه می‌بردند. همچنین گاهی کرم‌ها و حشرات را که در حوض کوچکمان در حال غرق شدن بودند را نجات می‌دادم و خوشحال بودم که زنده می‌مانند و به زندگی باز می‌گردند.

در فاصله‌ی حدود سه تا شش سالگی، مشتاق دنیای خیالی و عاشق نقاشی و طراحی بودم و به خواهرم برای رنگ‌آمیزی طراحی‌هایش کمک می‌کردم. هرگز در مدرسه شاگرد خوبی نبودم، ذهنم همیشه جای دیگری بود و معمولاً هم در باغ در حال بازی. نتیجه‌اش هم نمرات نامناسب بود.

در شانزده سالگی اصرار داشتم مثل برخی از دختر خاله‌هایم راهی انگلستان شوم. در نهایت خانواده با اکراه پذیرفت و بدترین سال‌های زندگی‌ام آنجا آغاز شد. از مدرسه‌ی شبانه‌روزی بدم می‌آمد و انگلیسی‌ام آن قدر ضعیف بود که نمی‌توانستم در کلاس‌ها پیش بروم. تنها نقطه‌ی قوت من در هنر بود آن هم از نوع تخیلی و همین باعث شده بود که معلم هنر از من دل خوشی نداشته باشد چون حتی نمی‌توانستم یک گلدان یا درخت را به درستی

زندگی کردم.

در نیویورک به تحصیل در رشته عکاسی ادامه دادم. به منطقه «کانی آلیند» بسیار علاقه‌مند شدم و پروژه‌ای را روی آن شروع کردم. فضای سوررئال آنجا و مردمانش مرا مجذوب می‌کرد.

در کنار عکاسی به مدرسه تئاتر هم می‌رفتم، با دوستان ایرانی یک گروه تئاتر داشتیم که سالی یکبار به مناسبت عید نوروز نمایش اجرا می‌کردیم. دوران بسیار خوبی بود و از انرژی زنده‌ی نیویورک به درستی بهره می‌بردیم. نمایشگاه‌های متعددی بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ در آمریکا برگزار کردم.

بخش سوم نقل مکان به پاریس

در سال ۱۹۸۷ پروژه «کانی آلیند» را در یک گالری در شهر پاریس به نمایش گذاشتم. عاشق محیط این شهر شدم و در سال ۱۹۸۹ به آن نقل مکان کردم. شهری که امکاناتم در آن کمی محدودتر بود. در ابتدا تلاش کردم تاریخانه‌ای رنگی پیدا کنم که موفق نشدم. شروع کردم به نقاشی روی بشقاب‌های چینی که برخلاف انتظارم با استقبال بسیار خوبی روبرو شد و نشریه‌های آن زمان فرانسه درباره آن بسیار نوشتند. من اما دلم می‌خواست تا راهی پیدا کنم و دوباره به حرفه‌ی عکاسی برگردم. در یک کارگاه «یادگیری نرم‌افزار فوتوشاپ» ثبت نام کردم و بدین ترتیب کار عکاسی را از سر گرفتم.

در ماه آپریل ۱۹۹۳ به من اطلاع دادند که مادرم در اثر سگته مغزی در کما به سر می‌برد. بلافاصله تصمیم گرفتم به ایران بروم، اما دیر رسیدم و مادرم درگذشته بود. من ماندم و اتفاقی پر از اشیاء، عکس‌ها و خاطرات مادرم که دیگر آنجا نبود.

در میان اشیاء، نامه‌ها و عکس‌های رها شده از گذشته به دنبال راهی برای ثبت لحظات حضور مادرم در این دنیا بودم. بدین ترتیب پروژه‌ی عکاسی، بر اساس عکس‌های قدیمی خانواده‌ام را آغاز کردم. خانم «رز عیسی» اولین نمایشگاه از عکس‌های خانوادگی من را در لندن به نمایش

به کلی فلج شده بود. از دیدن جسارت، شجاعت و هوش جوانان ایران حیرت‌زده بودم. جوانانی که آینده و زندگی پیش رویشان بود و می‌دیدیم که چگونه یکی یکی از بین می‌رفتند! چقدر نترس بودند، چه قدرتی داشتند. واقعاً



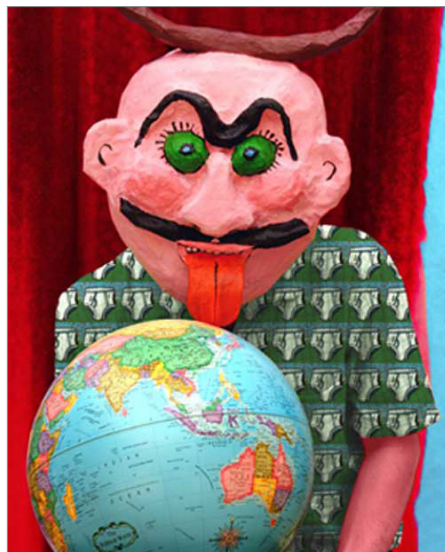
حیرت‌انگیز بود. صدای آن‌ها آنقدر رسا و بلند بود که تمام دنیا آن را شنید. شجاعت و دلیری آن‌ها بی‌شک نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران است. صادقانه بگویم من به شخصه درس بسیار بزرگی از این همه شجاعت گرفتم. دلم می‌خواست در سال‌هایی که از این اتفاق می‌گذرد کاری به یاد جوانان و این جنبش خلق کنم. اما هنوز نتوانسته‌ام و در سکوت هستم. این روزها بیشتر در ابعاد کوچک نقاش می‌کنم و آخرین کار عکاسی‌ام بر می‌گردد به قبل از اتفاقات ایران که پرتله‌ای است از شهبانو فرح پهلوی است که به سفارش دوستی انجام دادم.

بر می‌گردد به ۲۵ سال پیش که در این سفر احساس عجیبی داشتم. اسم تمام خیابان‌ها عوض شده بود، آدم‌ها طور دیگری حرف می‌زدند، هم برای من ایران بود و هم نبود. این آخر سفر من به ایران بود. من جاهای زیادی زندگی کرده‌ام، اما هیچ‌کدام برای من معنی خانه را نداشته است. گاهی احساس می‌کنم نه ایرانی هستم، نه فرانسوی و نه آمریکایی. انگار هیچ جا ریشه ندارم و همه جا خارجی محسوب می‌شوم.

به ملکه نائینی گفتم: شما به زبان فارسی صحبت می‌کنید و با این زبان پیوندی عمیق دارید. با اینکه سالهاست که



*هتل دونورد یکی از قدیمی‌ترین بناهای پاریس است که در سال ۱۹۱۲ ساخته شده و مانند بیشتر مکان‌های این شهر هنوز حال و هوای گذشته خود را حفظ کرده است. عمده‌ترین شهرت این هتل به دلیل فیلم (Hôtel du Nord) ساخته مارسل کارنه کارگردان فرانسوی در سال ۱۹۸۳ است که در این هتل فیلمبرداری شده است.



از ایران دور هستید اما اتفاقاتی که در آن می‌افتد ذهن و احساسات شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نشان از تعلق خاطری است که به ایران دارید. کشوری که سرنوشت‌اش برای شما مهم است حتی اگر درون‌اش احساس غربت کنید. بله درست است. در زمان جنبش مهسا (ژینا) آمینی، من تمام مدت وحشت‌زده پای اینترنت نشسته بودم و زندگی‌م



گذاشت. پس از آن پروژه‌های گوناگونی با موضوعات مختلف کار کردم که تنها بعضی از آن‌ها به نمایش عموم در آمدند.

ملکه نائینی در ادامه گفت: این روزها جای خالی دوستانم را در پاریس بسیار حس می‌کنم. خصوصاً بیژن صفاری که انسانی نازنین و استثنایی بود و آشنایی با او شانس بزرگی

عملکرد نامطلوب و وعده‌های اقتصادی بر باد رفته دولت پزشکیان؛ اقتصاددانان چه می‌گویند؟



تصمیم‌گیری‌ها و تصمیمات مشابه گرفته شده بود. تفاوت آن دوران با اکنون این است که احمدی‌نژاد مابه‌التفاوت افزایش قیمت سوخت را که ماهی ۴۵ هزار تومان بود به همه مردم ایران می‌داد. در دوره آقای روحانی این ۴۵ تومان به طور کامل حذف شد، حالا دوباره آمده‌ایم سر خانه اول.» مسعود دانشمند گفته «اکنون چطور قرار است درآمد را صرف معیشت مردم کنیم؟ اصلاً آیا قرار است آن چیزی که مردم می‌خواهند را به مردم بدهیم یا آن چیزی که خودمان دلمان می‌خواهد؟ قبل از هر چیز باید مشخص شود، تفاوتی که این وسط ایجاد می‌شود چگونه محاسبه می‌شود و میزان آن چقدر است؟ آقایان صریح بگویند کجا و چگونه به فکر معیشت مردم هستند؟ خب اعداد و ارقامی را که می‌خواهند به واسطه آن به معیشت مردم کمک کنند، صریح بگویند و ما نیز از این موضوع حمایت می‌کنیم.» عضو اتاق بازرگانی با ارائه محاسباتی، فراق‌کنی دولت پزشکیان و کلاهی که سر مردم می‌گذارد را توضیح داده است: «روزی ۱۳۰ میلیون لیتر بنزین اعطا می‌شود که ۲۰ درصد این رقم می‌شود روزی ۲۶ میلیون لیتر. یعنی ۲۶ میلیون، ۲ هزار تومان. این دو عدد را در هم ضرب کنیم می‌شود ۵۲ میلیارد تومان، روزانه. تمام دعوا سر همین ۵۲ میلیارد است. این ۵۲ میلیارد تومان را اگر به ۸۰ میلیون نفر تقسیم کنیم، کمتر از ۲ هزار تومان می‌شود. یعنی کمتر از ۲ هزار تومان روزانه به مردم می‌رسد. این عدد در ماه می‌شود حدود ۶۰ هزار تومان. ۶۰ هزار تومان، چه چیزی را جبران می‌کند؟ قیمت گوشت را جبران می‌کند؟ قیمت آب و برقی را که افزایش یافته جبران می‌کند؟ قیمت حمل و نقل را جبران می‌کند؟ باید بحث‌هایی منطقی‌تر انجام داد.» یکی از چالش‌های مهم امروز اقتصاد ایران ناتوانی دولت در کنترل قیمت ارز یا به بیان دیگر حمایت از ارزش پول ملی کشور است. افزایش قیمت ارز به‌طور مستقیم

تصویری از وضعیت نکاندنده معیشت مردم ایران است. دولتی که یک سال و نیم پیش با وعده کنترل تورم و حمایت از معیشت مردم روی کار آمد، اکنون نشان داده توان و اراده مدیریت اقتصادی کشور را ندارد و مسیری را طی می‌کند که دولت‌های پیشین رفتند: توسعه فقر و بر باد دادن منابع! مسعود پزشکیان و اعضای تیم اقتصادی دولت که تا چندی پیش وعده کنترل تورم را می‌دادند، حالا وعده می‌دهند که با پرداخت یارانه بتوانند بخشی از فاصله عمیق میان دستمزدها و هزینه زندگی را جبران کنند. اقتصاددانان اما با انتقاد نسبت به نگاه و سیاست‌های اقتصادی تیم پزشکیان معتقدند اقدامات دولت نخواهد توانست از معیشت خانوارهای کم‌درآمد و حقوق‌بگیر حمایت کند. مواردی چون گرانی بنزین نیز در چارچوب همین وعده‌ها توجیه می‌شود و دولت می‌گوید درآمد حاصل از افزایش نرخ بنزین قرار است برای یارانه‌دهی به مردم هزینه شود! مسعود دانشمند اقتصاددان و عضو اتاق بازرگانی این پرسش را مطرح می‌کند که پزشکیان می‌خواهد با ۶۰ هزار تومان ماهانه، به مردم کمک معیشت بدهد؟! مسعود دانشمند گفته «حرف‌های آقای پزشکیان و سخنگوی دولت درباره این که هرچه از درآمدهای تغییر قیمت حامل‌های انرژی کسب شود، در نهایت خرج مردم می‌شود را بارها شنیده‌ایم. همانند که این حرف‌ها با چه ادبیات یا با چه منتی بر سر مردم مطرح می‌شود. دولت که نباید منت تصمیمات خود را سر ملت بگذارد.» مسعود دانشمند رویکرد مسعود پزشکیان را با محمود احمدی‌نژاد مقایسه می‌کند اما تأکید دارد احمدی‌نژاد واقعا افزایش درآمد دولت را به مردم پرداخت می‌کرد: «قبل از دولت چهاردهم در دولت احمدی‌نژاد هم این

● دولتی که یک سال و نیم پیش با وعده کنترل تورم و حمایت از معیشت مردم روی کار آمد، اکنون نشان داده توان و اراده مدیریت اقتصادی کشور را ندارد و مسیری را طی می‌کند که دولت‌های پیشین رفتند: توسعه فقر و بر باد دادن منابع!

● مسعود دانشمند: قبل از دولت چهاردهم در دولت احمدی‌نژاد هم این تصمیمات مشابه گرفته شده بود اما احمدی‌نژاد مابه‌التفاوت افزایش قیمت سوخت را که ماهی ۴۵ هزار تومان بود به همه مردم ایران می‌داد!

● دولت کسری بودجه خود را از طریق بانک مرکزی تأمین می‌کند که باعث افزایش نقدینگی و در نتیجه افزایش تقاضا برای ارز می‌شود و از سوی دیگر سرمایه‌گذار به دلیل نگرانی از آینده و احتمال جنگ مجدد، به دنبال خروج سرمایه‌اش از کشور است و نیاز به دلار دارد و بدین ترتیب، تقاضا برای ارز و قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند.

● رحمان سعادت اقتصاددان هشدار داده «اگر روند کنونی ادامه پیدا کند، این احتمال وجود دارد که سال آینده در همین مقطع زمانی، صحبت از دلار با رقم بسیار بالا مطرح شود و حتی پیش از پایان دوره دولت چهاردهم، دلار یک میلیون تومانی نیز دور از ذهن نخواهد بود.»

در حالیکه چند ماه است مواد خوراکی در صدر تورم اقتصاد ایران قرار دارند، افزایش قیمت ارز طی روزهای گذشته نیز شوک تورمی جدیدی را ایجاد خواهد کرد. کارشناسان اقتصادی با انتقاد به عملکرد تیم اقتصادی دولت معتقدند با رویکرد کنونی تیم اقتصادی دولت نه تنها مردم بیش از پیش به زیر خط فقر رانده می‌شوند بلکه منابع کشور نیز بر باد می‌رود. تورم بیش از ۶۰ درصد در بخش مواد خوراکی و افزایش بیش از ۲۰۰ درصدی در برخی اقلام خوراکی طی یک سال،

فیلم «یک تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی نامزد اسکار ۲۰۲۶ شد

آکادمی اسکار فهرست نامزدهای نهایی همه رشته‌ها را روز دوم بهمن ۱۴۰۴ برابر با ۲۲ ژانویه ۲۰۲۶ اعلام می‌کند. مراسم اهدای جوایز اسکار به برندگان نیز ۲۴ اسفندماه ۱۴۰۴ برابر با ۱۵ مارس ۲۰۲۶ برگزار خواهد شد.

فیلم «یک تصادف ساده» پیشتر دو جایزه «بهترین فیلم» و «بهترین کارگردانی» را در هفدهمین دوره فستیوال جوایز اسکرین آسیا پاسیفیک از آن خود کرد. هفدهمین دوره فستیوال جوایز اسکرین آسیا پاسیفیک ماه گذشته در شهر گلدکست استرالیا برگزار شد. همه اعضای هیئت داوران این فستیوال به ریاست نادین لبکی، کارگردان لبنانی، برای دادن این دو جایزه به فیلم «یک تصادف ساده» اتفاق نظر داشته‌اند. هیئت داوران که ریاست آن را بر عهده داشت، هنگام اعلام جایزه بهترین فیلم، از «اجماع کامل» اعضای هیئت درباره برتری این اثر خبر داد. لبکی گفت: «گاهی باید بدون توجه به مرزهای جغرافیایی و تقسیم‌بندی‌ها، صرفاً شایستگی را ارج نهاد.»

فیلم «یک تصادف ساده» در چهار بخش جایزه بهترین فیلم، بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه، در فهرست نامزدهای هشتادوسومین دوره

فیلم سینمایی «یک تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی، کارگردان ایرانی و زندانی سیاسی پیشین، در فهرست ۱۵ نامزد منتخب بخش «بهترین فیلم بین‌المللی» جوایز اسکار قرار گرفت.

فیلم «یک تصادف ساده» پیشتر دو جایزه «بهترین فیلم» و «بهترین کارگردانی» را در هفدهمین دوره فستیوال جوایز اسکرین آسیا پاسیفیک از آن خود کرد.

فیلم «یک تصادف ساده» همچنین در چهار بخش جایزه بهترین فیلم، بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه، در فهرست نامزدهای هشتادوسومین دوره جوایز گلدن گلوب در سال ۲۰۲۶ قرار گرفته است.

فیلم «یک تصادف ساده» با سرمایه‌گذاری یک شرکت فرانسوی ساخته شده است. این فیلم پیشتر برنده جایزه نخل طلایی سال جاری جشنواره سینمایی کن نیز شده بود.

دو اثر فیلمسازان ایرانی، فیلم «یک تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی، و فیلم مستند «اوزاک یولار» ساخته سارا خاکی و محمدرضا عینی، دو اثر فیلمسازان ایرانی هستند



جوایز گلدن گلوب در سال ۲۰۲۶ قرار گرفته است.

فیلم «یک تصادف ساده» با سرمایه‌گذاری یک شرکت فرانسوی ساخته شده است. این فیلم پیشتر برنده جایزه نخل طلایی سال جاری جشنواره سینمایی کن نیز شده بود. اثر جعفر پناهی در حالی در صدر بهترین آثار سینمایی ماه‌های اخیر در جشنواره‌های مختلف حضور داشته که به تازگی مصطفی نیلی وکیل جعفر پناهی از محکومیت این فیلمساز به زندان، ممنوعیت خروج از کشور و ممنوعیت عضویت در گروه‌ها یا دسته‌جات سیاسی و اجتماعی خبر داد. مصطفی نیلی اعلام کرد «شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران و به صورت غیابی جعفر پناهی را بابت فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس و دو سال ممنوعیت خروج از کشور و ممنوعیت عضویت در گروه‌ها یا دسته‌جات سیاسی و اجتماعی محکوم کرده است.»

به گفته وکیل جعفر پناهی، این حکم در دادگاه بدوی صادر شده و در فرصت قانونی اقدامات لازم جهت اعتراض به این حکم انجام خواهد شد.

که نامزد جایزه اسکار شدند.

فیلم سینمایی «یک تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی، کارگردان ایرانی و زندانی سیاسی پیشین، نیز در فهرست ۱۵ نامزد منتخب بخش «بهترین فیلم بین‌المللی» جوایز اسکار قرار گرفت.

فیلم‌های «کیک رئیس جمهور» از عراق، «مأمور مخفی» از برزیل، «ارزش عاطفی» از نروژ، «فلسطین ۳۴» از فلسطین، «دختر چپ دست» از تایوان، «بازگشت به خانه» از هند، «صدای سقوط» از آلمان، «صراط» از اسپانیا، «چاره دیگری نیست» از کره جنوبی، «کوکوهو» از ژاپن، «هر آنچه از تو باقی مانده» از اردن، «شیفت آخر وقت» از سوئیس، «بلن» از آرژانتین و «صدای هند رجب» از تونس از دیگر فیلم‌های منتخب آکادمی اسکار برای «بهترین فیلم بین‌المللی» هستند.

فیلم «علت مرگ: نامعلوم» به کارگردانی علی زرنکار، که بنیاد سینمایی فارابی آن را به نمایندگی از ایران به آکادمی اسکار معرفی کرد، در فهرست ۱۵ نامزد اولیه دیده نمی‌شود.

➡ غیرمستقیم بر افزایش انواع کالاها و خدمات موثر خواهد بود. دولت با کسری شدید بودجه روبروست و به نظر می‌رسد افزایش قیمت ارز در کنار دیگر اقداماتی چون استقرار از نظام بانکی به دنبال جریان بخشی از این کسری است.

مرتضی افقه اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز با اشاره به وخیم شدن اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور، تأکید کرده از اواخر یا اواسط دوره رئیس‌جمهور سابق، چیزی برای جایگزین شدن با درآمدهای نفتی نبود و این موضوع عملاً کشور را در معرض سرایشی وخیم‌تر شدن متغیرهای اقتصادی قرار داد.

مرتضی افقه افزوده «من اسفند سال گذشته پیش‌بینی کرده بودم که در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ یعنی در شرایط کنونی، دولت به حدی دچار مشکل می‌شود که حتی ناتوان از پرداخت هزینه‌های جاری و حقوق کارکنانش خواهد بود. در حال حاضر نیز دولت با همین شرایط روبه‌رو شده است و ظاهراً از طریق استقرار از بانک مرکزی در حال تأمین است.» به عقیده مرتضی افقه روند افزایش قیمت ارز به علت کاهش شدید درآمدهای دولت در کنار خروج گسترده سرمایه از کشور تداوم خواهد داشت.

او توضیح داد «جنگی اتفاق افتاد و هزینه و خسارت بسیاری به کشور وارد کرد. اسنپ‌یک اتفاق افتاد که موجب کاهش فروش نفت و سختگیری‌های بیشتر شد. مجموعه این عوامل باعث شده که از یک طرف، دولت کسری بودجه خود را از طریق بانک مرکزی تأمین کند که این کار منجر به افزایش نقدینگی می‌شود و افزایش نقدینگی منجر به تقاضا برای ارز خواهد شد.»

مرتضی افقه افزوده «از طرفی، فضای جنگی حاکم بر کشور باعث شده که زمینه برای خروج و فرار سرمایه از کشور ایجاد شود؛ به این معنا که سرمایه‌گذار نه تنها سرمایه‌گذاری نمی‌کند، بلکه به دلیل نگرانی از آینده و احتمال جنگ مجدد، به دنبال خروج سرمایه‌اش از کشور است؛ او برای خروج سرمایه از کشور نیاز به دلار دارد و بدین ترتیب، تقاضا برای ارز افزایش پیدا می‌کند.»

رحمان سعادت، اقتصاددان و استاد دانشگاه، نیز درباره افزایش قیمت ارز معتقد است «با توجه به روندی که در پیش بوده و هست و وضعیت پیش‌آمده قابل انتظار بوده است و جای تعجب ندارد. سرعت فعلی افزایش نرخ ارز، هنوز زیر صد کیلومتر است و این سرعت در آینده بیشتر هم خواهد شد. برای افرادی که با علم اقتصاد آشنایی دارند، چنین وضعیتی قابل پیش‌بینی بود و برای سیاست‌مداران و عموم مردم، امری غیرمنتظره به نظر می‌رسد. افزایش قیمت دلار عمده‌تأثیری از دو عامل اساسی است؛ نخست، تورم داخلی و دوم، شرایط و تحولات بین‌المللی.»

رحمان سعادت هشدار داده «اگر روند کنونی ادامه پیدا کند، این احتمال وجود دارد که سال آینده در همین مقطع زمانی، صحبت از دلار با رقم بسیار بالا مطرح شود و حتی پیش از پایان دوره دولت چهاردهم، دلار یک میلیون تومانی نیز دور از ذهن نخواهد بود.»

این اقتصاددان افزوده محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی «عنصری نامطلوب در تیم اقتصادی دولت تلقی می‌شود» و «عملکرد و کارایی لازم را نداشته است». او افزوده «هرچند تغییر رئیس بانک مرکزی نمی‌تواند ساختارهای معیوب اقتصادی را اصلاح کند، اما دست‌کم می‌تواند فرصتی کوتاه‌مدت و نوعی تنفس به اقتصاد ایران بدهد.»

رحمان سعادت می‌گوید «در این شرایط، آقای فرزین بهتر است با دلار ۱۳۰ هزار تومانی از دولت جدا شود تا با دلار ۲۳۰ هزار تومانی!»

با گذشت هشت سال از تصویب قانون هوای پاک، تنها ۱۵ درصد تکالیف قانونی اجرا شده است

● انوشیروان محسنی بندپی رئیس انجمن علمی بهداشت محیط ایران گفته حدود ۱۰۵ هزار مرگ در کشور به دلیل عوامل محیطی رخ می‌دهد، و در این میان ۵۷/۱ درصد مرگ‌های ناشی از عوامل محیطی به دلیل آلودگی هوا است.

● انوشیروان محسنی بندپی با بیان اینکه «در ۲۳ کشور منطقه نا از نظر شاخص عملکرد محیط زیست و بهداشت محیط رتبه ۱۳ را داریم» گفته «تنها ۱۵ درصد تکالیف قانونی هوای پاک اجرا شده است.»

رئیس انجمن علمی بهداشت محیط ایران با بیان اینکه ۵۷/۱ درصد مرگ‌های ناشی از عوامل محیطی به دلیل آلودگی هوا است تأکید کرده که «تنها ۱۵ درصد تکالیف قانونی هوای پاک اجرا شده است.»

انوشیروان محسنی بندپی رئیس انجمن علمی بهداشت محیط ایران روز سه‌شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۴ در بیست و هشتمین همایش ملی و نهمین همایش بین‌المللی بهداشت محیط با ارائه آماری قابل توجه گفت حدود ۱۰۵ هزار مرگ در کشور به دلیل عوامل محیطی رخ می‌دهد، و در این میان ۵۷/۱ درصد مرگ‌های ناشی از عوامل محیطی به دلیل آلودگی هوا است.

رئیس انجمن بهداشت محیط ایران افزوده «سهم بالای مواجهه با سرب را در میان عوامل محیطی موثر بر مرگ شاهد هستیم و سرب علاوه بر ایجاد بیماری‌های قلبی و عروقی روی ضریب هوشی کودکان نیز اثرگذار است اما با این حال ما هنوز یک مرکز سنجش سرب را در کشور نداریم.»

انوشیروان محسنی بندپی افزوده در سال ۱۴۰۳ تعداد مرگ متناسب به آلودگی هوا در کشور بیش از ۵۳ هزار نفر و میزان خسارات نیز ۱۷ میلیارد دلار بوده است.

او همچنین با بیان اینکه «در ۲۳ کشور منطقه نا از نظر شاخص عملکرد محیط زیست و بهداشت محیط رتبه ۱۳ را داریم» گفته «تنها ۱۵ درصد تکالیف قانونی هوای پاک اجرا شده است.»

قانون هوای پاک در سال ۹۶ تصویب شد و بر اساس آن دستگاه‌های مختلف اجرایی در ایران از جمله وزارت کشور، وزارت نفت، وزارت نیرو، نیروی انتظامی، شهرداری و صداوسیما جمهوری اسلامی مکلف شده‌اند در کنترل آلودگی هوا مشارکت داشته باشند. قانون هوای پاک در حالی طی هشت سال گذشته اجرایی نشده که آلودگی هوا روندی فزاینده در ایران را طی کرده و نه تنها شمار شهرهای درگیر با آلودگی هوا افزایش یافته‌اند بلکه شمار روزهای آلودگی در شهرهای صنعتی نیز افزایش داشته است.

برای نمونه آمارهای سازمان هواشناسی نشان می‌دهد تهران از ابتدای سال تا هفته نخست آذرماه جاری تنها ۶ روز هوای پاک، ۱۲۳ روز هوای قابل قبول، ۱۰۶ روز هوای آلوده برای گروه‌های حساس، ۱۱ روز هوای آلوده برای همه افراد جامعه، ۲ روز هوای بسیار ناسالم و ۲ روز هوای خطرناک داشته است. همچنین طی هفته‌های گذشته آلودگی هوا سبب تعطیلی گسترده مدارس در شهرهای ۲۱ استان کشور شد. به جز تعطیلی‌های متناوب به علت آلودگی هوا، تعطیلی به مدت یک هفته پیوسته نیز در برخی شهرها اتفاق افتاد.



خیلی کاهش پیدا کرد، اما از آنجا که ناترازی گاز در نیروگاه‌ها وجود دارد، از این‌رو تصمیم گرفته شد بخشی از این مجوز مورد استفاده قرار گیرد و مازوت‌سوزی در تعدادی از نیروگاه‌ها انجام می‌شود.»

دبیر دوم کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که میزان مصرف زغال سنگ یا مازوت در نیروگاه‌ها یک حدی دارد، زیرا موجب آسیب به توربین‌ها می‌شود و برخی از آنها سال گذشته، به همین دلیل از مدار خارج شده‌اند.

خبرگزاری «فارس» اول آذرماه جاری از آغاز روند مازوت‌سوزی در نیروگاه‌های تولید برق خبر داد و نوشت مصرف مازوت در نیروگاه‌های ایران شروع شده و در روز ۲۳ آبان‌ماه به بیش از ۲۱ میلیون لیتر در روز رسیده است. خبرگزاری «فارس» افزود «این حجم نیاز به قطار کردن نفتکش‌هایی به طول ۱۴ کیلومتر را دارد و نیروگاه مفتاح، سلیمی و شازند، رکودداران مصرف مازوت در کشور هستند.»

این خبرگزاری چند روز بعد گزارش داد دست‌کم ۱۵ نیروگاه حرارتی تولید برق در کشور در حال مازوت‌سوزی هستند و این نیروگاه‌ها روزانه ۲۱/۱ میلیون لیتر مازوت می‌سوزانند. بر اساس این گزارش ۱۵ نیروگاه «توس»، «منتظر قائم»، «رجایی»، «سلیمی»، «سهند»، «تبریز»، «ایران‌شهر»، «منتظری»، «زرنده»، «بندرعباس»، «شهید مفتاح»، «بیستون»، «شازند»، «رامین» و «اصفهان» در حال مازوت‌سوزی هستند.

«مرکز داده‌های باز ایران» نیز نیمه آذرماه جاری در گزارشی بر اساس داده‌های محرمانه وزارت نفت از مازوت‌سوزی بی‌سابقه در نیروگاه‌های حرارتی ایران خبر داده است. این گزارش تأکید کرده «اقدام به‌شدت آلاینده مازوت‌سوزی در نیروگاه‌های کشور» طی سال گذشته خورشیدی به‌طور متوسط ۴۶ درصد افزایش یافته است.

گزارش «مرکز داده‌های باز ایران» با بیان اینکه «در برخی استان‌ها رشد مازوت‌سوزی به مراتب بالاتر از میانگین ملی بوده» تأکید کرده در سال ۱۴۰۳ میزان مازوت‌سوزی در بوشهر ۵۴۳ درصد، در زنجان ۱۷۲ درصد و در کهگیلویه و بویراحمد ۱۵۷ درصد افزایش داشته است. این نرخ در تهران ۸۲ درصد ثبت شده است.

حامد یزدیان نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۴ اعلام کرد اتومبیل‌های فرسوده و سوخت فاقد استاندارد دو عامل اصلی تشدید آلودگی هوا در سایه تعلل دستگاه‌ها در اجرای وظایف قانونی خود به شمار می‌رود.

قابل توجه اینکه بر اساس ماده چهار قانون هوای پاک تولید انواع وسایل نقلیه موتوری و واردات آنها مستلزم رعایت حدود مجاز انتشار آلاینده‌ها از سوی سازمان حفاظت محیط زیست است.

همچنین بر اساس ماده ۶ این قانون به‌منظور اطمینان از صحت عملکرد خودرو در زمینه‌های فنی و ایمنی و کنترل آلاینده‌های هوا و صدا، انجام معاینه فنی کلیه وسایل نقلیه موتوری اعم از سبک، نیمه سنگین، سنگین، موتورسیکلت که توسط بخش‌های دولتی، عمومی و غیردولتی به کار گرفته می‌شوند، در دوره‌های زمانی منظم و توسط مراکز مورد تأیید سازمان الزامی است.

قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی ربط بر اساس ماده هفت قانون هوای پاک موظف هستند که به نحوه تردد وسایل نقلیه موتوری و سامانه (سیستم) حمل و نقل شهری را به صورتی طراحی و ساماندهی کنند که ضمن کاهش آلودگی هوا جوابگوی سفرهای روزانه شهری باشد.

همچنین بر اساس قانون هوای پاک دولت موظف است از محل صرفه جویی حاصل از بهبود و مدیریت سوخت ناشی از اجرای این قانون، ساز و کار و تسهیلات لازم جهت جایگزینی خودروهای فرسوده حمل و نقل عمومی با خودروهای نو را فراهم کند.

از سوی دیگر عبدالرضا سپهوند دبیر دوم کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در یک گفت‌وگو افشا کرده که مازوت‌سوزی با اجازه شحام [شورای عالی امنیت ملی] است و بر اساس ابلاغیه‌ای که به وزارت نفت و وزارت نیرو داشته، نیروگاه‌ها مجازند روزانه بالغ بر ۴۵ میلیون لیتر مازوت بسوزانند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده «در سال ۱۴۰۴ ذخایر گازوئیل دو برابر شد و به تبع آن میزان مازوت‌سوزی



افشاگری یک نماینده مجلس شورای اسلامی از مازوت سوزی؛ با مجوز شورای عالی امنیت ملی انجام می شود

● عبدالرضا سپهوند دبیر دوم کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در یک گفت و گو افشا کرده که مازوت سوزی با اجازه شحام [شورای عالی امنیت ملی] است و بر اساس ابلاغیه ای که به وزارت نفت و وزارت نیرو داشته، نیروگاه ها مجازند روزانه بالغ بر ۴۵ میلیون لیتر مازوت بسوزانند.

● دبیر دوم کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که میزان مصرف زغال سنگ یا مازوت در نیروگاه ها یک حدی دارد، زیرا موجب آسیب به توربین ها می شود و برخی از آنها سال گذشته، به همین دلیل از مدار خارج شده اند.

● سعید توکلی مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران تابستان امسال اعتراف کرد که «در سال گذشته تمامی نیروگاه های کشور با ظرفیت کامل از مازوت استفاده کردند».

● خبرگزاری «فارس» به تازگی گزارش داده که دست کم ۱۵ نیروگاه حرارتی تولید برق در کشور در حال مازوت سوزی هستند و این نیروگاه ها روزانه ۲۱/۱ میلیون لیتر مازوت می سوزانند.

● «مرکز داده های باز ایران» نیز نیمه آذرماه جاری در گزارشی بر اساس داده های محرمانه وزارت نفت تأکید کرد «اقدام به شدت آلاینده مازوت سوزی در نیروگاه های کشور» طی سال گذشته خورشیدی به طور متوسط ۴۶ درصد افزایش یافته است.

مازوت سوزی در نیروگاه های ایران در کنار استفاده از گازوئیل با آلایندهی بالا به عنوان رویه ای ثابت در جمهوری اسلامی تبدیل شده و از اصلی ترین دلایل آلودگی هوا در فصل پاییز و زمستان است. در حالیکه مازوت سوزی با تأیید و تکذیب پیاپی مقامات روبرو بوده یک نماینده مجلس شورای اسلامی افشا کرده مازوت سوزی در سازوکاری رسمی و با مجوز شورای عالی امنیت ملی انجام می شود.

عبدالرضا سپهوند دبیر دوم کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در یک گفت و گو افشا کرده که مازوت سوزی با اجازه شحام [شورای عالی امنیت ملی] است و بر اساس ابلاغیه ای که به وزارت نفت و وزارت نیرو داشته، نیروگاه ها مجازند روزانه بالغ بر ۴۵ میلیون لیتر مازوت بسوزانند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده «در سال ۱۴۰۴ ذخایر گازوئیل در برابر شد و به تبع آن میزان مازوت سوزی خیلی کاهش پیدا کرد، اما از آنجا که ناترازی گاز در نیروگاه ها وجود دارد، از این رو تصمیم گرفته شد بخشی از این مجوز مورد استفاده قرار گیرد و مازوت سوزی در تعدادی از نیروگاه ها انجام می شود».

دبیر دوم کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که میزان مصرف زغال سنگ یا مازوت در نیروگاه ها یک حدی دارد، زیرا موجب آسیب به توربین ها می شود و

برخی از آنها سال گذشته، به همین دلیل از مدار خارج شده اند.

با وجود اینکه ایران دارنده دومین ذخائر گاز طبیعی جهان است اما ناکارآمدی جمهوری اسلامی در توسعه صنعت نفت و گاز طی چهار دهه گذشته سبب شده حتی تأمین گاز مورد نیاز مصرف داخلی با بحران روبرو باشد. کمبود گاز سبب شده طی سالهای گذشته مقامات حکومتی در فصل پاییز و زمستان که مصرف گاز در بخش خانگی افزایش پیدا می کند، اقدام به استفاده از سوخت جایگزین در نیروگاه های حرارتی تولید برق کنند؛ این روند مازوت سوزی در نیروگاه ها را افزایش داده که نه تنها هوا را آلودگی هوا را تشدید می کند بلکه به تهدیدی علیه سلامت شهروندان ساکن در شهرهای صنعتی شده است.

سعید توکلی مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران تابستان امسال اعتراف کرد که «در سال گذشته تمامی نیروگاه های کشور با ظرفیت کامل از مازوت استفاده کردند».

با اینهمه همچنان مازوت سوزی با انکار برخی مسئولان روبرو بود. برای نمونه در حالیکه آمارها بیانگر استفاده از سوخت مازوت در نیروگاه های استان تهران و البرز است اما محمدجواد فروغی مدیرکل دفتر برنامه ریزی بهره برداری تولید شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی چند روز پیش درباره مازوت سوزی گفته «در رسانه ها گاهی در این موضوع بزرگ نمایی می شود. نمونه روشن آن تهران است؛ بیش از ۱۰ سال است هیچ نیروگاهی در استان تهران مازوت مصرف نکرده اما آلودگی همچنان پابرجاست».

این ادعا در حالی مطرح شده که خبرگزاری «فارس» اول آذرماه جاری از آغاز روند مازوت سوزی در نیروگاه های تولید برق خبر داد و نوشت مصرف مازوت در نیروگاه های ایران شروع شده و در روز ۲۳ آبان ماه به بیش از ۲۱ میلیون لیتر در روز رسیده است. خبرگزاری «فارس» افزود «این حجم نیاز به قطار کردن نفتکش هایی به طول ۱۴ کیلومتر را دارد و نیروگاه مفتاح، سلیمی و شازند، رکودداران مصرف مازوت در کشور هستند».

این خبرگزاری چند روز بعد گزارش داد دست کم ۱۵ نیروگاه حرارتی تولید برق در کشور در حال مازوت سوزی

هستند و این نیروگاه ها روزانه ۲۱/۱ میلیون لیتر مازوت می سوزانند. بر اساس این گزارش ۱۵ نیروگاه «توس»، «منتظر قائم»، «رجایی»، «سلیمی»، «سهند»، «تبریز»، «ایران شهر»، «منتظری»، «زرنده»، «بندرعباس»، «شهید مفتاح»، «بیستون»، «شازند»، «رامین» و «اصفهان» در حال مازوت سوزی هستند.

«مرکز داده های باز ایران» نیز نیمه آذرماه جاری در گزارشی بر اساس داده های محرمانه وزارت نفت از مازوت سوزی بی سابقه در نیروگاه های حرارتی ایران خبر داده است. این گزارش تأکید کرده «اقدام به شدت آلاینده مازوت سوزی در نیروگاه های کشور» طی سال گذشته خورشیدی به طور متوسط ۴۶ درصد افزایش یافته است.

گزارش «مرکز داده های باز ایران» با بیان اینکه «در برخی استان ها رشد مازوت سوزی به مراتب بالاتر از میانگین ملی بوده» تأکید کرده در سال ۱۴۰۳ میزان مازوت سوزی در بوشهر ۵۴۳ درصد، در زنجان ۱۷۲ درصد و در کهگیلویه و بویراحمد ۱۵۷ درصد افزایش داشته است. این نرخ در تهران ۸۲ درصد ثبت شده است.

بر اساس آمارها مازوت تولیدی ایران حدود ۳/۵ درصد گوگرد دارد؛ رقمی نزدیک به هفت برابر استانداردهای بین المللی مجاز برای سوخت کشتی ها. بنابراین بخش عمده این سوخت در نیروگاه های حرارتی و صنایع شهری داخل کشور سوزانده می شود.

وبسایت «تجارت نیوز» پیشتر در گزارشی با اشاره به تبدیل شدن مازوت سوزی به رویه ای ثابت، اعلام کرده «در حالی که هیچ چشم انداز روشن و مشخصی برای گذار به انرژی های تجدیدپذیر و پاک وجود ندارد، نتیجه آن، فشاری مضاعف بر سلامت شهروندان، تشدید آلودگی هوا و مرگ و میر شهروندان است».

گزارش «تجارت نیوز» افزوده «اکنون مازوت سوزی در کشور، نماد شکست برنامه ریزی جبران ناترازی انرژی و بی توجهی به آینده محیط زیست و سلامت عمومی است که بارها به دلیل نبود سال ها برنامه ریزی و مدیریت برای پیشگیری از بحران انرژی، استفاده از آن دستاویز مسئولان شده است».

داده‌های محرمانه؛ افزایش تولید بنزین غیراستاندارد در ایران



داده‌هایی به تفکیک استانی نیز از افزایش قابل‌توجه مصرف بنزین اکتان ۸۷ خبر می‌دهند. مجموع مصرف این نوع بنزین در ۳۱ استان از حدود ۸۵/۸ میلیون لیتر در روز در سال ۱۴۰۲ به ۹۷/۱ میلیون لیتر در روز در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته که معادل رشد سالانه ۱۳/۲ درصدی است. طبق همین داده‌ها، استان مرکزی و پس از آن تهران بیشترین رشد مصرف بنزین کم‌کیفیت را ثبت کرده‌اند. «مرکز داده‌های باز ایران» یک هفته پیش نیز در گزارش دیگری تأکید کرده بود دولت در سال‌های اخیر برای جبران کمبود فزاینده بنزین، به‌طور گسترده به افزودن ترکیبات شیمیایی تولید شده خارج از چرخه پالایشگاهی روی آورده است. این ترکیبات شامل متیل‌ترت-بوتیل‌تر (ام‌تی‌بی‌ای) – یک افزودنی پتروشیمیایی ممنوعه در بسیاری از کشورها – و دیگر اکتان‌افزاهای آروماتیک است که برای افزایش عدد اکتان به بنزین پالایشگاهی اضافه می‌شوند.

در این گزارش که با استناد به اسناد محرمانه وزارت نفت تهیه شده بود آمده بود که نسبت اختلاط این مواد با بنزین پالایشگاهی در فاصله سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ حدود چهار برابر افزایش داشته است. این روند حتی در پالایشگاه‌هایی دیده می‌شود که مدعی تولید سوخت مطابق استانداردهای یورو ۴ و یورو ۵ هستند.

بنا بر گزارش محرمانه وزارت نفت، پالایشگاه شازند – بزرگ‌ترین تولیدکننده بنزین یورویی کشور – روزانه حدود ۳۵۰ هزار لیتر ام‌تی‌بی‌ای مصرف می‌کند و پالایشگاه اصفهان – دومین تولیدکننده بزرگ – روزانه حدود ۳۲۵ هزار لیتر از این ماده استفاده می‌کند. ام‌تی‌بی‌ای به دلیل پتانسیل بالای آلودگی منابع آب زیرزمینی، در کشورهای متعدد ممنوع شده است.

استانداردهای یورو ۴ و یورو ۵ بخشی از مقررات زیست‌محیطی اتحادیه اروپا هستند که برای کاهش آلودگی سوخت‌های فسیلی و بهبود کیفیت هوا طراحی شده‌اند. اما داده‌های وزارت نفت نشان می‌دهد حدود یک‌سوم بنزین تولیدی ایران به‌طور اسمی با این استانداردها عرضه می‌شود، در حالی که به‌دلیل اختلاط با مواد شیمیایی پرخطر، کیفیت واقعی آن با معیارهای جهانی همخوانی ندارد.

لیتر در روز در سال ۱۳۹۶ به حدود ۱۶۴ هزار لیتر در روز در سال ۱۴۰۳ سقوط کرده است؛ کاهش نزدیک به ۹۶ درصد! از این مقدار، حدود ۷۱ درصد در تهران مصرف شده و سهم سایر استان‌ها بسیار ناچیز بوده است. بنزین یورو ۴ و ۵ نیز فقط در ۱۲ استان توزیع شده و مجموع مصرف روزانه آن حدود ۲۷ میلیون لیتر گزارش شده است.

گزارش شرکت ملی پالایش حاکی از آنست که بنزین‌هایی که با عنوان یورو ۴، یورو ۵ یا سوپر عرضه می‌شوند هم حاوی ترکیباتی مانند «ام‌تی‌بی‌ای» هستند؛ مواد پتروشیمیایی‌ای که در بسیاری از کشورها به دلیل پیامدهای زیست‌محیطی و خطرات سلامت‌محور محدود یا ممنوع شده است. بنابراین این سوخت‌ها هم لزوماً از نظر فنی کاملاً استاندارد نیستند. «مرکز داده‌های باز ایران» افزوده «سهم بنزین غیراستاندارد اکتان ۸۷ از کل مصرف کشور از حدود ۶۵ درصد در سال ۱۳۹۶ به حدود ۷۸ درصد در سال ۱۴۰۳ رسیده است؛ نشانه‌ای روشن از اینکه بخش عمده رشد مصرف در سال‌های اخیر با بنزین کم‌کیفیت پوشش داده شده است.»

● افزایش مصرف بنزین در سالهای گذشته از دو روش افزایش تولید بنزین غیراستاندارد با اکتان ۸۷ معروف به «بنزین معمولی»، و استفاده فزاینده از افزودنی‌های پتروشیمیایی آلاینده تأمین شده است.

● مصرف بنزین سوپر از ۳/۷۴ میلیون لیتر در روز در سال ۱۳۹۶ به حدود ۱۶۴ هزار لیتر در روز در سال ۱۴۰۳ سقوط کرده است؛ کاهش نزدیک به ۹۶ درصد!

● بنزین‌هایی که با عنوان یورو ۴، یورو ۵ یا سوپر در ایران عرضه می‌شوند هم حاوی ترکیباتی مانند «ام‌تی‌بی‌ای» هستند؛ مواد پتروشیمیایی‌ای که در بسیاری از کشورها به دلیل پیامدهای زیست‌محیطی و خطرات سلامت‌محور محدود یا ممنوع شده است.

● سهم بنزین غیراستاندارد اکتان ۸۷ از کل مصرف کشور از حدود ۶۵ درصد در سال ۱۳۹۶ به حدود ۷۸ درصد در سال ۱۴۰۳ رسیده است؛ نشانه‌ای روشن از اینکه بخش عمده رشد مصرف در سال‌های اخیر با بنزین کم‌کیفیت پوشش داده شده است.

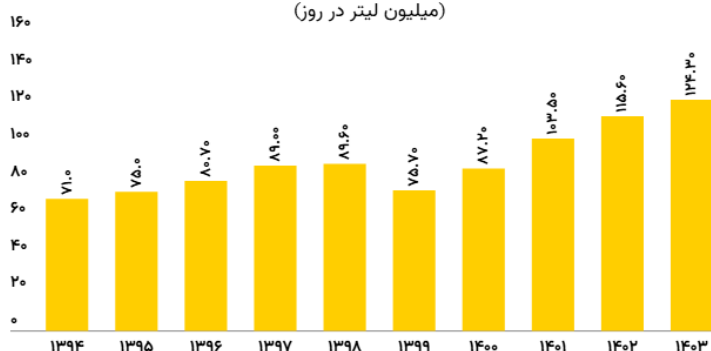
بررسی داده‌های محرمانه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران نشان می‌دهد افزایش مصرف بنزین در سالهای گذشته از دو روش افزایش تولید بنزین غیراستاندارد با اکتان ۸۷ معروف به «بنزین معمولی»، و استفاده فزاینده از افزودنی‌های پتروشیمیایی آلاینده تأمین شده است.

«مرکز داده‌های باز ایران» در گزارشی با استناد به داده‌های محرمانه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران مربوط به اسفندماه ۱۴۰۳، مصرف روزانه بنزین از حدود ۷۵ میلیون لیتر در سال ۱۳۹۶ به ۱۲۴ میلیون لیتر در روز در سال ۱۴۰۳ رسیده است. این رقم نشان می‌دهد مصرف بنزین در ایران افزایشی حدود ۶۵ درصدی داشته است.

همزمان با افزایش مصرف، سهم افزودنی‌های پتروشیمیایی در بنزین طی سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ حدود چهار برابر شده است. در این دوره دو ساله تولید و توزیع بنزین‌های باکیفیت‌تر، از جمله سوپر و یورو ۴ و ۵، کاهش یافته و سهم بنزین کم‌کیفیت در سبد مصرف بالا رفته است. آمارها نشان می‌دهد مصرف بنزین سوپر از ۳/۷۴ میلیون

مصرف بنزین ایران

(میلیون لیتر در روز)



حذف تلخ میوه و لبنیات از سبد خرید اقشار کم‌درآمد در ایران



وحید شقاقی شهری اقتصاددان معتقد است که موضوعی که به مراتب از تحریم‌ها مهم‌تر و بر اقتصاد ایران اثرگذارتر است بحران‌های ساختاری است که اقتصاد ایران حدود ۴۰ سال است با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند.

این اقتصاددان تأکید می‌کند که در گذشته دولت‌ها با مُسکنی به نام درآمد خامفروشی نفت این بحران‌ها را مهار می‌کردند. هر چند این بحران‌ها به شدت امروز نبودند اما سال‌به‌سال بردشت آنها افزوده شده است. امروز اقتصاد ایران با مجموعه‌ای از بحران‌های مزمن روبه‌رو است: بحران آب، فرونشست زمین، بانکی، محیط‌زیست و آلودگی، انرژی، فرسودگی زیرساخت‌های اقتصادی و همچنین بحرانی که در حال آغاز بوده و آن بحران صندوق‌های بازنشستگی است. اینها مجموعه‌ای از بحران‌ها و ناترازی‌های اقتصادی هستند که به‌طور مداوم تشدید می‌شوند.

وحید شقاقی شهری در ادامه گفته «در گذشته نیز این بحران‌ها وجود داشتند اما اولاً هر سال عمیق‌تر و شدیدتر شدند و ثانیاً دولت‌های گذشته از درآمدهای نفتی برخوردار بودند و با تزریق این منابع به‌صورت مسکن‌وار اجازه نمی‌دادند این بحران‌ها به شکل عریان خود را نشان دهند. امروز اما درآمدهای نفتی کشور هم به دلیل کاهش قیمت جهانی نفت و هم به‌واسطه تحریم‌ها محدود شده و همزمان شدت بحران‌ها افزایش یافته است.»

او تأکید کرده که «این ناترازی‌ها فشار سنگینی بر کسری بودجه دولت و بدهی‌های دولت وارد کردند. کسری بودجه به‌شدت در حال تشدید است و بدهی دولت با سرعت بالایی افزایش می‌یابد. این وضعیت باعث شده هم فشار زیادی بر بانک مرکزی وارد شده و هم شبکه بانکی کشور دچار مشکل شود. نتیجه این روند بروز شوک‌های شدید ارزی و تورمی است.»

به گفته این اقتصاددان «در حال حاضر اقتصاد ایران با شوک‌های ارزی و تورمی قابل‌توجهی مواجه است و اگر دیر اقدام کنیم شدت و دامنه این شوک‌ها بیشتر خواهد شد. سال آینده سالی بسیار نگران‌کننده خواهد بود. ریشه همه این مسائل نیز به همان ناترازی‌ها و بحران‌های ساختاری بازمی‌گردد.»

خرید می‌کنیم.»

روزنامه «جهان صنعت» نیز گزارش داده سرانه مصرف لبنیات در ایران از حدود ۱۳۰ کیلوگرم در سال ۱۳۸۹ به‌طور پیوسته کاهش یافته است. بر اساس گزارش‌ها این مقدار تا حدود ۵۵ کیلوگرم در سال ۱۴۰۳ کاهش یافته است؛ این مقدار حدود نصف یا کمتر از میانگین جهانی است که حدود ۱۶۰-۱۵۰ کیلوگرم در سال برآورد می‌شود.

داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد متوسط سرانه مصرف محصولات پروتئینی که شامل گوشت قرمز، گوشت سفید و محصولات فرآوری شده پروتئینی است از ۸۹ کیلوگرم در سال ۱۳۹۵ به ۸۱ کیلوگرم در سال ۱۴۰۰ و به حدود ۷۰ کیلوگرم در سال ۱۴۰۱ و تقریباً ۷۵ کیلوگرم در ۱۴۰۲ تغییر کرده است.

در گزارش روزنامه «جهان صنعت» تأکید شده در بسیاری از نقاط تهران قیمت یک کیلوگرم گوشت گوسفندی از یک میلیون تومان عبور کرده است. حداقل حقوق یک کارمند در ماه ۱۲ میلیون و یک کارگر ۱۰ میلیون تومان است و همین موضوع به خودی خود توضیح می‌دهد که چرا برخی اقلام غذایی مفید و ضروری در سفره بسیاری از خانواده‌های ایرانی دیگر جایی ندارد!

روزنامه «هم میهن» نیز در گزارشی نوشته «ایران سال ۱۴۰۴ اندکی با ایران ۱۳۸۹ متفاوت است. مردم سال ۱۴۰۴ هم دیگر مردم ۱۳۸۹ نیستند. تورم ۵۰ درصد را دیدند. درصد بیشتری از آنها طعم زیر خط فقر بودن را چشیدند. شوک‌های کلان اقتصادی، باعث کاهش خرید مواد غذایی می‌شود. در واقع کاهش درآمد، سهم غذا را در کل مصرف افزایش می‌دهد تا جایی که دیگر امکان جایگزینی هزینه‌های غیرخوراکی با هزینه‌های خوراکی وجود ندارد.»

در ادامه این گزارش آمده «در بخش بهداشت و درمان هم هزینه‌ها از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ جهشی قابل توجه داشته است. بر اساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گروه‌های کم‌درآمد تنها از خدمات سلامت ضروری استفاده کردند و در بسیاری از موارد به خوددرمانی روی آوردند. به‌دتر شدن وضعیت اقتصاد کلان، رکود اقتصاد و تورم‌های فزاینده، به مرور دستمزد شاغلان مطابق با تورم رشد نکرد و درآمد آنها استانداردهای کمتری از مؤلفه‌های رفاه را پوشش می‌دهد.»

● تورم مواد غذایی در ایران از ابتدای سال تا آذر ۱۴۰۴ بیش از ۵۸ تا ۶۶ درصد بوده است؛ به‌طوری که قیمت میوه، لبنیات، نان و حبوبات رشد دورقمی را تجربه کرده‌اند.

● در میادین میوه و تره‌بار، قیمت بسیاری از میوه‌های پرمصرف مانند سیب و پرتقال به سطوحی رسیده است که خریداران کارگری از خرید آن چشم‌پوشی می‌کنند.

● در بسیاری از نقاط تهران قیمت یک کیلوگرم گوشت گوسفندی از یک میلیون تومان عبور کرده است.

حداقل حقوق یک کارمند در ماه ۱۲ میلیون و یک کارگر ۱۰ میلیون تومان است و همین موضوع به خودی خود توضیح می‌دهد که چرا برخی اقلام غذایی مفید و ضروری در سفره بسیاری از خانواده‌های ایرانی دیگر جایی ندارد!

● روزنامه «هم‌میهن» گزارش داده شوک‌های کلان اقتصادی، باعث کاهش خرید مواد غذایی می‌شود. در واقع کاهش درآمد، سهم غذا را در کل مصرف افزایش می‌دهد تا جایی که دیگر امکان جایگزینی هزینه‌های غیرخوراکی با هزینه‌های خوراکی وجود ندارد.

● وحید شقاقی شهری اقتصاددان معتقد است موضوعی که به مراتب از تحریم‌ها مهم‌تر و بر اقتصاد ایران اثرگذارتر است بحران‌های ساختاری است که اقتصاد ایران حدود ۴۰ سال است با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند.

افزایش قیمت مواد خوراکی در شرایط ثابت ماندن درآمدهای ناکافی، سبب شده اقشار کم‌درآمد بخشی از مواد خوراکی از جمله لبنیات و میوه را هم از سبد مصرفی خود حذف کنند.

بر اساس آخرین گزارش‌های رسمی و غیررسمی، تورم مواد غذایی در ایران از ابتدای سال تا آذر ۱۴۰۴ بیش از ۵۸ تا ۶۶ درصد بوده است؛ به‌طوری که قیمت میوه، لبنیات، نان و حبوبات رشد دورقمی را تجربه کرده‌اند، در این میان قیمت میوه و خشکبار بیش از ۱۰۸ درصد و لبنیات نزدیک به ۴۹ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته است، رقمی که فشار زیادی بر خانوارها وارد می‌کند.

خبرگزاری «تسنیم» در گزارشی میدانی درباره حذف میوه از سبد خرید خانوارهای کارگری نوشته در میادین میوه و تره‌بار، قیمت بسیاری از میوه‌های پرمصرف مانند سیب و پرتقال به سطوحی رسیده است که خریداران کارگری از خرید آن چشم‌پوشی می‌کنند. یکی از فروشندگان به «تسنیم» گفته قیمت میوه هر روز بالاتر می‌رود؛ مشتری‌های کارگر یا کمتر می‌خرند یا اصلاً به بازار نمی‌آیند.

در بخش لبنیات نیز قیمت شیر، ماست و پنیر افزایش چشم‌گیری داشته است و بسیاری از خانوارهای کارگری مصرف روزانه این کالاها را کاهش داده‌اند.

یکی از کارگران خدماتی با اشاره به رقم ناچیز فیش حقوقی خود به «تسنیم» گفته «دیگر نمی‌توانم هر هفته شیر و ماست بخرم؛ به جای آن آب و چای را بیشتر مصرف می‌کنیم تا مجبور نباشیم برای لبنیات پول زیادی خرج کنیم.» «تسنیم» تأکید کرده گزارش‌های میدانی همچنین نشان می‌دهد کارگران ناچار شده‌اند بسیاری از اقلام غذایی را حذف کنند یا مصرف آن‌ها را به حداقل برسانند. مصرف لبنیات، میوه و حتی گوشت به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است. یکی از کارگران به خبرگزاری «تسنیم» گفته «قبلاً میوه و لبنیات جزو برنامه هفتگی‌مان بود، اما حالا اولویت ما پرداخت قبوض و اجاره است؛ فقط گاهی برای بچه‌ها کمی

فرونشست پدیده «انسان ساز» است؛ احداث کارخانه آب بر فولاد در نیشابور با بزرگترین شکاف فرونشستی شناخته شده کشور



● گزارش‌ها از گسترش فرونشست در ایران تکاندهنده است. به جز استان گیلان، همه استان‌های ایران با پدیده فرونشست درگیر هستند و میزان فرونشست زمین در برخی نقاط به ۴۰ سانتیمتر رسیده است.

● ایران از نظر جایگاه فرونشست زمین در دنیا، از نظر کسری منابع آب و وسعت پهنه‌های فرونشستی، سومین کشور دنیا است. همچنین از نظر تعدد پهنه‌های فرونشستی با نرخ بالا، ایران رتبه نخست را دارا است.

● علی بیت‌اللهی: در نیشابوری که بزرگترین شکاف فرونشستی شناخته شده کشور را داریم، مجوز احداث کارخانه آب بر فولاد را می‌دهیم. در یزد هم همین کار را می‌کنیم. صنایع آب‌بر ما بدون توجه به ظرفیت‌های اکولوژیکی توزیع شده‌اند.

● علی بیت‌اللهی هشدار داده که نزدیک به ۷۵۰ شهر و به‌ویژه شهرهای بزرگ ما روی پهنه‌های فرونشستی قرار دارد؛ تخمین زده می‌شود، نزدیک به ۴۰ میلیون نفر از جمعیت ایران روی این پهنه‌ها یا در مجاورت این پهنه‌ها زیست می‌کنند. فقط در تهران، سه میلیون نفر روی پهنه فرونشستی زندگی می‌کنند.

فرونشست هفته گذشته در شهرک «ولیعصر» تهران و گرفتار شدن سه اتومبیل در چاله ۱۰ متری ایجاد شده بر اثر این فرونشست بار دیگر گسترش این پدیده در ایران را مورد توجه قرار داده است. ۳۰ استان از ۳۱ استان کشور درگیر فرونشست هستند و این پدیده ویرانگر در برخی استان‌ها وارد مناطق شهری شده است. همچنین ایران رتبه نخست مناطق درگیر فرونشست با نرخ بالا است.

گزارش‌ها از گسترش فرونشست در ایران تکاندهنده است. به جز استان گیلان، همه استان‌های ایران با پدیده فرونشست درگیر هستند و میزان فرونشست زمین در برخی نقاط به ۴۰ سانتیمتر رسیده است.

● علی بیت‌اللهی رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی پیشتر در گزارشی اعلام کرده بود وسعت پهنه فرونشست جمعی بیش از ۱۰ سانتی‌متر در اصفهان طی ۹ سال از ۳۰۰ به ۸۵۰ کیلومترمربع رسیده؛ یعنی افزایشی ۲/۸ برابری.

همچنین بر اساس پردازش تصاویر سنجنش از دور مربوط به دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳، نرخ فرونشست در برخی نقاط مشهد به ۱۸ سانتی‌متر در سال نیز می‌رسد. بررسی روند هفت‌ساله نشان می‌دهد حدود ۶۷ کیلومترمربع از محدوده شهری مشهد درگیر فرونشست شده و این محدوده هر ساله به سمت مرکز شهر پیشروی می‌کند.

به‌طور کلی، در ۱۸ استان کشور عدد فرونشست زمین به بالای ۱۰ سانتی‌متر در سال می‌رسد. در کل دنیا پهنه‌های فرونشستی شناخته شده حدود ۳ تا ۵ درصد بالای ۱۰ سانتی‌متر در سال فرونشست دارند. ایران از نظر جایگاه فرونشست زمین در دنیا، از نظر کسری منابع آب و وسعت پهنه‌های فرونشستی، سومین کشور دنیا است. همچنین از نظر تعدد پهنه‌های فرونشستی با نرخ بالا، ایران رتبه نخست را دارا است. کارشناسان تأکید دارند در هیچ کشوری این سطح تنوع فرونشست که در ایران است وجود ندارد. اسکندر صیدایی رئیس سازمان نقشه‌برداری ایران نیز در

مرکز شهر پیشروی می‌کند.

او افزوده در اصفهان همه محدوده شهری به‌دلیل قطع آب زاینده‌رود دچار فرونشست است. این مناطق کانون‌های بزرگ جمعیتی کشور هستند.

رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی افزوده «۱۰ نقطه را مطالعه کرده‌ایم که حدود ۴۰ درصد جمعیت کشور در آن مستقر هستند. عمده تمرکز این جمعیت در این مناطق به‌دلیل اقتصاد، معیشت و شغل است. صنایع هم در اطراف این کلانشهرها دقیقاً به‌دلیل همین جمعیت ایجاد شده؛ یعنی یک دور باطل.»

او همچنین گفته «بر اساس مطالعه ما در سال ۱۴۳۰، با همین روند رشد جمعیت کنونی (که منفی هم است) در شش استان جمعیت (به‌دلیل مهاجرت، نبود شغل و مشکلات محیط‌زیستی و شرایط اقلیمی) نسبت به جمعیت فعلی کم‌تر خواهد شد. تمرکز جمعیت در مناطق مقصد نیاز به آب را بیشتر می‌کند. وقتی زمین نشست می‌کند، علاوه‌بر اینکه آبخوان متراکم می‌شود و از دست می‌رود که اصطلاحاً به آن مرگ آبخوان می‌گوییم، دیگر آب امکان ورود به زمین را نخواهد داشت؛ روی زمین روان می‌شود و مواد مغذی خاک را می‌شوید و اراضی حاصلخیز را به بیابان تبدیل می‌کند. علاوه بر این، تمام مستحذات سطح زمین هم پایین می‌روند.»

به گفته علی بیت‌اللهی گسترش فرونشست در ایران قابل مدیریت و توقف است: «در سال ۱۹۶۵ در دشت توکیو ژاپن نرخ فرونشست زمین، ۱۲ سانتی‌متر در سال بود. در سال ۲۰۰۳ گزارشی منتشر شد که نشان می‌داد فرونشست زمین در این محدوده متوقف شده. در شانگهای چین، از سال ۱۹۲۲، این پدیده شناسایی شده بود، طی ۲۰ سال، با اقدامات انجام‌شده سطح زمین نه‌تنها پایین نمی‌رود، بلکه بالا می‌آید. در تگزاس آمریکا، اندونزی و تایوان هم این اتفاق رخ داده است. این را هم بگویم که این اقدامات براساس تکنولوژی

گفت‌وگو با خبرگزاری «ایلنا» تأکید کرده که «تقریباً به‌غیر از مجموعه استان‌هایی که در حاشیه دریاچه خزر هستند مانند استان گیلان، سایر مناطق با بازه‌های مختلف با فرونشست زمین روبه‌رو هستند.»

اسکندر صیدایی علت فرونشست زمین را «خشکسالی‌های متعدد و برداشت بی‌رویه آب» دانسته و گفته «حادترین و فوری‌ترین توصیه‌ای که می‌توانیم ارائه دهیم، این است که برداشت آب از مناطق آسیب‌دیده انجام نگیرد. در مناطقی که شریان‌ها و جریان‌های آب مانند حوزه‌های آبخیز و دشت‌ها وجود دارد، شریان‌یافتن و جریان‌یافتن آب را توصیه می‌کنیم.»

علی بیت‌اللهی در گفتگو با روزنامه «پیام» ما این نکته مهم را مورد تأکید قرار می‌دهد که فرونشست یک پدیده انسان‌ساخت است و یک مخاطره طبیعی مانند آتشفشان یا زلزله نیست.

علی بیت‌اللهی هشدار داده که نزدیک به ۷۵۰ شهر و به‌ویژه شهرهای بزرگ ما روی پهنه‌های فرونشستی قرار دارد؛ تخمین زده می‌شود، نزدیک به ۴۰ میلیون نفر از جمعیت ایران روی این پهنه‌ها یا در مجاورت این پهنه‌ها زیست می‌کنند. فقط در تهران، سه میلیون نفر روی پهنه فرونشستی زندگی می‌کنند.

علی بیت‌اللهی همچنین گفته «از خصلت‌های فرونشست زمین در ایران این است که این پهنه‌ها در مکان‌های با تراکم جمعیتی بالا بیشتر توسعه پیدا می‌کنند؛ چون تمرکز بیشتر جمعیت نیاز آبی بیشتری خلق می‌کند. این نیاز آبی فقط آب شرب و بهداشت نیست. بلکه بخش قابل‌توجهی از آن مربوط به تأمین غذاست. تأمین این نیازها عموماً به همان محیط اطراف تحمیل می‌شود. به‌همین دلیل، ما می‌بینیم جنوب‌غرب تهران وسیع‌ترین پهنه فرونشست کشور است، شمال‌غرب مشهد فرونشست گسترده‌ای به‌سمت مرکز شهر رخ می‌دهد و در جنوب‌شرق شیراز از سمت دریاچه مهارلو (که به‌دلیل کم‌آبی پس‌روی می‌کند) فرونشست به‌سمت

فرونشست زمین در برخی از نقاط ایران به ۴۰ سانتیمتر رسید؛ ۷۵۰ شهر کشور در خطر هستند



فرونشست در شهرک «ولیعصر» تهران، بیستم آذرماه ۱۴۰۴

فرونشست در ایران سالهاست هشدار کارشناسان را در پی داشته اما مقامات دولت اقدامی برای کنترل این پدیده و یا کاهش سرعت گسترش آن انجام نداده‌اند. گستردگی فرونشست به همه استان‌های ایران رسیده و در استان‌هایی که بیشتر با این پدیده روبرو هستند، فرونشست وارد محدوده شهری شده است.

روز گذشته، بیستم آذرماه، فرونشستی در خیابان «ولدخانی» شهرک «ولیعصر» تهران ایجاد شد. جلال ملکی سخنگوی سازمان آتشنشانی تهران اعلام کرد که این حفره ابعادی ۱۰ متر در گستره و ۱/۵ متر در عمق دارد.

همچنین یک دستگاه مینی‌بوس، یک وانت مزدا و یک پیکان وانت که در محل پارک بودند، در بخشی از این حفره گرفتار شدند.

علی بیت‌الهی همچنین در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» درباره این حادثه گفته پیش از این درباره خطر احتمال فرونشست در منطقه ۱۸ هشدار داده بودیم: «این حادثه یک فرونشست ناحیه‌ای است که ناشی از برداشت آب برای تامین آب شرب تهران بوده و ما اعلام کرده بودیم که نرخ فرونشست در این ناحیه و منطقه ۱۸ در دو سال اخیر نسبت به سال‌های قبل سه برابر شده است.»

او توضیح داده نرخ فرونشست ناحیه‌ای در این منطقه بالای ۲۲ سانتیمتر در سال بوده و متأسفانه خاک منطقه از نوع غیر چسبده و پوک است که در اثر فرونشست این خاک پوک شده و در این شرایط وجود قنوت و آب‌های زیر سطحی در اثر بارندگی موجب بروز این پدیده فروریزش ناگهانی شده است.

به گفته علی بیت‌الهی «موضوع مهمی که باید به آن توجه کنیم، عبور مسیر ریلی تهران به تبریز در منطقه است که دقیقاً از همین نواحی مجاور فرونشست عبور کرده و بارها به همکاران خود در شرکت راه آهن گزارش‌هایی درباره تغییر نرخ فرونشست در این منطقه را داده‌ایم که با توجه به این موضوع باید مانیتورینگ خطی را جدی بگیرند.»

علی بیت‌الهی افزوده در حوالی بهرام‌رهنه رفسنجان نرخ فرونشست گاهی به ۴۰ سانتیمتر در سال رسیده است، در جنوب استان البرز این عدد ۳۵ سانتیمتر، در جنوب غرب تهران حدود ۳۰ سانتیمتر و در استان‌های قم، گلستان و خراسان رضوی نزدیک به ۲۰ تا ۲۲ سانتیمتر در سال گزارش شده است، از نظر گستردگی پهنه‌های با خطر بالای فرونشست، ایران جایگاه نخست جهان را دارد.

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی بیان اینکه «طی چند سال گذشته بیش از ظرفیت از منابع آبی برداشت کرده‌ایم» گفته فرونشست زمین ارتباط مستقیمی با برداشت و افت سطح آب‌های زیرزمینی دارد، در حالی که از نظر کسری منابع آب زیرزمینی، ایران پس از چین و آمریکا در رتبه سوم جهان قرار دارد، از نظر وسعت پهنه‌های فرونشستی نیز بعد از چین و اندونزی سومین کشور محسوب می‌شود، اما از لحاظ تعدد پهنه‌های فرونشستی با نرخ بالا، ایران بی‌تردید رتبه نخست را دارد.

او درباره پیامدهای فرونشست زمین توضیح داد: فرونشست به معنای پایین رفتن سطح زمین است، این روند گاهی تدریجی و گاهی سریع و ناگهانی رخ می‌دهد، بدیهی است که تمامی مستحذات موجود بر سطح زمین، از ساختمان‌ها و محوطه‌های تاریخی گرفته تا خطوط انتقال سوخت، انرژی، آب، فاضلاب، راه‌آهن، جاده‌ها و فرودگاه‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

علی بیت‌الهی افزوده هرچه میزان فرونشست بیشتر باشد، اثرات آن نیز شدیدتر خواهد بود، اگر این مستحذات شامل سازه‌های تاریخی باشند، آسیب‌دیدگی آن‌ها جدی‌تر و جبران‌ناپذیر خواهد بود، حدود ۷۵۰ شهر کشور بر روی زون‌های فرونشستی یا در مجاورت آن‌ها قرار دارند که نشان‌دهنده گستردگی بالای این پدیده در ایران است، با توجه به خشکسالی‌ها و کاهش نزولات جوی، انتظار می‌رود شدت فرونشست افزایش یابد و طبیعتاً آثار تخریبی آن نیز بیشتر شود.

● علی بیت‌الهی رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی هشدار داده که «پدیده فرونشست زمین در برخی از نقاط کشور حتی به ۴۰ سانتیمتر هم رسیده است.

● علی بیت‌الهی گفته گفت ۷۵۰ شهر کشور روی زون‌های فرونشستی یا در مجاورت آن‌ها قرار دارند و با ادامه خشکسالی و کاهش بارش‌ها، شدت فرونشست و پیامدهای آن بیشتر خواهد شد.

● فرونشست در ایران سالهاست هشدار کارشناسان را در پی داشته اما مقامات دولت اقدامی برای کنترل این پدیده و یا کاهش سرعت گسترش آن انجام نداده‌اند. گستردگی فرونشست به همه استان‌های ایران رسیده و در استان‌هایی که بیشتر با این پدیده روبرو هستند، فرونشست وارد محدوده شهری شده است.

● بیستم آذرماه، فرونشستی در خیابان «ولدخانی» شهرک «ولیعصر» تهران ایجاد شد. جلال ملکی سخنگوی سازمان آتشنشانی تهران اعلام کرد که این حفره ابعادی ۱۰ متر در گستره و ۱/۵ متر در عمق دارد.

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی هشدار داده که «پدیده فرونشست زمین در برخی از نقاط کشور حتی به ۴۰ سانتیمتر هم رسیده است که اگر به برداشت منابع آبی به این روش ادامه دهیم قطعاً این پدیده به تهدیدی جدی برای شهرهای مختلف کشور تبدیل خواهد شد.»

علی بیت‌الهی رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی روز جمعه ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴ در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته در ۱۸ استان از ۳۱ استان کشور نرخ فرونشست بیش از ۱۰ سانتیمتر در سال است، این در حالی است که در آمار جهانی تنها ۵ درصد از پهنه‌های شناخته‌شده فرونشست زمین در دنیا در رده بالای ۱۰ سانتیمتر قرار دارند و اغلب زون‌های فرونشستی اعداد بسیار پایین‌تری را نشان می‌دهند.

➡ دانش پیچیده موفق نبوده‌اند، بلکه عزم مدیریتی این مناطق را موفق کرد.»

با اینهمه توضیحات علی بیت‌الهی و دیگر کارشناسان نشان می‌دهد در جمهوری اسلامی انگیزه و اراده‌ای برای مدیریت پدیده فرونشست وجود ندارد: «این نکته مهمی است ما در نیشابوری که بزرگ‌ترین شکاف فرونشستی شناخته‌شده کشور را داریم، مجوز احداث کارخانه آب‌بر فولاد را می‌دهیم. در یزد هم همین کار را می‌کنیم. صنایع آب‌بر ما بدون توجه به ظرفیت‌های اکولوژیکی توزیع شده‌اند. مسیری در راه‌آهن ابهر به زنجان را پایش می‌کردیم. درست در مجاور این ریل جدیدی که قرار است احداث کنند، یک شکاف طولی فرونشست وجود دارد، شکافی تازه‌شکل‌گرفته. حدود ۵۰۰ متر آن طرف‌تر یک مجموعه عظیم فولادی در دست احداث است. این مجموعه با دو لوله به قطر حدود یک متر، آب را برای تأمین نیاز به این کارخانه منتقل می‌کند و می‌کند. آن‌هم جایی که رودخانه جاری نداریم. یعنی این آب از زیرزمین از همین منطقه فرونشستی تأمین می‌شود.»

«تالاب مهارلو» به کانون ریزگرد تبدیل شد؛ فاجعه محیط زیستی در یک قدمی شیراز



مهارلو خشک و به کانون ریزگرد و غبار در استان فارس تبدیل شده است

بزرگ طشک و بختگان قرار دارد؛ تالاب‌هایی که همواره کردور اصلی پرندگان مهاجر بوده‌اند. اکنون که طشک و بختگان عملاً خشک شده و دیگر زیستگاه امنی برای مهاجران نیستند، مهارلو جایگزین آنها شده است.

طی یک دهه اخیر، به ویژه هفت هشت سال گذشته، جمعیت پرندگان مهاجر در «تالاب مهارلو» به شدت افزایش یافته است. اکنون که هنوز پرندگان مهاجر به فارس نرسیده‌اند، حدود ۱۰ هزار فلامینگو در مهارلو حضور دارند؛ یعنی بخشی از آنها خانه‌زاد شده‌اند، زادآوری می‌کنند و چون غذای کافی دارند، در تالاب مانده‌اند. آرقیها، که در مهارلو وجود دارد، غذای مطلوبی برای فلامینگو است.

اگرچه در این سال‌ها با وجود همه مشکلات، «تالاب مهارلو» توانسته حدود ۱۰ هزار فلامینگو و تعداد زیادی پرنده دیگر را در خود حفظ کند اما در صورت ادامه وضعیت کنونی این تالاب می‌تواند به قتلگاه نه تنها پرندگان بلکه انسان‌ها نیز تبدیل شود.

بر اساس آخرین مطالعات دانشگاه تهران، «تالاب مهارلو» اکنون یکی از آلوده‌ترین تالاب‌های کشور است و آلودگی آن سلامت مردم و گردشگران را به‌طور جدی تهدید می‌کند. به گزارش «پیام ما» منابع آلودگی مهارلو گسترده‌اند؛ در جبهه شمالی و جنوبی و نیز بخش غربی متصل به شیراز، اراضی وسیع کشاورزی وجود دارد که بخشی از آنها با زهاب و فاضلاب شیراز آبیاری می‌شوند و فاضلاب کشاورزی به‌راحتی وارد تالاب می‌شود. رودخانه چنار راهدار نیز فاضلاب شهرک صنعتی و منطقه ویژه اقتصادی شیراز را حمل می‌کند. تصفیه‌خانه شماره ۲ شیراز هنوز راه‌اندازی نشده و فاضلاب این بخش مستقیماً وارد چنار راهدار و سپس مهارلو می‌شود. رودخانه خشک نیز به‌صورت مقطعی فاضلاب سطح شهر و روستاهای اطراف را وارد تالاب می‌کند.

در حال حاضر، هرچند در فصل خشک سال حتی

است که آن را به منشاء ریزگرد تبدیل می‌کند و دوم آلودگی؛ این آلودگی هم خود تالاب را تهدید می‌کند، هم زیست‌مندان آن (پرندگان و سایر جانوران) را و هم انسان‌های اطراف را.

آلودگی «تالاب مهارلو» یکی از سالم‌ترین کلانشهرهای ایران، یعنی شیراز، و همچنین چند شهرستان اطراف آن را هم از نظر تغییرات میکروکلیمایی، در صورت نابودی تالاب، و هم از نظر ریزگردها و آلودگی‌ها، تهدید می‌کند.

روزنامه «پیام ما» گزارش داده «تالاب مهارلو» در شرق شهر شیراز و در انتهای حوضه آبریز و در غرب شهرستان سروستان، شامل سه رودخانه مهم که هر سه به مهارلو منتهی می‌شوند است و بخش اعظم آورد آنها سیلابی است. این گزارش افزوده رودخانه اول، رودخانه خشک شیراز است که دقیقاً از وسط شیراز عبور می‌کند و مسیر آن از غرب به شرق است. رودخانه دوم، رودخانه چنار راهدار است که از جنوب شرق به جنوب غرب و سپس غرب می‌رود و از سمت شیراز وارد مهارلو می‌شود. این رودخانه نسبتاً دائمی است؛ در گذشته پرآب‌تر بود، اکنون کم‌آب‌تر است، اما هنوز آورد دائمی و سیلابی دارد. رودخانه سوم، رودخانه نظرآباد است که از شرق مهارلو و از منطقه سروستان و جنگل فسا وارد تالاب می‌شود و بیشتر آورد آن سیلابی است. با توجه روند کاهشی بارندگی‌ها اکنون آورد این رودخانه‌ها نیز بسیار کاهش یافته است. مهارلو همیشه تالابی پرآب بود، زیرا حوضه آبریز عظیمی دارد و خود تالاب نیز وسعتی حدود ۲۴ هزار هکتار دارد. بارش مستقیم روی سطح تالاب همیشه قابل‌توجه بوده، اما در سال‌های اخیر تالاب فصلی شده است؛ پیشتر در زمستان و اوایل بهار گاهی تا ۸۰ الی ۹۰ درصد پر می‌شد، اما کم‌کم عقب‌نشینی می‌کرد و تنها کاسه مرکزی باقی می‌ماند. امسال اما وضعیت آب موجود در تالاب به مرز بحران رسیده است.

«تالاب مهارلو» در فاصله کمتر از ۱۰۰ کیلومتری تالاب‌های

● «تالاب مهارلو» معروف به «تالاب صورتی» یا «دریاچه صورتی» با دو چالش روبرو است؛ نخست خشک شدن تالاب است که آن را به منشاء ریزگرد تبدیل می‌کند و دوم آلودگی.

● بر اساس آخرین مطالعات دانشگاه تهران، «تالاب مهارلو» اکنون یکی از آلوده‌ترین تالاب‌های کشور است و آلودگی آن سلامت مردم و گردشگران را به‌طور جدی تهدید می‌کند.

● اگرچه «تالاب مهارلو» توانسته حدود ۱۰ هزار فلامینگو و تعداد زیادی پرنده دیگر را در خود حفظ کند اما در صورت ادامه وضعیت کنونی این تالاب می‌تواند به قتلگاه نه تنها پرندگان بلکه انسان‌ها نیز تبدیل شود.

● با خشک شدن «تالاب مهارلو» در استان فارس که بر اثر سدسازی در بالادست سرعت گرفته، شهروندان در شهرهای شیراز و سروستان و روستاهای اطراف در معرض گردوغبار نمکی و آلاینده و مشکلات ناشی از آلودگی هوا قرار می‌گیرند.

● کارشناسان محیط زیست هشدار می‌دهند که بحران کمبود منابع آبی ایران که یکی از آثار آن خشک شدن تالاب‌ها، دریاچه‌ها یا رودخانه‌ها است بیش از آنکه ناشی از اثرات تغییر اقلیم باشد در پی سوءمدیریت و بی‌کفایتی مقاماتی است که طی ۴۷ سال گذشته بر مسند قدرت در ایران تکیه داده‌اند.

با خشک شدن «تالاب مهارلو» در استان فارس که بر اثر سدسازی در بالادست سرعت گرفته، شهروندان در شهرهای شیراز و سروستان و روستاهای اطراف در معرض گردوغبار نمکی و آلاینده و مشکلات ناشی از آلودگی هوا قرار می‌گیرند. «تالاب مهارلو» معروف به «تالاب صورتی» یا «دریاچه صورتی» با دو چالش روبرو است. نخست خشک شدن تالاب

رونمایی بانک مرکزی از «بسته کنترل ارز» پس از عبور قیمت دلار از مرز ۱۲۹ هزار تومان



هزار تومان، قیمت‌ها در بازار ارز و طلا با شیب تندتری نسبت به روزهای پیشین افزایش یافت. قیمت دلار تا بعد از ظهر روز شنبه ۲۲ آذرماه به ۱۲۹ هزار و ۲۵۰ تومان افزایش یافت. همزمان هر یورو ۱۵۱ هزار و ۸۴۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۷۲ هزار و ۸۹۰ تومان، هر درهم امارات ۳۵ هزار و ۵۰۰ تومان، و هر لیر ترکیه ۳۰۳۰ تومان در بازار ارز ایران معامله شد. در بازار طلا نیز روند افزایشی قیمت‌ها ادامه داشت و روز شنبه قیمت هر سکه طلا به ۱۳۹ میلیون تومان، و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز به قیمت بی‌سابقه ۱۳ میلیون و ۳۱۰ هزار تومان رسید.

کیوان کاشفی، عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی ایران، درباره دلایل اصلی افزایش قیمت ارز در روزهای گذشته گفته این روند «نتیجه مجموعه‌ای از عوامل شامل افزایش تقاضا، سیاست‌های ارزی دولت، محدودیت‌های بانک مرکزی و اثرات تورم است» و تأکید کرده «تثبیت نرخ ارز در شرایط فعلی بدون اصلاحات ساختاری امکان‌پذیر نیست». کیوان کاشفی افزوده «به نظر می‌رسد بخشی از این افزایش تقاضا ناشی از آیین‌نامه‌ای است که دولت مصوب کرده و اجازه واردات حدود ۶ تا ۷ میلیارد دلار کالا را بدون مشخص بودن منشأ ارز صادر کرده است؛ این واردات از طریق کانال‌هایی مانند کولبری و ته‌لنجی مجاز شده و همین موضوع باعث افزایش تقاضا و فشار بر قیمت‌ها شده است.»

کیوان کاشفی افزوده «علت دوم به نرخ تورم داخلی باز می‌گردد که به طور رسمی از سوی بانک مرکزی بیش از ۴۰ درصد اعلام شده و عموم مردم آن را بیش از ۵۰ درصد می‌دانند؛ این نرخ تورم طبیعی است که بر همه سطوح اثر می‌گذارد و قیمت دلار نیز از آن تأثیر می‌پذیرد. اگر دلار را با دیگر بازارها همچون طلا مقایسه کنید، می‌بینید که هنوز ارزش واقعی آن منعکس نشده و همین امر باعث

● روز شنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۴ و همزمان با آغاز طرح بنزین سه نرخ و افزایش قیمت بنزین آزاد از سه هزار به پنج هزار تومان، قیمت‌ها در بازار ارز و طلا با شیب تندتری نسبت به روزهای پیشین افزایش یافت و قیمت دلار تا بعد از ظهر روز شنبه ۲۲ آذرماه به ۱۲۹ هزار و ۲۵۰ تومان رسید.

● کیوان کاشفی، عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی ایران، گفته افزایش قیمت ارز «نتیجه مجموعه‌ای از عوامل شامل افزایش تقاضا، سیاست‌های ارزی دولت، محدودیت‌های بانک مرکزی و اثرات تورم است» و تأکید کرده «تثبیت نرخ ارز در شرایط فعلی بدون اصلاحات ساختاری امکان‌پذیر نیست».

● به نظر می‌رسد رسیدن قیمت دلار به مرز ۱۳۰ هزار تومان بانک مرکزی را وادار کرد از یک بسته برای کنترل قیمت ارز رونمایی کند.

● اگر اجرای این بسته حتی نتواند اثرات واقعی بر بازار ارز، و حمایت از ارزش پول ملی، داشته باشد اما طراحان آن امیدوارند به صورت روانی بتواند بر بازار اثر بگذارد و ترمز افزایش قیمت‌ها در بازار ارز را بگیرد.

شامگاه شنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۴ و ساعاتی پس از آنکه قیمت دلار از مرز ۱۲۹ هزار تومان عبور کرد، بانک مرکزی با برگزاری جلسه‌ای «بسته کنترل ارز» را تدوین کرد.

قیمت‌ها در بازار ارز ایران طی روزهای گذشته با افزایش پرسرعتی روبرو شد و رکوردهای جدیدی قیمتی در این بازار ثبت شد. قیمت دلار که بانک مرکزی تلاش کرده بود در محدوده ۱۰۰ هزار تومان باقی‌ماند با حدود ۱۰ هزار تومان افزایش طی چند روز به مرز بی‌سابقه ۱۳۰ هزار تومان رسید. روز شنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۴ و همزمان با آغاز طرح بنزین سه نرخ و افزایش قیمت بنزین آزاد از سه هزار به پنج

پیش از بارندگی هنوز مقداری آب در مهارلو وجود دارد، اما این آب به شدت آلوده و عملاً فاضلاب است. البته همین فاضلاب است که تا امروز مانع نابودی کامل تالاب شده، زیرا اگر این آب هم نبود، مهارلو به کانون بزرگ ریزگرد تبدیل می‌شد. پرندگان نیز تنها به دلیل همین مقدار آب توانسته‌اند حیات خود را ادامه دهند و جوجه‌آوری کنند؛ پرندگانی که باید در بختگان، پریشان، ارژن، طشک یا کافت حضور می‌داشتند و اکنون ناچارند در مهارلو بمانند. در همین حال سالهاست کارشناسان محیط زیست هشدار می‌دهند که بحران کمبود آبی ایران که یکی از آثار آن خشک شدن تالاب‌ها، دریاچه‌ها یا رودخانه‌ها است بیش از آنکه ناشی از اثرات تغییر اقلیم باشد در پی سوءمدیریت و بی‌کفایتی مقاماتی است که طی ۴۷ سال گذشته بر مسند قدرت در ایران تکیه داده‌اند.

در همین رابطه روزنامه «شرق» مهرماه امسال در گزارشی نوشت بحران آب ایران را نمی‌توان فقط به تغییرات اقلیمی یا کاهش بارندگی نسبت داد. این بحران بیش از هر چیز، بحران حکمرانی آب است.

این گزارش تأکید کرده بود سیاست‌های کوتاه‌مدت، نبود شفافیت و نگاه بخشی، ما را به مرز ورشکستگی آبی کشانده است. امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند تغییر رویکردیم: از مدیریت عرضه به مدیریت تقاضا، از پروژه‌محوری به حکمرانی پایدار. اگر امروز اقدام نکنیم، فردا با بحرانی مواجه خواهیم شد که نه تنها کشاورزی، بلکه حیات شهرها و آینده کشور را تهدید خواهد کرد. آب، حیاتی‌ترین منبع ملی است و بی‌تردید سرنوشت ایران به سرنوشت آب گره خورده است. در گزارشی که روزنامه «پیام ما» درباره «تالاب مهارلو» منتشر کرده نیز رد پای بی‌کفایتی مقامات به چشم می‌خورد. این گزارش تأکید کرده هرچند در فصل خشک سال حتی پیش از بارندگی هنوز مقداری آب در مهارلو وجود دارد، اما این آب به شدت آلوده و عملاً فاضلاب است.

«پیام ما» تأکید کرده مهارلو در شیراز به دغدغه تبدیل نشده. تولید، صنعت، شهرک صنعتی و اشتغال اولویت هستند. کارخانه‌ای که آلاینده وارد مهارلو می‌کند، ممکن است با حمایت شورای تأمین، فرمانداری یا استانداری، تعطیل نشود؛ چون «معیشت مردم» مطرح است. همین بی‌توجهی، ساخت سد تنگ سرخ بر گلوئی حیاتی رودخانه خشک را ممکن کرده؛ سدی که اندک آب باقیمانده برای تالاب را هم قطع می‌کند تا تفرجگاهی مصنوعی به‌بهای نابودی یک تفرجگاه طبیعی بزرگ با کارکردهای اکوسیستمی ارزشمند ساخته شود.

وضعیت دیگر تالاب‌ها و دریاچه‌ها اگر بدتر از مهارلو نباشد، بهتر نیست. یک سال پیش حسین اکبری معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل محیط زیست استان اصفهان در خبری تکاندنده اعلام کرد «۹۹ درصد سطح تالاب بین‌المللی گاوخونی خشک بوده و تنها یک درصد در مصب تالاب به صورت لکه‌های کوچکی مرطوب است».

وی گفته بود با اینکه در سند تعیین تکلیف حقایق‌های زاینده‌رود، برای تالاب گاوخونی ۱۵/۵ درصد لحاظ شده است اما این حقایق تحقق پیدا نکرد و «در برنامه‌ریزی رهاسازی اخیر آب برای کشاورزی، سهم تالاب گاوخونی در کاغذ مکتوب و مستند نشد که الزامی برای توزیع حقایق‌ها تالاب باشد».

کارشناسان هشدار می‌دهند علت عدم تخصیص حقایق تالاب‌ها و دریاچه‌ها صرفاً کاهش بارندگی نیست و سدسازی‌های غیرکارشناسی و غیراصولی جمهوری اسلامی بر مسیر رودخانه‌ها طی سه دهه گذشته نیز از عوامل اصلی تشدید خشکسالی و عمیق کردن اثرات تغییرات اقلیمی در محیط زیست ایران است.

افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها در بازار ارز و طلا همزمان با اجرای طرح بنزین سه نرخي

● بازار ارز و طلا آخرین هفته آذرماه را با افزایش پرسرعت قیمت‌ها آغاز کرد. قیمت هر دلار آمریکا تا ظهر شنبه به ۱۲۸ هزار و ۶۰۰ تومان و قیمت هر سکه طلا به ۱۳۹ میلیون تومان افزایش یافت.

● افزایش قیمت‌ها در دو بازار مهم ارز و طلا، همزمان با اجرای طرح بنزین سه نرخي از سوی دولت رخ داده که از نخستین دقایق بامداد شنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۴ در جایگاه‌های سوخت سراسر کشور آغاز شد.

● هدف دولت از افزایش قیمت بنزین اجرای سیاست‌های اصلاحات ساختاری در اقتصاد نبوده، بلکه جبران کسری بودجه بوده است.

● وزیر اقتصاد دولت پزشکیان گفته کسری بودجه دولت بیش از پنجاه درصد از کل بودجه کشور است و به همین دلیل باید بخش‌هایی از هزینه دولت کاهش یابد.

● افزایش قیمت بنزین به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش قیمت کالاها و خدمات مختلف موثر است. در این میان افزایش قیمت دلار و کاهش ارزش پول ملی نیز آثار تورمی به همراه دارد.

روز شنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۴ همزمان با اجرای طرح بنزین سه نرخي و افزایش قیمت هر لیتر بنزین در کارت سوخت اضطرابی به پنج هزار تومان، قیمت‌ها در بازار ارز و طلا در ایران با افزایش بی‌سابقه‌ای روبرو شد. قیمت هر دلار آمریکا تا ظهر شنبه به ۱۲۸ هزار و ۶۰۰ و قیمت هر سکه طلا به ۱۳۹ میلیون تومان افزایش یافت.

بازار ارز و طلا آخرین هفته آذرماه را با افزایش پرسرعت قیمت‌ها آغاز کرد. قیمت هر دلار آمریکا با حدود دو هزار تومان افزایش طی چند ساعت به ۱۲۸ هزار و ۶۰۰ تومان رسید.

هر یورو نیز ۱۵۱ هزار و ۴۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۱۷۱ هزار و ۹۶۰ تومان، هر لیر ترکیه ۳۰۲۰ تومان و هر درهم امارات ۳۵ هزار و ۲۰۰ تومان معامله شد.

قیمت‌ها در بازار طلا نیز با افزایش روبرو شده بطوریکه قیمت هر سکه کامل طلا به ۱۳۹ میلیون تومان، و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز به قیمت بی‌سابقه ۱۳ میلیون و ۳۱۰ هزار تومان رسیده است.

افزایش قیمت‌ها در دو بازار مهم ارز و طلا، همزمان با اجرای طرح بنزین سه نرخي از سوی دولت رخ داده است. همانطور که دولت هفته گذشته اعلام کرده بود از نیمه شب گذشته و نخستین دقایق بامداد شنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۴ طرح قیمت سه نرخي در جایگاه‌های سوخت سراسر کشور آغاز شد.

فریدون یاسمی، مدیر عامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی تهران همزمان با اجرای این طرح اعلام کرده که

در این نشست، نحوه مدیریت سمت عرضه و تقاضای ارز، ساماندهی سازوکارهای معاملاتی، تشدید اقدامات نظارتی و مقابله با فعالیت‌های مخرب و سفته‌بازانه به‌طور ویژه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین مقرر شد این تصمیمات با همکاری دستگاه‌های مختلف و بهره‌گیری از ابزارهای در اختیار بانک مرکزی، اجرایی شود.

بر اساس این گزارش، با انجام هماهنگی‌های لازم میان وزارتخانه‌های اقتصادی دولت و تشکیل ستاد ویژه کنترل بازار ارز در بانک مرکزی، تصمیمات اتخاذشده با هدف ایجاد ثبات و تعدیل قیمت‌ها در بازار ارز و طلا از امروز وارد فاز اجرا می‌شود.

محمد شیرجیان، سخنگوی بانک مرکزی نیز روز یکشنبه ۲۳ آذرماه اعلام کرده «تصمیمات عملیاتی این بانک برای مدیریت بازار ارز و ثبات بخشی به آن با هماهنگی دستگاه‌های مختلف و در جلسه مهم دیشب بانک مرکزی با حضور ارکان مختلف اتخاذ و از امروز جهت مدیریت بازار ارز و ایجاد ثبات بخشی در این بازار در دستور کار اجرا قرار می‌گیرد.»

به گفته محمد شیرجیان این بسته شامل شش بخش است که بخش نخست آن «بازنگری و بازآرایی نظام بودجه‌بندی و تخصیص و تأمین ارز با اولویت تخصیص و تأمین ارز برای بنگاه‌های اقتصادی ارزآور» است.

بخش دوم «تلاش برای کاهش فاصله زمانی بین تخصیص و تأمین ارز در مرکز مبادله ایران به ویژه تأمین به روز ارز برای تخصیص‌های معتبر در تالار دوم این مرکز با اولویت تخصیص ارز برای متقاضیان خرد زیر ۵۰ هزار دلار» اعلام شده است.

«گسترش پیش فروش ارز برای کلیه شرکت‌هایی که به‌موقع رفع تعهد ارزی انجام داده‌اند» و «تقویت تأمین مالی ارزی پروژه‌های از طریق انتشار انواع صکوک ارزی به ویژه اوراق مرابحه ارزی، صندوق پروژه ارزی، صندوق درآمد ارزی و پیش فروش ارز در تالار دوم برای سرمایه‌گذاران» بخش سوم



و چهارم این بسته هستند. در بخش پنجم هم آمده «تنظیم اقدامات نظارتی انضباطی بانک مرکزی برای مواجهه با گردش‌های مالی کلان با قصد سوداگری و اخلاف در بازارهای ارز و طلا». بخش ششم و پایانی تأکید کرده «همزمان با تأمین موثر ارز در تالار اول، تقویت عمق بازار و تسریع تأمین ارز در بازار توافقی تالار دوم مرکز مبادله ایران در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت.»

کارشناسان هشدار می‌دهند در پی افزایش قیمت ارز موج جدید تورم در بازارهای مختلف ایجاد خواهد شد و با توجه به اینکه قدرت خرید خانوار در ماه‌های گذشته به سرعت در حال کاهش بوده، مشخص نیست اقشار کم‌درآمد توان رویارویی با موج جدید تورم را دارند یا در نهایت این فشار به صورت یک طغیان اعتراضی بروز خواهد کرد.

مسعود نیلی اقتصاددان معتقد است «شواهد نشان می‌دهد اقتصاد ایران در دوران گذار قرار دارد و هیچ‌یک از شاخص‌ها ویژگی‌های دوران استقرار را ندارند. تورم ۵۰ درصدی، نوسان روزانه و شتاب‌دار نرخ ارز و بازاری که نیروی کار رسمی را به بازار غیررسمی کم‌کیفیت و کم‌درآمد تبدیل می‌کند، پایدار نیستند. وضعیت موجود یا به شرایطی شبیه نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و نیمه اول دهه ۱۳۸۰ میل می‌کند یا به قهقرا منتهی می‌شود.»

مسعود نیلی تأکید کرده «نظام تصمیم‌گیری به‌دلیل عادات، قیود، ضعف، منافع و ایدئولوژی، به مسیر گذشته چسبندگی دارد و امکان تغییر شجاعانه مسیر را نمی‌دهد. در چنین وضعیتی که اقتصاد با شیبی تند به سمت پایین حرکت می‌کند، با ناتوانی از نجات وضع حال، مهم‌ترین سرمایه برای نجات آینده، آگاهی عمومی به‌ویژه آگاهی نخبگان است.» او هشدار داده «اگر جامعه نداند از چه سازوکارهایی به این وضعیت رسیده و شرایط مطلوب چگونه به‌دست می‌آید، نگرانی درباره آینده بیش از حال خواهد بود.»

در روزهای گذشته انتقادات به عملکرد محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی که همواره ادعای «دروغین» بودن قیمت‌ها در بازار ارز را داشت و اوضاع را تحت کنترل می‌دانست افزایش پیدا کرده است.

در نهایت اما به نظر می‌رسد رسیدن قیمت دلار به مرز ۱۳۰ هزار تومان بانک مرکزی را وادار کرد از یک بسته برای کنترل قیمت ارز رونمایی کند؛ بسته‌ای که اگر اجرای آن هم نتواند اثرات واقعی بر بازار ارز، و حمایت از ارزش پول ملی،

داشته باشد اما طراحان آن امیدوارند به صورت روانی بتواند بر بازار اثر بگذارد و ترمز افزایش قیمت‌ها در بازار را بگیرد. خبرگزاری «تسنیم» گزارش داده که در پی بروز نوسانات ارزی و تلاطم قیمت اونس جهانی طلا در روزهای اخیر، شامگاه گذشته، شنبه ۲۲ آذرماه، جلسه‌ای مهم در بانک مرکزی برگزار شد که در آن، مجموعه‌ای از تصمیمات عملیاتی برای مدیریت بازار ارز و مهار نوسانات قیمتی به تصویب رسید.



عمومی را بالا برده و درآمد خالص رانندگان و کارکنان را کاهش داده است. این گرانی از جمله عوامل افزایش لجام‌گسیخته تورم در سراسر زنجیره‌ی تأمین کالا و خدمات شده، و دستمزدهای موجود توان پوشش حتی حداقل‌های زندگی را ندارند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به مقامات حکومتی هشدار داده که «آبان ۹۸ را فراموش نکنند؛ مردم نشان داده‌اند که فشار و تحقیر بی‌پاسخ و بی پایان نخواهد ماند. ما کارگران اعلام می‌کنیم که راه نجات نه در جناح‌های حکومتی است و نه در نیروهای مداخله‌گر خارجی؛ چاره‌ی ما کارگران و زحمتکشان، وحدت و تشکیلات مستقل خودمان است.»

آلبرت بغریان اقتصاددان و استاد دانشگاه نیز هفته گذشته درباره پیامدهای اقتصادی اجرای طرح بنزین سه نرخ توضیح داده بود که در حال حاضر افزایش قیمت‌ها مستقیم شده است؛ یعنی اگر بنزین ۱۰ درصد گران شود، برخی کالاها هم ۱۰ درصد افزایش پیدا می‌کنند. در حالی که برخی کسب‌وکارها توان چنین افزایشی را ندارند و نمی‌توانند این مقدار را اعمال کنند.

این اقتصاددان تأکید کرده بود «قبلاً سهم بنزین در هزینه تولید بعضی کالاها شاید نیم درصد بود؛ اما اکنون بهانه‌ای به بازارها داده می‌شود تا همان درصد افزایش را از مشتری بگیرند و این روند دومینویی، بسیاری از بخش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

آلبرت بغریان افزوده بود بر اساس مصوبه دولت «بخشی از سهمیه‌ها حذف شده است؛ بعضی افراد حتی نمی‌توانند سهمیه گران‌شده را هم دریافت کنند و مجبورند بنزین آزاد بخرند، در نتیجه برای کسی که قبلاً بنزین ۱۵۰۰ تومانی مصرف می‌کرد، حالا قیمت مؤثر به ۵ هزار تومان رسیده است. در مناطق آزاد نیز این موضوع بیشتر نمود دارد و باید انتظار افزایش قیمت بیشتری داشت.»

او همچنین به اثر افزایش قیمت بنزین بر بازار مسکن و اجاره‌بها اشاره کرده و گفته «حمل مصالح ساختمانی یکی از هزینه‌های ساخت مسکن است و افزایش قیمت بنزین می‌تواند بهانه‌ای برای افزایش بیش از حد هزینه‌ها در بخش حمل‌ونقل و انتقال مواد و مصالح ساختمانی باشد. مصالح ساختمانی نیز از جهات مختلف گران‌تر می‌شوند؛ چون باید مسیرهای مختلفی را طی کنند تا تولید و سپس حمل شوند. مجموع این عوامل یک شوک به بازار مسکن وارد می‌کند.»

اگر چه اصلاحات اقتصادی و از جمله کاهش یارانه‌ها به عنوان یک اقدام لازم از سوی اقتصاددانان مطرح می‌شود اما آنها معتقدند زمان اجرای این اصلاحات و آماده‌سازی زیرساخت‌ها برای انجام اصلاحات پیش از هر اقدامی، ضروری است.

اگر چه مقامات دولت با ارائه توضیحات اقتصادی اصلاحات از جمله حذف یارانه بنزین را اقدامی مفید و اصولی می‌دانند اما واقعیت اینست که هدف دولت از افزایش قیمت بنزین اجرای سیاست‌های اصلاحات ساختاری در اقتصاد نبوده، بلکه جبران کسری بودجه بوده است. در همین رابطه علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان گفته کسری بودجه دولت بیش از پنجاه درصد از کل بودجه کشور است و به همین دلیل باید بخش‌هایی از



هزینه دولت کاهش یابد. دولت در حالی با انگیزه کاهش کسری بودجه بار جدیدی را بر خانوارها ایرانی تحمیل می‌کند که هشدارها درباره پیامد این تصمیم و احتمال اعتراضات شهروندان ادامه دارد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با صدور بیانیه‌ای تأکید کرده که افزایش قیمت سوخت، هزینه‌ی رفت‌وآمد کارگران و نگهداری ناوگان حمل‌ونقل

از امروز بنزین در سه نرخ ۱۵۰۰، ۳۰۰۰ و ۵۰۰۰ تومان عرضه می‌شود. بر اساس این طرح نرخ بنزین در کارت‌های اضطراری جایگاه‌های سوخت از سه هزار تومان به پنج هزار تومان افزایش یافت.

بر اساس جزئیات اعلام شده از سوی دولت، در این طرح بنزین ۱۵۰۰ تومانی به میزان ۶۰ لیتر ماهانه برای خودروهای سواری شارژ خواهد شد. همچنین هر ماه ۱۰۰ لیتر بنزین ۳۰۰۰ تومانی نیز در اختیار هر خودرو قرار می‌گیرد. هر دوی این سهمیه‌ها تنها با کارت سوخت تحویل مشتریان خواهد شد.

برداشت بنزین خارج از دو سهمیه یاد شده و با کارت اضطراری جایگاه با نرخ ۵۰۰۰ تومان عرضه می‌شود. البته مقامات دولت تأکید کرده‌اند قیمت ۵۰۰۰ تومانی فعلی ممکن است در ماه‌های آینده تغییر کند و بسته به شرایط اقتصادی افزایش یابد.

دولت همچنین مصوب کرده حجم و نرخ سهمیه خودروهای عمومی بنزینی (تاکسی و وانت‌بار و ...) بدون تغییر باقی بماند. از سوی دیگر سهمیه اول خودروهای عمومی دوگانه‌سوز از جمله تاکسی و وانت‌بار بدون تغییر باقی بماند و سهمیه دوم آن‌ها ۵۰ درصد کاهش یابد.

همچنین سهمیه دوم خودروهای شخصی دوگانه‌سوز نیز ۵۰ درصد کاهش می‌یابد و تبدیل خودروهای تک‌سوز بنزینی به دوگانه‌سوز برای همه خودروها با رعایت آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ قانون هوای پاک، به‌صورت رایگان انجام می‌شود.

افزایش قیمت بنزین به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش قیمت کالاها و خدمات مختلف موثر است. در این میان افزایش قیمت دلار و کاهش ارزش پول ملی نیز آثار توری به همراه دارد.

در شرایطی که کارشناسان نسبت به پیامدهای اجرای طرح سه نرخ کردن بنزین در شرایط کنونی اقتصاد کشور، و فشار ناشی از اجرای این طرح بر معیشت خانوارهای

کم‌درآمد هشدار می‌دهند، مقامات دولت ادعاهای عجیبی مطرح می‌کنند. از جمله محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی مسعود پزشکیان مدعی شده هدف دولت از افزایش نرخ بنزین، کاهش تورم است!

محمدجعفر قائم‌پناه افزوده بود واردات گسترده بنزین موجب تشدید تورم می‌شود و فشار اصلی آن بر اقشار کم‌درآمد وارد خواهد شد؛ از همین رو دولت ناچار شده بخشی از چرخه معیوب مصرف و یارانه را اصلاح کند.

گزارش تکانهنده سځنگوی اتاق اصناف از افزایش قیمت مواد خوراکی در ایران



● سځنگوی اتاق اصناف ایران: در سه ماه گذشته، قیمت تخم مرغ ۱۰۱ درصد افزایش پیدا کرده است؛ این عدد شوخی نیست. قیمت گوشت حدود ۵۰ درصد افزایش داشته، گوشت گوساله زنده ۵۴ درصد افزایش قیمت داشته است.

● به گفته سځنگوی اتاق اصناف «این میزان افزایش حتی از نرخ تورم یک ساله هم فراتر رفته است. او گفته «در گذشته، افزایش قیمت ها معمولاً سالانه بود، اما امروز شاهد افزایش های ماه به ماه هستیم».

● امیرحسین اسماعیل پور تولیدکننده و مدیرعامل کارخانه لبنیات «کالبر» توضیح داده که «علت گرانی ۳۰ تا ۱۰۰ درصدی لبنیات در ۴ ماه گذشته افزایش قیمت شدید شیر خام بود».

سځنگوی اتاق اصناف ایران در یک گفت و گو گزارش تکانهندهای از سرعت افزایش قیمت مواد خوراکی در ایران ارائه داده که بیانگر فاجعه کاهش سقوط قدرت خرید و کوچک شدن سفره خانوار در کشور است. بر اساس این گزارش قیمت ها در ۳ ماه، چهار بار افزایش پیدا کرده اند بطوریکه قیمت تخم مرغ در سه ماه ۱۰۱ درصد و گوشت حدود ۵۰ درصد افزایش داشته است.

مهدی امیدوار عضو هیئت رئیسه و سځنگوی اتاق اصناف ایران در گفت و گو با وبسایت «دیده بان ایران» درباره گرانی مواد خوراکی و تبعات حذف ارز ترجیحی توضیحاتی ارائه کرده و گفته «در حوزه مواد غذایی، لبنیات، مواد شوینده و مواد بهداشتی شاهد آن هستیم که قیمت ها در بازه های دو تا سه ماهه، سه تا چهار بار افزایش پیدا کرده اند. این موضوع صرفاً به نرخ ارز مربوط نمی شود و به یک دغدغه جدی برای مردم تبدیل شده است بر اساس قانون، انتظار می رود مدیریت تولید در حوزه عمده فروشان، تولیدکنندگان و کارخانجات به درستی انجام شود».

مهدی امیدوار توضیح داده که «در سه ماه گذشته، قیمت تخم مرغ ۱۰۱ درصد افزایش پیدا کرده است؛ این عدد شوخی نیست. قیمت گوشت حدود ۵۰ درصد افزایش داشته، گوشت گوساله زنده ۵۴ درصد افزایش قیمت داشته، گوسفند زنده طی سه ماه ۲۰ درصد افزایش یافته و قیمت مرغ نیز بین ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش داشته است و سایر اقلام نیز وضعیت مشابهی دارند».

به گفته سځنگوی اتاق اصناف «این میزان افزایش حتی از نرخ تورم یک ساله هم فراتر رفته است. او گفته «در گذشته، افزایش قیمت ها معمولاً سالانه بود، اما امروز شاهد افزایش های ماه به ماه هستیم».

عضو هیئت رئیسه اتاق اصناف با تأکید بر اینکه «تا زمانی که توازن عرضه و تقاضا برقرار نشود، امکان کنترل بازار وجود ندارد» گفته «با این سطح قیمت، اگر مدیریت درستی اعمال شود، آن منابع هنگفتی که برای کالای اساسی هزینه می شود، می تواند در بخش های دیگری مانند زیرساخت ها، تولیدات یا اشتغال مورد استفاده قرار گیرد».

مهدی امیدوار با توجه به سرعت افزایش قیمت ها و در پیش بودن «شب عید» در آستانه بهار گفته «نگرانی اصلی ما این است که با وجود ذخایر موجود، در شب عید چه اتفاقی رخ خواهد داد کالاهای اساسی در بازار وجود دارد، اما قیمت ها بالاست و و قدرت خرید وجود ندارد مشخص نیست این وضعیت چگونه مدیریت خواهد شد در اتاق اصناف مکاتباتی با وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت

سال و ثابت ماندن حقوق کارگران، طبیعی است در ماه های آتی وضعیت قدرت خرید کارگران بدتر هم خواهد شد.

این گزارش افزوده هزینه مواد خوراکی سبد معیشت یک خانوار کارگری (بر اساس بُعد خانوار ۳.۳ نفری) در پایان دولت سیزدهم ۱۰ میلیون و ۹۷۳ هزار تومان بود که در آبان ماه امسال به ۲۰ میلیون و ۳۱۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده است. یعنی خانوار کارگری هم اکنون برای خرید یک سبد ثابت از مواد خوراکی ضروری در طول ماه باید بیش از ۹ میلیون تومان پول بیشتری نسبت به پایان دولت شهید رئیسی بپردازد که نتیجه گرانی شدید مواد غذایی در دولت چهاردهم است».

سمیه گلپور، نماینده جامعه کارگری، پیشتر با انتقاد از وضعیت دستمزد کارگران و ناهماهنگ بودن دستمزدها و هزینه ها به خبرگزاری «مهر» گفته بود «تا بحران دستمزد برای اشتغال کارگر وجود دارد و کارگر باید وام بگیرد تا معیشت خود را تأمین کند چون حقوقش کفاف هزینه های زندگی ماهانه اش را نمی دهد، وضعیت بازار کار ایران درست نخواهد شد».

او افزوده بود «کدام منطق اقتصادی می گوید یک خانواده با درآمد ماهانه ۱۵ میلیون تومان می تواند زندگی کند؛ اما متأسفانه کارفرمایان و دولت به بیش از این حقوق دریافتی راضی نمی شوند. از این رو، بازار کار با کارگران خارجی چه قانونی و چه غیرقانونی پوشش داده می شود».

در این میان فاطمه مهاجرانی سځنگوی دولت پزشکیان روز سه شنبه ۲۵ آذرماه ۱۴۰۴ در سخنانی شکاری با این ادعا که «دولت از شرایط دشوار معیشتی مردم آگاه است و این موضوع را در بالاترین سطوح مورد بررسی قرار داده است» وعده کاهش قیمت ها را در بازار شب عید داده است!

سځنگوی دولت گفته «برنامه هایی برای کنترل گرانی و برخورد با گران فروشی در دستور کار قرار دارد و این دو موضوع به صورت تفکیک شده دنبال می شوند. با توجه به نزدیک شدن به مناسبت هایی مانند شب یلدا، ماه های رجب و شعبان، ماه رمضان و همچنین ایام پایانی سال و نوروز، جلسات متعددی در دولت برگزار شده و برای این مقاطع برنامه ریزی صورت گرفته است».

جهاد کشاورزی انجام داده ایم و نگرانی های خود را درباره قیمت گذاری اعلام کرده ایم».

کارشناسان پیشتر نیز نسبت به بروز «قحطی تقاضا» برای برخی کالاها به علت افزایش قیمت و کاهش شدید قدرت خرید مردم در اینباره هشدار داده اند. در «قحطی تقاضا» وضعیتی مانند شرایط قحطی به معنای کمبود فیزیکی کالا در بازار نیست اما به علت گسترش فقر و افزایش قیمت ها، شهروندان توان خرید این کالاها را ندارند و تقاضا برای این کالاها به صفر می رسد یا به بیان دیگر تقاضا قحط می شود.

افزایش قیمت مواد خوراکی سبب حذف اقلام مفید و ضروری از جمله پروتئین و لبنیات از سفره خانوارها شده است. امیرحسین اسماعیل پور تولیدکننده و مدیرعامل کارخانه لبنیات «کالبر» توضیح داده که «علت گرانی ۳۰ تا ۱۰۰ درصدی لبنیات در ۴ ماه گذشته افزایش قیمت شدید شیر خام بود».

او تأکید کرده که «حاشیه سود تولیدکنندگان لبنیات تا ۵ درصد کاهش پیدا کرده و بخشی از تولیدکنندگان کاملاً در حال تعطیلی اند».

از سوی دیگر با قیمت های کنونی نیز بسیاری از اقشار حتی برای تأمین اقلام ضروری مانند مواد خوراکی نیز با بحران روبرو هستند. آمارها نشان می دهد رقم سبد معیشت شامل هزینه های ضروری یک خانوار سه تا چهار نفره به حدود ماهی ۵۰ میلیون تومان رسیده در حالیکه دستمزد کارگران و اغلب بازنشستگان حدود ۱۵ میلیون تومان در ماه است و بسیاری از کارمندان دولت دریافتی بین ۱۵ تا ۲۵ میلیون تومان در ماه دارند.

روزنامه «چارسوق» بر مبنای ارقام مورد ادعای حکومت گزارش داده در ۱۵ ماه نخست فعالیت دولت چهاردهم، سبد معیشت خانوارهای کارگری نسبت به رقم پایان دولت سیزدهم، بیش از ۲۴ میلیون تومان معادل ۸۵ درصد گران تر شده است. این در حالی است که حداقل حقوق کارگران در سال جاری ۴۵ درصد و دستمزد سایر سطوح حقوق بگیر کارگران هم ۳۲ درصد افزایش یافته است.

بنابراین قدرت خرید کارگران در دولت چهاردهم تاکنون کمتر از نصف شده است. با توجه به تداوم گرانی ها تا پایان

زندگی دشوار بازنشستگان با حقوق‌های ناچیز و هزینه‌های سر به فلک کشیده



● یک بازنشسته ۶۴ ساله و مستأجر گفته «۱۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم. هر ماه ۱۲ میلیون تومان از حقوق من صرف پرداخت اجاره مسکن می‌شود و ماهانه حدود یک و نیم میلیون تومان هم صرف پرداخت اقساط بانکی می‌شود و از حقوقم چیزی باقی نمی‌ماند.»

● این بازنشسته افزوده «همسر دیابتی است و توان تأمین هزینه داروهایش را که ماهانه یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است، ندارم.»

در شرایطی که بر اساس گزارش‌های رسمی تورم در ایران به مرز ۵۰ درصد رسیده و تورم مواد خوراکی از ۶۰ درصد عبور کرده مقامات دولت وعده می‌دهند با یارانه و توزیع کالابرگ فشارهای معیشتی وارد شده به خانوارهای کم‌درآمد را جبران می‌کنند. فعالان حقوق بازنشستگان می‌گویند فقر در میان اقشار حداقل‌بگیر روز به روز در حال افزایش است و طرح‌های دولت پاسخگوی بحران معیشتی در میان این اقشار نیست. بازنشستگان در ایران از جمله اقشار حداقل‌بگیر هستند که با توجه به افزایش تورم در سالهای گذشته و افزایش نیافتن متناسب دستمزد به زیر خط فقر رانده شده و با بحران‌های معیشتی روبرو هستند.

خرگزاری «ایلنا» در گزارشی درباره وضعیت خانوارهای بازنشسته نوشته در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌های ساختاری عمیق، تورم فزاینده و کاهش مداوم قدرت خرید مواجه است، بازنشستگان به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی، در مرکز این طوفان معیشتی قرار گرفته‌اند. حقوق ناکافی و ثابت بازنشستگی که حتی پاسخگوی حداقل هزینه‌های زندگی نیست، بسیاری را ناچار کرده است که سال‌ها پس از سن قانونی بازنشستگانی، همچنان به کار ادامه دهند. این وضعیت گویای آشکار ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی و ناتوانی آن در حفظ امنیت اقتصادی کسانی است که دهه‌ها از عمر خود را در چرخه تولید و خدمت صرف کرده‌اند.

این گزارش افزوده هزینه‌های سرسام‌آور مسکن و درمان، بزرگ‌ترین شکاف بین درآمد و هزینه را برای بازنشستگان ایجاد کرده است. اجاره‌بهایی که گاه بیش از دو سوم حقوق بازنشستگان را می‌بلعد، همراه با هزینه‌های درمانی فزاینده و پوشش ناکافی بیمه‌ها، زندگی را برای بازنشستگان به میدانی برای جنگ جهت بقا تبدیل کرده است. حتی اشتغال پس از بازنشستگی هم نمی‌تواند بار این هزینه‌ها را به دوش بکشد و سبب فرسودگی بیشتر جسمی و روانی و هزینه‌های مضاعف درمانی برای بازنشستگان شده است.

یک بازنشسته ۶۴ ساله گفته «من سرپرست خانواده هستم و بعد از ۳۰ سال و ۶ ماه سابقه کار، ۱۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم. بعد از این همه سال کار، همچنان مستأجر هستم. هر ماه ۱۲ میلیون تومان از حقوق من صرف پرداخت اجاره مسکن می‌شود و ماهانه حدود ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هم از حقوقم صرف پرداخت اقساط بانکی می‌شود.»

این کارگر بازنشسته در ادامه افزوده «وقتی این هزینه‌ها را می‌پردازم از حقوقم چیزی باقی نمی‌ماند. به همین دلیل هم، تا همین ۵ ماه اخیر همچنان مشغول کار بودم تا کمک‌هزینه‌ای باشد علاوه بر حقوق بازنشستگی‌ام. اما حدود ۵ ماه است که دچار بیماری خونی لاعلاجی شده‌ام و دیگر قادر به کار نیستم. حالا که دیگر این کمک‌هزینه

نیست و توان تأمین معیشت هم ندارم باید هزینه درمان و داروهای بیماری را لااچیزم را نیز پرداخت کنم.» این بازنشسته گفته دخترش مدتی است نامزد کرده اما او توان تهیه هزینه برای دخترش را ندارد و افزوده «همسر دیابتی است و توان تأمین هزینه داروهایش را که ماهانه ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است، ندارم. همین چند روز پیش مجبور شدم از پسر که خودش به سختی می‌تواند زندگی‌اش را تأمین کند، کمک بخواهم که داروهای مادرش را تهیه کند.»

خرگزاری «ایلنا» تأکید کرده این بازنشسته نماینده نسلی است که پس از یک عمر تولید ارزش در این کشور، نه تنها در آسایش نیستند، بلکه همچنان گرفتار تأمین معیشت خود هستند و در این مسیر باید با بیماری و مشکلات روانی ناشی از این مسئله دست و پنجه نرم کنند.

علی دهقان کیا، رئیس کانون بازنشستگان استان تهران نیز ماه گذشته در گفتگو با خبرگزاری «مهر» گفته بود «حقوق کنونی بازنشستگان، به‌ویژه حداقل‌بگیران، با تورم بالا و گرانی‌های اخیر همخوانی ندارد. حقوق بازنشستگان حداقل‌بگیر در حال حاضر بین ۱۰ تا ۱۱ میلیون تومان است. حتی با در نظر گرفتن همسر یا اولاد، این مبلغ به ۱۴ تا ۱۴/۵ میلیون تومان می‌رسد که برای زندگی در شرایط کنونی کافی نیست. با تورم بالای صد درصدی در مواد غذایی، سبد معیشت خانوارها به شدت تحت فشار قرار گرفته است.»

علی دهقان کیا نیز به هزینه‌های درمانی به عنوان یکی از بحران‌های خانوارهای بازنشسته اشاره و گفته بود که در کنار مشکلات معیشتی، دسترسی به خدمات درمانی مناسب نیز برای بازنشستگان چالش‌برانگیز است. با افزایش سن، نیاز به مراقبت‌های پزشکی بیشتر می‌شود، اما هزینه‌های درمانی برای بسیاری از آنها قابل پرداخت نیست.

دولت در حالیکه توان کنترل تورم را ندارد، نتوانسته برنامه حمایتی موثری از اقشار کم‌درآمد را در دستور کار قرار دهد. برای نمونه در شرایطی که تورم عمومی اقتصاد به مرز ۵۰ درصد رسیده و تورم مواد خوراکی از ۶۰ درصد عبور کرده، دولت وعده پرداخت یارانه یا توزیع کالابرگ را می‌دهد؛

اقدامی که به عقیده کارشناسان و فعالان حقوق کارگران و بازنشستگان اثری در بهبود شرایط معیشتی این اقشار ندارد. علیرضا حیدری کارشناس اقتصادی و نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری معتقد است در مجموع تا زمانی که تورم ادامه داشته باشد، کالابرگ الکترونیک، یارانه یا کوپن، هیچ کدام موفق نخواهند بود.

این فعال حقوق بازنشستگان توضیح داده که «در شرایطی که نیروی کار و حقوق‌بگیران درآمد حقیقی خود را هر ساله به دلیل تورم از دست می‌دهند و میزان افزایش حداقل دستمزد آن‌ها نیز مطابق با افزایش قیمت‌ها ارتقا نمی‌یابد، تابع تقاضای مصرف‌کننده روند کاهشی پیدا می‌کند. اینکه سرانه مصرف گوشت، مرغ، برنج و میوه به ویژه در برخی دهک‌های هدف کاهش می‌یابد، گویای روند نزولی در تابع تقاضای مصرف‌کننده است. همه این موارد به معنای کاهش خط بودجه و کاهش قدرت خرید است که با اجرای کالابرگ الکترونیک در آن تغییری ایجاد نمی‌شود.»

علیرضا حیدری افزوده «کاری که دولت می‌کند در بهترین حالت این است که مابه‌التفاوت قیمت تعداد معدودی از کالاها را که افزایش قیمت داشته اند، جبران می‌کند تا مصرف خانوار کاهش نیابد. این موضوع باعث تغییر در تابع تقاضا نمی‌شود. در واقع کالابرگ الکترونیک جبران‌کننده رفاه از دست رفته نخواهد بود. به عبارت دقیق تر، دولت فقط هزینه‌ای سنگین پرداخت می‌کند تا بخشی از آن، فقط بخشی از آن، به جامعه هدف اصابت کند.»

نایب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری تأکید کرده که برخی بر این باور هستند که پرداخت هزینه ریالی یا اعتباری در حوزه کالابرگ الکترونیکی اثر بخشی لازم را ندارد و باید خود کالا به مصرف‌کننده به مقدار مشخص داده شود. برای مثال طرح کوپن سابق ویژگی غیرنقدی داشت. اما ایراد طرح این بود که افراد می‌توانستند در بازار سیاه کوپن را به فروش برسانند. دلیل این امر آن بود که فرد تابع تقاضای مشخصی داشت و مبلغ کوپن را در جای دیگری هزینه می‌کرد. این ناکارایی باعث می‌شد بازهم ضریب اصابت به هدف طرح کاهش یابد.»



تجمع «گروه عاشقان میهن»
در لاهه هلند



تجمع ایرانیان مقیم هلند
در حمایت از زندانیان سیاسی



شاهزاده رضا پهلوی:
ملت ایران ۴۶ سال است با ایدئولوژی
نفرت و تروریسم آشنا هستند



یک عصر یابیزی در پاریس با
ملکه نائینی هنرمند نقاش و عکاس



پیام شاهزاده رضا پهلوی به مردم مشهد:
شجاعانه مقابل سرکوبگران ایستادید



رافائل گروسی:
مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی
به هیچ وجه حل نشده است



یک مقام امنیتی اسرائیل:
نخستین جنگ سایبری تمام‌عیار
به زودی در خاورمیانه رخ می‌دهد



جسد راب راینر، کارگردان
سرشناس یهودی و همسرش در
خانه‌شان یافت شد



شاهزاده رضا پهلوی:
بازداشت‌شدگان مراسم خسرو علی‌کردی
باید بدون قید و شرط آزاد شوند



محاصره نفتکش‌های تحریم‌شده ونزوئلا:
ترامپ: دولت مادورو سازمان تروریستی
خارجی تعیین شد



رشد بازار بورس موقتی است



پیام منوچهر بختیاری از تبعید:
برادرم را آزاد کنید



تولد «حزب زنان پیشرو»:
آغاز قدرت زنانه



شمار بازداشت‌شدگان در
مراسم یادبود خسرو علی‌کردی به
دهها نفر می‌رسد



گزارش مراسم یادبود به خون
کشیده شده خسرو علی‌کردی:
بیش از ۱۵ نفر بازداشت شدند



خشکسالی همچنان ادامه دارد:
عقب‌ماندگی ۶۱ درصدی بارش‌ها



افشاگری یک نماینده مجلس شورای
اسلامی از مازوت‌سوزی:
با مجوز شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود



گزارش تکانه‌دهنده سخنگوی
اتاق اصناف از افزایش قیمت مواد
خوراکی در ایران



ابتلا به آفتلوانزا در ۸ استان
ایران به بالاتر از حد هشدار رسید



افزایش ۴۵ تا ۱۲۰ درصدی
نرخ عوارض ۱۰ آزادراه کشور



قیمت دلار به مرز
۱۳۰ هزار تومان رسید



تغییر نرخ ارز ترجیحی،
قیمت دارو را تا هفت برابر
افزایش داد



رونمایی بانک مرکزی از
«بسته کنترل ارز» پس از عبور
قیمت دلار از مرز ۱۲۹ هزار تومان



قیمت دلار از مرز ۱۳۰ هزار تومان گذشت!
بی‌اعتنایی بازار به بسته ارزی
بانک مرکزی!



هشدار دوباره درباره ذخائر
دارو و شیرخشک در ایران



بازداشت یک شهروند دو تابعیتی
در ایران به اتهام جاسوسی؛
وزارت خارجه سوئد تأیید کرد



مراسم یادبود کامبیز آتابای
با حضور شهینانو فرح پهلوی



یک مقام اسرائیلی:
جمهوری اسلامی پشت حمله
مرکبار به یهودیان سیدنی است



تیراندازی مرکبار در ساحل بوندای سید
روز جشن حنوکای یهودیان



چند کشته و زخمی در تیراندازی
«مرد سیاه پوش» در دانشگاه براون آمریکا



با گذشت هشت سال از تصویب
قانون هوای پاک، تنها ۱۵ درصد تکالیف
قانونی اجرا شده است



کاهش سن اعتیاد
در ایران به ۱۴ سال



سخنگوی دولت: قیمت بنزین
«گران» نشد، «منطقی» شد!



حمله مرکبار به نیروهای آمریکایی در سوریه؛
یکی از مهاجمان محافظ الجولانی بود



جمهوری اسلامی یک نفتکش
خارجی را در دریای عمان توقیف کرد



حکم دومیدانی کاران ایرانی متهم
به تجاوز در کره جنوبی صادر شد



۱۳ کشته و ۱۱ مجروح به علت
واژگونی اتوبوس مسافربری در مسیر
اصفهان-نطنز



بدون شرح!
طرح از محمد رنجبر



داده‌های محرمانه؛
افزایش تولید بنزین غیراستاندارد
در ایران



محمد اسلامی:
آژانس حق بازرسی از مراکز اتمی
مورد حمله قرار گرفته شده را ندارد



روزهای سختی در بخش
دارویی ایران در پیش است



وزارت خارجه آمریکا:
از حق مردم ایران برای دستیابی به
خواسته‌هایشان حمایت می‌کنیم



نمایشگاه تسلیحاتی جمهوری اسلامی
تلاش برای انحراف افکار عمومی پس از
جنگ ۱۲ روزه



سخنگوی قوه قضاییه:
ارتباط عامل ترور قاضی مقبسه و
قاضی رازی با مجاهدین خلق
محرز شده است



فرونشست پدیده «انسان‌ساز» است؛
احداث کارخانه آب‌بر فولاد در نیشابور
با بزرگ‌ترین شکاف فرونشستی
شناخته‌شده کشور



ایران در قعر جدول رده‌بندی
جهانی شاخص کیفیت زندگی



عملکرد نامطلوب و وعده‌های
اقتصادی بر باد رفته دولت پزشکیان؛
اقتصاددانان چه می‌گویند؟



ثبت رکورد جدید قیمت در بازار ارز؛
دلار ۱۲۸ هزار و ۶۰۰ تومان!



برگزار مراسم هفتمین روز درگذشت
خسرو علیگرادی یا شعار «جاوید شاه»



اسرائیل آماده اقدام نظامی علیه
حزب‌الله است



عکس هفته | سیل ویرانگر در ایرانِ تشنه!

در حالیکه ایران درگیر با خشکسالی و تشنه باران بود، زیر سایه ناکارآمدی مقامات حکومتی در مدیریت بحران، بارش باران در چند استان سبب آبگرفتگی معابر و خانه‌های مردم شد. طی دو روز دو کودک جانباختند و صدها شهروندی که خانه‌هایشان زیر آب رفته آواره شدند.